



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

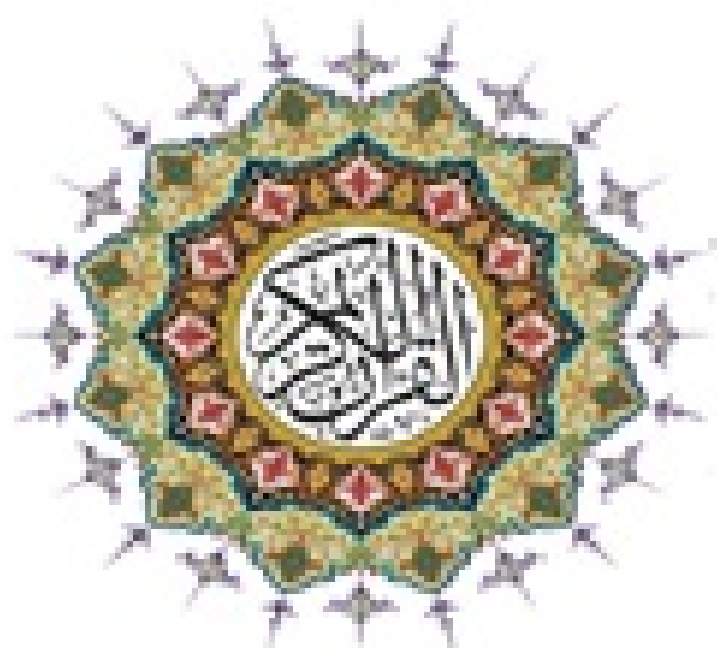
.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی در قرآن



جلد ۴۴

رسول ملکیان اصفهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهيم شناسي در قرآن سري جديد جلد 44

نويسنده:

رسول ملكيان اصفهاني

ناشر چاپي:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن سری جدید جلد ۴۴
۳۸	مشخصات کتاب
۳۸	۱- حمد
۳۸	۱- آثار حمد خدا
۴۰	۲- آثار عقیده به حمد خدا
۴۲	۳- آداب حمد خدا
۴۴	۴- ارزش تداوم حمد خدا
۴۴	۵- اعطاء سوره حمد به محمد(صلی الله علیه و آله)
۴۴	۶- اهتمام موسی(ع) به حمد خدا
۴۴	۷- اهمیت حمد خدا
۴۷	۸- پاداش حمد
۴۸	۹- تداوم حمد خدا
۴۸	۱۰- تداوم حمد ملائکه
۴۸	۱۱- تعلیم حمد
۵۰	۱۲- تعلیم روش حمد
۵۰	۱۳- توصیه به حمد خدا
۵۰	۱۴- حمد اخروی خدا
۵۲	۱۵- حمد اخروی کافران
۵۲	۱۶- حمد اخروی موجودات
۵۲	۱۷- حمد بهشتیان
۵۴	۱۸- حمد حاملان عرش
۵۴	۱۹- حمد خدا
۸۴	۲۰- حمد خدا در آسمانها

- ۸۴ ۲۱- حمد خدا در دعا
- ۸۶ ۲۲- حمد خدا در زمین
- ۸۶ ۲۳- حمد خدا در شب
- ۸۶ ۲۴- حمد خدا در مبارزه
- ۸۸ ۲۵- حمد خدا در نماز
- ۸۸ ۲۶- حمد داود(ع)
- ۸۸ ۲۷- حمد در آخرت
- ۸۸ ۲۸- حمد در تسبیح خدا
- ۹۰ ۲۹- حمد در دعا
- ۹۱ ۳۰- حمد در روز
- ۹۲ ۳۱- حمد در سحرگاه
- ۹۲ ۳۲- حمد در شب
- ۹۲ ۳۳- حمد در صبح
- ۹۴ ۳۴- حمد دنیوی خدا
- ۹۴ ۳۵- حمد سلیمان(ع)
- ۹۴ ۳۶- حمد غیر خدا
- ۹۴ ۳۷- حمد قبل از طلوع
- ۹۶ ۳۸- حمد قبل از غروب
- ۹۶ ۳۹- حمد مجاهدان
- ۹۶ ۴۰- حمد ملائکه
- ۹۸ ۴۱- حمد موجودات
- ۹۸ ۴۲- حمد مؤمنان
- ۹۹ ۴۳- حمد و خدا
- ۱۰۰ ۴۴- دلایل حمد خدا
- ۱۰۲ ۴۵- روحیه حمد در مؤمنان
- ۱۰۲ ۴۶- روش حمد خدا

- ۴۷- زمینه حمد ۱۰۲
- ۴۸- زمینه حمد خدا ۱۰۴
- ۴۹- سستی در حمد خدا ۱۱۲
- ۵۰- عوامل حمد اخروی خدا ۱۱۲
- ۵۱- عوامل حمد خدا ۱۱۴
- ۵۲- عوامل حمد غیر خدا ۱۱۴
- ۵۳- عوامل حمد ملائکه ۱۱۴
- ۵۴- فضیلت حمد خدا ۱۱۶
- ۵۵- فضیلت سوره حمد ۱۱۶
- ۵۶- فهم حمد موجودات ۱۱۸
- ۵۷- ملاک حمد معبود ۱۱۸
- ۵۸- منشأ حمد حمد ۱۱۸
- ۵۹- منشأ حمد ملائکه ۱۱۸
- ۶۰- موجبات حمد ۱۲۰
- ۶۱- مؤمنان و حمد خدا ۱۲۰
- ۶۲- نامهای سوره حمد ۱۲۰
- ۶۳- وقت حمد خدا ۱۲۰
- ۲- حمل و نقل ۱۲۳
- ۱- اهمیت حمل و نقل دریایی ۱۲۳
- ۲- پیشگویی وسایل حمل و نقل ۱۲۳
- ۳- تاریخ حمل و نقل ۱۲۳
- ۴- حمل و نقل دریایی در صدر اسلام ۱۲۴
- ۵- فواید حمل و نقل دریایی ۱۲۴
- ۶- وسایل حمل و نقل ۱۲۴
- ۷- وسایل حمل و نقل در دوران موسی(ع) ۱۲۸
- ۸- وسایل حمل و نقل در مصر باستان ۱۲۹

- ۹- وسایل حمل و نقل دریایی ۱۳۰
- ۱۰- وسایل حمل و نقل زمینی ۱۳۰
- ۳- حوا ۱۳۲
- ۱- آثار اغواپذیری حوا ۱۳۲
- ۲- آثار عصیان حوا ۱۳۲
- ۳- ابلیس و حوا ۱۳۳
- ۴- اجابت دعای حوا ۱۳۵
- ۵- اخراج حوا از بهشت ۱۳۵
- ۶- ارزش مقام حوا ۱۳۷
- ۷- ازدواج آدم(ع) و حوا ۱۳۷
- ۸- استتار عورت حوا ۱۳۹
- ۹- استغاثه حوا ۱۳۹
- ۱۰- اعطای فرزند به حوا ۱۳۹
- ۱۱- اغواپذیری حوا ۱۴۱
- ۱۲- اغوای حوا ۱۴۱
- ۱۳- اقرار حوا به عصیان ۱۴۱
- ۱۴- امیدواری حوا ۱۴۲
- ۱۵- بارداری حوا ۱۴۳
- ۱۶- برتری آدم(ع) بر حوا ۱۴۳
- ۱۷- برهنگی حوا ۱۴۴
- ۱۸- بهشت حوا ۱۴۵
- ۱۹- پوشاک حوا ۱۴۵
- ۲۰- پیروی حوا از آدم(ع) ۱۴۶
- ۲۱- تاریخ خلقت حوا ۱۴۷
- ۲۲- تضرع حوا ۱۴۷
- ۲۳- تقرب حوا ۱۴۷

- ۲۴- تکفل حوا - ۱۴۹
- ۲۵- تکلیف حوا در بهشت - ۱۴۹
- ۲۶- توطئه علیه حوا - ۱۵۰
- ۲۷- جنس حوا - ۱۵۱
- ۲۸- حوا در بهشت - ۱۵۱
- ۲۹- حوا و ابلیس - ۱۵۱
- ۳۰- حوا و درخت ممنوعه - ۱۵۳
- ۳۱- حوا و شیطان - ۱۵۷
- ۳۲- خطای حوا - ۱۵۹
- ۳۳- خلقت حوا - ۱۵۹
- ۳۴- خواسته های حوا - ۱۶۱
- ۳۵- دشمنان حوا - ۱۶۱
- ۳۶- دعای حوا - ۱۶۲
- ۳۷- زمینه عصیان حوا - ۱۶۳
- ۳۸- زمینه هبوط حوا - ۱۶۳
- ۳۹- زیانکاری حوا - ۱۶۳
- ۴۰- ستر عورت حوا - ۱۶۵
- ۴۱- سرزنش حوا - ۱۶۵
- ۴۲- سکونت حوا در بهشت - ۱۶۷
- ۴۳- شکر حوا - ۱۶۸
- ۴۴- شیطان و حوا - ۱۶۹
- ۴۵- طعام حوا - ۱۶۹
- ۴۶- ظلم حوا - ۱۶۹
- ۴۷- عبرت از قصه حوا - ۱۶۹
- ۴۸- عصیان حوا - ۱۷۱
- ۴۹- عقیده حوا - ۱۷۳

۱۷۳	۵۰- عوامل برهنگی حوا
۱۷۳	۵۱- عوامل عصیان حوا
۱۷۵	۵۲- عوامل کشف عورت حوا
۱۷۵	۵۳- عوامل محرومیت حوا
۱۷۵	۵۴- عوامل هبوط حوا
۱۷۷	۵۵- عورت حوا
۱۷۷	۵۶- عهد حوا با خدا
۱۷۹	۵۷- عهدشکنی حوا
۱۷۹	۵۸- غرایز حوا
۱۷۹	۵۹- فریب حوا
۱۸۱	۶۰- فضایل حوا
۱۸۱	۶۱- فلسفه انذار حوا
۱۸۱	۶۲- فلسفه خلقت حوا
۱۸۳	۶۳- فلسفه هبوط حوا
۱۸۳	۶۴- قصه حوا
۱۹۳	۶۵- کشف زشتیهای حوا
۱۹۴	۶۶- کشف عورت حوا
۱۹۵	۶۷- کفران حوا
۱۹۶	۶۸- کیفر عصیان حوا
۱۹۷	۶۹- گرایشهای حوا
۱۹۷	۷۰- لغزش حوا
۱۹۹	۷۱- مستوری عورت حوا
۱۹۹	۷۲- مشکلات حوا
۱۹۹	۷۳- معلم حوا
۱۹۹	۷۴- مکان هبوط حوا
۲۰۱	۷۵- نسل حوا

- ۲۰۱ - - - - - ۷۶- نگرانی حوا
- ۲۰۱ - - - - - ۷۷- نیازهای مادی حوا
- ۲۰۳ - - - - - ۷۸- ویژگیهای خلقت حوا
- ۲۰۳ - - - - - ۷۹- هبوط حوا
- ۲۰۵ - - - - - ۸۰- هشدار به حوا
- ۲۰۸ - - - - - ۴- حوادث
- ۲۰۸ - - - - - ۱- آثار علم به حوادث
- ۲۰۸ - - - - - ۲- استماع حوادث قیامت
- ۲۰۹ - - - - - ۳- انسان ها و حوادث قیامت
- ۲۰۹ - - - - - ۴- اهمیت احیای حوادث دینی
- ۲۰۹ - - - - - ۵- اهمیت دانش تحلیل حوادث
- ۲۱۰ - - - - - ۶- بانک اطلاعات حوادث
- ۲۱۱ - - - - - ۷- بشارت تحلیل حوادث
- ۲۱۱ - - - - - ۸- تبیین حوادث قیامت
- ۲۱۳ - - - - - ۹- تحصیل دانش تحلیل حوادث
- ۲۱۳ - - - - - ۱۰- تحلیل حوادث تاریخ
- ۲۱۳ - - - - - ۱۱- تحلیل غلط حوادث
- ۲۱۳ - - - - - ۱۲- تقدیر حوادث
- ۲۱۵ - - - - - ۱۳- ثبت حوادث در لوح محفوظ
- ۲۱۵ - - - - - ۱۴- حوادث تاریخ
- ۲۱۷ - - - - - ۱۵- حوادث قیامت
- ۲۱۷ - - - - - ۱۶- خطر حوادث
- ۲۱۷ - - - - - ۱۷- دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)
- ۲۱۹ - - - - - ۱۸- دانش تحلیل حوادث یوسف(ع)
- ۲۲۱ - - - - - ۱۹- ذکر حوادث تاریخ
- ۲۲۹ - - - - - ۲۰- ذکر حوادث تاریخی

- ۲۲۹ ----- ۲۱- ذکر حوادث تاریخی
- ۲۳۱ ----- ۲۲- روش تحصیل دانش تحلیل حوادث
- ۲۳۱ ----- ۲۳- روش مصونیت از حوادث ناگوار
- ۲۳۱ ----- ۲۴- رؤیا و حوادث آینده
- ۲۳۳ ----- ۲۵- رؤیت حوادث قیامت
- ۲۳۳ ----- ۲۶- زمان حوادث
- ۲۳۵ ----- ۲۷- سوگند به حوادث قیامت
- ۲۳۵ ----- ۲۸- شرایط پیدایش حوادث
- ۲۳۵ ----- ۲۹- شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث
- ۲۳۶ ----- ۳۰- شگفتی حوادث آسمان
- ۲۳۷ ----- ۳۱- شگفتی حوادث قیامت
- ۲۳۷ ----- ۳۲- عظمت حوادث قیامت
- ۲۳۷ ----- ۳۳- عوامل مؤثر در حوادث
- ۲۳۹ ----- ۳۴- قانونمندی حوادث
- ۲۳۹ ----- ۳۵- کافران و حوادث طبیعی
- ۲۴۰ ----- ۳۶- مرفهان و حوادث قیامت
- ۲۴۱ ----- ۳۷- مکذبان قیامت و حوادث طبیعی
- ۲۴۱ ----- ۳۸- منافقان مدینه و حوادث
- ۲۴۱ ----- ۳۹- منشأ حوادث
- ۲۴۵ ----- ۴۰- منشأ حوادث پسندیده
- ۲۴۵ ----- ۴۱- منشأ نجات از حوادث
- ۲۴۷ ----- ۴۲- موانع تکرار حوادث ناگوار
- ۲۴۷ ----- ۴۳- موسی(ع) و دانش تحلیل حوادث
- ۲۴۷ ----- ۴۴- نعمت دانش تحلیل حوادث
- ۲۴۷ ----- ۴۵- نقش حوادث
- ۲۴۹ ----- ۴۶- نقش حوادث طبیعی

- ۴۷- کافران و حوادث طبیعی ۲۵۰
- ۴۸- مکذبان قیامت و حوادث طبیعی ۲۵۱
- ۴۹- نقش حوادث طبیعی ۲۵۱
- ۵- حواریون ۲۵۴
- ۱- آمادگی حواریون ۲۵۴
- ۲- اخلاص حواریون ۲۵۴
- ۳- الگوگیری از حواریون ۲۵۴
- ۴- الهام به حواریون ۲۵۵
- ۵- امدادهای حواریون ۲۵۵
- ۶- انقیاد حواریون ۲۵۶
- ۷- انگیزه حواریون ۲۵۷
- ۸- ایمان حواریون ۲۵۸
- ۹- تبلیغ حواریون ۲۶۰
- ۱۰- تعداد حواریون ۲۶۱
- ۱۱- تعقل حواریون ۲۶۱
- ۱۲- تقوای حواریون ۲۶۱
- ۱۳- تلاش حواریون ۲۶۳
- ۱۴- حواریون عیسی(ع) ۲۶۳
- ۱۵- حواریون و عیسی(ع) ۲۶۵
- ۱۶- خواسته حواریون ۲۶۷
- ۱۷- دعای حواریون عیسی(ع) ۲۶۹
- ۱۸- دعوت از حواریون ۲۶۹
- ۱۹- سرزنش حواریون ۲۷۱
- ۲۰- طعام حواریون ۲۷۱
- ۲۱- عقیده حواریون ۲۷۱
- ۲۲- عهد حواریون ۲۷۳

- ۲۳- عیسی(ع) و حواریون ۲۷۳
- ۲۴- فضایل حواریون ۲۷۳
- ۲۵- مادیگری حواریون ۲۷۵
- ۲۶- مائده آسمانی حواریون ۲۷۶
- ۲۷- نعمتهای حواریون ۲۷۷
- ۲۸- هدایتگری حواریون ۲۷۷
- ۲۹- حواریون عیسی(ع) ۲۷۷
- ۳۰- حواریون عیسی(ع) ۲۷۸
- ۳۱- دعای حواریون عیسی(ع) ۲۸۰
- ۶- حواس ۲۸۱
- ۱- اهمیت حواس انسان ۲۸۱
- ۲- حواس انسان ۲۸۱
- ۳- ضعف حواس ۲۸۲
- ۴- عوامل مؤثر در حواس ۲۸۲
- ۵- مالک حواس انسان ۲۸۲
- ۶- محدوده حواس ۲۸۳
- ۷- مهمترین حواس انسان ۲۸۴
- ۸- نقش حواس ۲۸۴
- ۷- حورالعین ۲۸۷
- ۱- آمادگی حورالعین ۲۸۷
- ۲- بکارت حورالعین ۲۸۷
- ۳- پذیرایی حورالعین ۲۸۸
- ۴- تشبیه حورالعین ۲۸۸
- ۵- جذابیت حورالعین ۲۸۸
- ۶- جوانی حورالعین ۲۹۱
- ۷- چشمهای حورالعین ۲۹۲

- ۸- خلقت حورالعین ۲۹۳
- ۹- خوش اخلاقی حورالعین ۲۹۴
- ۱۰- خوشرویی حورالعین ۲۹۴
- ۱۱- رنگ چشمهای حورالعین ۲۹۶
- ۱۲- زبان حورالعین ۲۹۶
- ۱۳- زیبایی حورالعین ۲۹۶
- ۱۴- سفیدی بدن حورالعین ۳۰۰
- ۱۵- سن حورالعین ۳۰۰
- ۱۶- صفات حورالعین ۳۰۰
- ۱۷- عفت حورالعین ۳۰۱
- ۱۸- علاقه حورالعین ۳۰۴
- ۱۹- فضایل حورالعین ۳۰۴
- ۲۰- کام دهی حورالعین ۳۰۶
- ۲۱- کمال حورالعین ۳۰۶
- ۲۲- مستوری حورالعین ۳۰۶
- ۲۳- منشأ جاودانگی بکارت حورالعین ۳۰۶
- ۲۴- نشاط حورالعین ۳۰۸
- ۲۵- نعمت ازدواج با حورالعین ۳۰۸
- ۲۶- نعمت حورالعین ۳۰۸
- ۲۷- نقش حورالعین ۳۱۰
- ۲۸- ویژگیهای حورالعین ۳۱۰
- ۲۹- همسانی حورالعین ۳۱۲
- ۳۰- همسرداری حورالعین ۳۱۴
- ۳۱- همسنی حورالعین ۳۱۴
- ۳۲- همنشینی با حورالعین ۳۱۴
- ۸- حیا ۳۱۵

- ۱- آثار حیا ۳۱۵
- ۲- حیا از خدا ۳۱۵
- ۳- حیا از مردم ۳۱۶
- ۴- حیا از ملائکه ۳۱۶
- ۵- حیا در تبیین حقایق ۳۱۶
- ۶- حیای بیجا ۳۱۸
- ۷- خدا و حیا ۳۱۸
- ۹- حیات ۳۱۹
- ۱- حیات ۳۱۹
- ۲- آثار استبعاد تجدید حیات انسان ها ۳۲۰
- ۳- آثار انکار حیات اخروی ۳۲۱
- ۴- آثار تعقل در حیات ۳۲۲
- ۵- آثار تفکر در پیدایش حیات ۳۲۲
- ۶- آثار تفکر در حیات ۳۲۲
- ۷- آثار حیات ۳۲۲
- ۸- آثار حیات زمین ۳۲۴
- ۹- آثار حیات قوم نوح ۳۲۴
- ۱۰- آثار حیات محمد(صلی الله علیه و آله) ۳۲۴
- ۱۱- آثار ذکر استمرار حیات ۳۲۵
- ۱۲- آثار شک به حیات اخروی ۳۲۶
- ۱۳- آثار علاقه به حیات ۳۲۶
- ۱۴- آل یعقوب و حیات یوسف(ع) ۳۲۶
- ۱۵- ادراک حیات شهیدان ۳۲۸
- ۱۶- ارزش حیات اخروی ۳۲۸
- ۱۷- ارزش حیات انسان ها ۳۳۰
- ۱۸- ارزش حیات دنیوی ۳۳۰

- ۱۹- ارزش حیات مؤمنان ۳۳۲
- ۲۰- استمرار حیات ۳۳۲
- ۲۱- اقرار به تعدد حیات ۳۳۴
- ۲۲- امتحان با حیات ۳۳۴
- ۲۳- امکان حیات جاودان ۳۳۴
- ۲۴- انسان و حیات جاودان ۳۳۴
- ۲۵- انکار حیات اخروی ۳۳۶
- ۲۶- اهمیت تقدیر حیات ۳۳۶
- ۲۷- اهمیت حیات ۳۳۶
- ۲۸- اهمیت حیات اخروی ۳۳۸
- ۲۹- اهمیت حیات معنوی ۳۳۸
- ۳۰- اهمیت ذکر حیات اخروی ۳۴۰
- ۳۱- برتری حیات اخروی ۳۴۰
- ۳۲- بی ارزشی حیات دنیوی ۳۴۰
- ۳۳- پوچی حیات دنیوی ۳۴۰
- ۳۴- پیدایش حیات ۳۴۲
- ۳۵- پیدایش حیات از موجودات بی جان ۳۴۲
- ۳۶- تجدید حیات ۳۴۳
- ۳۷- تجدید حیات اجداد مشرکان ۳۴۴
- ۳۸- تجدید حیات انسان ۳۴۴
- ۳۹- تجدید حیات انسان ها ۳۴۶
- ۴۰- تجدید حیات در روز ۳۵۰
- ۴۱- تجدید حیات کافران ۳۵۰
- ۴۲- تحول حیات ۳۵۰
- ۴۳- تداوم حیات ۳۵۲
- ۴۴- تداوم حیات انسان ها ۳۵۲

- ۳۵۲ ----- ۴۵- تداوم حیات در زمین
- ۳۵۳ ----- ۴۶- تداوم حیات شیطان
- ۳۵۴ ----- ۴۷- تذکر به حیات اخروی
- ۳۵۴ ----- ۴۸- تعقل در چرخه حیات
- ۳۵۴ ----- ۴۹- تعقل در حیات
- ۳۵۶ ----- ۵۰- تقدیر حیات
- ۳۵۶ ----- ۵۱- تقدیر حیات امت ها
- ۳۵۶ ----- ۵۲- تکامل حیات
- ۳۵۶ ----- ۵۳- توسعه در حیات
- ۳۵۸ ----- ۵۴- جاودانگی حیات اخروی
- ۳۵۹ ----- ۵۵- حتمیت حیات اخروی
- ۳۶۰ ----- ۵۶- حفظ حیات انسان
- ۳۶۰ ----- ۵۷- حفظ حیات انسان ها
- ۳۶۰ ----- ۵۸- حق حیات
- ۳۶۱ ----- ۵۹- حقانیت حیات اخروی
- ۳۶۲ ----- ۶۰- حقانیت حیات برزخی
- ۳۶۲ ----- ۶۱- حقیقت حیات دنیوی
- ۳۶۲ ----- ۶۲- حیات اخروی
- ۳۶۴ ----- ۶۳- حیات اخروی انسان
- ۳۶۴ ----- ۶۴- حیات اخروی جمادات
- ۳۶۵ ----- ۶۵- حیات اخروی عیسی(ع)
- ۳۶۶ ----- ۶۶- حیات اخروی متقین
- ۳۶۶ ----- ۶۷- حیات اخروی محمد(صلی الله علیه و آله)
- ۳۶۷ ----- ۶۸- حیات اخروی موجودات
- ۳۶۸ ----- ۶۹- حیات اخروی مؤمنان
- ۳۶۸ ----- ۷۰- حیات از آیات خدا

- ۳۷۰ ۷۱- حیات اسماعیل(ع)
- ۳۷۰ ۷۲- حیات امت ها
- ۳۷۰ ۷۳- حیات انسان
- ۳۷۴ ۷۴- حیات بخشی خدا
- ۳۷۶ ۷۵- حیات بخشی قرآن
- ۳۷۶ ۷۶- حیات بخشی معبود راستین
- ۳۷۶ ۷۷- حیات برزخی
- ۳۷۸ ۷۸- حیات پس از مرگ
- ۳۸۰ ۷۹- حیات جامعه
- ۳۸۰ ۸۰- حیات جاودان
- ۳۸۰ ۸۱- حیات جاودان متقین
- ۳۸۲ ۸۲- حیات جاودانه مؤمنان
- ۳۸۲ ۸۳- حیات جسمانی اخروی
- ۳۸۲ ۸۴- حیات جسمانی عیسی(ع)
- ۳۸۲ ۸۵- حیات جن
- ۳۸۴ ۸۶- حیات جنیان
- ۳۸۴ ۸۷- حیات جوامع
- ۳۸۴ ۸۸- حیات جهنمیان
- ۳۸۴ ۸۹- حیات خدا
- ۳۸۶ ۹۰- حیات در آسمان
- ۳۸۷ ۹۱- حیات در آفرینش
- ۳۸۸ ۹۲- حیات در جامعه اسلامی
- ۳۸۸ ۹۳- حیات در جهنم
- ۳۹۰ ۹۴- حیات در ماده
- ۳۹۰ ۹۵- حیات دنیوی
- ۳۹۲ ۹۶- حیات دنیوی انسان

- ۳۹۳ ۹۷- حیات دنیوی متقین
- ۳۹۴ ۹۸- حیات زمین
- ۳۹۴ ۹۹- حیات زندگی اخروی
- ۳۹۶ ۱۰۰- حیات شتر صالح(ع)
- ۳۹۶ ۱۰۱- حیات شهیدان
- ۳۹۸ ۱۰۲- حیات طولانی
- ۳۹۹ ۱۰۳- حیات طولانی ایلیس
- ۴۰۰ ۱۰۴- حیات عالم برزخ
- ۴۰۰ ۱۰۵- حیات عیسی(ع)
- ۴۰۱ ۱۰۶- حیات کافران
- ۴۰۲ ۱۰۷- حیات ماهی قصه موسی(ع)
- ۴۰۲ ۱۰۸- حیات مجدد انسان
- ۴۰۴ ۱۰۹- حیات مجرمان
- ۴۰۴ ۱۱۰- حیات مریم(س)
- ۴۰۴ ۱۱۱- حیات معبود راستین
- ۴۰۶ ۱۱۲- حیات معنوی اخروی
- ۴۰۶ ۱۱۳- حیات معنوی مؤمنان
- ۴۰۶ ۱۱۴- حیات مکذبان معاد
- ۴۰۶ ۱۱۵- حیات موجودات
- ۴۰۸ ۱۱۶- حیات موقت انسان
- ۴۰۸ ۱۱۷- حیات مؤمنان
- ۴۱۰ ۱۱۸- حیات واقعی انسان
- ۴۱۰ ۱۱۹- خیریت حیات جاودان
- ۴۱۰ ۱۲۰- درخواست حیات اخروی
- ۴۱۰ ۱۲۱- زمینه استمرار حیات
- ۴۱۲ ۱۲۲- زمینه حیات اخروی

- ۴۱۲ ----- ۱۲۳- زمینه حیات انسان
- ۴۱۳ ----- ۱۲۴- زمینه حیات جامعه
- ۴۱۴ ----- ۱۲۵- زمینه درک حیات موجودات
- ۴۱۴ ----- ۱۲۶- سبک شمردن حیات اخروی
- ۴۱۴ ----- ۱۲۷- ظلم سلب حیات
- ۴۱۴ ----- ۱۲۸- عقیده به حیات پس از مرگ
- ۴۱۶ ----- ۱۲۹- علاقه به حیات
- ۴۱۶ ----- ۱۳۰- عوامل ارزشمندی حیات دنیوی
- ۴۱۶ ----- ۱۳۱- عوامل انقراض حیات
- ۴۱۷ ----- ۱۳۲- عوامل پوچی حیات دنیوی
- ۴۱۸ ----- ۱۳۳- عوامل تداوم حیات
- ۴۱۸ ----- ۱۳۴- عوامل حیات
- ۴۲۲ ----- ۱۳۵- عوامل حیات انسان
- ۴۲۲ ----- ۱۳۶- عوامل حیات انسان ها
- ۴۲۳ ----- ۱۳۷- عوامل حیات جامعه اسلامی
- ۴۲۴ ----- ۱۳۸- عوامل حیات زمین
- ۴۲۶ ----- ۱۳۹- عوامل حیات معنوی
- ۴۲۸ ----- ۱۴۰- عوامل حیات موجودات
- ۴۲۸ ----- ۱۴۱- عوامل حیات واقعی
- ۴۲۹ ----- ۱۴۲- عوامل مؤثر در حیات
- ۴۳۰ ----- ۱۴۳- قانونمندی حیات
- ۴۳۰ ----- ۱۴۴- قانونمندی حیات امت ها
- ۴۳۰ ----- ۱۴۵- قانونمندی حیات در زمین
- ۴۳۲ ----- ۱۴۶- کیفیت حیات
- ۴۳۲ ----- ۱۴۷- محدوده حیات ابلیس
- ۴۳۲ ----- ۱۴۸- محدودیت حیات دنیوی

- ۴۳۴ ۱۴۹- محرومان از حیات معنوی
- ۴۳۴ ۱۵۰- محرومیت از حیات واقعی
- ۴۳۴ ۱۵۱- مدت حیات در زمین
- ۴۳۶ ۱۵۲- مراتب حیات
- ۴۳۶ ۱۵۳- مراد از حیات طیبه
- ۴۳۶ ۱۵۴- مضمولان حیات جاودان
- ۴۳۷ ۱۵۵- مکذبان حیات اخروی
- ۴۳۸ ۱۵۶- مکذبان حیات یوسف(ع)
- ۴۳۸ ۱۵۷- ملاک حیات زمین
- ۴۴۰ ۱۵۸- منشأ تجدید حیات انسان
- ۴۴۰ ۱۵۹- منشأ حیات
- ۴۵۴ ۱۶۰- منشأ حیات ابلیس
- ۴۵۴ ۱۶۱- منشأ حیات اخروی
- ۴۵۴ ۱۶۲- منشأ حیات انسان
- ۴۵۶ ۱۶۳- منشأ حیات زمین
- ۴۵۸ ۱۶۴- منشأ حیات موجودات
- ۴۵۸ ۱۶۵- موجبات حیات
- ۴۶۰ ۱۶۶- موجبات حیات برتر اخروی
- ۴۶۰ ۱۶۷- موجبات حیات جاودان
- ۴۶۰ ۱۶۸- موجبات حیات قوم یونس
- ۴۶۰ ۱۶۹- ناپایداری حیات موجودات
- ۴۶۱ ۱۷۰- نشانه های حیات زمین
- ۴۶۱ ۱۷۱- نعمت حیات
- ۴۶۲ ۱۷۲- نفخه حیات
- ۴۶۳ ۱۷۳- نقش حیات
- ۴۶۴ ۱۷۴- ویژگی حیات اخروی

- ۱۷۵- ویژگیهای حیات اخروی ۴۶۵
- ۱۷۶- ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع) ۴۶۶
- ۱۷۷- ویژگیهای حیات موجودات ۴۶۷
- ۱۷۸- هدایت به حیات واقعی ۴۶۷
- ۱۷۹- یعقوب(ع) و حیات بنیامین ۴۶۷
- ۱۸۰- یعقوب(ع) و حیات لاوی ۴۶۹
- ۱۸۱- یعقوب(ع) و حیات یوسف(ع) ۴۶۹
- ۱۸۲- آثار انکار حیات اخروی ۴۷۲
- ۱۸۳- آثار شک به حیات اخروی ۴۷۳
- ۱۸۴- ارزش حیات اخروی ۴۷۳
- ۱۸۵- انکار حیات اخروی ۴۷۵
- ۱۸۶- اهمیت حیات اخروی ۴۷۵
- ۱۸۷- اهمیت ذکر حیات اخروی ۴۷۶
- ۱۸۸- برتری حیات اخروی ۴۷۷
- ۱۸۹- تذکر به حیات اخروی ۴۷۷
- ۱۹۰- جاودانگی حیات اخروی ۴۷۷
- ۱۹۱- حتمیت حیات اخروی ۴۷۹
- ۱۹۲- حقانیت حیات اخروی ۴۷۹
- ۱۹۳- حیات اخروی ۴۷۹
- ۱۹۴- حیات اخروی انسان ۴۸۱
- ۱۹۵- حیات اخروی جمادات ۴۸۱
- ۱۹۶- حیات اخروی عیسی(ع) ۴۸۳
- ۱۹۷- حیات اخروی متقین ۴۸۳
- ۱۹۸- حیات اخروی محمد(صلی الله علیه و آله) ۴۸۳
- ۱۹۹- حیات اخروی موجودات ۴۸۴
- ۲۰۰- حیات اخروی مؤمنان ۴۸۵

۴۸۵	۲۰۱- درخواست حیات اخروی
۴۸۵	۲۰۲- زمینه حیات اخروی
۴۸۷	۲۰۳- سبک شمردن حیات اخروی
۴۸۷	۲۰۴- مکذبان حیات اخروی
۴۸۷	۲۰۵- منشأ حیات اخروی
۴۸۹	۲۰۶- ویژگی حیات اخروی
۴۸۹	۲۰۷- ویژگیهای حیات اخروی
۴۹۰	۲۰۸- ویژگیهای حیات اخروی یحیی(ع)
۴۹۲	۱۰- حیض
۴۹۲	۱- آمیزش در حیض
۴۹۲	۲- احکام حیض
۴۹۳	۳- حیض ساره
۴۹۵	۴- سختیهای حیض
۴۹۵	۵- گواهی در حیض
۴۹۶	۱۱- حیوانات
۴۹۶	۱- آثار ترس حیوانات وحشی
۴۹۶	۲- احکام حیوانات
۴۹۷	۳- اختفای حیوانات وحشی
۴۹۷	۴- اختیار حیوانات
۴۹۷	۵- اراده حیوانات
۴۹۹	۶- استعدادهای حیوانات
۴۹۹	۷- استفاده از پشم
۴۹۹	۸- استفاده از حیوانات
۵۰۰	۹- استفاده از کرک
۵۰۱	۱۰- استفاده از موی
۵۰۱	۱۱- امنیت حیوانات

- ۱۲- اهمیت خلقت حیوانات ۵۰۱
- ۱۳- اهمیت محافظت از حیوانات ۵۰۳
- ۱۴- بقای نسل حیوانات ۵۰۳
- ۱۵- بی خطری حیوانات وحشی ۵۰۳
- ۱۶- بی عقلی حیوانات ۵۰۳
- ۱۷- پاداش اخروی حیوانات ۵۰۵
- ۱۸- تأمین علوفه حیوانات ۵۰۵
- ۱۹- تجمع حیوانات وحشی ۵۰۵
- ۲۰- تحریم حیوانات جنگال دار ۵۰۶
- ۲۱- تحریم حیوانات در جاهلیت ۵۰۷
- ۲۲- تحریم حیوانات در بهبود ۵۰۷
- ۲۳- تذکیر حیوانات ۵۰۸
- ۲۴- تشبیه به حیوانات ۵۰۹
- ۲۵- تشبیه به حیوانات وحشی ۵۰۹
- ۲۶- تعلیم حیوانات ۵۱۱
- ۲۷- تکالیف حیوانات ۵۱۱
- ۲۸- تنوع رنگ حیوانات ۵۱۱
- ۲۹- جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع) ۵۱۱
- ۳۰- حرکت تکاملی حیوانات ۵۱۳
- ۳۱- حشر اخروی حیوانات ۵۱۳
- ۳۲- حلیت اولیة حیوانات ۵۱۳
- ۳۳- حیوانات اهلی ۵۱۴
- ۳۴- حیوانات جنگال دار در بهبود ۵۱۵
- ۳۵- حیوانات حرام ۵۱۵
- ۳۶- حیوانات حرام در جاهلیت ۵۱۵
- ۳۷- حیوانات حلال ۵۱۷

۵۱۷	۳۸- حیوانات حلال گوشت
۵۱۷	۳۹- حیوانات در قیامت
۵۱۹	۴۰- حیوانات در کشتی نوح(ع)
۵۲۰	۴۱- حیوانات شکاری
۵۲۱	۴۲- حیوانات موقوفه در جاهلیت
۵۲۱	۴۳- حیوانات وحشی در قیامت
۵۲۳	۴۴- ذبح حیوانات در جاهلیت
۵۲۳	۴۵- روزی حیوانات
۵۲۳	۴۶- زوجیت حیوانات
۵۲۵	۴۷- زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)
۵۲۵	۴۸- شرایط تذکیه حیوانات
۵۲۵	۴۹- شعور حیوانات
۵۲۶	۵۰- صفات حیوانات
۵۲۷	۵۱- صید حیوانات شکاری
۵۲۹	۵۲- علم حیوانات
۵۲۹	۵۳- عوامل تجمع حیوانات
۵۲۹	۵۴- غرایز حیوانات
۵۲۹	۵۵- فلسفه خلقت حیوانات
۵۳۱	۵۶- کيفر اخروی حیوانات
۵۳۱	۵۷- گوشت حیوانات دریایی
۵۳۱	۵۸- مکان حیوانات در کشتی نوح(ع)
۵۳۳	۵۹- منافع حیوانات
۵۳۳	۶۰- منشأ تسخیر حیوانات
۵۳۳	۶۱- نعمت پشم حیوانات
۵۳۳	۶۲- نعمت کرک حیوانات
۵۳۵	۶۳- نعمت موی حیوانات

- ۶۴- نقش حیوانات ۵۳۵
- ۶۵- نقش شیر حیوانات ۵۳۵
- ۶۶- نوح(ع) و حیوانات ۵۳۵
- ۶۷- ویژگیهای حیوانات ۵۳۷
- ۱۲- خادم ۵۳۸
- ۱- استیزان خادم ۵۳۸
- ۲- اهتمام به تلاش خادم ۵۳۸
- ۳- تأمین نیازهای خادم ۵۳۸
- ۴- خادم موسی(ع) ۵۳۹
- ۵- روش برخورد با خادم ۵۳۹
- ۶- روش برخورد خادم ۵۳۹
- ۷- سختی استیزان خادم ۵۴۱
- ۸- محرمیت خادم ساده لوح ۵۴۱
- ۹- مسؤولیت خادم ۵۴۱
- ۱۰- نعمت خادم ۵۴۱
- ۱۳- خاشاک ۵۴۴
- ۱- تبدیل به خاشاک ۵۴۴
- ۲- تبدیل به خاشاک تیره ۵۴۴
- ۳- تبدیل کافران به خاشاک ۵۴۴
- ۴- تشبیه به خاشاک ۵۴۵
- ۱۴- خاشعان ۵۴۶
- ۱- خاشعان ۵۴۶
- ۲- ایمان خاشعان ۵۴۶
- ۳- ویژگیهای خاشعان ۵۴۷
- ۴- آثار خشوع ۵۴۸
- ۵- آثار خشوع ابراهیم(ع) ۵۴۹

- ۶- آثار خشوع انبیا ۵۴۹
- ۷- آثار خشوع در نماز ۵۵۱
- ۸- آثار خشوع قلب ۵۵۱
- ۹- اهمیت خشوع ۵۵۱
- ۱۰- اهمیت خشوع در نماز ۵۵۳
- ۱۱- خشوع اخروی ظالمان ۵۵۳
- ۱۲- خشوع اولیاء الله ۵۵۴
- ۱۳- خشوع برای حاکمان بر حق ۵۵۵
- ۱۴- خشوع در برابر قرآن ۵۵۵
- ۱۵- خشوع در دعا ۵۵۵
- ۱۶- خشوع در ذکر ۵۵۷
- ۱۷- خشوع در نماز ۵۵۷
- ۱۸- خشوع زکریا(ع) ۵۵۹
- ۱۹- خشوع علما ۵۵۹
- ۲۰- خشوع مشمولان نعمت ۵۵۹
- ۲۱- خشوع مؤمنان ۵۶۰
- ۲۲- خشوع همسر زکریا(ع) ۵۶۱
- ۲۳- خشوع هنگام استماع آیات خدا ۵۶۱
- ۲۴- خشوع یحیی(ع) ۵۶۱
- ۲۵- زمینه خشوع ۵۶۱
- ۲۶- عوامل خشوع برای یوسف(ع) ۵۶۳
- ۲۷- عوامل خشوع علما ۵۶۵
- ۲۸- عوامل خشوع کوه ها ۵۶۵
- ۲۹- مراد از خشوع در نماز ۵۶۵
- ۳۰- موارد خشوع ۵۶۶
- ۱۵- خاضعان ۵۶۸

- ۱- خاضعان ۵۶۸
- ۲- خضوع ۵۶۸
- ۳- آثار خضوع ۵۶۹
- ۴- آثار خضوع سایه ها ۵۷۱
- ۵- آثار خضوع قلب ۵۷۱
- ۶- آثار ذکر خضوع موجودات ۵۷۲
- ۷- ارزش خضوع ۵۷۳
- ۸- ارزش خضوع بر خدا ۵۷۳
- ۹- اهمیت خضوع ۵۷۳
- ۱۰- اهمیت خضوع بر خدا ۵۷۵
- ۱۱- اهمیت خضوع برای قرآن ۵۷۵
- ۱۲- اهمیت خضوع در عبادت ۵۷۵
- ۱۳- اهمیت خضوع در نماز ۵۷۷
- ۱۴- خضوع آثار موجودات ۵۷۷
- ۱۵- خضوع آفرینش ۵۷۷
- ۱۶- خضوع اخروی انسان ها ۵۷۹
- ۱۷- خضوع اخروی طغیانگران ۵۷۹
- ۱۸- خضوع اخروی گناهکاران ۵۷۹
- ۱۹- خضوع اخروی موجودات ۵۸۱
- ۲۰- خضوع اولیاء الله ۵۸۱
- ۲۱- خضوع بر آیات خدا ۵۸۱
- ۲۲- خضوع بر خدا ۵۸۱
- ۲۳- خضوع برای خدا ۵۸۲
- ۲۴- خضوع برای قرآن ۵۸۵
- ۲۵- خضوع برگزیدگان خدا ۵۸۵
- ۲۶- خضوع در اطاعت ۵۸۵

۵۸۵	۲۷- خضوع در برابر آفرینش
۵۸۷	۲۸- خضوع در برابر خدا
۵۸۷	۲۹- خضوع در برابر قرآن
۵۸۹	۳۰- خضوع در دعا
۵۸۹	۳۱- خضوع در عبادت
۵۸۹	۳۲- خضوع در عبودیت
۵۹۱	۳۳- خضوع در قیامت
۵۹۱	۳۴- خضوع در مناجات
۵۹۱	۳۵- خضوع در نماز
۵۹۲	۳۶- خضوع رهبران کفر
۵۹۳	۳۷- خضوع سایه در صبح
۵۹۳	۳۸- خضوع سایه در عصر
۵۹۳	۳۹- خضوع سایه ها
۵۹۵	۴۰- خضوع صالحان
۵۹۵	۴۱- خضوع عاقلان
۵۹۵	۴۲- خضوع علما
۵۹۵	۴۳- خضوع علمای اهل کتاب
۵۹۷	۴۴- خضوع علمای دینی
۵۹۷	۴۵- خضوع قلب
۵۹۷	۴۶- خضوع متقین
۵۹۷	۴۷- خضوع مریم(س)
۵۹۹	۴۸- خضوع مشمولان نعمت
۵۹۹	۴۹- خضوع مقربان
۵۹۹	۵۰- خضوع ملائکه
۶۰۱	۵۱- خضوع موجودات
۶۰۱	۵۲- خضوع مؤمنان

- ۵۳- خضوع مهتدین ۶۰۳
- ۵۴- خضوع نجاشی ۶۰۳
- ۵۵- خضوع هنگام استماع آیات خدا ۶۰۳
- ۵۶- خضوع یونس (ع) ۶۰۵
- ۵۷- دعوت به خضوع ۶۰۵
- ۵۸- دعوت به خضوع بر خدا ۶۰۵
- ۵۹- روش خضوع ۶۰۵
- ۶۰- زمینه خضوع ۶۰۷
- ۶۱- زمینه خضوع بر خدا ۶۰۷
- ۶۲- عوامل خضوع ۶۰۹
- ۶۳- عوامل خضوع بر خدا ۶۰۹
- ۶۴- عوامل خضوع برای یوسف (ع) ۶۰۹
- ۶۵- موانع خضوع برای قرآن ۶۱۰
- ۶۶- نشانه خضوع بر خدا ۶۱۱
- ۶۷- نشانه های خضوع بر خدا ۶۱۱
- ۶۸- نشانه های خضوع بر خدا ۶۱۱
- ۱۶- خاک ۶۱۴
- ۱- آثار رطوبت خاک ۶۱۴
- ۲- آدم (ع) از خاک ۶۱۴
- ۳- آرزوی تبدیل به خاک ۶۱۵
- ۴- ارزش خاک ۶۱۵
- ۵- انسان از خاک ۶۱۵
- ۶- تبدیل انسان به خاک ۶۱۹
- ۷- تبدیل به خاک بی حاصل ۶۱۹
- ۸- تبدیل خاک به نطفه ۶۱۹
- ۹- تبدیل گیاهان به خاک ۶۲۱

- ۱۰- تبدیل موجودات به خاک ۶۲۱
- ۱۱- تیمم بر خاک ۶۲۱
- ۱۲- خاک های مرطوب ۶۲۳
- ۱۳- خلقت از خاک ۶۲۳
- ۱۴- خلقت خاک ۶۲۷
- ۱۵- فواید خاک ۶۲۷
- ۱۶- نقش خاک ۶۲۹
- ۱۷- خالق ۶۳۱
- ۱- استمداد از خالق ۶۳۱
- ۲- بداهت بی نظیری خالق ۶۳۱
- ۳- بهترین خالق ۶۳۱
- ۴- بی نظیری خالق ۶۳۲
- ۵- بی نظیری خالق موجودات ۶۳۲
- ۶- تعقل در خالق آفرینش ۶۳۲
- ۷- خالق ۶۳۴
- ۸- خالق آب ۶۳۴
- ۹- خالق آخرت ۶۳۴
- ۱۰- خالق آسمان ۶۳۶
- ۱۱- خالق آسمان ها ۶۴۰
- ۱۲- خالق آفرینش ۶۴۹
- ۱۳- خالق ابر های باران زا ۶۵۸
- ۱۴- خالق اسب ۶۵۸
- ۱۵- خالق استر ۶۶۰
- ۱۶- خالق الاغ ۶۶۰
- ۱۷- خالق انسان ۶۶۰
- ۱۸- خالق انسان ها ۶۶۹

- ۱۹- خالق انگور ۶۷۷
- ۲۰- خالق باغ ها ۶۷۸
- ۲۱- خالق بذر ۶۷۸
- ۲۲- خالق تاریکی ۶۸۰
- ۲۳- خالق جادوگران فرعون ۶۸۰
- ۲۴- خالق چشم ۶۸۰
- ۲۵- خالق چهارپایان ۶۸۲
- ۲۶- خالق خورشید ۶۸۲
- ۲۷- خالق درخت آتش زا ۶۸۴
- ۲۸- خالق درخت خرما ۶۸۴
- ۲۹- خالق درختان ۶۸۴
- ۳۰- خالق روز ۶۸۶
- ۳۱- خالق زمین ۶۸۸
- ۳۲- خالق زندگی ۷۰۰
- ۳۳- خالق زیتون ۷۰۰
- ۳۴- خالق سبزیجات ۷۰۲
- ۳۵- خالق شب ۷۰۲
- ۳۶- خالق شتر ۷۰۵
- ۳۷- خالق طبیعت ۷۰۶
- ۳۸- خالق قلب ۷۰۶
- ۳۹- خالق کوه ها ۷۰۶
- ۴۰- خالق گاو ۷۰۸
- ۴۱- خالق گوسفند ۷۰۸
- ۴۲- خالق گوش ۷۱۰
- ۴۳- خالق گیاهان ۷۱۰
- ۴۴- خالق ماه (گردون) ۷۱۰

- ۴۵- خالق مراتع ۷۱۰
- ۴۶- خالق مرگ ۷۱۲
- ۴۷- خالق مصنوعات انسان ۷۱۲
- ۴۸- خالق معبودان باطل ۷۱۲
- ۴۹- خالق موجودات ۷۱۲
- ۵۰- خالق موجودات آسمان ۷۲۰
- ۵۱- خالق موجودات فضا ۷۲۰
- ۵۲- خالق میوه ها ۷۲۲
- ۵۳- خالق نعمت های دنیوی ۷۲۲
- ۵۴- خالق نور ۷۲۲
- ۵۵- ربوبیت خالق آفرینش ۷۲۴
- ۵۶- سوگند به خالق آسمان ۷۲۴
- ۵۷- سوگند به خالق مذکر ۷۲۴
- ۵۸- سوگند به خالق مؤنث ۷۲۵
- ۵۹- شرایط خالق ۷۲۶
- ۶۰- علم غیب خالق ۷۲۶
- ۶۱- غفلت از بی نظیری خالق ۷۲۶
- ۶۲- فرعون و خالق آفرینش ۷۲۸
- ۶۳- فرعونیان و خالق آفرینش ۷۲۸
- ۶۴- مدح خالق موجودات ۷۲۸
- ۶۵- معبودیت خالق ۷۲۹
- ۶۶- نقش خالق ۷۳۰
- ۶۷- نقش خالق انسان ۷۳۰
- ۶۸- نیاز به خالق ۷۳۰
- ۶۹- ولایت خالق آفرینش ۷۳۲
- ۱۸- خالقیت ۷۳۳

- ۱- آثار ایمان به خالقیت خدا ۷۳۳
- ۲- آثار توحید در خالقیت ۷۳۳
- ۳- آثار خالقیت خدا ۷۳۴
- ۴- آثار ذکر خالقیت خدا ۷۳۷
- ۵- آثار عقیده به توحید در خالقیت ۷۳۹
- ۶- آثار عقیده به خالقیت خدا ۷۴۰
- ۷- آثار قدرت در خالقیت ۷۴۰
- ۸- اقرار به خالقیت خدا ۷۴۱
- ۹- الوهیت و خالقیت ۷۴۲
- ۱۰- اهمیت خالقیت خدا ۷۴۲
- ۱۱- ایمان به خالقیت خدا ۷۴۲
- ۱۲- بدهت خالقیت در معبود راستین ۷۴۴
- ۱۳- تداوم خالقیت خدا ۷۴۴
- ۱۴- تفکر در خالقیت خدا ۷۴۶
- ۱۵- توحید در خالقیت ۷۴۶
- ۱۶- خالقیت خدا ۷۵۷
- ۱۷- خالقیت در ربوبیت ۸۳۶
- ۱۸- خالقیت غیر خدا ۸۳۶
- ۱۹- خالقیت معبود ۸۳۸
- ۲۰- خالقیت معبود راستین ۸۳۸
- ۲۱- خالقیت و الوهیت ۸۴۶
- ۲۲- خالقیت و معاد ۸۴۶
- ۲۳- ذکر خالقیت خدا ۸۴۷
- ۲۴- رد خالقیت معبودان باطل ۸۵۰
- ۲۵- زمینه ذکر خالقیت خدا ۸۵۰
- ۲۶- شرایط خالقیت ۸۵۰

۸۵۲	۲۷- شک در خالقیت خدا
۸۵۲	۲۸- شؤون خالقیت خدا
۸۵۲	۲۹- عقیده به توحید در خالقیت
۸۵۲	۳۰- عقیده به خالقیت خدا
۸۵۷	۳۱- عقیده به خالقیت غیر خدا
۸۵۸	۳۲- غیر خدا و خالقیت
۸۵۸	۳۳- معبودان باطل و خالقیت
۸۶۰	۳۴- منشأ خالقیت خدا
۸۶۰	۳۵- نشانه های خالقیت خدا
۸۶۲	۳۶- نقش توحید در خالقیت
۸۶۲	۳۷- ویژگی خالقیت خدا
۸۶۴	۳۸- ویژگیهای خالقیت خدا
۸۶۷	۱۹- خاله
۸۶۷	۱- خوردن از خانه خاله
۸۶۷	۲- سهم ارث خاله
۸۶۸	۳- محدوده حجاب خاله
۸۶۹	۲۰- خانوادگی
۸۶۹	۱- آثار عواطف خانوادگی
۸۶۹	۲- اختلاف خانوادگی
۸۷۰	۳- ارزش عواطف خانوادگی
۸۷۱	۴- اهمیت تفاهم خانوادگی
۸۷۲	۵- اهمیت حل اختلاف خانوادگی
۸۷۲	۶- اهمیت رفع مشکلات خانوادگی
۸۷۲	۷- اهمیت روابط خانوادگی
۸۷۶	۸- اهمیت عواطف خانوادگی
۸۷۸	۹- بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

- ۸۷۸ ۱۰- تداوم روابط خانوادگی
- ۸۷۸ ۱۱- حل اختلاف خانوادگی
- ۸۸۰ ۱۲- رعایت حقوق خانوادگی
- ۸۸۰ ۱۳- روابط خانوادگی
- ۸۸۲ ۱۴- روابط خانوادگی در قیامت
- ۸۸۲ ۱۵- زمینه حل اختلاف خانوادگی
- ۸۸۴ ۱۶- زندگی خانوادگی زکریا(ع)
- ۸۸۴ ۱۷- ساختار خانوادگی شعیب(ع)
- ۸۸۴ ۱۸- علایق خانوادگی
- ۸۸۴ ۱۹- علایق خانوادگی خوله بنت ثعلبه
- ۸۸۶ ۲۰- علایق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه
- ۸۸۶ ۲۱- عواطف خانوادگی
- ۸۸۸ ۲۲- عوامل اختلاف خانوادگی
- ۸۸۸ ۲۳- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی
- ۸۸۸ ۲۴- کتمان رازهای خانوادگی
- ۸۸۸ ۲۵- ملاک روابط خانوادگی
- ۸۹۰ ۲۶- موقعیت خانوادگی همسر
- ۸۹۰ ۲۷- ناپایداری روابط خانوادگی
- ۸۹۰ ۲۸- نقش اصالت خانوادگی
- ۸۹۰ ۲۹- همکاری خانوادگی
- ۸۹۲ درباره مرکز

مشخصات کتاب

نام کتاب: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد 44

تحقیق و تالیف: رسول ملکیان اصفهانی - 1400 ش

ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ص: 1

1- حمد

1- آثار حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 24، 22

22 - نیل پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مقام رضا، درگرو صبر، تسبیح و حمد مداوم پروردگار

فاصبر... و سبح... لعلک ترضی

24 - رضایت خاطر و آرامش درون، از ثمرات تسبیح و تحمید خداوند در فرصت های مختلف شبانه روز *

و سبح بحمد ربک... لعلک ترضی

ممکن است رضایت مطرح شده در این آیه، مقابل دل گیری حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از سخنان کافران باشد که در صدر آیه مطرح بود. در این صورت مقصود، رضایت خاطر و آرام یافتن درون خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 6، 8

6 - تسبیح و ستایش (عبادت) پروردگار، زمینه استواری روح و دستیابی به صبر در برابر ناگواری ها *

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

از ارتباط «سبح بحمد ربک» با «فاصبر...»، می توان تأثیر عبادت در تکامل روح و استواری اراده را نتیجه گرفت.

8 - کمال عبادت ، تحقق پذیر در پرتو تنزیه حق از هر کاستی و ستایش او به جهت صفات کمال *

و سبح بحمد ربک

در صورتی که باء در «بحمد» برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که کمال عبادت، متوقف بر دو پایه است: تنزیه حق از کاستی ها و ستایش او بر صفات وجودی و کمالی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 3

ص: 1

3 - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . . . و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . و من الَّیْلِ فَسَبِّحْهُ و اِدْبُرِ النُّجُومَ

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: 1- «حین تقوم» اشاره به تلاش های روزانه «و من الَّیْلِ . . .» نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. 2- آیه شریفه را با «واصبر...» - که در آیه قبل آمده - ملاحظه کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 17,22

17 - توبه استغفار کنندگانی که خداوند را تسبیح و حمد کنند ، در پیشگاه خداوند پذیرفته است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ و استغفره إِنَّه کان تَوَّابًا

22 - تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب عنایت و توجّه خداوند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ و استغفره إِنَّه کان تَوَّابًا

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد؛ به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 7 - 11

11- قال أبو عبدالله (ع) : أئِما عبد أنعم الله علیه بنعمه فعرفها بقلبه و حمدالله علیها بلسانه لم تنفد حتی يأمر الله له بالزیاده و هو قوله : « لئن شکرتم لأزیدنکم »

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: هر بنده ای که خدا به او نعمتی عطا کند، پس او با قلبش آن را بشناسد و خدا را با زبان بر آن نعمت حمد گوید، هنوز حمد او پایان نپذیرفته که خداوند امر می کند تا آن نعمت برای او، زیاد شود و این سخن خداوند است لئن شکرتم لأزیدنکم».

2- آثار عقیده به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 11 - 7

7 - ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إلا أن يؤمنوا بالله العزيز . . . إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنّات تج

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. «الصالحات»، جمع محلی به «ال» و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی، تمام آن چه میسر است. «جنّه»؛ یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

ص: 2

3- آداب حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 14

14 - در ستایش خداوند ، باید سخنی به کار رود ، یا معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی نباشد .

و نحن نسبح بحمدك

برداشت فوق مبتنی بر این وجه است که «با» برای استعانت باشد. بر این مبنا، معنای «نسبح بحمدك» چنین می شود: به وسیله حمد و ستایش، تو را تسبیح و تنزیه می کنیم. روشن است که حمد و ستایش، آن گاه در پی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده، یا معانی در نظر گرفته شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 6

6- برشمردن و به زبان آوردن نعمت ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسح ق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 12، 11، 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

«باء» در «بحمد ربّك» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سبّح» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

11 - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبّح بحمد ربّك قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

12 - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآی الیل فسبّح و أطراف النهار

مراد از «اطراف روز» آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با «آناء اللیل» است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 6

6 - ستایش خداوند ، تنها با سخنی شایسته است که کمترین شائبه عیب شماری و تقیص در آن نباشد .

فسیح بحمد ربک

حمد، زمانی می تواند وسیله تسبیح باشد که در الفاظ و عبارت های برگزیده آن، منزه دانستن خداوند از عیب ها جلوه گر باشد.

ص: 3

4- ارزش تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 14

14 - تداوم بخشیدن به تسبیح و حمد خداوند در تمامی اوقات شب و روز ، کاری ارزشمند و پسندیده

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

تسبیح و حمد خداوند در شب و روز می تواند کنایه از تداوم و استمرار بخشیدن به آنها در همه اوقات باشد.

5- اعطاء سوره حمد به محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 1

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

6- اهتمام موسی (ع) به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 34 - 1

1 - هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع) ، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشركه فی أمری . . . و نذکرک کثیراً

فاعل «نذکرک» موسی و هارون (ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی _ براثر همراهی آن دو_ است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

7- اهمیت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 39 - 5,7

5- حمد و ستایش خداوند برای نعمت ها و بخشش های مهم و غیر مترقبه ، امری است شایسته و بایسته

ص: 4

الحمد لله الذى وهب لى على الكبر اسم عيل و إسح ق

7- وجود فرزند ، نعمت الهى و شايسته حمد و سپاس است .

الحمد لله الذى وهب لى على الكبر اسم عيل و إسح ق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - حجر - 15 - 98 - 1

1- توصيه خداوند به پيامبر (صلى الله عليه و آله) به تسبيح همراه با حمد و ستايش خداوند .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

«باء» در «بحمده» براى مصاحبت است؛ يعنى، تسبيح بايد با حمد و ستايش پروردگار قرين و همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 5

5- لزوم حمد و ستايش خدا و سپاس گزاري به درگاه او ، پس از رهايى از مشكلات

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ . . . فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

با توجه به اين كه ستايش خدا، پس از رهايى از مشكلات، به منظور سپاس گزاري به درگاه او انجام مى گيرد، گفتن «الحمد لله» (ستايش از آن خدا است) دربردارنده شكر و سپاس گزاري نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 46 - 2

2- پيامبر (صلى الله عليه و آله) ، موظف به ستايش پروردگار و نيايش به درگاه او

قُلِ اللَّهُمَّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - نصر - 110 - 3 - 1

1- لزوم تسبيح و حمد خداوند و طلب بخشش گناهان از پيشگاه او

8- پاداش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 17 - 5

5- پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ . . . سَجَّدًا وَسَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ . . . تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ . . . وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

«فاء» در «فلا تعلم نفس» تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می

ص: 5

شود: «مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند». با توجه به تقریر احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

9- تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 15

15 - ربوبیت خداوند، مقتضی تسبیح و حمد پیوسته او است.

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

10- تداوم حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 5

5 - فرشتگان، همواره در حال ستایش، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الْمَلَائِكَةُ يَسْبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

فعل مضارع «یسبِّحون» افاده استمرار می کند.

11- تعلیم حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 1

1 - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قُلِ اللَّهُمَّ

کلمه «اللَّهُمَّ» در زبان عرب، اختصاصاً برای ندای خداوند به وقت دعا به کار می رود؛ یعنی، یا الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 1

1_ تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

قل اللهم مالک الملک

ص: 6

12- تعلیم روش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 2

2- تعلیم شیوه ستایش به انسان ها از سوی خداوند

وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولداً

13- توصیه به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 4

4 - پرداختن به حمد و ستایش خدا ، توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 2

2 - تسبیح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او ، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم ، به دین ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

إذا جاء نصر الله و الفتح . و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجا . فسبّح بحم

14- حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 52 - 5

5- حضور انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با ستایش خداوند است .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

«بحمده» حال برای ضمیر «تستجیبون» است و معنای آن چنین است: شما دعوت خدا را اجابت می کنید در حالی که خدا را حمد می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 6

6 - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد فى الأولى و الأخره

ص: 7

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 5

5- تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آن خداوند است .

وله الحمد فی الآخره

15- حمد اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 52 - 7

7- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب «یدعوکم» منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

16- حمد اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 10، 9

9- همه خلائق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهند پرداخت .

وقیل الحمد لله رب العلمین

10 - همه خلائق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

وقضی بینهم بالحقّ وقیل الحمد لله ربّ العـلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلائق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

17- حمد بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15_ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : « ان اطیب شیء فی الجنه و اذّه حب اللّٰه و الحب فی اللّٰه و الحمد لله قال اللّٰه عزوجل :
« و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین » . . . »

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و «حمد» برای خداست. خدای عزوجل فرمود:

ص: 8

آخرین دعا [وگفتار] مؤمنان در بهشت «الحمد لله رب العالمین» است»

18- حمد حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 1

1 - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم

19- حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 10، 3، 1

1 - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه است و مفید استغراق می باشد؛ یعنی، کل حمد لله.

3 - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

10_ «عن ابی عبدالله (ع) فی قوله: «الحمد لله» قال: الشکر لله و فی قوله «رب العالمین» قال: خالق المخلوقین . . .» ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «الحمد لله» یعنی شکر مخصوص خداست و «رب العالمین» یعنی، آفریننده مخلوقات . . .» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 6 - 3

3 - ستایش خدا و اظهار عبودیت به درگاه او از آداب دعاست .

الحمد لله رب العلمین . . . إهدنا الصراط المستقیم

از اینکه دعا به درگاه خدا و درخواست از او (اهدنا الصراط المستقیم)، پس از حمد و ستایش الهی و اظهار عبودیت در پیشگاه وی ذکر

شده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 10،12،13

10_ فرشتگان ، تسبیح کننده ، ستایشگر و تقدیس کننده خدا هستند .

و نحن نسبح بحمدك و نقدر لك

ص: 9

12_ خلوص فرشتگان در تسبیح و ستایش خداوند

نحن نسبح بحمدک و تقدس لک

«لک» علاوه بر تعلقش به «تقدس»، متعلق به «نسیح» نیز می باشد. خلوص از لام «لک» استفاده شده است؛ یعنی: تقدسک لک لا لغیرک.

13_ تسبیح خداوند همراه با ستایش، روشی نیکو در تسبیح اوست.

و نحن نسبح بحمدک

«باء» در «بحمدک» به معنای مصاحبت بوده و نیز می تواند برای استعانت باشد. برداشت فوق بر اساس وجه اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 12،13

12 - ستایش خداوند در پایان دعا، از آداب دعاست.

ربنا وابعث .. إنک أنت العزیز الحکیم

13 - ستایش خداوند، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست.

ربنا وابعث فیهم إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 185 - 31

31 - توجه به عظمت خدا و ستودن او به بزرگی، از اهداف تشریح روزه است.

و لتکبّروا اللّٰه علی ما هدیکم

«تکبیر» (مصدر لتکبّروا) به معنای: بزرگ شمردن و با عظمت دانستن است. «لتکبّروا اللّٰه» علت غایی برای تشریح روزه است؛ یعنی، چون روزه انسانها را متوجه عظمت خدا می کند، حکم روزه برای اهل ایمان مقرر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 131 - 18،20

18 _ خداوند بی نیاز ، سزاوار ستایش است .

و كان الله غنياً حميداً

20 _ خداوند ، حمید و در خور ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا الله و إن تكفروا... و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 12، 3، 2، 1

1 _ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذي خلق السموت والأرض و جعل الظلمت و النور

2 _ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذي خلق

ص: 10

«الذی خلق»، صفت «الله» و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم «الحمد لله» بر وصف «الذی خلق» است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

3_ تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد لله الذی

«ال» در «الحمد لله» یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او بازمی گردد.

12_ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد لله الذی خلق .. ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

اگر جمله «الذین ..» عطف بر «الحمد لله» و «یعدلون» به معنای «عدول» باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 18، 13، 10

10_ همه ستایشها مخصوص خداوند است.

و الحمد لله رب العلمین

13_ تنها خداوند سزاوار ستایش است.

و الحمد لله رب العلمین

18_ خداوند به سبب نبود ساختن امتهای ستمگر، سزاوار ستایش است.

فقط دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 12

12_ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التَّابُونَ الْعَبْدُونَ .. و الناهون عن المنکر

برداشت فوق‌بدان احتمال است که «الحامدون السائحون . . .» از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 10

10 - تنها خداوند ، سزاوار هر گونه حمد و ستایش است .

أن الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 23

23 - ستایش خداوند پس از اظهار امید به یاری و کمک او ، از آداب پسندیده و نیکوست .

ص: 11

عسى الله أن يأتيهم بهم جميعاً إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 101 - 1,26

1_ يوسف (ع)، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع)، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قد ءاتيتنى ... فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصـلـلـحـين

26_ یاد کردن از نعمت های خداوند و ستایش کردن او با صفاتی شایسته، از آداب دعا به درگاه اوست .

رب قد ءاتيتنى من الملك .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصـلـل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - رعد - 13 - 13 - 1,2,6,7,8

1_ غرش آسمان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اوست .

و یسبح الرعد بحمده

«رعد» به صدایی که از ابرها شنیده می شود اطلاق می گردد که در فارسی به آن تندر و یا غرش آسمان می گویند.

2_ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبح .. و الملـلـنـکه

«الملائکه» عطف بر «الرعد» است؛ یعنی: «یسبح الملائکه بحمده من خیفته».

6_ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و الملـلـنـکه من خیفته

«تسبیح» (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

7_ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا او را تسبیح می کنند .

و یسبح الرعد بحمده

«باء» در «بحمده» می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

8_ تسبیح خداوند همراه ستایش او ، روشی نیکو در تسبیح خدا

و یسبح الرعد بحمده والمملئکه من خیفته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 39 - 1,2,3

1- حضرت ابراهیم (ع) به سبب فرزنددار شدنش در سالخوردگی ، خدا را حمد و ستایش کرد .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسم عیل و إسحـق

2- حمد و ستایش ، مخصوص خدا و شایسته مقام اوست .

الحمد لله

3- ستایش از هر موجودی ، ستایش خداوند است . *

الحمد لله

ص: 12

الف و لام «الحمد» برای جنس است. بنابراین، می توان گفت که مقصود از حمد این است که همه ستایشها بازگشتش به ستایش خداوند است؛ زیرا ستایش از هر چیزی به سبب کمالی است که در آن وجود دارد و هر کمالی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 75 - 13، 14

13- حمد و ستایش ، مخصوص خداوند است .

الحمد لله

14- همه ستایش ها ، از آن خداوند و شایسته اوست .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه بوده و مفید استغراق (فرا گرفتن) است؛ یعنی: «کل حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 7، 9، 10، 11، 22

7- موجودات هستی ، بدون استثنا در حال تسبیح خداوند یکتا ، همراه با ستایش اویند .

وإن من شيء إلا يسبح بحمده

بنابر اینکه بای «بحمده» برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که موجودات، همراه با تسبیح، ثناگوی خداوندند.

9- تسبیح موجودات برای خداوند ، از طریق حمد و سپاس آنهاست .

يسبِّح بحمده

بنابر حقیقی بودن اضافه «تسبیح» به موجودات و استعانت بودن «با» در «بحمده» نکته فوق به دست می آید.

10- همه موجودات ، علاوه بر تنزیه خداوند از هرگونه شریک و نقص ، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت دارند .

يسبِّح بحمده

بنابر اینکه «با» در «بحمده» مصاحبت باشد، استفاده می شود که علاوه بر «تنزیه» او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، به وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف می کنند.

11- با وجود تسبیح و ثناگویی تمامی موجودات آفرینش برای خداوند، شرک به او و تنقیصش، کاری ناروا و غیر منطقی است.

أفأصفكم ربكم بالبنين . . . تسبیح له السموات السبع والأرض

ذکر «تسبیح له السماوات والأرض» پس از «أفأصفكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملائكة إناثاً» به این معناست که: وقتی تمامی موجودات تسبیح گوی خداوندند، شریک گرفتن برای او عملی ناشایست است.

22- «عن أبي الصباح عن أبي عبدالله (ع) قال: قلت له: قول الله «وإن من شيء إلا يسبح بحمده» قال: كل شيء يسبح بحمده وأنا لنرى أن ينقض الجدر هو تسبيحها»

ابی الصباح گوید: به امام صادق (ع) گفتم: مراد از سخن خداوند «وإن من شيء إلا يسبح بحمده» چیست؟ حضرت جواب فرمود: تمام موجودات با سپاس و ستایش، تسبیح خدا می کنند و همانا ما شکستن دیوار را تسبیح او می بینیم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 52 - 2

2- خداوند، به هنگام برپایی قیامت، مشرکان را به حیات مجدد فرا می خواند و آنان بی هیچ درنگ و تأملی، به او پاسخ گفته و با

ص: 13

ستودن او زنده خواهند شد .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمدہ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر «کم» منکران معاد و مشرکان باشد که از زمان وقوع قیامت سؤال می کردند و نیز «یوم» بدل برای «قریباً» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 6، 4، 1

1- پیامبر (صلی الله علیه و آله)، موظف به ستایش خدا و منحصر دانستن همه ستایش ها به ذات یکتای او

وقل الحمد لله

الف و لام «الحمد» برای استغراق (شمول و فراگیری) و لام «الله» برای اختصاص است.

4- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

وقل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آن خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

6- اختصاص همه ستایش ها به خداوند، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . . . و لم یکن له ولی

اگر خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد؛ پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 1 - 1

1- تنها، خداوند، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

«ال»، در «الحمد» برای استغراق است «الحمد لله»؛ یعنی، تمام ستایش ها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 89 - 13

13- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به «بهترین وارث بودن» یاد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 4,5

ص: 14

4 - خدا، تنها وجود غنی، بی نیاز، حمید و ستوده در سراسر هستی

وإنَّ اللهَ لَهُو الغنَى الحمید

«هو» ضمیر فصل و «الغنی» خبر اول «إنَّ» و «الحمید» خبر دوم است و «ال» در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است؛ زیرا با توجه به این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری - که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود - وجود ندارد.

5 - سراسر هستی، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . . . وإنَّ اللهَ لَهُو الغنَى الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 1,8

1 - روی آوردن به حمد و ستایش الهی، پس از استقرار در کشتی، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت . . . فقل الحمد لله

«إستواء» (مصدر «استویت») به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

8 - همه ستایش ها، از آن خداوند است.

فقل الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق می باشد؛ یعنی: «کلّ حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 58 - 8,9

8 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) به تسبیح و تنزیه همراه با حمد و ستایش خداوند

و سبّح بحمده

«باء» در «بحمده» برای مصاحبت است.

9 - قرین و همراه کردن تسبیح و تنزیه خداوند به حمد و ستایش او، امری نیکو و پسندیده

و سَبِّحْ بِحَمْدِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 4، 2

2 - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

4 - همه ستایش ها ، مخصوص خداوند است .

و قالوا الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه است و افاده استغراق می کند؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 15

1 - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

3 - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه است و افاده استغراق می کند؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

5 - تنها خدا، شایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 5، 4، 3، 1

1 - ستایش ها، همه از آن خداوند است .

وقل الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین «الحمد لله»؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

3 - تنها خداوند، شایسته حمد و ستایش

وقل الحمد لله

از آن جایی که خدا سرچشمه هر کمال و زیبایی است و دیگران هر چه دارند از او گرفته اند، پس تنها کسی که شایسته ستایش است، همان کمال مطلق می باشد.

4 - پرداختن به حمد و ستایش خدا، توصیه الهی به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

وقل الحمد لله

5 - برخورداری پیامبر (صلی الله علیه و آله) از هدایت های قرآن و مقام رسالت ، مقتضی سپاس گزاری او به درگاه الهی و ستایش ذات خدای یگانه در همه حال

و أن أتلوا القرآن .. المنذرين . و قل الحمد لله

آیات پیشین، در زمینه رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود و نیز آن حضرت مأموریت یافت که بر طریق تلاوت قرآن استوار بماند؛ بنابراین آمدن عبارت "قل الحمد لله" در پی تلاوت آن، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 3

3 - همه ستایش ها تنها از آن خداوند است .

له الحمد

«ال» در «الحمد» جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین «له الحمد»؛ یعنی، «له کلّ حمد». گفتنی است که تقدیم «له» (مسند) بر «الحمد» (مسندالیه) مفید حصر می باشد.

ص: 16

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 10, 12, 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به حمد و ستایش خداوند بود .

قل الحمد لله

10 - همه حمد و ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد» برای جنس و مفید استغراق است.

12 - حمد خداوند ، با توجه به تمام بودن حجت برای اثبات وحدانیت خداوند ، امری لازم است .

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله قل

فرمان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای حمد و ستایش خداوند، پس از طرح این پرسش فرضی: «چه کسی نازل کننده باران از آسمان و حیات بخشیدن به زمین با آن است؟» و پاسخ گرفتن از مشرکان، دائر بر این که «منشأ همه، خدا است»، مفید حقیقت یاد شده است. به عبارت دیگر، می توان گفت، متعلق حمد، محذوف است و می تواند چیزی از قبیل «الحمد لله على تمام الحجج على التوحيد» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 3

3 - اختصاص همه حمد ها به خداوند ، دلیل لزوم تسبیح او است .

فسبحن الله .. و له الحمد ... عشياً

جمله «و له الحمد» معترضه و «عشياً» عطف به محل «حين تمسون» است. لذا این دو آیه درصدد توصیه به تسبیح گویی خداوند در وقت های چهارگانه یاد شده است. ذکر جمله معترضه در بین توصیه بالا، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 4, 6, 10

4 - شایسته است که پس از مجاب شدن افراد و اعتراف شان به توحید ، خداوند ، حمد و ستایش شود .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله قل الحمد لله

6 - تنها، آفریدگارِ یک تا، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم .. ليقولنَّ اللهَ قل الحمد لله

«ال» در «الحمد» برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

10 - مشرکان، از اختصاص داشتن همه حمد و سپاس ها به درگاه خداوند، بی خبرند .

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

بنابراین احتمال که متعلق و مفعولٌ به «لا يعلمون» همین فرمانی باشد که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده است (لا يعلمون أنّ الحمد لله)، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 17

8 - توصیه خداوند به ادای حمد به درگاه او، به خاطر انجام دادن وظیفه انسان ها است و نه نیاز خدا به حمد.

قل الحمد لله .. إن الله هو الغني الحميد

اعلام بی نیازی مطلق خداوند در پی توصیه به حمد او، می تواند به حقیقت یاد شده، دلالت داشته باشد.

11 - تنها خداوند، شایسته و سزاوار حمد و سپاس است.

إن الله هو .. الحميد

«الحميد» می تواند صفت مفعولی و به معنای «محمود» باشد؛ یعنی، کسی که مورد ستایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 10

10 - تسبیح مؤمنان به درگاه خدا، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است.

سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 6، 1

1 - تمامی حمد ها و ستایش ها، از آن خداوند است.

الحمد لله

«ال» در «الحمد» برای جنس بوده و مفید استغراق است.

6 - تنها خداوند، شایسته حمد و ستایش است.

وله الحمد في الآخرة

تقدیم خبر و معرفه بودن مبتدا و خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 3، 1

1 - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

3 - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 34 - 7، 5

5 - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

ص: 18

7 - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 9، 3، 1

1 - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح، جنسیه بوده و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

3 - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

9 - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله ربّ العـلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که «ربّ العالمین» به منزله تعلیل برای «الحمد لله» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 35 - 14

14 - ستایش خداوند ، از آداب دعا و عرض حاجت به درگاه او است .

ربّ اغفر لی و هب لی ملکاً .. . إنّک أنت الوهّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 29 - 16، 15، 13

13 - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

15 - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

16 - ناآگاهی بیشتر مردم ، از شایستگی انحصاری حمد و ستایش برای خداوند

الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که متعلق جهل، مسأله حمد و اختصاص آن به خدا باشد؛ یعنی، «بل أكثرهم لا يعلمون أن الحمد لله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 17

17 - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت ... ع-لم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

ص: 19

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 74 - 1

1 - سپاس گزاری تقوایبندگان از خداوند ، به خاطر وفا کردن به وعده های خود درباره آنان

وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 2،9،12،14،20

2 - قرین و همراه کردن تسییح و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده است .

يسبّحون بحمد ربهم

«با» در «بحمد» برای مصاحبت است.

9 - همه خلائق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهند پرداخت .

وقيل الحمد لله رب العلمين

12 - همه ستایش ها از آن خداوند است .

وقالوا الحمد لله .. وقيل الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله»

14 - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

وقالوا الحمد لله .. وقيل الحمد لله

20 - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله رب العلمين

برداشت یاد شده از آن جا است که «ربّ العالمین» به منزله تعلیل برای «الحمد لله» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 7 - 2،1

1 - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم

2 - همراه ساختن تسبیح و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده

یسبحون بحمد ربهم

«با» در «بحمد» برای مصاحبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 13

13 - همراه کردن تسبیح خداوند با حمد و ستایش او ، توصیه الهی

و سبح بحمد ربك بالعشي والإبكر

ص: 20

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 18، 12، 10

10 - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد لله

«ال» در «الحمد لله» به اصطلاح جنسیه بوده و مفید استغراق است؛ یعنی، «کلّ حمد لله».

12 - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

18 - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله ربّ العـلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که «ربّ العالمین» به منزله تعلیل برای «الحمد لله» می باشد.

19 - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد لله ربّ العـلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 42 - 9

9 - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف «حمید» برای خداوند _ پس از بیان نزول قرآن _ می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 5 - 5

5 - فرشتگان ، همواره در حال ستایش ، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و المَلِكُ يَسْبَحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

فعل مضارع «يسبَحون» افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 11، 10

10 - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الوليّ الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که «حمید»، وصف «ولّی» باشد؛ نه خبر بعد از خبر.

11 - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ، جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. ولکن ینزل بقدر ما یشاء ... و هو الذی ینزل الغیث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 21

1 - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش بی پایان

فَللّٰهِ الْحَمْدُ

تقدم «لله» بر «الحمد» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 40 - 3

3 - تنزیه و ستایش پروردگار ، روح نماز و عبادت است . *

وَسَبِّحْ . . . قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ . وَ مِنْ أَلْيَلٍ فَسَبِّحْهُ

در صورتی که این آیه با آیه قبل، نظر به نمازهای پنجگانه داشته باشد؛ از به کار رفتن تعبیر تسبیح و تحمید به جای «صلاه»، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 48 - 11، 9

9 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور تسبیح و حمد پروردگار ، هم زمان با آغاز هر تلاش

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

درباره «حین تقوم» چندین احتمال از سوی مفسران مطرح شده است. به نظر می رسد ارتباط «و سبح» با «و اصبر لحکم ربّک» می تواند قرینه باشد بر این که مراد، هنگام برخاستن پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای انجام تبلیغ و رسالت است.

11 - لزوم تنزیه خداوند از کاستی ها ، همراه با ستایش او بر جلوه های عالی پروردگاری اش

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

«باء» در «بحمد» برای مصاحبت است. از ارتباط «سبح بحمد» با «ربّ» مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 6 - 8

8 - اعمال نیک و بد خلق ، بی تأثیر در ذات بی نیاز و ستوده خداوند

و من يتوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 1 - 8،10

8 - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

له الحمد

«ال» در «الحمد» به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، «له کلّ حمد».

10 - تنها خداوند ، سزاوار و باسته ستایش است .

له الحمد

ص: 22

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 6 - 14، 15

14 - خداوند ، مستحق ستایش و ستودنی است .

والله .. حمید

15 - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

والله غنی حمید

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که «حمید»، صفت برای «غنی» باشد؛ نه صفت مستقل برای «الله».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 3، 4، 5، 14، 21

3 - خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فسّیح بحمد ربّک

4 - شایسته ترین سخن برای نفی عیب از خداوند ، ستایش او است .

فسّیح بحمد ربّک

«باء» در «بحمد ربّک» برای استعانت است؛ برخی آن را «باء» مصاحبه می دانند. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

5 - لزوم همراه ساختن تسبیح با حمد خداوند

فسّیح بحمد ربّک

«باء» در «بحمد ربّک» ممکن است برای مصاحبه باشد.

14 - ذکر صفات جلال و جمال خداوند ، پیش از درخواست از او ، از آداب دعا و استغفار

فسّیح بحمد ربّک و استغفره

فرمان «تسبیح»، بر ذکر صفات جلالی (سلبی) و فرمان «حمد» بر ذکر صفات جمالی (ثبوتی) دلالت دارد و تقدیم آن دو بر فرمان استغفار، بیانگر برداشت یاد شده است.

21 - فرمان خداوند به تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز توفیق یافتن انسان برای توبه به درگاه او است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

عبارت «تاب الله علیه»؛ یعنی، او را به توبه موفق ساخت (قاموس). جمله «إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا»، تعلیل است و بیان می کند که دستورهای سه گانه خداوند در این آیه، به دلیل «تَوَّاب» بودن خداوند صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 127 - 13

13 - ستایش خداوند ، از آداب دعاست .

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 267 - 12

12 _ خداوند ، سزاوار ستایش

ص: 23

أَنَّ اللَّهَ غَنَىٰ حَمِيدٌ

«حمید» در برداشت فوق به معنای محمود (ستایش شده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 26 - 2

2_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، موظف به ستایش پروردگار

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمَلِكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 8 - 7

7- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إِن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

«فإن الله لغني حميد» در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

20- حمد خدا در آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 1

1 - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

بنابراین که جمله «وله الحمد..» خبری باشد و «فی السماوات» متعلق به «الحمد» باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم «له» بر «الحمد» مفید حصر است و «ال» در «الحمد» برای جنس است.

21- حمد خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 29 - 3

3 - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل رب أنزلني منزلاً مباركاً وأنت خير المنزلين

«منزل» در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله «و أنت خير المنزلين» (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

ص: 24

22- حمد خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 18 - 1

1 - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

وله الحمد فی السموت والأرض وعشیاً و حین تظهرون

بنابراین که جمله «وله الحمد..» خبری باشد و «فی السماوات» متعلق به «الحمد» باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم «له» بر «الحمد» مفید حصر است و «ال» در «الحمد» برای جنس است.

23- حمد خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 12، 7

7 - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

«آناء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من آناء اللیل»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

12 - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من ءانآی الیل فسبح و اطراف النهار

مراد از «اطراف روز» آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با «آناء اللیل» است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

24- حمد خدا در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 10

10 - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبح

ص: 25

25- حمد خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 18

18 - نماز های یومیه ، مشتمل بر تسبیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه ، پیش از هجرت

و سَبِّحْ ... قبل طلوع ... ءانآي اليل فسبِّحْ و أطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و عشا (من آناء اللیل). برخی با توجیه (اطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره «طه» در مکه و پیش از سوره «اسرا» - که حکم نماز ظهر در آن آمده - نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

26- حمد داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 2

2 - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمٰن علماً و قالوا الحمد لله

27- حمد در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 1 - 5

5 - تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آن خداوند است .

وله الحمد فی الآخره

28- حمد در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 17، 15، 14

14 - تسبیح خداوند (منزه دانستن او از هر نقص) ، سزاوار است همواره با ستایش او و آراسته دانستن او به هر کمال همراه باشد .

چنانچه «بحمد ربّک» حال برای فاعل «سبّح» باشد، مفاد جمله چنین می شود: خدا را تسبیح کن، در حالی که او را حمد و

ستایش می کنی.

15 - تسبیح خداوند به وسیله ستایش او بر صفات کمالی اش ، روشی نیکو در تسبیح است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

در برداشت یاد شده «باء» در «بحمد ربّک» برای استعانت گرفته شده است.

17 - تسبیح و تنزیه پروردگار ، باید با ستایش هایی باشد که او خود را با آنها ستوده است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

در باره اضافه «حمد» به «ربّ»، دو وجه ادبی احتمال می رود: 1_ حمد به فاعل خود اضافه شده باشد. 2_ حمد به مفعول خود اضافه شده باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر وجه اول است و مفاد آن این است که خدای خویش را، با حمدی که او خود را به آن ستوده است تسبیح کن.

29- حمد در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 129 - 13، 12

12 - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث .. إنک أنت العزیز الحکیم

13 - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فیهم .. إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 89 - 13

13- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به «بهترین وارث بودن» یاد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 3

3- تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . . . و سبح بحمد ربك حين تقوم . و من الیل فسبحه و ادب ر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: 1_ «حين تقوم» اشاره به تلاش های روزانه «و من الیل . . .» نظر به لحظه های آرام

ص: 27

شب داشته باشد. 2_ آیه شریفه را با «واصبر...» _ که در آیه قبل آمده _ ملاحظه کنیم.

31- حمد در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 49 - 3

3 - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . . . و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . و من اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ و ادب ر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: 1_ «حین تقوم» اشاره به تلاش های روزانه «و من اللَّيْلِ . . .» نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. 2_ آیه شریفه را با «واصبر...» _ که در آیه قبل آمده _ ملاحظه کنیم.

32- حمد در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16، 12

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ و الإِبْكَرِ

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ و الإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

33- حمد در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16، 12

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ و الإِبْكَرِ

16 - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

ص: 28

34- حمد دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 6

6 - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد فی الأولى و الآخره

35- حمد سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 2

2 - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

36- حمد غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 13، 3

3 - تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد لله الذی

«ال» در «الحمد لله» یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او باز می گردد.

13 - ستایش غیر خداوند، کفرپیشگی است.

الحمد لله الذی خلق ... ثم الذین کفروا بریهم یعدلون

چون در صدر آیه اختصاص حمد به خداوند مطرح شده، ممکن است مراد از «الذین کفروا» کسانی باشند که با بستن چشم خود از حقیقت (کفورری) در ستایش برای خداوند، همسان قرار می دهند.

37- حمد قبل از طلوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 6،11

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، موظف به تسبیح و حمد پروردگار، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سبّح بحمد ربّک قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

ص: 29

«باء» در «بحمد ربّک» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سَبِّح» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

11 - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

38- حمد قبل از غروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 11، 6

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

«باء» در «بحمد ربّک» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سَبِّح» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

11 - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

39- حمد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 2

2_ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... التَّابُونَ... وَالْحَفْظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ

40- حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 1

1 - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و تری الملئکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم

ص: 30

41- حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 18

18- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی - چون تسبیح و حمد موجودات - بردبارانه برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لا تفتقهنون تسبیحهم إنه کان حلیماً غفوراً

تعلیل «إنه کان حلیماً غفوراً» دلالت می کند بر اینکه «لا تفتقهنون تسبیحهم» (تفقه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 111 - 4

4- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود ، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

وقل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آن خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

42- حمد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 10،15

10 - تسبیح مؤمنان به درگاه خدا ، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است .

سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

15 - مؤمنان ، برای تسبیح و حمد خداوند ، استکباری از خود بروز نمی دهند .

وَسَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که متعلق «لایستکبرون» تسبیح و حمد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 15 - 4

4- بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم .. . أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنيّ

ص: 31

44- دلایل حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 9

9_ تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به اوست .

الحمد لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 3 - 5

5 - رحمانیت و رحیمیت خدا ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله رب العلمین . الرحمن الرحیم

«الرحمان الرحیم» نیز مانند «رب العالمین» به منزله دلیل برای «الحمد لله» است؛ یعنی، چون خداوند رحمان و رحیم است، شایسته ستایشها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 4 - 6

6 - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

«مالک یوم الدین» نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای «الحمد لله» است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 5

5 - انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربّک یخلق ما یشاء و یختار .. یعلم ... و هو الله لا إله إلا هو له الحمد فی ا

از ارتباط میان آیات گذشته _ که بیانگر اوصاف خداوند بود _ و این آیه برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا ذکر انحصار ستایش ها به

خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 6

6 - اختراع و نوآفرینی جهان از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله فاطر السموت والأرض

توصیف خداوند به «فاطر» _ پس از اختصاص دادن حمد به او_ در واقع توجیهی برای این اختصاص است.

ص: 32

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 36 - 2

2- معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ... و قیل الیوم ننسیکم... فالیوم لایخرجون... فَلَلهُ الْحَمْدُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 2 - 4

4- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

45- روحیه حمد در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 112 - 1

1_ مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التَّابُونَ الْعِبَادُونَ الْحَمْدُونَ

46- روش حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 9

9_ در ستایش خداوند باید سخنی گفته شود و معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی برای او نباشد .

و یَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلْئِکَةُ مِنْ خِیْفَتِهِ

برداشت فوق، مبتنی بر این وجه است که «باء» در «بحمده» برای استعانت باشد. بر این مبنا «یَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلْئِکَةُ» ; یعنی، رعد و فرشتگان به وسیله حمد و ستایش خدا وی را تسبیح می کنند. روشن است حمد و ستایش آن گاه در پی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده و معانی قصد شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

47- زمینه حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 180 - 6

6_ باور به خداوندِ دارنده تمام کمالات و منزّه از هر نقص و عیب ، وادارکننده انسان به ستایش و پرستش اوست .

ص: 33

و لله الأسماء الحسنى فادعوه بها

حرف «فاء» در «فادعوه» سببیه است و دلالت می کند که لزوم پرستش و خواندن خدا به این سبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزّه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 9

9 - آفرینش انسان ، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 15 - 12

12 - توجه به مقام ربوبی پروردگار ، مایه تواضع و ستایش به درگاه وی و تنزیه او از هر کاستی و نقص است .

خَرُّوا سَجْدًا وَ سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

48- زمينه حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 5 - 16

16 - حمد و ستایش خدا ، تنها با یاری او امکان پذیر است .

الحمد لله .. إياك نستعين

از وظایفی که از سوره حمد استفاده می شود، لزوم ستایش خداوند است. بنابراین می توان گفت این معنا نیز متعلق «نستعين» است؛ یعنی: نستعينك على ان نحمدك.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 10

10_ خوف فرشتگان از خداوند ، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد .

و يسبح .. والمملئكه من خيفته

«من» در «من خيفته» برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 1 - 10، 4

4- خداوند ، به جهت نازل کردن قرآن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سزاوار همه ستایش ها است .

الحمد لله الذي أنزل .. الكتـب

توصیف خداوند به «الذی أنزل ..»، گویای علّت و دلیل اختصاص حمدها و ستایش ها به او است.

ص: 34

10- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد لله الذی . . . لم يجعل له عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 16

16 - توجه به تدبیر خداوند و قانون مند بودن عذاب ها و کیفر های او ، برانگیزنده انسان به تسبیح و ستایش او در همه حال

و لولا کلمه . . . بحمد ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 3

3 - لزوم حمد و ستایش به درگاه خدا ، در مقابل برخورداری از نعمت علم و دانش

و لقد آتینا داود و سلیمان علمًا و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 59 - 2

2 - هلاک شرک پیشگان مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران ، شایان سپاس گذاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

رهنمود الهی به حمد و ستایش برای او و فرستادن درود و سلام بر بندگان برگزیده اش (پیامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 93 - 6

6 - عظمت معنوی انسان ها ، مقتضی پرداختن به سپاس و ستایش خدا در همه حال

أمرت أن أعبد . . . أن أكون من المسلمین . و أن أتلو القرآن . . . و قل الحمد لله

آیه بالا نشان می دهد _ که حتی فردی مثل پیامبر (صلی الله علیه و آله) که نزدیک ترین خلق به خدا است _ هیچ گاه نباید از یاد خدا و سپاس و ستایش او غافل شود؛ یعنی، این گونه نیست که انسان ها با رسیدن به مقامات معنوی، از عبودیت، تسلیم و ستایش خدا معاف شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 13

13 - توجه به خالقیت، رازقیت و مدیریت خدا، زمینه ساز حمد او است .

و لئن سألتهم من خلق .. و سخر .. الله یسط الرزق ... و لئن سألتهم من نزل ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 35

5- عقیده به یک تایی خدا در خالقیت، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق .. ليقولنَّ اللهَ قل الحمد لله

11 - پیچیده نبودن فهم توحید و روشنی آن حتی در نظر مشرکان، شایسته حمد به درگاه خدا است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ اللهَ قل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی بر پدیده های عالم، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد لله .. لله ما فی السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- مالکیت مطلق خداوند بر موجودات عالم، مقتضی اختصاص همه حمد و ستایش ها به او است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

صله موصول «الذی» که ما فی السماوات و ما فی الأرض است می تواند علت انشای ثنا و حمد برای موصول باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- احاطه علمی خداوند به همه جنبش ها و سکون های موجودات، مقتضی اختصاص داشتن همه ستایش ها و حمد ها به او است .

الحمد لله الذی له .. يعلم ما یلج فی الأرض و ما یرج منها و ما ینزل من السماء

عبارت «يعلم ما» می تواند حال برای ضمیر «له» باشد. بنابراین، معنا چنین می شود: حمد برای کسی است که مالک همه موجودات است؛ در حالی که از همه چیز خبر دارد.

8 - غنا و بی نیازی هیچ کس جز خداوند، قابل ستایش و مدح نیست .

والله هو الغنى الحميد

برداشت یاد شده از آمدن صفت حمید، به دنبال صفت غنی به دست می آید.

9 - خداوند، دارای جود و بخشش ستایش آفرین

والله هو الغنى الحميد

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فرد غنی آن گاه ستایش می شود که جود و بخشش داشته باشد؛ و گرنه شایسته ستایش نخواهد بود و خداوند این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 182 - 11

11 - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد لله رب العالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 75 - 21، 10

10 - همه خلائق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

وقضى بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلائق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

21 - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد لله رب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 28 - 9

9 - دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

وهو الذى ينزل الغيث من بعد ما قنطوا .. وهو الولي الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 36 - 10، 6

6 - رهیافت انسان به ستایش پروردگار ، در پرتو توجه به نظام عالی تدبیر او در هستی

حم .. إن في السموت والأرض لآيات للمؤمنين... فله الحمد

با توجه به قرار گرفتن این آیه در بخش پایانی سوره، «فاء» در «فله» تعریع بر کل محتوای سوره است که در صدد نمایاندن مظاهر تدبیر

والای الهی در هستی - به ویژه در نظام زندگی انسان - است.

10 - مدیریت یگانه خداوند بر جهان ، جلوه ای از جمال هستی و شایسته حمد و ستایش

فَللّٰهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

ذکر وصف «ربّ السماوات و ..» در پی تأکید بر ربوبیت عام، فراگیر و یگانه خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که گردش نظام هستی با مدیریت واحد، خود جمال و زیبایی دیگری برای هستی است و در نتیجه خالق و مدیر هستی، شایسته حمد و سپاس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 39 - 7

7 - پروردگاری خداوند ، مقتضی گرایش انسان ها ، به تنزیه و ستایش او

ص: 37

و سبِّح بحمد ربِّک

از ارتباط میان «و سبِّح..» با وصف «ربِّ»، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 23 - 2

2- آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

ألم نخلقکم من ماء مهین . . . فقد رنا نعم القـدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 9

9- توجّه به ربوبیت خداوند ، زمینه ساز تسبیح ، حمد و استغفار به درگاه او است .

فسبِّح بحمد ربِّک و استغفره

49- سستی در حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نصر - 110 - 3 - 11

11 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و

عنایت مجدد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است _ به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد _ استغفار ویژه ای است. این

استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با «توّاباً»، به معنای درخواست رجوع مجدد

و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

50- عوامل حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 52 - 6

6- ظهور حقایق در رستاخیز، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

جمله «تستجیبون بحمده» می‌رساند که این پاسخ‌گویی، همراه با زور و اکراه نیست؛ بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی‌دارد.

ص: 38

51- عوامل حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 13 - 11

11_ توجه به جلال و هیبت خداوند ، وادار کننده موجودات به تسبیح و ستایش او

و یسَّبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَأُكَّةُ مِنْ خِيفَتِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 98 - 5,9

5- حمایت خداوند از بندگان ، شایسته تسبیح ، سپاسگزاری و عبادت اوست .

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك .. فسَّبِحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

«فا» در «فَسَّبِحْ» تفریع بر آیه قبل است (آیه قبل درصدد دلداری به پیامبر(صلی الله علیه و آله) در برابر سخنان آزار دهنده مشرکان بود).
تفریع این آیه بر آن می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

9- ربوبیت خداوند ، شایسته تسبیح ، حمد ، سجده و فروتنی انسان به پیشگاه او

فَسَّبِحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

52- عوامل حمد غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 14

14 - ستایش غیر خدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

متعلق «لا يعلمون» حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که «ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است.» و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

53- عوامل حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- عظمت وحی ، موجب تسبیح و ستایش فرشتگان

کذلک یوحی إلیک . . . و الملئکة یسبحون بحمد ربهم

جمله «و الملائکه . . .» عطف بر جمله «تکاد السماوات . . .» است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که

ص: 39

آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا وا می دارد.

54- فضیلت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 11، 12

11 - تسبیح و ستایش پروردگار، پیش از طلوع و غروب آفتاب، دارای ارزش و آثاری ویژه است.

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

12 - تسبیح و ستایش پروردگار، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب، دارای آثار و ارزشی ویژه است.

و مِنْ أَمَّا الْيَلِ الْفَسِيحِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

مراد از «اطراف روز» آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با «آناء اللیل» است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

55- فضیلت سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 1، 2، 6

1- «سوره حمد» از عطایای خداوند بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)

و لقد آتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسران بر آنند که مراد از «سبعاً» سوره حمد است که هفت آیه دارد و «المثانی» (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره «زمر» (آیه 23) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

2- سوره حمد، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد آتینک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان «کتاب عظیم» استفاده می شود.

6- «عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « و لقد آتیناک سبعاً من المثانی و القرآن العظیم » قال : هی سوره الحمد

و هي سبع آيات منها بسم الله الرحمن الرحيم وإنما سميت المثنى لأنها يثنى في الركعتين ;

يونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتيناك سبعاً من المثنى و القرآن العظيم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحيم است و همانا مثنی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

ص: 40

56- فهم حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 19

19- انسان ، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لا تقفون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «إنه کان حلیمًا غفورًا» تهدید مشرکان به خاطر نیندیشیدن درباره تسبیح موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

57- ملاک حمد معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 36 - 3

3 - توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لكم من نصرين . . . فله الحمد رب السموت ورب الأرض

حرف «فاء» در «فله الحمد» مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

58- منشأ حمد حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 64 - 7

7 - مالکیت و بی نیازی مطلق خدا ، سرچشمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموت . . . وإنّ الله لهو الغنی الحمید

ذکر «حمید» در پی «مالکیت و غنای مطلق»، بیانگر مطلب بالا است.

59- منشأ حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم . . . و الملئکة یسبحون بحمد ربّهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

ص: 41

60- موجبات حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 45 - 19

19_ نابود ساختن ستمکاران از زمین، کاری در خود ستایش

فقط دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله

61- مؤمنان و حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 10 - 8

8_ حمد و ستایش خدا، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

وآخر دعویهم أن الحمد لله رب العلمین

62- نامهای سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 6

6- « عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) « ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم » قال : هي سوره الحمد و هي سبع آيات منها بسم الله الرحمن الرحيم و إنما سميت المثاني لأنها يثنى في الركعتين ;

یونس بن عبد الرحمن . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند «ولقد آتيناك سبعاً من المثاني والقرآن العظيم» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحيم است و همانا مثانی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود».

63- وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 130 - 6,7

6 - پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان، موظف به تسبیح و حمد پروردگار، پیش از طلوع و غروب خورشید

«باء» در «بحمد ربّک» یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب «سَبِّحْ» گرچه مربوط به پیامبر (صلی الله علیه و آله) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

7 - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان

و من آناي الیل فسبح و اطراف النهار

«آناء» به معنای «ساعات و اوقات» است و «من» معنای تبعیض دارد. بنابراین «من آناء اللیل»؛ یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. «بحمد ربک» در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 55 - 16، 12

12 - توصیه خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سبح بحمد ربک بالعشی و الإبک

16 - شبان گاهان و بامدادان، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سبح بحمد ربک بالعشی و الإبک

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

2- حمل و نقل

1- اهمیت حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 41 - 4

4 - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

2- پیشگویی وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 6

6- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و الأنعم خلقها لكم فیها دفءٌ و من فع . . . و لكم فیها جمال ... لتركبوها و زینه و

متعلق «یخلق» نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهره‌وری انسان است.

3- تاریخ حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 44

10 - كهف - 18 - 79 - 3

3- كشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درآمد بود .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 65 - 3

3 - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

4- حمل و نقل دریایی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 32 - 3

3 - تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من آى ته الجوار في البحر كالأعلـم

5- فواید حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 32 - 3

3 - تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من آى ته الجوار في البحر كالأعلـم

6- وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 4,3,2,1

1- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر است

و الأنعم خلقها لكم . . . و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بـ لغيه إلا بشق الأنف

مراد از «بلد لم تكونوا بالغيه» جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و «أنعام» اگرچه به معنای «گاو، شتر و گوسفند» است؛ ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر «تحمل» به صورت «استخدام» به «شتر» _ که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است _ باز می گردد.

ص: 45

2- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بـ لغیه إلى بشق الأنفس

3- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بـ لغیه إلا بشق الأنفس

4- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تكونوا بـ لغیه إلا بشق الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 22 - 1

1 - امکان بهره‌وری بشر از شتران و کشتی ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیر در «علیها» به اُنعام باز می گردد و مراد از آن _ به قرینه «تحملون» _ تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 31 - 5

5 - کشتیرانی ، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر و مواهب الهی به نقاط مختلف است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایـته

بنابراین که «با» در «بنعمت» برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 41 - 3

3 - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیتهم فی الفلک المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند، مرکب‌هایی مانند کشتی (چهارپایان و...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است.

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

2 - آفرینش مرکب‌هایی مانند کشتی (چهارپایان و...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر، از آیات و نشانه‌های قدرت و تدبیر

خداوند

و ءایه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «و خلقنا لهم...» عطف بر جمله «حملنا ذریتهم» می‌باشد و درصدد بیان نشانه‌های تدبیر و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 46

3 - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

«من» در «فمنها» برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

4 - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 3، 2

2 - تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

3 - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیاز های بشر در سیر و سفر خویش ، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر «لترکبوا» و «لتبلغوا..» آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 81 - 2

2 - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءای_ته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

7- وسایل حمل و نقل در دوران موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 79 - 3

3- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درآمد بود .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

8- وسایل حمل و نقل در مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 65 - 16

ص: 47

16_ شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نژاد کیل بعیر

9- وسایل حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 5

5- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملن_هم فی البرّ و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 65 - 3

3 - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا فی الفلک دعوا اللّٰه مخلصین له الدّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 80 - 5

5 - شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

10- وسایل حمل و نقل زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 70 - 5

5- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملن_هم فی البرّ و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- شتران و کشتی ها، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

ص: 48

1- آثار اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 3

3 - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فأكلا منها... وعصى آدم... قال اهبطا منها جميعاً

«هبوط»؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان «اهبطا» فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

2- آثار عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 2

2 - نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منیه، از بهشت نخستین محروم شدند.

قلنا اهبطوا منها جميعاً

«اهبطوا» به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم (ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 11

11 - تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

ناديهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجرة

واژه «ندا» معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 10

10 - نافرمانی آدم و حوا، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد.

إِنَّ لَكَ ... لاتعری ... فبذت لهما سوءتھما

3- ابلیس و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 10، 7، 5، 2، 1

1_ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لھما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

2_ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لھما الشیطن لیبدی لھما ما وُری عنھما من سوءتھما

5_ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

7_ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما ... أو تکونا من الخلدین

برخی جمله «ما نهاکما ربکما ...» را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

10_ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما . . . إلا أن تکونا ملکین

«آن تکونا . . .» به تقدیر کراهیه، مفعول له برای «ما نهاکما» است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 1

1_ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل «قاسم» از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

ص: 50

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 1

1 _ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمهما ... فدلیهما بغرور

«تدلیه»، مصدر «دلیّ»، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه «غرور» می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 9, 10

9 _ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

10 _ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله «ینزع ...» حال برای فاعل «أخرج» است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

4- اجابت دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1

1 _ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا اللّٰه ربھما لئن ... فلما اتیھما صلحاً

5- اخراج حوا از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 3, 4, 22

3- شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

4- خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

ص: 51

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول «اهبطوا» به دلیل جمله بعد، «الأرض» می باشد.

22_ از امام رضا (ع) روایت شده: «... فتسلط علیه (آدم (ع)) الشيطان... و تسلط علی حوا... فأخرجهما الله عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض...»؛

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1,4

1 - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

4 - خداوند، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش، بشارت داد.

فإما يأتينكم منى هدى

«إما» مرکب از «إن» شرطیه و «ما»ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با «ما»ی زایده و نون تأکید در «یأتین» از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

6- ارزش مقام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 7

7_ حضرت آدم دارای مقامی برتر در پیشگاه خداوند، نسبت به همسرش حوا

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنة

محور قرار گرفتن آدم در خطاب الهی، می تواند نشان برتری وی نسبت به همسرش باشد.

7- ازدواج آدم (ع) و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 4

4 - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

يَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ

ص: 52

8- استعار عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 8

8_ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طففا یخصفان علیهما من ورق الجنة

کلمه «طفق» از افعال مقاربه، و به معنای «شروع کرد» است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون «یخصفان» به «علی» متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

9- استغاثه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 11

11_ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنكونن من الخسرین

10- اعطای فرزند به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1,4,5

1_ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا اللّٰه ربهما لئن .. فلما آتیهما صلحاً

4_ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند.

فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما آتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله «جعلاً له شرکاء» (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرکوری می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک

در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

5_ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء

ص: 53

11- اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 4، 1

1 - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشيطان... فأكلا منها

4 - آدم و حوا (ع)، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند.

إنّ هـذا عدوّ لک و لزوجک... فأکلا منها

12- اغوای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 4، 8، 9

4 - سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتنکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنة

8 - آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

9 - نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

13- اقرار حوا به عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 4، 1

1 - آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

4_ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را ببامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

14- امیدواری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 54

5_ آدم و حوا امیدوار به مغفرت و رحمت الهی

وإن لم تغفر لنا و ترحمنا

15- بارداری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 7,8,9

7_ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشيتها حملت حملا خفيفا

«تغشی» یعنی «پوشانید» و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در «تغشی» به «نفس واحده» _ که مراد از آن آدم(ع) است _ برمی گردد.

8_ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفيفا فمرت به

ضمیر «به» به «حملا»، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. «مرورا»، مصدر «مرت»، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنائی است.

9_ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أتقلت دعوا الله ربهما

16- برتری آدم(ع) بر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 11

11 - آدم (ع) ، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود .

عدو لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم(ع) هم سرنوشت بود؛ ولی خداوند تنها حضرت آدم(ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم(ع) است.

17- برهنگی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 19

ص: 55

19_ عن أبي عبدالله(ع): .. فلما أكلوا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلي و الحلل عن اجسادهما و بقيا عريانين

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 10

10_ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبو يكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما

جمله «ينزع ..» حال برای فاعل «أخرج» است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

18- بهشت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 5

5_ بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و یادم اسکن أنت و زوجک الجنة .. قال اهبطوا

جمله «و لکم فی الأرض مستقر» دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه «اهبطوا» حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

19- پوشاک حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2

2- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إن لك ألا تجوع فيها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تنبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

20- پیروی حوا از آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 56

2 - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد.

فوسوس إليه الشيطان... فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

21- تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 5

5 - آفرینش حوا، پس از آدم بود.

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که «ثم» بر تراخی زمانی، دلالت کند.

22- تضرع حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 11

11 _ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا... لنكونن من الخسرین

23- تقرب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 11

11 _ تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجرة

واژه «ندا» معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

ص: 57

24- تکفل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 10

10 - حوا در بهشت مسکونی خویش ، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود .

عدو لک و لزوجک فلايخرجنکما

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشان سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

25- تکلیف حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 5،8،12

5 - استفاده از تمام خوراکی های بهشت ، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود .

و کلا منها رغداً حیث شئتما

8 - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه «و کلا» (بخورید) می توان گفت: مراد از «لاتقربا» (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیة بوده است.

12 - هر گونه بهره برداری از شجره منهیة بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «و لاتقربا . . .» کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 9

9 - آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف ، ملزم بوده اند .

گرچه نهی در «فلایخرجن» متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائنات او است.

26- توطئه علیه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 2

ص: 58

2_ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

27- جنس حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 4

4_ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من» در «منها» جنسیه باشد. بنابراین جمله «جعل ...» گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 3

3 - حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه «و اللّٰه جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده..»، (نحل 16) آیه 72) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

28- حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 1

1_ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و یأدم أسکن أنت و زوجک الجنه

29- حوا و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 2

2_ آدم و همسرش حوا، بی اعتمادی به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

ص: 59

وقاسمهما إني لكما لمن الناصحين

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

30- حوا و درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 8,9,12,13

8 - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لا تقربا هذه الشجرة

به قرینه «و کلا» (بخورید) می توان گفت: مراد از «لا تقربا» (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

9 - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهییه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لا تقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از «لا تقربا» (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری «لا تقربا» به جای «لا تاكلا» (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

12 - هر گونه بهره برداری از شجره منهییه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لا تقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله «و لا تقربا . . .» کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لا تاكلا من هذه الشجرة.

13 - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهییه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

«ازلال» (مصدر ازّل) به معنای: لغزانیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 4، 3

3_ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از «لا تقربا . . .» به قرینه فراز قبل (فكلا . . .) و نیز (فلما ذاقا . . .) در آیه 22، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

ص: 60

4_ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجره

نهی «لا تقربا» می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 3،4

3_ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

4_ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله «وری عنهما» می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 2،3،10

2_ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

3_ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه «ذوق» که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

10_ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه «تلك»، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 1

1 - آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 8,9, 2, 1

1 - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشيطان... فأكلا منها

2 - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد.

ص: 61

فوسوس إليه الشيطان... فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

8 - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود.

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

«سوءه» به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و «بدت لهما» ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

9 - تناول از درخت منع شده، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید.

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 12، 3، 1

1 - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأكلا منها... قال اهبطا منها

«إهبطا» ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

3 - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فأكلا منها... و عصىء آدم... قال اهبطا منها جميعاً

«هبوط»؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان «اهبطا» فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

12 - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع بهشت، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد.

فأكلا... بعضكم لبعض عدو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 16

16 - آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

ص: 62

32- خطای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

7_ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

33- خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 3

3 - حوا، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت، آفریده شده بود.

اسکن أنت و زوجک الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 6,7

6_ خداوند، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم)، از او

خلقکم من نفس واحدہ و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که «من» نشوئیه باشد؛ یعنی: آفرینش حوا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: «من نفس» و نفرمود: «من نفسین» این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... وَ خَلَقَ حَوًّا مِنْ آدَمَ ...

کافی، ج 5، ص 337، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 434، ح 16.

7_ خداوند، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که درباره خلقت حوا فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ

تعالی قبض قبضه من طین فخلطها بيمينه .. فخلق منها آدم وفضلت فضله من الطین فخلق منها حوا.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 216، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 429، ح 6.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 3

3_ خداوند، همسر آدم (حوا) را از او آفرید.

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که «من» در «منها» نشویه باشد. بر این مبنا «جعل منها زوجها» بیانگر این است که آدم(ع)،

ص: 63

منشأ خلقت حوا بوده است.

34- خواسته های حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 10

10_ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندى سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّٰه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله «فلما ءاتیهما صلحا ...» دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1

1_ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندى سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا اللّٰه ربهما لئن .. فلما ءاتیهما صلحاً

35- دشمنان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 3,7

2- ابلیس، برای بیرون راندن آدم و حوا (ع) از بهشت، در کمین آنان بود .

إِنَّ هـَـذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَ لَزَوْجِكَ فَلَايُخْرِجَنَّكَمَا

3 - خداوند حضرت آدم (ع) را از دشمنی ابلیس با او و همسرش حوا آگاه ساخت .

اسجدوا .. أی فقلنا یـَـٰ ادم إِنَّ هـَـذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَ لَزَوْجِكَ

7 - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فَلَايُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

36- دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 4

ص: 64

4_ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 10، 9

9_ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أتت دعوا اللّٰه ربهما

10_ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّٰه ربهما لئن آتیتنا صلحاً لَنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و میرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله «فلما آتیهما صلحاً ...» دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

37- زمینه عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 3

3- تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدلک علی شجرة الخلد .. فأکلا منها

38- زمینه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 4

4- شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن .. قال اهبطا منها

39- زیانکاری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 7

ص: 65

7- آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

40- ستر عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 8

8- آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 23، 8

8- عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود.

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

«سواء» به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و «بدت لهما» ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دو مین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

13- آدم و حوا (ع)، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت - حتی از همسر خویش - ملتزم بودند.

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة

23- «عن ابي عبدالله (ع) فی قوله: «بدت لهما سواتهما» قال: كانت سواتهما لا تبدوا لهما؛ یعنی، کانت داخله؛

از امام صادق (ع) در باره سخن خدا «بدت لهما سواتهما» روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان] بود».

41- سرزنش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 17

17_ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما . . . و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

ص: 66

42- سکونت حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 1,2

1 - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

2- سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لأدم . . . و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 5,19

5- فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه . . . فَأزْلَهُمَا الشیطن عنها

عطف جمله «أزلهما . . .» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

19_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود : « انما کان لبث آدم و حوا فی الجنه حتی خرجا من ها سبع ساعات من ایام الدنيا . . . » ;

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . . .» .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 1

1_ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آدم (ع) و همسرش حوا، در بهشت سکونت داشتند .

فقلنا .. فلايخرجنكما من الجنة

«جَدّه» به معنای باغ است و «الجنة» در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

43- شکر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 13

ص: 67

13_ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

44- شیطان و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 14

14_ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

45- طعام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2

2- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّ تجوع فیها ولا تعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

46- ظلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 2

2_ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

47- عبرت از قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4_ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

ص: 68

لا يفتننكم الشيطان كما أخرج أبويكم من الجنة

48- عصيان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 2

2- آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند ، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند .

فأخرجهما مما كانا فيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1

1 - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 16، 17

16_ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدليهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

17_ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و ناديهما ربهما ألم أنهكما . . . و أقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 11

11_ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 10

10_ عن أبي عبد الله (ع) (في قصة آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتي إلى الأرض فإنه لا يجاورني في جنتي عاص ولا في سماواتي ...

از امام صادق (ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

ص: 69

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 1

1 - آدم و حوا (ع) ، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشيطان... فأكلا منها

49- عقیده حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 9

9_ آدم و حوا آمرزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

وإن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

50- عوامل برهنگی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 7

7_ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

51- عوامل عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منہیہ ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

«ازلال» (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنة» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجرة» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

52- عوامل کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 9,10

9- تناول از درخت منع شده، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید.

فأكلا منها فبذت لهما سوءتهما

10 - نافرمانی آدم و حوا، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد.

إنّ لك... لاتعری... فبذت لهما سوءتهما

53- عوامل محرومیت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 10

10 - نافرمانی آدم و حوا، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد.

إنّ لك... لاتعری... فبذت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 1

1 - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند.

فأكلا منها... قال اهبطا منها

«إهبطا» ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

54- عوامل هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 3,4

3- شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

4- خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول «اهبطوا» به دلیل جمله بعد، «الأرض» می باشد.

ص: 71

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 3

3_ فریبکاریهای شیطان، عامل خروج آدم و حوا از بهشت شد.

كما أخرج أبو بكر من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 3

3 - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فأكلا منها... وعصى آدم... قال اهبطا منها جميعاً

«هبوط»؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان «اهبطا» فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

55- عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 20

20_ عن أبي عبدالله(ع) في قوله: «بذت لهما سوءاتهما» قال: كانت سوءاتهما لا تبدولهما يعني كانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه «بذت لهما سوءاتهما» روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

56- عهد حوا با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 13

13_ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند.

دعوا اللّٰه ربهما لئن ءاتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين . فلما اتيهما صلحاً جعلاً له شركاء

ص: 72

57- عهدشگنی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 5

5_ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند.

لنكونن من الشكرين. فلما اتيهما صلحاً جعلاً له شركاء

58- غرايز حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 13

13 - آدم و حوا (ع)، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت - حتی از همسر خویش - ملتزم بودند.

و طفقاً یخصفان علیهما من ورق الجنّه

59- فریب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 8، 1

1_ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه «وسوسه» حرف «لام» آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

2_ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وری عنهما من سوءتهما

8_ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ سقوط ابلیس در چهار مرحله به خاطر تمرد، تکبر و تصمیم به گمراه سازی انسانها و فریب آدم و حوا بود.

قال فاهبط منها فما یكون لك أن تتكبر فيها فاخرج . . . قال اهبطوا

بدان احتمال که تکرار چهارگانه سقوط ابلیس هر یک به دلیل گناهی باشد که مرتکب شده است: نخست از فرمان خداوند سرپیچی کرد و به آدم سجده نکرد، آنگاه این تمرد را به اظهار برتری خویش توجیه کرد، پس از آن تصمیم خویش را به اغواگری

ص: 73

تمامی آدمیان اعلان داشت، و سرانجام آدم و حوا را به پای شجره نهی شده کشاند و با دروغ و نیرنگ آنان را به خوردن از آن شجره ترغیب کرد.

60- فضایل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 13، 11

11 - آدم (ع)، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود.

عدو لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم (ع) هم سرنوشت بود؛ ولی خداوند تنها حضرت آدم (ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم (ع) است.

13 - آدم (ع) و همسرش حوا، نزد خداوند مقامی رفیع داشتند.

اسجدوا لأدم... إنّه_ذا عدو لک و لزوجک

فرمان سجده بر آدم (ع) که در آیه قبل ذکر شد و هشدارهای خداوند به آدم (ع) در مورد دشمنی های ابلیس با او و حوا، نشانگر ارجمندی آن دو نزد خداوند است.

61- فلسفه انداز حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 7

7 - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند.

فلا یخرجنکما من الجنّه فتشقی

62- فلسفه خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 5

5 - خداوند حوا را آفرید تا آدم (ع) در کنار او آرامش یابد.

ضمیر در «الیها» به «زوج ..» و ضمیر در «لیسکن» به «نفس واحده» برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به «نفس واحده» به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

63- فلسفه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 6

6 - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین ، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است .

قال اهبطا . . . بعضکم لبعض عدوفاً یا تیتکم

ضمیر جمع در «بعضکم» و «یا تیتکم» گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

64- قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 9، 3، 2، 1

1 - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

2 - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لأدم . . . و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

3 - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنة

4 - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

9 - آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیة ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لا تقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از «لا تقربا» (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری «لا تقربا» به جای «لا تاکلا» (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره‌گیری از شجره منهبیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا

«ازلال» (مصدر ازلّ) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می‌تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می‌تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دو مین احتمال است.

ص: 75

3 - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

4 - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول «اهبطوا» به دلیل جمله بعد، «الأرض» می باشد.

5 - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يادام اسكن أنت و زوجك الجنة . . . فأزلّهما الشيطان عنها

عطف جمله «أزلّهما . . .» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

7 - شیطان در بهشت آدم (ع) و حوا ، حضور داشت .

فأزلّهما الشيطان عنها

12 - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا ، دشمنی فرزندانیشان را با یکدیگر ، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

13 _ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

19 _ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « انما كان لبث آدم و حوا في الجنة حتى خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا . . . »؛

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - خداوند، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت‌ها و رهنمودهایی از جانب خودش، بشارت داد.

فإما يأتينكم منى هدى

«إما» مرکب از «إن» شرطیه و «ما»ی زائده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با «ما»ی زائده و نون تأکید در «يأتين» از سوی دیگر، اقتضا می‌کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 3,4,5

1 - خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يأدم أسكن أنت و زوجك الجنة

3 - خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

ص: 76

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

مراد از «لا تقربا . . .» به قرینه فراز قبل (فكلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه 22، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

4_ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد.*

و لا تقربا هذه الشجرة

نهی «لا تقربا» می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

5_ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 3,4,5,7

3_ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

4_ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله «وری عنهما» می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

5_ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تكونا ملکین أو تكونا من الخلدین

7_ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما . . . أو تكونا من الخلدین

برخی جمله «ما نهاکما ربکما . . .» را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 2

2_ آدم و همسرش حوا، بی اعتمادی به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

وقاسمهما إني لكما لمن الناصحين

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 20، 19، 16، 14، 10، 8، 7، 4، 3، 2

2_ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجرة

3_ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

ص: 77

کلمه «ذوق» که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

4_ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

7_ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

وقاسمهما... فدلیهما بغرور

8_ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه «طفق» از افعال مقاربه، و به معنای «شروع کرد» است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون «یخصفان» به «علی» متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

10_ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

ونادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه «تلک»، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

14_ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

وأقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

16_ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

19_ عن أبی عبدالله(ع):... فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: ... چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ...

20_ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: «بدت لهما سوءتهما» قال: کانت سوءاتهما لا تبدو لهما یعنی کانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه «بدت لهما سوءاتهما» روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 23 - 4، 7، 1

1 - آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

4 - آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

7 - آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 78

1 _ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول «اهبطوا» به قرینه «و لکم فی الأرض مستقر» کلمه «الأرض» است.

10 _ عن أبي عبد الله (ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ...

از امام صادق (ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 _ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

10 _ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبو یکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله «ینزع ...» حال برای فاعل «أخرج» است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 _ خداوند، همسر آدم (حوا) را از او آفرید.

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که «من» در «منها» نشویه باشد. بر این مبنا «جعل منها زوجها» بیانگر این است که آدم (ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

4 _ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

برداشت فوق مبتنی بر این است که «من» در «منها» جنسیه باشد. بنابراین جمله «جعل ...» گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

7_ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشیها حملت حملا خفیفا

«تغشی» یعنی «پوشانید» و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در «تغشی» به «نفس واحده» _ که مراد از آن آدم(ع) است _ برمی گردد.

8_ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفیفا فمرت به

ضمیر «به» به «حملا»، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. «مرورا»، مصدر «مرت»، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از

بی‌اعتنایی است.

9_ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش، به درگاه خدا به نیایش پرداختند.

فلما أثقلت دعوا الله ربهما

10_ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندى سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند.

دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می‌شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و میرا از عیب و نقص است به گونه‌ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله «فلما آتیهما صلحاً...» دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 1,4

1_ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندى سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا الله ربهما لئن... فلما آتیهما صلحاً

4_ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند.

فلما آتیهما صلحاً جعلنا له شركاء فیما آتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله «جعلنا له شركاء» (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم (ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرک‌ورزی می‌باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می‌باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه‌ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم (ع) اشکالی ندارد.

65- کشف زشتیهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 7

7_ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

66- کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 2

2_ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وری عنهما من سوءتھما

ص: 80

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 4

4_ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 9

9_ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 12,24

12 - آدم و حوا در پی مکشوف شدن عورت هایشان ، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبدت لهما سوءتهما و طفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة

«طفقا»؛ یعنی، آغاز کردند و «خصف» هرگاه با «علی» متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود؛ یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

24 - «عن أبي عبد الله (ع) (فی حدیث) : فلما أسكن الله عز وجل آدم وزوجه الجنة قال لهما : . . . و لا تقربا هـ ذه الشجره . . . فلما أكلا من الشجره طار الحلبي والحلل عن أجسادهما و بقيا عربانين ;

از امام صادق(ع) [ضمن حدیثی] روایت شده که فرمود: چون خداوند _عز وجل_ آدم و همسرش را در بهشت جای داد، به آنان گفت: . . نزدیک این درخت نشوید . . . و آنان چون از آن درخت خوردند، زیور و جامه ها از اندام آنان پرید و آنها عریان ماندند».

67- کفران حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 5

5_ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين. فلما ءاتيهما صلحاً جعلاً له شركاء

68- كيفر عصيان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - اعراف - 7 - 24 - 4

ص: 81

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

69- گرایشهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 190 - 4

4_ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند .

فلما ءاتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله «جعلاً له شرکاء» (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرکورزی می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

70- لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 1,5

1 - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیة، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشیطن عنها

«ازلال» (مصدر ازلّ) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در «عنها» می تواند به «الجنه» برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به «الشجره» برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

5 - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

وقلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه .. فأزلهما الشیطن عنها

عطف جمله «أزلهما ..» بر آیه قبل به وسیله حرف «فا» می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظللنا أنفسنا

ص: 82

71- مستوری عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 20 - 3,4

3_ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

4_ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله «وری عنهما» می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

72- مشکلات حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 117 - 7

7- هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند.

فلا یخرجنكما من الجنة فتشقی

73- معلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 123 - 13

13 - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمد های آن را به آنان آموخت .

بعضکم لبعض عدو... فمن اتبع هداى فلا یضلّ ولا یشقی

74- مکان هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

23_ از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: « فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنْ اهْبِطْهُمَا إِلَى الْبَلَدِ الْمُبَارَكِ مَكَّةَ فَهَبْطَ بِهِمَا جِبْرِئِيلُ فَأَلْقَى آدَمَ عَلَى الصَّفَا وَأَلْقَى حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ . . . » ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آورد. پس جبرئیل آدم (ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد .«...».

ص: 83

75- نسل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 27 - 6

6 - آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

كما أخرج أبيكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - حجرات - 49 - 13 - 1

1 - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى

76- نگرانی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 3

3 - آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجرة

کلمه «ذوق» که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

77- نیازهای مادی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 118 - 2

2 - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لِكُلِّ أَلْتَجُوعِ فِيهَا وَلا تَعْرِى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنيه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

ص: 84

78- ویژگیهای خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 6 - 3

3 - حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه «و الله جعل لکم من انفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده. . .»، (نحل (16) آیه 72) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

79- هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 24، 22، 12

12 - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر، به ایشان گوشزد کرد.

و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

22 - از امام رضا (ع) روایت شده: «... فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان... و تسلط علی حوا... فأخرجهما الله عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض...»؛

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد...».

24 - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: «حین أمر آدم (ع) أن یهبط... هبط آدم و زوجته و هبط إبلیس و لازوجه له...»؛

آن هنگام که خداوند امر نمود به آدم که فرود آید... آدم همراه با همسرش فرود آمد و ابلیس [هم] فرود آمد در حالی که همسری نداشت...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 38 - 1

1 - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

درباره دلیل تکرار جمله «قلنا اهبطوا» (آمدنش در این آیه و آیه 36) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: «قلنا اهبطوا» در آیه فوق، تأکید جمله «قلنا اهبطوا» در آیه 36 است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 21 - 5

5_ عن الرضا(ع): ... ولم يكن آدم و حوا شاهدا قبل ذلك من يحلف بالله كاذبا «فدليهما بغرور» فاكلام_____نها ثقہ بيمينه بالله و كان ذلك من آدم ق_____بل النبوه ولم يكن ذلك بذنب كب_____ير اس_____تحق به دخول الن_____ار

ص: 85

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. آدم و حوا قبل از سوگند ابلیس، قسم دروغ به خداوند را مشاهده نکرده بودند و «ابلیس آنها را با فریب، فرود آورد» و با اعتماد به سوگند ابلیس، از آن درخت خوردند و این کار قبل از نبوت آدم(ع) بود و گناه کبیره ای که بدان مستحق آتش شود نبود ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 24 - 10، 4، 1

1 _ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فروآیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول «اهبطوا» به قرینه «و لکم فی الأرض مستقر» کلمه «الأرض» است.

4_ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

10 _ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ...

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

80- هشدار به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 35 - 13

13 _ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه، از ستمکاران خواهند شد.

و لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 19 - 5

5 _ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجره فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 22 - 16، 14

14 - هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لكما إن الشیطن لكما عدو مبین

16 - آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

ص: 86

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 121 - 4

4- آدم و حوا (ع)، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند.

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجَالِكَ .. فَأَكْلًا مِنْهَا

ص: 87

4- حوادث

1- آثار علم به حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 26 - 13

13 _ توجه به بحران های گذشته و برطرف شدن آن ، در پرتو امداد های الهی ، زمینه ساز گرایش به شکرگزاری خداوند در برابر نعمت های او

و اذکروا إذ أنتم قليل . . . فاویکم . . . لعلکم تشکرون

«لعل» متعلق به «اذکروا» است و بیانگر هدف از ضرورت به یاد داشتن مطالبی است که در آیه مطرح شد. از جمله مقایسه دو حالت قبل از هجرت و بعد از آن.

2- استماع حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 1 - 1

1 - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغـ شیه

استفهام در «هل أتاک»، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

ص: 88

3- انسان ها و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 1 - 1

1 - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتىك حدیث الغـ شیه

استفهام در «هل أتاك»، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(صلی الله علیه و آله) باشد؛ ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

4- اهمیت احیای حوادث دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 1 - 3

3 - لزوم زنده نگه داشتن یاد رویداد های خاطره انگیز دینی *

و الطّور

در صورتی که مراد از «الطور» کوه طور (محل وحی بر موسی(ع)) باشد، مورد سوگند قرار گرفتن آن در حقیقت وسیله ای برای زنده نگه داشتن این واقعیت تاریخی است.

5- اهمیت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 20

20_ دانش و تحلیل رخداد ها و خبر ها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و كذلك مكّنا ليوسف في الأرض ولنعلمه من تأويل الأحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 11

11_ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

6- بانک اطلاعات حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 89

13 - کتاب مبین، مرکز اطلاعات جامع درباره تمامی موجودات هستی و تحولات آنهاست.

و ما تسقط . . . و لا رطب و لا یابس إلا فی کتب مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 6

6- اطلاعات و خبر های مربوط به حادثه ها و تحولات جوامع بشری ، دارای بانک اطلاعات و کتابی معین

و ما أهلكنا من قرية إلاّ ولها كتاب معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 75 - 3

3 - همه امور هستی (آشکار و پنهان آن) ، ثبت شده در کتابی روشن و خالی از ابهام در نزد خداوند

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلاّ فی کتـب مبین

7- بشارت تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 7

7- دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كذلك . . . یعلمک من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی _ چه در بیداری و چه در خواب _ به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از «الأحادیث» هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. «تأویل رؤیا» ؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. «تأویل اخبار» ؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

8- تبیین حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان ، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و کذلک أنزلنـه... لعلمهم یتقون أو یحدث لهم ذکراً

حرف «کاف» در «کذلک» برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

ص: 90

9- تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 7

7- علمی که موسی (ع) در پی آموختن آن از خضر (ع) بود، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخدادها بود.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت .. سأنتبک بتأویل ما لم تستطع علیه صبراً

10- تحلیل حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 147 - 11

11_ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی، در تحلیل حوادث

و کاتین من نبی قاتل معه ربیون .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون «ربیون»، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

11- تحلیل غلط حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 7 - 5

5_ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

ولو نزلنا .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در «الذین کفروا ..» بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی «کفر» موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

12- تقدیر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 3

3_ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

ليقضى الله أمرا كان مفعولا

ص: 91

«أمرأ» به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل «کان» دلالت می کند که ثبوت خبر «مفعولاً» برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه «لیقضی»، به معنای تقدیر آن است. بنابراین «لیقضی الله ...» یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 10

10_ حوادث و وقایع را خداوند از پیش تقدیر و تعیین کرده است .

لکل أجل کتاب

«أجل» به معنای مدت و «کتاب» مصدر و به معنای اسم مفعول (مکتوب) است و در آیه شریفه به معنای امر تقدیر شده می باشد. بنابراین «لکل أجل کتاب» ؛ یعنی ، برای هر زمانی تقدیری ثابت شده است.

13- ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 2

2- هر رویداد ناگواری ، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل ، زلزله ، قحطی ، خشکسالی و ...) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود) مانند بیماری ، نقص عضو ، جراحت و ...) ، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصيبة فی الأرض و لا فی أنفسکم إلا فی کتاب من قبل أن نبرأها

14- حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 137 - 4

4_ ضرورت کند و کاو در تحولات و حوادث اجتماعی _ تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 140 - 18

و یتخذ منکم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل _ که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است _ چنین احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوار رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه

ص: 92

کردند، شکست خوردند.

15- حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 1 - 4

4- حسابرسی ، از رخداد های مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخداد های قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 15 - 5

5- طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلا أقسم

جمله «إِنَّه لَقَوْلُ رَسُولٍ» در آیات بعد _ که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است _ از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف «فاء» در آیه شریفه، مجموعه را بر آیات پیشین تقریر کرده است که درباره حوادث قیامت بود؛ یعنی، حال که رخداد های قیامت و آینده جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به مبدأ وحی مربوط بدانید.

16- خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 68 - 7

7- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ . . . يَخْسِفُ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلُ

17- دانش تحلیل حوادث یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 4

4_ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سؤلت لکم أنفسکم امرًا

ص: 93

18- دانش تحلیل حوادث یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 6 - 7,8,22

7_ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک ... يعلمک من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از «الأحادیث» هم می تواند رؤیاها باشد و هم اخبار حوادث و رویدادها. «تأویل رؤیا»؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. «تأویل اخبار»؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

8_ رؤیای یوسف، موجب آگاهی یعقوب (ع) به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد.

ینی رأیت أحد عشر .. کذلک یجتیبک ربک و يعلمک من تأویل الأحادیث

22_ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

یجتیبک ربک .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 7 - 5

5_ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

یجتیبک ربک و يعلمک .. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایات للسانین

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه «آیات»، «اجتبا و گزینش یوسف (ع) و ..» باشد که از جمله های «کذلک یجتیبک ربک و ...» به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15_ خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیایها

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

16_ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیایها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكّنّا لیوسف فی الأرض و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

«لام» در «لنعلّمه» لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

19_ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیایها و تحلیل رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

ص: 94

برداشت فوق، با توجه به «من» _ که برای تبعیض است _ استفاده می شود. بنابراین «ولنعلمه...» ; یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 8,9,10,17

8_ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتی من تأویل الأحادیث

«احادیث» جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: «هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب - به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود». بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

9_ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود.

علمتی من تأویل الأحادیث

برداشت فوق با توجه به «من» که برای تبعیض است، استفاده می شود.

10_ خداوند، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد... علمتی من تأویل الأحادیث

17_ برخوردار یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قد آتیتنی من الملک و علمتی... أنت ولی فی الدنيا و الآخره

19- ذکر حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 1,2,8,12,17

1_ فرار هزاران تن از اقوام گذشته از دیار خویش به خاطر ترس از مرگ، و میرانده شدن و دوباره زنده شدن آنان پس از مدتی از سوی خداوند

الم تر الی الذین... ثم احیاهم

2_ واقعه تاریخی آن قومی که از دیارشان خارج شدند و به امر خداوند مردند و سپس زنده شدند ، آیات الهی است .

يبين الله لكم آياته .. الم تر الى الذين خرجوا

8_ دعوت خداوند به تعقل در واقعه قومی که مُردند و دوباره زنده شدند . (حوادث تاریخی)

الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت

12_ آگاهی ساختن انسان ها از تاریخ گذشتگان ، تفصّل خداوند بر آنان

الم تر الى الذين .. ان الله لذو فضل على الناس

«انّ الله» می تواند تعلیل برای نقل داستان و تاریخ باشد که در آیه بیان شده است.

17_ مُردگانی که به فرمان الهی زنده شدند ، در بُرهه ای دیگر از زمان به زندگی خویش ادامه دادند .

ص: 95

ثمّ احياهم انّ الله لذو فضل على الناس

آنگاه زنده شدن فضل الهی است که زنده شده برای مدّتی به حیات خویش ادامه دهد؛ بنابراین اگر بلافاصله پس از زنده شدن می مُردند، بعید به نظر می رسد که زنده شدن نشان تفصّلی بر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 2

2_ یادآوری ماجرای ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغان، باعث اطمینان به قدرت الهی، بر احیای مردگان

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 121 - 2

2_ اهمّیت یادآوری روزهای حساس و سرنوشت ساز

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین

کلمه «اذ»، مفعول است برای کلمه ای محذوف؛ از قبیل «اذکر» (بیاد آور).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 122 - 3

3_ لزوم یادآوری و تحلیل حوادث تاریخی (نبرد احد) و عبرت از آن

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه «اذ»، مفعول فعلی مقدر، همانند «اذکر» (به یاد آور) باشد؛ و یادآوری حوادث تاریخی، معمولاً برای عبرت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 140 - 8

8_ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

ولا تهنوا ولا تحزنوا... ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الاّیام ن

بنابر اینکه «فقد مسّ القوم»، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 164 - 14، 15

14 - یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عامل تقویت اراده آنان در تحمّل دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون ولا تلون . . . ولئن قتلتم فی سبیل اللّٰه ... لقد منّ اللّٰه علی المؤمنی

با توجه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

ص: 96

15_ یادآوری وضعیّت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)

لقد منّ الله... و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين

جمله «ان كانوا...» به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 165 - 4

4_ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها

جمله «قد اصبتم مثلها»، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 174 - 15

15_ لزوم تمجید و تقدیر از مؤمنان واقعی و یادآوری فعالیت های ایشان در شرایط سخت

المؤمنین. الذین استجابوا... و اتبعوا رضوان الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 27 - 5,7

5_ قرآن، فراخوان مردم به درس آموزی و عبرتگیری از رخداد های تاریخی

واتل علیهم نبأ ابني ادم بالحق

7_ داستان قربانی فرزندان آدم، به گونه ای که در قرآن بیان شده، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

واتل علیهم نبأ ابني ادم بالحق

در برداشت فوق «بالحق» متعلق به «اتل» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 34 - 16

16 - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه .. و کان من الکفرین

«اذ» مفعول برای «اذکر» (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 2

2 - عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و

ص: 97

پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است؛ گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله «خاویه علی عروشها» را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 80 - 2

2_ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه «لوطاً» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» باشد، کلمه «إذ» بدل اشمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای «أرسلنا» گرفته شود، «إذ» مفعول برای فعل مقدر «اذکر» خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . . . بنا بر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 164 - 11

11_ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . . قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذ قالت . . .» متعلق به فعل محذوف «اذکر» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 167 - 10

10_ تقدیر الهی بر ذلت یهودیان متمرد ، امری عبرت آموز و شایان به یاد داشتن

و إذ تأذن ربک لیبعثن

برداشت فوق با توجه به فعل مقدر «أذکر» استفاده شده است ؛ یعنی: «أذکر إذ تأذن ربک . . .»

12_ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنيا . . . و لو تواعدتم لاختلفتم فی الميعد

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای فعل مقدر، یعنی «اذکروا» باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 44 - 8

8_ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیمتیم فی أعینکم قلیلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که «إذا» مفعول برای فعل مقدر «اذکروا» باشد.

20- ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 5,6

5_ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه «اذ تصعدون» متعلق به «اذکروا» باشد.

6_ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی ، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 49 - 13

13_ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . . . و من یتوکل علی اللّٰه فإن اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای «اذکروا» باشد.

21- ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ يقول المنفقون . . . و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق بر این اساس است که «إذ» مفعول برای «اذکروا» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 153 - 5,6

ص: 99

5_ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه «اذ تصعدون» متعلق به «اذکروا» باشد.

6_ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی ، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

22- روش تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 8

8- روش آموختن علم تأویل حوادث و شناخت علل اصلی رخداد های هستی ، روشی تجربی و عملی است .

سَأْتِبُكُم بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

23- روش مصونیت از حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 8

8_ ضرورت عبرت گیری از حوادث گذشته برای مصون ماندن از گرفتاری در حوادثی نظیر آن

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

24- رؤیا و حوادث آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 43 - 1

1_ پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد ، اندک دید .

إذ یریکهم اللّٰه فی منامک قلیلا

فعل مضارع «یُری» دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 9

9_ رؤیاها می تواند بیانگر خبرها و وقوع حوادثی از آینده باشد .

ص: 100

إني رأيت أحد عشر... لا تقصص رءياك على إخوتك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 41 - 8

8_ رؤيا، می تواند صورت و نمودی از حوادث و دريچه ای برای آگاهی به آینده باشد .

فيسقى ربه خمراً... فيصلب فتأكل الطير من رأسه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 49 - 5,6

5_ رؤياها، می تواند نمایانگر و بازگو کننده رخداد های آینده باشد .

يوسف أيها الصديق أفتنا... قال تزرعون... ثم يأتي من بعد ذلك عام

6_ رؤياها می تواند دربردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

يوسف أيها الصديق أفتنا... قال تزرعون... ثم يأتي من بعد ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

8 - يوسف - 12 - 100 - 10

10_ رؤياها می تواند گویای واقعیتهایی بوده و کاشف حقایقی از آینده باشند .

قال ی_أبت هذا تأویل رءی_ی من قبل

25- رؤیت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - نازعات - 79 - 46 - 3

3 - صحنه قیامت، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنهم یوم یرونها

26- زمان حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 12

12_ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

ص: 101

27- سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 3 - 1, 2

1 - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهادت؛ یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب). لفظ «شاهد و مشهود» _ به قرینه سوگند بر آنها_ نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

2 - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

28- شرایط پیدایش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 67 - 1

1 _ هر حادثه ای در ظرف زمانی و شرایط ویژه خود حتماً اتفاق می افتد.

لکل نیا مستقر

«نبا» مصدر است و در این آیه ظاهراً به معنی اسم مفعول، یعنی «منبأه»، به کار رفته است.

29- شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 10

10- برخوردار از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سأثبتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

30- شگفتی حوادث آسمان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 102

4- آسمان، آفریده ای شگفت است و تجدید حوادث آن بر شگفتی اش افزوده است .

و السماء ذات الرجوع

سوگند خداوند به هر چیز، حاکی از عظمت آن است.

31- شگفتی حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 1 - 3

3- قیامت، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغ_شیه

«غاشیه» به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت «غاشیه» نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

32- عظمت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 1 - 3

3- قیامت، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است .

حدیث الغ_شیه

«غاشیه» به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت «غاشیه» نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

33- عوامل مؤثر در حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13_ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك ليعلم . . . أن الله لا يهدي كيد الخائنين

ص: 103

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 36 - 12

12 - اعمال انسان ها ، در برخی رخداد های تکوینی عالم ، دارای نقش و تأثیر است .

تصبههم سیئه بما قدّمت ایدیههم

34- قانونمندی حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 67 - 5

5_ هیچ حادثه ای در جهان به طور صدفه و خارج از نظام علیت به وقوع نمی پیوندد.

لکل نیا مستقر

جمله «لکل نیا» بیان یک قضیه محصوره به صورت موجبه ای کلیه است. بنابراین هیچ «مخبر عنه» از کلیت آن خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 38 - 12

12_ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

35- کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 2

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفکّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

36- مرفهان و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فجر - 89 - 23 - 7

7 - رفاه زدگان و ذلت پنداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در

ص: 104

خواهند یافت .

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ . . . يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

37- مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 2

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . . . فظلمتم تفکھون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

38- منافقان مدینه و حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 20 - 6,7

6 - منافقان مدینه ، در عین ترس از حضور در مدینه ، به هنگام حمله دشمن ، دوست داشتند از اخبار مربوط به مسلمانان آگاه باشند .

وإن يأت الأحزاب يودّوا لو أنّهم بآدون في الأعراب يسئلون عن أنبائكم

7 - منافقان مدینه ، به پی گیری تحولات و رخداد های مدینه ، علاقه مند بودند .

يسئلون عن أنبائكم

39- منشأ حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 27

27 - هیچ فعل و انفعالی در جهان ، خارج از خواست و اختیار خدا تحقق نمی یابد .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 78 - 11

11_ نکوهش و تحقیر کسانی که خداوند را محور همه حوادث عالم نمی دانند و آن را درک نمی کنند .

ص: 105

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا

از مصادیق مورد نظر برای «حدیثا»، خدامحوری حوادث عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 11 - 4

4_ حوادث خطر آفرین و مشکل زا، از ناحیه خداوند است و به فرمان او جریان دارد.

یحفظونه من أمر الله

«من» در «من أمر الله» می تواند سببیه باشد. در این صورت «یحفظونه من أمر الله»؛ یعنی، او را حفظ می کنند و این به خاطر فرمان خداوند به آن فرشتگان است. و می تواند به معنای «در برابر» باشد. بر این مبنا مراد از «أمر الله» حوادث و خطرهاست و چون اینها به فرمان خدا تحقق یافته اند، به آن «أمر الله» گفته شده است. بر این اساس «یحفظونه من أمر الله»؛ یعنی، او را از خطرها حفظ می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 82 - 25

25- مصائب و حوادث جهان، دارای توجیه و تفسیر دقیق و ریشه دارند.

ذلک تأویل ما لم تسطع علیه صبراً

مجموع داستان موسی و خضر(ع) این نکته را روشن می کند که حوادث غیر مترقبه و رخدادهای مثبت و یا منفی را نباید گتره ای پنداشت، بلکه دستی غیبی در کار است تا حوادث را به این شکل سامان بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 21 - 6

6- علل و اسباب حوادث عالم، منحصر به علل طبیعی و عادی نیست.

قال ربك هو عليّ هين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 13 - 6

6- قدرت خداوند، بر جهت دادن حوادث به سمت تحقق اراده خود

أوحينا إلى أم موسى . . . وحرّمتنا عليه المراضع... فرددنِه إلى أمّه

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی(ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید؛ ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی(ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 37 - 31

31 - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند ، تحقق پیدا کرده است .

ص: 106

فلما قضى زيد منها وطراً زوجنكها .. و كان أمر الله مفعولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 22 - 1

1 - هیچ حادثه ناگواری در زندگی بشر ، اتفاقی و از روی تصادف نیست .

ما أصاب من مصيبة في الأرض ولا في أنفسكم إلا في كتـب

40- منشأ حوادث پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 131 - 5,9

5_ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا .. يطبروا بموسى و من معه

جمله «إذا جاءتهم ..» با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم يذگرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث _ در مقام پاسخ _ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

9_ تحلیل فرعونیان در ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند (میمنت خویش و نحوست موسویان) ، تحلیلی جاهلانه و نادرست بود .

ولكن أكثرهم لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 131 - 5,9

41- منشأ نجات از حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 7

7- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

وإذا مسَّكم الضَّرْفُ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ

ص: 107

42- موانع تکرار حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 64 - 7

7_ جواز یادآوری سوء سابقه افراد به آنان و ترتیب اثر دادن به آن ، به منظور جلوگیری از تکرار وقایع ناخوشایند

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی آخیه من قبل

43- موسی (ع) و دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 78 - 9

9- موسی (ع) بر روش آموختن علم تأویل حوادث ، شکیبایی نداشت .

سأتیئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

44- نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 21 - 17

17_ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

کذلک ... ولنعلّمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 11

11_ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتني من تأویل الأحادیث

45- نقش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6- رخدادهای طبیعی مرگ آفرین، وسیله ای برای تنبه انسان ها و عاملی در جهت تربیت آنان

أفأنتم أن یخسف بکم جانب البرّ أو یرسل علیکم حاصبًا

از اینکه خداوند به کسانی که پس از رهیدن از خطر، از خدا اعراض می کنند، هشدار می دهد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی

ص: 108

کنند، استفاده می شود که توجه به آن رخدادها، می تواند عاملی باشد برای تنبه و تربیت انسانها.

46- نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 15 - 4

4 - حوادث طبیعی ، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان .. فأنجينه و أصحـب السفينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 8

8 - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس ، برای جلب توجه مردم به خداوند ، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض .. ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 7,8

7 - آیه بودن رخداد های طبیعی ، برای کسانی قابل درک است که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من آىـته يريكم البرق .. و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض ... إن في ذلك

8 - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

يريكم البرق .. إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 16 - 5

5 - رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا عليهم سيل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

47- کافران و حوادث طبعی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

18 - واقعہ - 56 - 67 - 2

ص: 109

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفکھون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

48- مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 67 - 2

2 - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفکھون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

49- نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 15 - 4

4 - حوادث طبیعی، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان .. فأنجینہ و أصحَب السفینہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 8

8 - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس، برای جلب توجه مردم به خداوند، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحیا به الأرض .. ليقولنَّ اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 7,8

7- آیه بودن رخداد های طبیعی ، برای کسانی قابل درک است که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من آءِ-ته یریکم البرق . . . و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض . . . إن فی ذلک

8- پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

یریکم البرق . . . إن فی ذلک لأی-ت لقوم یعقلون

ص: 110

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 16 - 5

5- رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا عليهم سيل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

ص: 111

5- حواریون

1- آمادگی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 9

9 - حواریون به دعوت عیسی (ع)، پاسخ مثبت داده و برای یاری او اعلام آمادگی کردند .

قال الحواریون نحن أنصار الله

2- اخلاص حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 6

6_ ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذکر نعمتی . . . و اذ اوحیت إلى الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی قالوا ءامنا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: . . . لانهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر . . . «

عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 79، ح 10، ب 32؛ نورالثقلین، ج 1، ص 690، ح 435.

3- الگوگیری از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 112

4 - خداوند، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند.

یَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

5 - حواریون عیسی (ع)، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دین او

یَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ

4- الهام به حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 2,1

1 - خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند.

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً «اذ قال ..» در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای «اوحیت» می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود:
الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

2 - حواریون، بهره مند از وحی و الهام خداوند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

تفسیر «اوحیت» در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: اللهموا.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 350، ح 221؛ نورالثقلین، ج 1، ص 689، ح 429.

5- امدادهای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 4

4 - خداوند، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند.

یٰٓأَیُّهَا الَّذِیْنَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِیْسَى ابْنُ مَرْیَمَ . . . قَالَ الْحَوَارِیُّونَ

6- انقیاد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 4,7,8,9

4_ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

ص: 113

7_ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله «ءامنوا بی و برسولی» حکایت از آن دارد که متعلق «مسلمون» اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

8_ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ او حیت . . . و اشهد باننا مسلمون

9_ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامننا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل «اشهد» حضرت عیسی(ع) باشد. نیابردن رینا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 6

6_ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم . . . قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

7- انگیزه حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 1,2,3,4

1_ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

2_ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

3_ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين. قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهداء

4_ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف «نطمئن» بدون «ان» بر «نأكل» می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

8- ایمان حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 114

18 - حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریون نحن انصار الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 111 - 4,6,8

4 - دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ائمانا

6 - ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذکر نعمتی . . . و اذ اوحیت الی الحواریون ان ائمانوا بی و برسولی قالوا ائمانا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: . . . لانهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر . . . «

عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 79، ح 10، ب 32؛ نورالثقلین، ج 1، ص 690، ح 435.

8 - حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . . . و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 112 - 5,6,7,9

5 - حواریون عیسی پیش از داستان مانده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند .

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

چنانچه «اتقوا الله» فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در «ان کنتم مؤمنین» ایمان به رسالت عیسی(ع) خواهد بود.

6- حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند.

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم .. قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

7- حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یتطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

9- حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

9- تبلیغ حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 52 - 25

ص: 115

25_ حواریون، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریون نحن انصار الله

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سَمی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: ... لآئهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 79، ح 10؛ علل الشرایع، ج 1، ص 80، ح 1.

10- تعداد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 111 - 13

13_ حواریون حضرت عیسی (ع) دوازده مرد بوده اند

و اذ اوحیت الی الحواریون

از امام رضا (ع) در پاسخ سؤال از تعداد حواریون حضرت عیسی (ع) روایت شده: ... اما الحواریون فکانوا اثنی عشر رجلاً ... «

توحید صدوق، ص 421، ح 1، ب 65؛ نورالثقلین، ج 1، ص 690، ح 434.

11- تعقل حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 112 - 3

3_ حواریون عیسی (ع) _ در ابتدای ایمانشان _ بر اندیشه ای ناصواب نسبت به خداوند و توانمندی وی

اذ قال الحواریون .. هل یتستطیع ربک ان ینزل علینا مانده من السماء

با توجه به اینکه «اذ قال الحواریون ...» متعلق به «اوحیت» در آیه قبل است می توان نتیجه گرفت که سخن آنان (هل یتستطیع ...) در همان ابتدای گرایش آنان به مسیح و قبل از الهام خداوند به آنان بوده است.

12- تقوای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 9

9_ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

ص: 116

13- تلاش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 12

12 - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع)، برای هدایت بنی اسرائیل

ف_امنّت طائفه من بنی اسرائیل و کفرت طائفه

14- حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 52 - 13,14,18,20,22,23,25

13 _ حواریون، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع)، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله

14 _ حواریون در پی دعوت عیسی (ع)، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند.

من انصاری الی الله... قال الحواریون نحن انصار الله

18 _ حواریون، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریون نحن انصار الله

20 _ درخواست حواریون از عیسی (ع)، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد بانا مسلمون

22 _ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

23 _ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانا مسلمون

25_ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریون نحن انصار الله

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: ... لائهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر.

عیون اخبار الرضا (ع)، ج 2، ص 79، ح 10؛ علل الشرایع، ج 1، ص 80، ح 1.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 113 - 5

5_ اصحاب عیسی (ع)، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

ص: 117

قالوا نريد ان نأكل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

15- حواریون و عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 7,9

7_ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله «ءامنوا بی و برسولی» حکایت از آن دارد که متعلق «مسلمون» اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

9_ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل «اشهد» حضرت عیسی (ع) باشد. نیاوردن رینا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 1,4

1_ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه «مائده» به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

4_ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه «علینا» به قرینه «نأکل» و «قلوبنا» و «نعلم» و «نکون» در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 11

11 - تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع)، پس از نزول مائده آسمانی، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا... و نکون علیها من الشهدین

ص: 118

16- خواسته حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 111 - 8,9

8 - حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد.

و اذ اوحیت . . . و اشهد باننا مسلمون

9 - حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد.

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل «اشهد» حضرت عیسی (ع) باشد. نیابردن ربا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 1,2,4,7,9,14

1 - میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . . . هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه «مائده» به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

2 - حواریون، در صدد پی بردن به قدرت الهی، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

4 - حواریون، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه «علینا» به قرینه «تأکل» و «قلوبنا» و «نعلم» و «نکون» در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

7 - حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

9_ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

14_ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 2,3,1

1_ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان ناكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

ص: 119

2_ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

3_ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و . . .) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نرید ان نأکل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 1

1_ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 2

2_ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال الله انی منزلها علیکم

به کارگیری «منزل» از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

17- دعای حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 53 - 7

7_ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره _ در دنیا و آخرت _ ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

18- دعوت از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 7

7 - عیسیٰ بن مریم (ع)، از حواریون خواست او را در هدایت خلق به سوی خداوند یاری کنند .

كما قال عیسیٰ ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی اللّٰه

ص: 120

19- سرزنش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 10,13,14

10 _ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . . . قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جمله «اتقوا الله . . .» حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی(ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از «هل یستطیع ربک . . .» به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

13 _ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر رعایت نکردن ادب در یادکردن از نام خدا

هل یستطیع ربک . . . قال اتقوا الله

رعایت ادب در مورد آیه این بود که حواریون به جای «ربک» (پروردگارت) بگویند: ربنا

14 _ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

20- طعام حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 4

4 _ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف «نطمئن» بدون «ان» بر «نأکل» می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

21- عقیده حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 8،10

8 - حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

10 - حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک . . . قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

ص: 121

جمله «اتقوا الله...» حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی (ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از «هل یستطیع ربک...» به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 6.8

6_ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نرید ان نأکل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم «نأکل» که اشاره به جنبه مادی دارد، بر «تطمئن» و «نعلم» که از امور معنوی است، استفاده شده است.

8_ حواریون در آغاز رسالت مسیح، محروم از ایمان راستین و گرفتار شک و تردید در حقانیت رسالت عیسی (ع)

قالوا... و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

22- عهد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 11

11_ تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع)، پس از نزول مائده آسمانی، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا... و نکون علیها من الشهدین

23- عیسی (ع) و حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 112 - 9

9_ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

24- فضایل حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ حواريون ، بهره مند از وحى و الهام خداوند

و اذ اوحيت إلى الحواريون

تفسير «اوحيت» در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: اللهموا.

ص: 122

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 350، ح 221؛ نورالثقلین، ج 1، ص 689، ح 429.

4_ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

7_ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله «ءامنوا بی و برسولی» حکایت از آن دارد که متعلق «مسلمون» اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 3

3_ تفضل خداوند بر حواریون با تکرار نزول مائده آسمانی بر ایشان *

قال الله انی منزلها علیکم

برداشت فوق بر این اساس است که استعمال «منزل» از باب تفعیل برای اشاره به کثرت نزول مائده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 10، 4

4 - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

یـأیها الذین ءامنوا کونوا أنصار الله کما قال عیسی ابن مریم .. قال الحواریون

10 - توسعه و گسترش دین ، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریون نحن أنصار الله

25- مادیگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 113 - 6

6_ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم «نأكل» که اشاره به جنبه مادی دارد، بر «تطمئن» و «نعلم» که از امور معنوی است، استفاده شده است.

26- مائده آسمانی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 115 - 1

1_ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

ص: 123

قال الله اني منزلها عليكم

اسم فاعل «منزل» حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح(ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

27- نعمتهای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 115 - 9

9_ نزول نان و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله اني منزلها عليكم

رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً ...

مجمع البيان، ج 3، ص 410؛ نورالثقلین، ج 1، ص 691، ح 437.

28- هدایتگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - صف - 61 - 14 - 12

12 - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع)، برای هدایت بنی اسرائیل

ف_ امنة طائفه من بنی اسرئیل و کفرت طائفه

29- حواریون عیسی(ع)

{ حواریون عیسی(ع) }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 53 - 5

5_ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده (کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ

30- حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 124

13 - حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصارى الى الله قال الحواريون نحن انصار الله

14 - حواریون در پی دعوت عیسی (ع) ، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند .

من انصارى الى الله .. قال الحواريون نحن انصار الله

18 - حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواريون نحن انصار الله

20 - درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد بانا مسلمون

22 - ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

23 - اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد بانا مسلمون

25 - حواریون ، یاوران منخلص و پاک عیسی (ع) و مبلغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواريون نحن انصار الله

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمى الحواريون الحواريين؟ آن حضرت فرمود: .. لانهم كانوا مخلصين فى انفسهم و مخلصين لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذكير .

عیون اخبارالرضا(ع)، ج 2، ص 79، ح 10؛ علل الشرایع، ج 1، ص 80، ح 1.

5_ اصحاب عیسی (ع)، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

31- دعای حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 53 - 7

7_ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره _ در دنیا و آخرت _، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

ص: 125

6- حواس

1- اهمیت حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 7

7_ شنوایی و بینایی و دیگر حواس ، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن يملك السمع والأبصر

2- حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 171 - 5

5- حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و . . .) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بكم عمى فهم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 9

9- انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لكم السمع والأبصر والأفئدة

ص: 126

3- ضعف حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 88 - 3

3 - نارسایی حس از دریافت همه واقیعت های نظام طبیعت

تحسبها جامده و هی تمرّ

آیه بالا بیانگر این نکته است که حقایقی در جهان طبیعت وجود دارد که حس معمولی بشر از دریافت آن عاجز است؛ همانند حرکت کوه ها همراه حرکت زمین.

4- عوامل مؤثر در حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 6

6 - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 19 - 9

9 - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف . . . تدور أعينهم

5- مالک حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 5

5 - شنوایی و بینایی و دیگر حواس انسان ، تحت مالکیت و فرمان خداست .

أمن يملك السمع والأبصر

کلمه «یملک» می تواند از مصدر «ملک» (مالک بودن) و نیز می تواند از «مُلک» (فرمانروایی) باشد.

6- محدوده حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 153 - 12

ص: 127

12_ مشاهده خداوند با حواس ظاهری ، امری ناممکن و انتظاری بی جاست .

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة بظلمهم

7- مهمترین حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 6

6_ شنوایی و بینایی ، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن يملك السمع والأبصر

گزینش دو قوه «شنوایی» و «بینایی»، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

8- نقش حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 9

9_ نقش حس و مشاهده عینی در فراگیری و شناخت

فبعث الله غراباً يبيحث في الارض ليريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 78 - 7

7- حس و تجربه (شنیدن و دیدن) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر *

و جعل لكم السمع والأبصر والأفئدة

این برداشت بدان احتمال است که تقدم «السمع والأبصار» بر «الأفئدة» اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 78 - 3

3- دریافت های حسی ، زمینه ساز شناخت ها و ادراکات عقلانی

و هو الذى أنشأ لكم السمع والأبصار والأفئدة

آمدن «سمع» و «أبصار» پیش از «افئدة» می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 6

6 - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

ص: 128

4 - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم .. ما لهم بذلك من علم ... أم ءاتینهم کتبا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

7- حورالعین

1- آمادگی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 3

3 - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

2- بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 74 - 1

1 - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ ینس قبلهم ولا جانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 1

1 - حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فجعلنّهنّ أبکاراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 2

ص: 130

2- در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراوند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

«ترب» (مفرد «أتراب») به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

3- پذیرایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 3

3- حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

4- تشبیه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 1

1 - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كأَهنَّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 23 - 1

1 - حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عین . كَأَمْثَلِ اللؤلؤ المكنون

5- جذابت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوجن هم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته

ص: 131

باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 57 - 1

1 - حوریان زیبا، جذاب و پاکدامن بهشت، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنَّ قِصْرَتِ الطَّرْفِ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 1

1 - حوریان بهشتی، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 59 - 1

1 - زیبایی و جذابیت حوریان، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ . فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 1

1 - حوریان بهشتی، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

«حوراء» (جمع «حور») در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 73 - 2

2 - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیء الاء ربکما تکذبان

6- جوانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 2

2- در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

ص: 132

«تُرْب» (مفرد «أُتْرَاب»)) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 1,6

1 - تقوایشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نارس و نار پستان

کواعب

«کاعب» (مفرد «کواعب»)) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

6 - «عن أبي جعفر (ع) في قوله . . . «و كواعب أتراباً» أي الفتيات الناهدات ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند . . . «و کواعب اُتْراباً» روایت شده که فرمود: یعنی دختران نوجوانی که پستان های آنان برآمده است».

7- چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زَوْجِنَ هُم بِحُورِ عَيْنٍ

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 3

3 - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فِيهِنَّ قَصْرٌ مِّنَ الْجَانِّ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

برداشت بالا بدین احتمال است که «قاصرات الطرف» کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک‌ها بهم نزدیک شده است.

8- خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 3

ص: 133

3- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

به کارگیری فعل ماضی «أنشأهن» ، بیانگر مطلب یاد شده است.

9- خوش اخلاقی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 1,5

1 - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

«خیرات» وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. «حسان» نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

5 - « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . « فیهنّ خیرات حسان » یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . »

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: . . . «...خیرات حسان»؛ یعنی ، نیک خویان و زیباصورتان...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 71 - 1,2

1 - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

2 - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ ءالآء ربکما تکذبان

10- خوش رویی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 1

عرباً

«عُرب» جمع «عروب» است و «عروب» به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

ص: 134

11- رنگ چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 1

1 - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

«حوراء» (جمع «حور») در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

12- زبان حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 5

5 - « عن جعفر بن محمد عن أبيه (رضی الله عنه) قال رسول الله فی قوله « عرباً » قال : كلامهنّ عربیّ ;

از امام صادق (ع) از پدرش (ع) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روایت شده که درباره «عرباً» در کلام خدا فرمود: [یعنی] سخن گفتن آنان عربی است».

13- زیبایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 57 - 1

1 - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قـصرت الطرف .. فبأیء الاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 58 - 1

1 - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأئنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 59 - 1

1 - زیبایی و جذابیت حوریان ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

کأنهنّ الیاقوت و المرجان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

ص: 135

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 1,5

1 - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

«خیرات» وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. «حسان» نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

5 - « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . « فیهنّ خیرات حسان » یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: . . . «...خیرات حسان»؛ یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 71 - 1,2

1 - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

2 - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 1

1 - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

«حوراء» (جمع «حور») در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 1

1 - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن «إنشاء» به ضمیر متکلم مع الغیر _ که برای بیان عظمت است _ و نیز نکره آوردن «إنشاء» _ که آن نیز دلالت بر عظمت دارد _ حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 2

2 - حوربان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أَتْرَابًا

ص: 136

«أتراب»، جمع «ترب» بر وزن «مصر» است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، «ترب» یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از «ترب» در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

14- سفیدی بدن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان)، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجن هم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

15- سن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 3

3 - حوران بهشت، با شوهرانشان از نظر سنی برابند.

أتراباً

برداشت بالا بر این اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

16- صفات حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 4

4- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان)، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجن هم بحور عین

«حور» (جمع «حوراء»); یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. «عین» (جمع «عیناء»); یعنی، زنان فراخ چشم.

17- عفت حورالعین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 137

3 - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمار چشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنَّ قَصْرَتِ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمَثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

برداشت بالا بدین احتمال است که «قاصرات الطرف» کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنَّ قَصْرَتِ الطَّرْفِ . . . فَبَأَيِّ اَلَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

5 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل « . . . حور مقصورات فی الخیام » قال الحور هنَّ البيض المضمومات [المضمورات] [المصونات] المخدَّرات فی خیام الدرِّ والياقوت والمرجان . . . »

حلبی می گوید از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل « . . . حور مقصورات فی الخیام » سؤال نمودم، فرمود: [آن] حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فَبَأَيِّ اَلَاءِ رَبِّكُمَا تَكْذِبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ انس قبلهم .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذّبان

2 - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمثهنّ انس قبلهم .. فبأیّ ءالاء ربکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حوران بهشتی ، در نهایت پاکدامنی بوده و دست هیچ بیگانه ای آنان را لمس نکرده و چشم بیگانه ای آنها را ندیده است .

و حور عین . کَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

تشبیه حوران بهشتی به مرواریدهای نهفته در صدف، می تواند کنایه از مطلب بالا باشد.

18- علاقه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 1

1 - حوران بهشت ، طَنَاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عرباً

«عُرْب» جمع «عَرَب» است و «عَرُوب» به زنی گفته می شود که: طَنَاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

19- فضایل حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 70 - 5، 1

1 - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

«خیرات» وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. «حسان» نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

5 - « قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : . . . « فیهنّ خیرات حسان » یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . » ;

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده که فرمود: . . . «...خیرات حسان»؛ یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 71 - 2

2 - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فَبأیّ آءِآءِ رَبِّکَمَا تَکذَّبَانِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 1

1 - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن «إنشاء» به ضمیر متکلم مع الغیر _ که برای بیان عظمت است _ و نیز نکره آوردن «إنشاء» _ که آن نیز دلالت بر

ص: 139

عظمت دارد _ حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

20- کام دهی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 3

3 - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

21- کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 1

1 - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

نسبت دادن «إنشاء» به ضمیر متکلم مع الغیر _ که برای بیان عظمت است _ و نیز نکره آوردن «إنشاء» _ که آن نیز دلالت بر عظمت دارد _ حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

22- مستوری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 2

2 - حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

23- منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فَجَعَلَنَّهُنَّ أَبْكَارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله «همواره باکره ماندن» در ذهن مخاطبان صدراسلام غیر قابل باور جلوه کند، خداوند آن را به خواست خود نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

24- نشاط حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 75 - 2

2- حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

25- نعمت ازدواج با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 54 - 1

1- ازدواج با حوریان بهشتی ، نعمتی الهی برای متقین

كذالك و زوّجنهم بحور عین

26- نعمت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 73 - 1

1 - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تَكْذِبَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 75 - 1

1 - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمثهنّ انس قبلهم .. فبأیء آلاء ربکما تکذبان

ص: 141

27- نقش حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 35 - 2

2 - حوران بهشتی ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 38 - 2

2 - حوربان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ .. لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

28- ویژگیهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 56 - 6

6 - حوربان بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیوی بهشتیان

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

تعبیر «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ ..» می رساند که اصولاً حوریه های بهشت، سابقه ارتباط هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 72 - 5

5 - « عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل « .. حور مقصورات في الخيام » قال الحور هنّ البيض المضمومات [المضمورات] [المصونات] المخدرات في خيام الدرّ والياقوت والمرجان ... » ؛

حلبی می گوید از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل « .. حور مقصورات فی الخیام » سؤال نمودم، فرمود: [آن] حوربان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جانّ

3 - حوران بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیایی بهشتیان

لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جانّ

تعبیر «لم یطمثهنّ انس قبلهم..» می رساند که اصولاً حوریان بهشتی، سابقه ارتباط با هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 23 - 3

3 - حوران بهشتی ، غیر از همسران دنیوی بهشتیان اند .

كأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

در صورتی که تشبیه به «لؤلؤ مکنون» کنایه از این باشد که هیچ بیگانه ای، حوران بهشتی را قبلاً لمس نکرده؛ معلوم می شود که آنها زنانی غیر از زنان دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 36 - 1

1 - حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 3، 1

1 - حوران بهشت ، طَنَاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عَرَبًا

«عَرَبٌ» جمع «عَرَبٌ» است و «عَرَبٌ» به زنی گفته می شود که: طَنَاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

3 - حوران بهشت ، با شوهرانشان از نظر سنی برابرند .

أَتْرَابًا

برداشت بالا بر این اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

29- همسانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - حوریاں بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

«أتراب»، جمع «ترب» بر وزن «مصر» است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، «ترب» یکدیگرند و چون حوریاں بهشتی تولد ندارند، مراد از «ترب» در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

ص: 143

30- همسر داری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 1

1 - حوران بهشت ، طّٰناز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

«عُرب» جمع «عروب» است و «عروب» به زنی گفته می شود که: طّٰناز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

31- همسنی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 37 - 2

2 - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابrand (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

«تَرَب» (مفرد «أتراب») به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

32- همنشینی با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 33 - 3

3 - تقواییشان ، برخوردار از هم نشینی صمیمانه حوریان جوان در بهشت

أترابًا

در «معجم مقاییس اللغه»، «تَرَب» با «خِذْن» (دوست و همراه) به یک معنا گرفته شده است.

1- آثار حیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 21

21 - حیای آدمی ، مانع انجام برخی کارها است .

إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ

2- حیا از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 3,4,1

1 - خیانت پیشگان گنهگار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ

چون «استخفاء» (پنهان سازی) از خداوند مقدر نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین «استخفاء» می تواند کنایه از «استحیاء» (شرم کردن) باشد.

3 - خداوند ، سزاوارترین ناظری است که هنگام گناه باید از او شرم کرد .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

4 - کسانی که از مردم شرم می کنند ، ولی از خدا شرمی ندارند ، مورد سرزنش خداوند هستند .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

3- حیا از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 108 - 1,4

1 - خیانت پیشگان گنهکار، علی رغم شرم از مردم، از خدا شرم و پروایی ندارند.

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله

چون «استخفاء» (پنهان سازی) از خداوند مقدر نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین «استخفاء» می تواند کنایه از «استحیاء» (شرم کردن) باشد.

4 - کسانی که از مردم شرم می کنند، ولی از خدا شرمی ندارند، مورد سرزنش خداوند هستند.

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله وهو معهم

4- حیا از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 11 - 6

6 - «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) إن الله ينهاكم عن التعرّي فاستحيوا من ملائكة الله الذين معكم الكرام الكاتبين الذين لا يفارقونكم إلا عند ثلاث حاجات الغائط و الجنابه و الغسل»؛

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: خداوند شما را از عریان بودن نهی فرموده است. پس حیا کنید از فرشتگان خدا که با شما هستند؛ همان «کرام الكاتبین» که ارجمند و نویسنده اعمال اند. آنان که از شما جدا نمی شوند؛ مگر در سه مورد که رفع نیاز می کنید: هنگام تخلی، جنابت و غسل».

5- حیا در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 26 - 4

4 - شرم و حیا نباید آدمی را از بیان حقایق دینی باز دارد.

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما بعوضه

افعال خداوند از منبع لایزال علم و حکمت، صادر گردیده است و آنچه از افعال خداوند در قرآن بیان گردیده برای ما قابل تأسی است (جز مواردی که ممکن نیست مانند «خلق»). بر این اساس از جمله «لایستحیی» می توان این درس را گرفت که: در بیان حقایق نباید از چیزی شرم کرد.

ص: 146

6- حیا بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 53 - 25

25 - در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

والله لا يستحي من الحق

7- خدا و حیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 26 - 3

3 - خداوند در تبیین حقیقت از تمثیل به حشره ای همانند پشه ، پروا و شرمی ندارد .

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما بعوضه فما فوقها

«استحیاء» از «حیاء» به معنای خجالت کشیدن و شرم کردن است و «بعوضه» به معنای پشه می باشد.

ص: 147

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 145 - 4,6

4_ نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

6_ قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات ، برخاسته از اراده و حاکمیت خداوند

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسباب مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 8

8_ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 1,3,6,8,11,12

1_ مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

3_ شهیدان راه خدا، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احياء عند ربهم يرزقون

در برداشت فوق «عند ربهم»، متعلق به «يرزقون» گرفته شده است.

6_ برخورداري شهيدان از حياتي ويژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

نکره بودن کلمه «احیاء» اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

8_ تفاوت زندگي و حيات شهدا با ديگر انسان ها، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

11_ وجود رابطه میان حیات و رزق، حتی در عالم برزخ

بل احياء عند ربهم يرزقون

12_ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

ولا تحسبنّ... عند ربهم يرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در این آیه تنها خطابش را متوجه پیامبر (صلی الله علیه و آله) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

2- آثار استبعاد تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 16 - 4

4- بعید شمردن حیات دوباره انسان ها پس از مرگ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

أءذا متنا و كئنا تراباً و عظ_ ما أءنا لمبعوثون

3- آثار انكار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 10

10_ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا . . . حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

ص: 149

4- آثار تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 2

2 - مطالعه جریان مرگ، حیات، نظام آفرینش و روند تحولات تاریخ، راهگشای انسان به سوی جهان بینی الهی

فبأیء الاء ربک تتماری

از ارتباط این آیه با آیات پیشین - به وسیله فای تفریع - مطلب بالا استفاده می شود.

5- آثار تفکر در پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 4 - 3

3 - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما... آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد؛ چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

6- آثار تفکر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 3

3 - تفکر آدمی در آفرینش حیات و مرگ خویش، وادار کننده وی به ایمان و باور به خدای یکتاست.

کیف تکفرون بالله و کنتم أموتاً فأحیکم

7- آثار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 52 - 13

13 - تأثیرپذیری از آیات روشن الهی در جهان طبیعت ، مستلزم داشتن حیات و شعور انسانی است .

اللّٰه الذی یرسل الرّیح .. فإنک لاتسمع الموتی

ص: 150

8- آثار حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 7

7_ زندگی بشر، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) است.

و أنزلنا .. لنحیی به بلده میتاً و نسقیه ممّا خلقنا أنع_مّا و أناسی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم «بلده میتاً» و «أنعاماً» بر «أناسی» از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

9- آثار حیات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 27 - 3,4

3 - تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد.

إنک إن تذرهم یضللوا عبادک

4 - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان، به کفر، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند.

و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

«فاجر» به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

10- آثار حیات محمد(صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 46 - 3

3 - زنده ماندن پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از ادعای نبوت، دلیل صدق رسالت و درستی ادعای آن حضرت است.

و لو تقوّل علینا .. لقطعنا منه بالوتین

خداوند، مجازات مرگ را برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صورت دروغ بستن بر خدا مقرر فرمود. این مطلب می تواند گویای این

حقیقت باشد که زندگانی آن حضرت پس از ادعای نبوت، گواه صدق ادعای ایشان است.

11- آثار ذکر استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 82 - 5

ص: 151

5- توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لكم السمع . . . و هو الذی یحیی و یمیت . . . أفلا تعقلون ... قالوا أءذا

12- آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 6

6- تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه سازی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أریتم إن کان من عند الله . . . فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین _ که در یک سیاق قرار دارند _ نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

13- آثار علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 5

5_ وابستگی به خانه و سرزمین ، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

14- آل یعقوب و حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 7

7_ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم . . . لولا أن تقنّون

روشن است که جمله «إنی لأجد . . .» نمی تواند بیانگر جواب «لولا...» باشد ؛ زیرا یعقوب (ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف (ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد

که جواب شرط جمله ای است نظیر «لما کذبتمونی و...» (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف(ع) را باور می کردید).

ص: 152

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 1

1_ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضلّـلک القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضلالک القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف(ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

15- ادراک حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 154 - 5

5 - اندیشه ها ، از درک زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحياء و لكن لا تشعرون

16- ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 7

7_ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

چون برای به دست آوردن حیات اخروی _ در مواقع لزوم _ باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 26 - 4,5

4_ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحيوه الدنيا في الآخرة إلا متع

حرف «فی» در «فی الآخره» به معنای مقایسه است. «متاع» به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قلّت می باشد.

5_ حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

ص: 153

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 19 - 6

6- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من كان يريد العاجله .. و من أراد الآخرة ... كان سعيهم مشكورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

17- ارزش حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 179 - 7

7- ارزش حیات و زندگی دنیوی انسان ها ، در گرو رسیدن آنان به تقوای پیشگی است .

ولکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که «لعلکم ..» بیان غایت برای «حیاه» باشد؛ یعنی، قانون قصاص تشریح شد تا حیات جامعه را تضمین کند و حیات و زندگی به خودی خود ارزشی ندارد مگر اینکه زمینه ای برای تحصیل تقوا باشد.

18- ارزش حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 7

7_ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

چون برای به دست آوردن حیات اخروی _ در مواقع لزوم _ باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 9

9_ نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحيوه الدنيا .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - توبه - 9 - 38 - 10

10 _ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا في الآخره إلا قليل

ص: 154

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 19 - 6

6- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیا است و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من كان يريد العاجله .. و من أراد الآخرة ... كان سعيهم مشكوراً

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیا طلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

19- ارزش حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 93 - 4

4_ ارزش ایمان و حیات مؤمن در پیشگاه خداوند

و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها

20- استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 129 - 9

9 - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا كلمة سبقت من ربك لكان لزاماً و أجل مسمى

«أجل» به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و «أجل مسمى» عطف بر «كلمه» است؛ یعنی، لولا كلمه و أجل مسمى. ... در این که مراد از «كلمه» و «أجل» دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته هایی مطرح کرده اند: یکی از احتمالات این است که مراد از «كلمه»، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: «لکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین» (بقره/36). مراد از «أجل» در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 2,3

2 - حیات و مرگ ، جریانی مستمر در سراسر گیتی

حذف مفعول کلمه های «یحیی» و «یمیت»، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که: قضیه مرگ و حیات منحصر در پدیده های زمین نیست؛ بلکه حقیقتی است که در سراسر جهان آفرینش جریان دارد. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) بیانگر استمرار این جریان عام می باشد.

3- جریان مستمر مرگ و حیات از جلوه های توحید ، ربوبیت و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

این بخش از آیات، در مقام بیان جلوه های ربوبیت و تدبیر خداوند نسبت به جهان و انسان است در برابر این اندیشه شرک آمیز مردم صدراسلام بود که معتقد به ربوبیت غیر خدا بودند.

21- اقرار به تعدد حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 1

1 - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

22- امتحان با حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 2 - 4

4- تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

23- امکان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 9

9_ انسان ، موجودی با استعداد همیشه ماندن و فنا پذیرفتن

هم فیها خ_ لدون

24- انسان و حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9_ انسان ، موجودی با استعداد همیشه ماندن و فنا نپذیرفتن

هم فیها خ_ لدون

ص: 156

25- انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1

1_ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

26- اهمیت تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 18 - 3

3- اهمیت تقدیر و حساب گری در تنظیم بهینه حیات

و أنزلنا من السماء ماء بقدر

27- اهمیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 258 - 11

11_ قانون حیات و مرگ ، نشانه و پرتو ربوبیت الهی

ربّی الّذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 23 - 10

10- آبرو و شخصیت انسان مهم تر از حیات و زندگی مادی او است .

ی_لیتّنی متّ قبل ه_ذا

این که مریم، مرگ را بر زندگی بدون آبرو ترجیح می دهد، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- غم، شادی، مرگ، حیات و نیازمندی و غنا، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیء الاء ربک تتماری

ص: 157

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

28- اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 17

17_ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی الله عنهم . . . جنت ... خلدین فیها ابدأً ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 19 - 8

8- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد .

من كان يريد العاجله . . . و من اراد الآخره ... كان سعيهم مشكوراً

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیا طلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی و تلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است، استفاده می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إن هـِـؤَلاء ليقولون . . . و ما خلقنا السموت ... لـعبين

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

29- اهمیت حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 7

7_ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

وإن أظتموهم إنكم لمشركون. أو من كان ميتا فأحيينه و جعلنا له نورا يمشى به في ال

تمثيل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

ص: 158

30- اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 10

10_ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتُم بالحویة الدنیا من الآخره فما متع الحیوة الدنیا فی الآخره إلا قلیل

31- برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 10

10_ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتُم بالحویة الدنیا من الآخره فما متع الحیوة الدنیا فی الآخره إلا قلیل

32- بی ارزشی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 26 - 4,7

4_ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوة الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف «فی» در «فی الآخره» به معنای مقایسه است. «متاع» به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قلت می باشد.

7_ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحویة الدنیا و ما الحیوة الدنیا فی الآخره إلا متع

چون مراد از ضمیر در «فرحوا» کفرپیشگان و مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) است ، جمله «فرحوا بالحویة الدنیا و ..» در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ؛ یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

33- پوچی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 98 - 6

6_ زندگانی دنیا بدون پایگذاری آن بر مبنای ایمان و تقوا، بازیچه ای بیش نیست .

أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضَحَىٰ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ

ص: 159

34- پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 27 - 4,5,6

4_ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحي من الميت و تخرج الميت من الحي

5_ پیدایش مستمر حیات و مرگ به دست خدا ، نشانه قدرت اوست .

تخرج الحي من الميت

6_ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحي من الميت

از تقدیم «تخرج الحي ...» بر «تخرج الميت ...» استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

35- پیدایش حیات از موجودات بی جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 2,3,4

2_ خداوند پدیدآورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله ... يخرج الحي من الميت

3_ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوى يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي

4_ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

يخرج الحي من الميت و مخرج الميت من الحي

جمله «يخرج الحي»، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج الميت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

36- تجدید حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 73 - 7

7 - خداوند ، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید .

ص: 160

كذلك يحي الله الموتى

37- تجديد حیات اجداد مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 17 - 2

2- مشرکان ، حیات مجدد نیاکان اولیه خود را در روز رستاخیز ، بعیدتر و غیرممکن تر از تجدید حیات خود می دانستند .

أءنَّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأولون

از عطف «أو ءاباؤنا ..» بر «أءنا لمبعوثون» _ که برای ارتقای اظهار استحاله امر معاد است _ و نیز از اختصاص به ذکر یافتن «آباء»، برداشت یاد شده به دست می آید.

38- تجديد حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 81 - 5

5 - شفایابی انسان پس از بیماری و حیات مجدد وی پس از مرگ ، نمود های ربوبیت الهی

إلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ... وَإِذَا مَرَضتْ... وَالذی یمیتنی ثم یمیتنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 3

3 - آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أمن یدءوا الخلق ثم یمیده

سخن گفتن خداوند درباره «بدء» و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 7 - 3،5،6

3 - بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّتم كلَّ مَرَّك إِيَّكم لفي خلق جديد

«مزق» در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

5- کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

وقال الذين كفروا لاتأتينا الساعة .. وقال الذين كفروا .. إذا مَرَّتم كلَّ مَرَّ

این آیه عطف به آیه «وقال الذين كفروا لاتأتينا الساعة ..» است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

ص: 161

6 - سخن گفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از بازآفرینی انسان ها در قیامت

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 16 - 1

1 - انسان ها پس از مردن و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و کنا ترابًا و عظمًا ما أءنا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 5

5 - انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت از سوی کافران

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحمیتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 47 - 1

1 - ضرورت برپایی قیامت و خلقت دوباره آدمیان ، در بینش الهی

و أنّ علیه النشأه الأخری

39- تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 16 - 5

5 - انسان ها ، در عالم آخرت ، حیات مجدد پیدا می کنند .

الذین کفروا و کذبوا بأیّتنا و لقای الأخره

مراد از «لقاء الآخرة» می تواند تحقق لقای انسان ها با خدا در عالم آخرت باشد که در این صورت، مستلزم حیات مجدد آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 3 - 15

15 - احاطه علمی خداوند به ذرات پراکنده در زمین ، پشتوانه تحقق معاد و حیات مجدد انسان ها

يعلم ما يلج في الأرض . . . وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة قل بلى وربي لتأتين

توجه دادن به این حقیقت که خداوند از اجزای پراکنده اطلاع دارد، اشعار به امکان تحقق معاد است.

ص: 162

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - سبأ - 34 - 8 - 4

4 - کافران ، بازآفرینی انسان ها را _ پس از قطعه قطعه شدن _ از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلکم علی رجل ینبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم ... أفتری علی اللّٰه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت _ که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مطرح می کند _ افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. از این رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 18 - 1

1 - تمامی انسان ها ، پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أذا متنا و کنا تراباً و عظاماً لمبعوثون .. قل نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 57 - 4,5,3

3 - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

4 - آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

5 - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أكبر .. ولکن أكثر الناس لا یعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق «لا یعلمون» مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 7

7 - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَارِيبَ فِيهَا . .. هُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 41 - 5

5 - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بَرِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَنُدْرِينُ . عَلَىٰ أَنْ نَبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

ص: 163

40- تجدید حیات در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 11 - 1

1 - روز، زمان زندگی و حیاتی مجدد برای انسان، پس از فرونشستن آثار حیات او در خواب

و جعلنا النهار معاشاً

«معاش» مصدر میمی و به معنای حیات و زندگی است (لسان العرب). اطلاق حیات بر روز، به این اعتبار است که انسان از خواب شب _ که به قرینه تقارن این آیه با دو آیه قبل به مرگ تشبیه شده است _ برمی خیزد و حیاتی دوباره آغاز می کند. کسانی که این کلمه را اسم زمان و به معنای زمان عیش (زمان زندگی) دانسته اند، همین مفاد را در نظر گرفته اند.

41- تجدید حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 1

1 - اعتراف کافران در قیامت، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - حاقه - 69 - 27 - 1

1 - کافران دوزخی در قیامت، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند.

یـلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر «یالیتها» امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند «الموتة»). «قاضیه» نیز به معنای «قاطع» است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

42- تحول حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 12، 9

9_ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

اَنِّي اَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفِخُ فِيْهِ

ص: 164

بیان آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلی تحول حیات. و اگر مقصود، صرف بیان اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

12_ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان، در پرتو اذن خداوند

اِنِّیْ اَخْلَقُ . . . باذن اللّٰه

43- تداوم حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 23 - 2

2- مرگ و حیات، امری دایمی و مستمر

و اِنَّا لَنَحْنُ نَحِیْ وَ نَمِیْتُ

آمدن جمله اسمیه «اِنَّا لَنَحْنُ نَحِیْ وَ نَمِیْتُ» و نیز فعلهای مضارع «نَحِیْ» و «نَمِیْتُ»، بیانگر استمرار است.

44- تداوم حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 25 - 7

7- حیات انسان ها با مرگ پایان نمی پذیرد و پس از آن نیز ادامه دارد.

و اِنَّا لَنَحْنُ نَحِیْ وَ نَمِیْتُ . . . و اِن رُبَّکَ هُوَ یَحْشُرْهُم

از اینکه خداوند، در آیه 23 فرمود: «ما انسانها را می میرانیم» و در این آیه می فرماید: «انسانها را گرد خواهیم آورد» حاکی از تداوم حیات انسان پس از مرگ است.

45- تداوم حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 3

3 - شرایط حیات در کره زمین - حتی برای جانداران بیابانی - تا زمان پیدایش نشانه های قیامت، همچنان باقی خواهد ماند.

وَ اِذَا الْوَحْشُ حَشَرَتْ

46- تداوم حیات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 165

4- شیطان ، تا برپایی قیامت زنده و همواره به اغوای نسل آدم (ع) مشغول است .

لئن أخرتن إلى يوم القيـمه لأحتنكنّ ذرّيته إلاّ قليلاً . قال اذهب فمن تبعك

47- تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 11

11_ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ولئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

48- تعقل در چرخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 19 - 8

8 - ژرف نگری درباره چرخه حیات و مرگ موجودات ، برطرف کننده استبعاد معاد است .

أولم یروا کیف یبدئ الله الخلق ثمّ یعیده

دعوت از کافران به تعمق و مطالعه در کیفیت پیدایش موجودات و بازگشت آنها به حالت نخست شان، به منظور راه یافتن به قدرت خداست و این که خداوندی که بر پدید آوردن و میراندن موجودات، قادر است، توانایی دارد که معاد را تحقق بخشد.

49- تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 7

7_ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالتق الحب و النوی . . . ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت . . . أفلاتعقلون

ص: 166

50- تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 7

7_ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه «لیجعل» متعلق به محذوف باشد؛ یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

51- تقدیر حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 49 - 6

6_ خداوند، برای حیات و انقراض هر جامعه و امتی ظرف زمانی مشخصی، از پیش مقدر فرموده است .

لکل أمه أجل

52- تکامل حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 59 - 6

6_ آفرینش آدم در دو مرحله (مرحله خلق از خاک، مرحله امر)

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

53- توسعه در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 100 - 2

2_ رهایی از تنگناها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی، ثمره ای برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر فى سبيل الله يجد فى الارض مراغماً كثيراً وسعه

ص: 167

54- جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 2

2_ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . . . و جنت لهم فيها نعیم مقیم. خلدین فیها ابدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 63 - 8

8_ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلدًا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 68 - 6

6_ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

1_ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین . . . تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 10

10 - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خلدین فیها ابدًا

55- حتمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 1

1 - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بلی

ص: 168

56- حفظ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 5

5_ حضور همواره فرشتگان محافظ در کنار آدمی برای حفظ حیات اوست.

ویرسل علیکم حفظه حتی إذا جاء أحدکم الموت

چون غایت گسیل ملائکه محافظ، مرگ آدمی است (حتی إذا جاء أحدکم الموت)، به قرینه تناسب حکم و موضوع باید حضور فرشتگان برای حفظ و بقای حیات آدمی باشد.

57- حفظ حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 32 - 15

15_ حفظ حیات یک انسان و جلوگیری از نابودی وی در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسانهاست .

و من احیایها فکانما احیا الناس جميعاً

مراد از «احیاء» نمی تواند زنده کردن مردگان باشد؛ بلکه به معنای حفظ حیات انسانها و جلوگیری از هلاکت آنان است. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از معنای «من احیایها» در آیه فوق فرمود: نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو... .

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 313، ح 84؛ تفسیر برهان، ج 1، ص 464، ح 11.

58- حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 8 - 5

5- هر انسانی، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءودة سئلت

ذکر «موءوده» (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است؛ و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

59- حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 169

3- اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا .. و إذا تتلی علیهم آءای-تنا بیّن-ت

60- حقانیت حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 154 - 7

7- وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

61- حقیقت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 9

9- نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 51 - 3

3- حیات دنیا ، حیاتی فریبنده و سرگرم کننده

غرتهم الحیوه الدنیا

غرور (مصدر غرّت) به معنای فریب دادن است.

62- حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 8

8- بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

یحییکم ثم إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 170

7- ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سُدًى . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

63- حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 6

6 - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحییکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران «ثم یحییکم» (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 5

5_ حیات انسان در آخرت، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین . . . جنت تجری . . . مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

64- حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 7

7- وجود حیات و شعور در موجودات، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائم «ذوی القعول» در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

65- حیات اخروی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 171

11- حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یوم أُبعث حياً

با این که فعل «أُبعث» بر زنده شدن دلالت دارد، تصریح به «حياً» ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسی (ع) در مقایسه با دیگران باشد.

66- حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 29

29_ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیا است .

و الاخره خیر لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 3

3- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقوایندگان

فی مقام أمين . . . ف_کَهِءَ اَمْنِیْن . لایذوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با «مقام أمين» در آیات پیشین و «آمین» در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

67- حیات اخروی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 1

1 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جهان آخرت، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربک فترضی

«سوف» برای استقبال است و مراد از آن _ به قرینه آیه قبل _ جهان آخرت است.

68- حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 7

7- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

ص: 172

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كـ فرين

از ضمائر «ذوی القعول» در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

69- حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 16

16_ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

70- حیات از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 7

7- مرگ و حیات ، از آیات خداوند است .

وإنا لنحن نحي ونميت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 33 - 1

1 - پدیده حیات و احیای زمینِ مرده ، آیه و نشانه ای بزرگ از خداوند است .

وآیه لهم الأرض الميته أحيينها .. حَبًّا

«حَبِّ» به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است. گفتنی است که نکره آمدن «آیه» برای تفخیم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 8

8 - نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

وآیه لهم الأرض .. سبحن الذی خلق الأزوج کلها... و ممّا لا یعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - « حیات و مرگ » و « خواب و بیداری » ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فِيمَسْك .. وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ

ص: 173

جمع آمدن «آیات» می رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

71- حیات اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 105 - 5

5 - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدقت الرءیا إنا کذلک نجزی المحسنین

72- حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

7 - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7 - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 49 - 7

7_ هر جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

73- حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - حیات انسان ها ، تفضّل الہی بر آنان

ثمّ احياهم انّ اللّٰه لذو فضل علىّ النّاس

ص: 174

«انّ الله» همان گونه که می تواند تعلیل نقل داستان باشد، می تواند تعلیل جمله «ثم احياهم» نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 129 - 4

4_ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لك من الامر شیء .. و لله ما فی السموات و ما فی الارض

زیرا جمله «لیس لك ..» با جمله «و لله ما فی السموات» تعلیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 9

9_ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من الله شیئاً ان اراد ان یهلک .. و من فی الأرض جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 32 - 18

18_ انسان ها ، دارای منزلتی برابر در برخورداری از حق حیات

من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً

جزای یکسان برای کشتن هر فرد و پاداش مساوی برای احیای وی، حاکی از برابری تمامی انسانها در حق حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 62 - 3

3_ حکم نافذ و لازم الاجرا در آفرینش و حیات و مرگ انسان، تنها از آن خداوند است.

و یرسل علیکم .. ثم ردوا الی الله مولیهم الحق الا له الحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 94 - 3

3_ حیات انسان، و امکانات دیگر زندگی او، جملگی از آن خداوند و داده اوست.

كما خلقنكم أول مره و تركتم ما خولنكم وراء ظهوركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 5

5_ استقرار و استیداع، دو حالتی که بنی آدم در یکی از آن دو قرار دارند.

أنشأكم من نفس وحده فمستقر و مستودع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 175

9- حیات نخستین انسان ، خود گویاترین دلیل بر امکان حیات دوباره اوست .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

74- حیات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 1 - 16

16_ « عن سفیان . . . الثوری ، قال : قلت لجعفر بن محمد . . . یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : . . . « المر » . . . قال (ع) : . . . فمعناه : أنا الله المحیی الممیت الرازق . . . »

از سفیان ثوری روایت شده است: به جعفر بن محمد (امام صادق(ع)) گفتم: ای فرزند رسول الله معنای سخن خداوند عزوجل: « المر » چیست؟... حضرت فرمود:... معنای آن این است که من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده ام...». مراد از روایت این است که: «الف» رمز «أنا»، «ل» رمز «الله»، «م» رمز «محبی و ممیت» و «ر» رمز «رازق» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 82 - 5

5 - تنها آفریدگار هدایت گر ، و روزی دهنده ، شفا بخش و حیات آفرین ، شایسته برای دل بستن انسان به غفران و بخشایش او

الذی خلقنی . . . و الذی أطمع أن یغفر . . . یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 3

3 - حیات بخشی خداوند به مرده و زمین ، از دلایل لزوم تسبیح خداوند است .

فسبحن الله . . . ینخرج الحی من المیت . . . و ینحی الأرض بعد موتها

«ینخرج الحی» می تواند تعلیل برای «فسبحان الله» باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 1

1 - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 7

7 - آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إنّ الذی أحيها لمحي الموتی

ص: 176

75- حیات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 4

4- قرآن، حیات بخش جان انسان ها است.

كذلك أوحينا إليك روحًا

به کارگیری واژه «روح» به جای «قرآن» یا «کتاب»، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

76- حیات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8- پرستش، مخصوص پدیدآورنده، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده .. أله مع الله

77- حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 3

3- وجود عالم برزخ (عالم پس از دنیا و پیش از برپایی قیامت) و زنده شدن و مردن انسان ها در آن عالم*

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

در این که مقصود از دو مردن و دو زنده شدن چیست؟ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: مهم ترین آنها، دو نظریه است: 1_ زنده شدن در عالم برزخ و قیامت و مردن در دنیا و عالم برزخ؛ 2_ مرگ در آغاز تکوین انسان، پیش از دمیده شدن روح در وجود وی و مردن در پایان عمر و زنده شدن با دمیدن روح در انسان و زنده شدن در قیامت. این حقیقت در سوره «بقره» چنین یاد شده است: «وکنتم أمواتاً فأحياکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون». برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 46 - 4

4- وجود حیات برزخی (زندگی میان دنیا و قیامت) برای انسان ها

النار يعرضون عليها غدوًّا وعشيًّا

ص: 177

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 5,7,8

5_ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم الله من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیا است.

7_ وجود حیات برزخی ، پس از مرگ تا قیامت *

بل احياء عند ربهم یرزقون. فرحین بما اتیهم الله من فضله و یستبشرون

8_ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

جمله «لم یلحقوا بهم»، دلالت بر این دارد که همزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

78- حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 29 - 12

12_ معاد و حیات دوباره، امری حتمی برای تمامی انسانها

كما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 30 - 14

14- حیات انسان ها با مرگ ، پایان نمی پذیرد .

للذین أحسنوا .. و لدار الآخرة خیر

با توجه با اینکه آیه درصدد پاداش نیکوکاران در سرای دیگر است معلوم می شود که مرگ پایان حیات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 32 - 5

5- انسان ، با مرگ نیست و نابود نمی شود .

الذین تتوفّ هم الملئکه

«تتوفی» (از مصدر توفی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این معنا حکایت از آن دارد که حقیقت انسان گرفته می شود و منتقل می گردد. فراز بعدی آیه (سلام علیکم فادخلوا الجنة) نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 178

6- حیات پس از مرگ ، خلقتی جدید و تازه برای انسان است .

أءنَّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

79- حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 36 - 5

5_ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 4 - 7

7- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلکنا من قریه إلا و لها کتاب معلوم

80- حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 1

1_ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

81- حیات جاودان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 16 - 8

8_ متقین ، مردمانی دور اندیش و در پی حیات جاودانه

أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ . . . لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدٌ

ص: 179

82- حیات جاودانه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 12

12_ مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلک الفوز العظیم

83- حیات جسمانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 5

5_ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

84- حیات جسمانی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 159 - 5

5_ حضرت عیسی (ع) ، هم اکنون زنده و دارای حیاتی جسمانی است .

وإن من أهل الكتب إلا لیؤمننّ به قبل موته

با توجه به مضارع بودن فعل «لیؤمننّ» که اخبار از آینده است و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که تمامی اهل کتاب به حضرت عیسی (ع) ایمان آورده باشند، معلوم می شود آن حضرت هنوز زنده است.

85- حیات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 25 - 12

12 - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

ص: 180

86- حیات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 112 - 7

7 - جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

87- حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 134 - 7

7 - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 141 - 7

7 - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

88- حیات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 47 - 3

3 - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفُؤا للذين استكبروا

89- حیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2_ خداوند ، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست .

اللّٰه لا اله الا هو الحيّ القيوم

کلمه «قیوم» به معنای پاینده ای است که حفظ و نگهداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لكل شيء و المعطى له ما به

4_ حیات و قیومیت مطلق ، ملاک معبود بر حق

اللّٰه لا اله الا هو الحيّ القيوم

آوردن دو صفت «حي» و «قيوم»، اشاره به علت حصر عبودیت در خداوند است؛ یعنی تنها زنده قائم به ذات و مدبّر اشیا، می تواند معبود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 256 - 15

15_ ایمان به خداوند ، اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیت ، قیومیت ، حیات ، مالکیت و علم مطلق اوست .

اللّٰه لا اله الا هو الحيّ القيوم . . . يؤمن بالله ... و اللّٰه سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 4،7

4 - اختصاص حیات حقیقی به خداوند ، دلیل نبودن هیچ معبودی جز او در جهان است .

هو الحيّ لا اله الا هو

جمله «لا اله الا هو» به منزله نتیجه برای «هو الحيّ» است؛ یعنی، چون خداوند زنده جاوید است، پس جز او کسی مدبر عالم و نیز شایسته معبود بودن نیست.

7 - دعا و عبادت ، تنها شایسته خداوند یکتا و دارنده حیات حقیقی است .

هو الحيّ لا اله الا هو فادعوه

«فا» در «فادعوه» عاطفه بوده و برای ربط میان سبب و مسبب است؛ یعنی، به سبب آن که خدا دارنده حیات حقیقی و یکتا است، پس او را باید عبادت کرد و از او حاجت خواست.

90- حیات در آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 83 - 8

8_ وجود موجوداتی دارای شعور در آسمانها

وله اسلم من فی السموات و الارض

91- حیات در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 5

ص: 182

5- نظام حیات و مرگ در جهان هستی ، دلیلی آشکار بر امکان معاد و احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ . . . وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

92- حیات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 89 - 9

9_ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حَتَّى يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

93- حیات در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 74 - 11، 7

7- دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد _ تا عذاب را درک نکنند _ و نه مانند زندگان خواهند بود .

فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَأَيُّمُوتَ فِيهَا وَلَا يُحْيِي

مراد از «حیاه» در «لایحیی» به قرینه «لایموت فیها» حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ _ که پایان دهنده عذاب است _ ناگوارتر و منفورتر می باشد.

11 - « عن أبي سعيد الخدري : إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) خطب فأتى على هـ ذه آیه « إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَأَيُّمُوتَ فِيهَا وَلَا يُحْيِي » فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : أَمَّا أَهْلُهَا الَّذِينَ هُمْ أَهْلُهَا ، فَإِنَّهُمْ لَأَيُّمُوتُونَ فِيهَا وَلَا يُحْيُونَ ، وَأَمَّا الَّذِينَ لَيْسُوا بِأَهْلِهَا فَإِنَّ النَّارَ تَمِيَّتُهُمْ إِمَاتَهُ ثُمَّ يَقُومُ الشَّفَعَاءُ فَيُشْفَعُونَ ؛

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خطبه خواند، تا به این آیه رسید «إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَأَيُّمُوتَ فِيهَا وَلَا يُحْيِي». پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم _ که سزاوار آن هستند _ در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 16 - 3

3- دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود؛ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

94- حیات در ماده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 49 - 12، 9

9_ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

اِنِّیْ اَخْلَقْتُ لَکُمْ مِّنَ الطَّیْنِ کَهَیْئَةِ الطَّیْرِ فَاَنْفَخْتُ فِیْهِ

بیان آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلی تحول حیات. و اگر مقصود، صرف بیان اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

12_ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان ، در پرتو اذن خداوند

اِنِّیْ اَخْلَقْتُ . . . بِاِذْنِ اللّٰهِ

95- حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 36 - 17

17_ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لَکُمْ فِی الْاَرْضِ مَسْتَقَرٌّ وَ مَتَعٌ اِلٰی حَیْنٍ

«متاع» به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 212 - 3، 2، 1

1_ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

2_ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

3_ کفر، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 97 - 2

2_ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

ان الذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 7

ص: 184

7- ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- بقره - 2 - 204 - 6

6_ ظاهرسازی و فریفتن دیگران ، فقط در تنگنای حیات دنیا ممکن است .

و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوه الدنیا

بنابراینکه «فی الحیوه الدنیا»، متعلق به «یعجبک» باشد؛ یعنی شگفتی گفتارشان در دنیا است؛ در آخرت که روز حقیقت است.

96- حیات دنیوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 6

6- انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحییکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران «ثم یحییکم» (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- اعراف - 7 - 24 - 3,9

3_ زندگی انسانها در دنیا همواره آمیخته به دشمنی و عداوت با یکدیگر است.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب کلمه «اهبطوا» تنها، آدمیان باشند. در این صورت مراد از «بعضکم لبعض عدو» دشمنی انسانها با یکدیگر خواهد بود.

9_ زمین در بر دارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

ولکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

97- حیات دنیوی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 29

29_ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیا است .

ص: 185

98- حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 24 - 3

3 - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 33 - 4

4 - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و اياه لهم الأرض الميتة أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 17

17 - حیات زمین در دنیا و رستاخیز مردگان در قیامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إن الذي أحيها لمحي الموتى إنه على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 5 - 6

6 - زمین ، دارای مرگ و حیات

فأحيا به الأرض بعد موتها

99- حیات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 64 - 5

5- آخرت، سراسر حیات و زندگی است و مرگ و نیستی، در آن راه ندارد.

وإنّ الدار الآخرة لهي الحيوان

تعبیر «الحيوان» (عین حیات) نشان می دهد که آخرت، حیات محض است.

ص: 186

100- حیات شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 14 - 6

6 - پیدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه الله و سقیها .. فعقروها

101- حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 154 - 9، 2، 1

1 - کشته شدگان راه خدا ، زنده و برخوردار از حیاتی ویژه اند .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموت بل احياء

از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند ، معلوم می شود: حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته ، حیات و زندگانی ویژه ای است .

2 - نباید کشته شدگان راه خدا را مرده خواند و آنان را در شمار مردگان قلمداد کرد .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموت بل احياء

9 - اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إن الله مع الصبرین . و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 1، 3، 6، 8، 12

1 - مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا

3 - شهیدان راه خدا ، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احياء عند ربهم يرزقون

در برداشت فوق «عند ربهم»، متعلق به «يرزقون» گرفته شده است.

6_ برخورداري شهيدان از حياتي ويژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

نکره بودن کلمه «احياء» اشاره به اين معنا دارد که حيات شهيدان حياتي است که برای انسانها در دنيا ناشناخته است. بنابراین حياتي ويژه خواهد بود.

8_ تفاوت زندگي و حيات شهدا با ديگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

چون از نظر قرآن ديگر مردگان نيز از حيات برزخي برخوردارند، مطرح کردن حيات ويژه برای شهيدان، حکايت از تفاوت اين دو حيات دارد.

ص: 187

12_ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

و لا تحسبنّ . . . عند ربهم یرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در این آیه تنها خطابش را متوجه پیامبر (صلی الله علیه و آله) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (صلی الله علیه و آله) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 170 - 3, 5, 8, 14

3_ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضلات الهی به آنان

فرحین بما اتيهم الله من فضله

بنابر اینکه مراد از «ما اتيهم الله»، همان باشد که در آیه قبل بیان شد ؛ یعنی حیات ویژه و . . .

5_ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتيهم الله من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همرزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

8_ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

جمله «لم یلحقوا بهم»، دلالت بر این دارد که همزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

14_ جاودانگی حیات ، تنعم و امنیت خاطر شهیدان *

الا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

2 - بقرہ - 2 - 259 - 16

16 _ عدم فساد مواد غذایی و نوشیدنی ، علی رغم وجود عوامل فساد آور طبیعی ، نشانه الہی بر امکان حیات طولانی موجودات

فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنّہ

103- حیات طولانی ابلیس

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 188

2_ ابلیس از موجودات دارای عمر طولانی و زنده تا روز رستاخیز آدمیان

أنظرنی إلى یوم یبعثون . . . قال إنک من المنظرین

104- حیات عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 169 - 6,8,11

6_ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

نکره بودن کلمه «احیاء» اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

8_ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربهم يرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

11_ وجود رابطه میان حیات و رزق ، حتی در عالم برزخ

بل احياء عند ربهم يرزقون

105- حیات عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 9,14

9_ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلك . . . و من فی الارض جمیعاً

14_ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش مریم در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه

مفهوم جمله «ان اراد . . .» این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

106- حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 189

17 - مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يمسسهم

امام باقر (ع): الموت خير [لـ]... الكافر... لانّ الله يقول... «و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّهم لن يمسسهم أنّهم لن يمسسهم ليزدادوا اثماً».

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 206، ح 155؛ نورالثقلین، ج 1، ص 413، ح 445.

107- حیات ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 61 - 6 - 5

5- ماهی بی جان همراه موسی (ع)، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند، در آب دریا فرورفت .

نسباً حوتهما فاتخذ سبيله في البحر سرباً

فاعل «اتخذ» ضمیری است که به «حوت» بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. «سرب» به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای «سبیل» است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

6- «عن أبي عبد الله (ع) قال: ... أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، واشتري حوتاً... ثم شواه ثم حمله في مكمل... فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يئب من المكمل إلى البحر قال: وهو قوله: «واتخذ سبيله في البحر سرباً»؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... موسی به یوشع پیام فرستاد: «من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!». یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله في البحر سرباً».

108- حیات مجدد انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 3

3_ انسانها پس از مرگ و مدفون شدن در زمین، دوباره زنده خواهند شد و از دل خاک به عرصه زمین بازخواهند گشت.

و فیها تموتون و منها تخرجون

اخراج از زمین (و منها تخرجون) می تواند به این معنا باشد که انسانها از درون زمین، که معمولاً در آن مدفون می شوند؛ پس از زنده شدن به سطح زمین بازگردانده می شوند؛ و می تواند به این معنا باشد که از کره زمین اخراج و به جایی دیگر منتقل خواهند شد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

ص: 190

109- حیات مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 45 - 3

3_ کشتن و مصدوم کردن دیگران ، موجب سلب حق حیات و سلامتی از مجرم

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس و العین بالعین . . . و الجروح قصاص

110- حیات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 17 - 14، 9

9_ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمّن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک . . و من فی الأرض جمیعاً

14_ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش مریم در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) *

فمّن یملک من اللّٰه شیئاً ان اراد ان یهلک المسیح ابن مریم و امه

مفهوم جمله «ان اراد . .» این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

111- حیات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 22 - 2

2- علم ، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق . . و اللّٰه یعلم . . و الذین یدعون من دون اللّٰه لایخلقون شیئ

آوردن عبارت «إِلَـهَ هَکُم إِلَـهَ وَاحِدٌ» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

ص: 191

112- حیات معنوی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 5

5_ حیات انسان در آخرت، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی.

وعد الله المؤمنین... جنت تجری... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

113- حیات معنوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 7

7_ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

وإن أطمعتموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

114- حیات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 3

3_ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله... و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گر چه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

115- حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مرگ و حیات موجودات ، جلوه ای از ربوبیت یگانه خداوند بر هستی است .

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ . . . وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

ص: 192

از ارتباط این آیه با آیه «وَأَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى»، مطلب بالا قابل استفاده است.

116- حیات موقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 6

6_ آدمیان، در عین استقرار در زمین، ثبات نداشته و در آن به ودیعت هستند.

أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٍّ وَمُسْتَوْدَعٍ

توصیف انسانها به «مستقر» و «مستودع» ظهور در آن دارد که هر کدام از آحاد انسان دارای این وصف هستند و بنابراین هر کدام هم «مستقر» و هم «مستودع» می باشند. برداشت فوق بر این مبناست.

117- حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 53 - 10

10 - مؤمنان، از حیات و شعور واقعی بهره مندند .

لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى . . . وَ مَا أَنْتَ بِهِ دَالٌّ الْعَمَى عَنْ ضَلِّ لَتَهُمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يَوْمِنَ بَأَى تَنَا

نفی توان شنوندن کلام حق به کافران، با تعبیر «لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» و اثبات توان آن به مؤمنان، با تعبیر «إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يَوْمِنَ» حکایت از آن دارد که کافران، فاقد درک و شعور لازم اند و برعکس مؤمنان از آن برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 22 - 2

2 - مؤمنان، مردمی زنده دل و برخوردار از حیات حقیقی و شایسته شأن آدمی

و مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَ لَا الْأَمْوَاتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 28 - 5

5 - حیات مؤمنان، جلوه رحمت خداوند

أورحمنا

مطلب یاد شده، از تعبیر حیات مؤمنان به رحمت استفاده می شود.

ص: 193

118- حیات واقعی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 2

2_ دین و تعلیمات و رهنمود های خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، مایه حیات واقعی انسان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

مراد از «ما» در «لما يحييكم»، تمامی تعلیمات و معارف و رهنمودهای خدا و رسول اوست.

119- خیریت حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 4

4_ خیر و رستگاری واقعی، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است.

أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ

120- درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 1

1_ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنة وفي الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از «نا» در «لنا»، موسی (ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

121- زمینه استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 7

7- آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلاف الیل و النهار

ذکر «اختلاف شب و روز» پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

ص: 194

122- زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 5

5_ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است.

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 7

7_ هجرت در راه خدا و یاری دین، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار . . . رضی الله عنهم

123- زمینه حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 2 - 4

4- « وحی » حیات بخش انسان و جامعه است.

ینزل الملئکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسران گفته اند، مراد از «الروح» می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه «الروح» به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 52 - 4

4- قرآن، حیات بخش جان انسان ها است.

کذلک أوحینا إلیک روحًا

به کارگیری واژه «روح» به جای «قرآن» یا «کتاب»، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

124- زمينه حيات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 2 - 4

4- « وحى » حيات بخش انسان و جامعه است .

ص: 195

ينزل الملئكه بالروح من امره على من يشاء

چنان که مفسران گفته اند، مراد از «الروح» می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه «الروح» به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

125- زمینه درک حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 45 - 10

10- تأمل در جهان طبیعت، زمینه ای برای درک ویژگی های حیات موجودات است.

واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا كماء أنزلناه من السماء

126- سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 _ شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقيم... لا تجد أكثرهم شكرين

127- ظلم سلب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 40 - 17

17 - سلب حیات انسان ها، بدون دلیل و حجت، عمل ظالمانه ای است.

فكلاً أخذنا بذنبه... و ما كان الله ليظلمهم و لکن كانوا أنفسهم يظلمون

128- عقیده به حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - يونس - 10 - 104 - 10

10_ توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

ولكن أعبد الله الذي يتوفيكم

ص: 196

129- علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 5

5_ زنده ماندن ، ولو با توجه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگان به ظاهر مسلمان

لا تکونوا کالذین کفروا وقالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

2_ در برداشت بالا «الذین کفروا» به قرینه «لاخوانهم» به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 67 - 5

5- انسان ها ، فطرتاً از مرگ و نیستی گریزان بوده و علاقه مند به بقا هستند .

و إذا مسکم الضرّ ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

از اینکه خداوند فرموده است: «وقتی انسانها احساس خطر جدی می کنند، تنها رو به سوی او می آورند تا آنها را از مرگ نجات دهد» حکایت از آن دارد که آنان علاقه مند به بقا و گریزان از مرگ هستند.

130- عوامل ارزشمندی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 14

14_ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء اللّٰه .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

131- عوامل انقراض حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 45 - 1

1 - در صورت مؤاخذة شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ جنبه ای در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهرها من دابة

132- عوامل پوچی حیات دنیوی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 197

1_ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

133- عوامل نداوم حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 67 - 4

4_ شب و روز ، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیه و النهار مبصراً

134- عوامل حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 19 - 1

1 - قرآن و اسلام ، مایه حیات و رشد انسانها .

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 4

4- آب ، عامل حیات و رویش گیاهان ، میوه ها و نباتات است .

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 63 - 2

2 - باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة

7- پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

کلمه «ارجعون» می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که

انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 1

1 - آب باران ، منشأ پیدایش حیات و رویش گیاهان و نباتات در بستر زمین

ماء طهورًا . لنحیی به بلده میتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 6

6 - آب ، دارای نقش اساسی ، در حیات و تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

ونسوق الماء إلى الأرض الجزر فنخرج به زرعًا تأكل منه أنع مهم وأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 4

4 - باران ، منشأ حیات در زمین

فسقنَه إلى بلد مَّيت فأحيينا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 22 - 3

3 - ایمان ، حیات آفرین و مایه برخورداری از زندگی حقیقی است و کفر ، مرگ آفرین و سبب نابودی حیات حقیقی آدمی .

و ما یستوی الأحياء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 15 - 9

9 - وحی ، حیات بخش انسان و جامعه است .

يلقى الروح من أمره على من يشاء من عباده

از نام گذاری وحی به روح، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 7

7_ پیدایش حیات به وسیله باران ، آیتی الهی و دلیلی بر امکان معاد

و أحيينا به بلده ميتاً كذلك الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 4

ص: 199

4- تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات، در طول اراده و قدرت خداوند است؛ نه مستقل از او.

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی _ و حتی خود انسان ها _ در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران _ هر نقشی که دارند _ در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

135- عوامل حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 7

7_ زندگی بشر، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر، گاو و گوسفند) است.

وَأَنْزَلْنَا .. لِنَحْيِيَّ بِه بِلْدَه مِيْتًا و نَسْقِيَه مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَ مَا و أَنْاسِيَّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم «بلده میتاً» و «أنعاماً» بر «أناسيَّ» از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

136- عوامل حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 70 - 6, 5

5 - عقل و ایمان، مایه حیات انسان است.

وَقَرَأَن مَبِين . لِيَنْذَر مَن كَانَ حَيًّا

بیشتر مفسران برآنند که در جمله «من كان حيًّا» یا استعاره به کار رفته و مقصود از آن انسان عاقل یا مؤمن است. و یا این که در این جمله، مجاز مرسل به کار رفته است؛ یعنی، چون تعالیم قرآن و پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبب حیات واقعی بشر است، از این رو تعبیر «حيّ» آمده است؛ مثل آیه شریفه: «استجیبوا لله و للرسول إذا دعاكم لما یحییکم» (انفال (8) آیه 24). گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

6 - تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، مایه حیات واقعی انسان ها است.

لِيَنْذَر مَن كَانَ حَيًّا

137- عوامل حیات جامعہ اسلامی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

1 - بقرہ - 2 - 179 - 3, 1

ص: 200

1 - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

3 - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

138- عوامل حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 12

12 - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنبندگان در آن است .

فأحیا به الأرض بعد موتها و بث فیها من کل دابه

«بث» به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنبندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. «بث فیها» می تواند عطف بر «أحیا ...» باشد که در این صورت متفرع بر «أنزل من السماء من ماء» خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 49 - 2

2_ زمین ، بدون نزول باران ، مرده و فاقد حیات نباتی خواهد بود .

لنحیی به بلده میتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 6,7

6 - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزل .. ماء فأحیا به الأرض من بعد موتها

7- از جمله فوائد آب ، حیات بخشی به زمین است .

نَزَلَ .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 9 - 5

5- زمین ، بدون آب مرده است .

فسقنَه إلى بلد مَيِّت فأحيينا به الأرض بعد موتها

ص: 201

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 3

3 - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 8، 7، 5

5 - باران ، مایه حیات زمین

و ما أنزل الله من السماء .. فأحيا به الأرض

7 - نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصريف الریح - آیت لقوم یعقلون

8 - اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلَف الیل والنهار و ما أنزل الله .. و تصريف الریح

139- عوامل حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 3، 2

2_ راهیابی به توحید و ایمان موجب حیات انسان می شود.

و إن أطعتموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحیینہ و جعلنا له نورا

چون در آیات پیشین سخن از شرک و توحید و ایمان و کفر به آیات الهی بود، قهراً مقایسه ای که در این آیه صورت گرفته بین این دو گروه است که یکی را مرده و دیگری را زنده دانسته است.

3_ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان میتا فأحیینہ .. کمن مثله فی الظلمت

1 - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن)، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. و اعلموا أن الله يحي الأرض

جمله «اعلموا أن الله..» تعلیل برای جمله «ألم یأن... لذكر الله» است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند؛ یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

140- عوامل حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 3

3_ آب مایه اصلی رویدن گیاهان و هر موجود رشدکننده است.

فأخرجنا به نبات كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 65 - 4

4- خداوند، آب را مایه حیات موجودات زنده قرار داده است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از «الأرض» اهل زمین؛ یعنی، موجودات دارای حیات باشد که شایسته مرگ و حیاتند.

141- عوامل حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 5,7

5_ برخی از دعوت ها و دستورات خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)، دستوراتی زیربنایی و حیاتبخش برای جامعه ایمانی *

إذا دعاكم لما يحييكم

اگر جمله شرطیه «إذا دعاكم . . .» دارای مفهوم باشد، این جمله با منطوق و مفهومش بیانگر دو نوع دستور است. دستوراتی زیربنایی، اساسی و حیاتبخش برای کل جامعه ایمانی، همانند مسائل حکومت و ولایت، و دستوراتی که جنبه فردی دارد و حیات کل جامعه در گرو آن نیست.

7_ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يأيتها الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول

از مصادیق مورد نظر برای «ما يحييكم»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

142- عوامل مؤثر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 10 - 10

10 - قلب ، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد .

و بلغت القلوب الحناجر

ص: 203

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 8 - 36 - 70 - 8

8 - شعر در احیای حیات واقعی و معقول انسان ها ، کافی نیست .

و ما علمنَ الشعر و ما ینبغی له .. لینذر من کان حیاً

از این که خداوند با نفی شعر بودن قرآن، حیاتبخش بودن را منحصر به تعالیم آن و پیامبر(صلی الله علیه و آله) دانسته است، می توان استفاده کرد که شعر، در حیات بخشیدن به انسان ها کافی نیست.

143- قانونمندی حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 4 - 7

7_ نظام هستی و برنامه حیات و معاد ، دارای قوانینی دقیق و تخلف ناپذیر *

و عندنا کتَب حقیظ

برداشت بالا بدان احتمال است که واژه «کتاب»، اشاره به قوانین تنظیم شده از سوی خداوند، داشته باشد. گفتنی است که نظام هستی براساس آن قوانین، به گونه ای دقیق راه خود را می پیماید؛ یعنی، با همان قانونی که نخستین بار آمده اند، دوباره گردآوری می شوند.

144- قانونمندی حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 34 - 3

3_ امتها و جوامع بشری، ناتوان از کمترین شتاب در سپری ساختن تاریخ حیات خویش

فإذا جاء أجلهم .. لا یتقدمون

145- قانونمندی حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 53 - 5

5 - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لکم الأرض . . . سلک لکم

از تکرار «لکم» در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری

ص: 204

تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

146- کیفیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 28 - 1

1_ سبکبار نمودن انسان در زندگی ، خواست الهی است .

یرید الله ان یخفف عنکم

147- محدوده حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 81 - 2

2 - حیات ابلیس ، محدود است و پیش از اتمام عمر دنیا ، به پایان می رسد . *

من المنظرین . إلی یوم الوقت المعلوم

148- محدودیت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 25 - 4,5

4_ انسانها پس از سپری کردن زمان حضورشان در زمین و مرگ همگان، به مکانی دیگر منتقل خواهند شد.

ولکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین . . . و منها تخرجون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از «منها تخرجون» اخراج از کره زمین و انتقال به مکانی دیگر باشد. گفتنی است که چون مخاطبان آیه همه انسانها هستند، اخراج از زمین و انتقال به مکانی دیگر پس از مرگ همگان و سپری کردن مدت زمانی است که «إلی حین» بدان اشاره داشت.

5_ حیات دنیا گذرگاهی موقت، نه پایان زندگی انسان

متع إلی حین . . . و منها تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش . . . و لكل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة

ص: 205

149- محرومان از حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 122 - 1

1 - مشرک، مرده و بی بهره از حیات معنوی و روحانی است.

وإن أظعموهم إنکم لمشركون. أو من کان میتا فأحیینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 53 - 1

1 - کافران حق ناپذیر، از حیات معنوی و امتیازات بشری، محروم اند.

و ما أنت بهـد العمی عن ضلـلتهم

در آیه، کسانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و «هادی»، استعاره کنایی است.

150- محرومیت از حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 3

3- انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول، محروم از حیات واقعی انسانی

یأیها الذین ءامنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم

151- مدت حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 2 - 2

2- استمرار زندگی انسان در زمین، تا آخرین لحظات عمر جهان طبیعت

یوم ترونها

«یوم ترونها» متعلق به «تذهل کلّ مرضعه» می باشد. در مرجع ضمیر «ها» در «ترونها» دو احتمال است: 1_ اگر مراد از «الساعه» در آیه قبل لحظه حضور مردم در عرصه محشر باشد، مراد از «زلزله» اضطراب مردم خواهد بود. در این صورت آیه مورد بحث (یوم ترونها تذهل...)، برای بیان کیفیت و درجه هراس و اضطراب مردم در روز قیامت می باشد و ضمیر «ها» نیز به «الساعه» باز می گردد. 2_ اگر مراد از «الساعه» لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، مقصود از «زلزل» لرزش شدیدی خواهد بود

که پیکره عالم طبیعت (زمین) را فرا خواهد گرفت. در این صورت آیه مورد بحث، بیانگر حال مردم در لحظه وقوع آن زلزله می باشد و ضمیر «ها» در «ترونها» به «زلزله» باز می گردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

152- مراتب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 3،7

3_ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

7_ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

از مصادیق مورد نظر برای «ما یحییکم»، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

153- مراد از حیات طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 97 - 9

9- « عن النبي (صلى الله عليه و آله) [في قوله تعالى « فلنحييَنَّه حياه طيِّبه » قال] : إنها القناعه و الرضا بما قسم الله ;

از رسول خدا(صلى الله عليه و آله) روایت شده است که [در باره سخن خدا] «فلنحييَّه حياه طيِّبه» فرمود: همانا آن حیات طیبه قناعت و راضی بودن به آن چیزی است که خدا قسمت کرده است».

154- مشمولان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 2

2_ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذين ءَامَنُوا و هاجروا و جهدوا ... و جنت لهم فيها نعيم مقيم. خلدین فیها اَبداً

155- مڪذبان حيات اخروي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 207

1- سوگند مشرکان به خدا، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لايبعث الله من يموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 3، 1

1_ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

3_ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله «وقالوا» می تواند عطف بر جمله «لعادوا» باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

156- مکذبان حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 94 - 7

7_ خانواده یعقوب، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع)، انکار می کردند.

قال أبوهم .. لولا أن تقنّون

روشن است که جمله «إني لأجد ..» نمی تواند بیانگر جواب «لولا ...» باشد؛ زیرا یعقوب (ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف (ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر «لما کذبتومنی و ...» (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف (ع) را باور می کردید).

157- ملاک حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 11

11 - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از «احیای ارض» (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

ص: 208

158- منشأ تجدید حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 2

2 - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أَمَّنْ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيْدُهُ

مفسران بر آنند که مراد از «إعاده» بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از «الخلق» آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

159- منشأ حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 2

2 - تبدیل موجود فاقد حیات به موجودی دارای حیات ، دلیل بر وجود خداوند است .

كَيْفَ تَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَ كُنْتُمْ اَمْوْتًا فَاَحْيَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 73 - 5,7

5 - حیات بخشی به مقتول بنی اسرائیل ، کار خداوند بود .

فَقُلْنَا اضْرِبُوْهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ يُحْيِي اللّٰهُ الْمَوْتٰى

از هدفهای بیان این حقیقت که «خداوند مردگان را زنده می کند» - پس از بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل به وسیله زدن عضوی از گاو بر آن - رساندن این معناست که: حیات بخشی به آن مقتول فعل خداوند بود، نه اثری از عضو آن گاو ذبح شده.

7 - خداوند ، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید .

كَذٰلِكَ يُحْيِي اللّٰهُ الْمَوْتٰى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 243 - 5

5_ مرگ و حیات ، در قدرت خداوند

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 1

1_ توجه به حاکمیت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الى الذين . . . وقاتلوا في سبيل الله

ص: 209

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 258 - 12، 13

12_ زندگی و مرگ ، تنها در دست پروردگار است .

رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ

13_ ادّعی مغالطه آمیز نمرود ، بر اینکه مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا اُحیی و امیت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا احيی . . .)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان الله ...)، معلوم می شود احياء و اماته ای را که نمرود مدعی بود ؛ با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 259 - 7، 23

7_ خداوند میراننده موجودات و زنده کننده آنان

اَتَىٰ يَحْيَىٰ هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَامَاتَهُ اللَّهُ مَائِهِ عَامَ ثَمَّ بَعَثَهُ

23_ میراندن و زنده کردن موجودات ، تنها در قلمرو قدرت مطلق الهی

فاماته الله مائه عام ثم بعثه .. قال اعلم ان الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 260 - 24

24_ حاکمیت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات ، دانایی او به کیفیت ترکیب اجزای مردگان و زنده کردن آنان

واعلم ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 156 - 11، 12

11 _ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد ، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید «و الله یحیی و یمیت» یعنی عوامل مادی، تعیین کننده نیستند ؛ هر چه هست به دست خداوند و به تقدیر اوست.

12 _ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 168 - 14

14 _ شرکت در جنگ و یا خانه نشینی ، هیچکدام نقش تعیین کننده در مرگ و یا زندگی آدمی ندارد .

قل فادرؤا عن انفسکم الموت ان کنتم صادقین

ص: 210

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 61 - 11

11 _ اسباب و عوامل مرگ و حیات آدمی منحصراً تحت اراده قاهر خداوند و در اختیار اوست.

و هو القاهر فوق عباده .. توفته رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 2

2 _ خداوند پدیدآورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله ... یخرج الحی من المیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 99 - 8, 7, 3, 2

2 _ خداوند با آب باران گیاهان را از زمین می رویاند.

أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات کل شیء

3 _ آب مایه اصلی رویدن گیاهان و هر موجود رشدکننده است.

فأخرجنا به نبات کل شیء

7 _ خداوند با باران از شکوفه های نخل، خوشه هایی سر فروشته و در دسترس را می رویاند.

فأخرجنا ... و من النخل من طلعها قنوان دانیه

«طلع» به معنای شکوفه خرما و «قنوان» نیز به معنای خوشه است و «قنوان دانیه» یعنی خوشه های نزدیک که در دسترس باشد.

8 _ خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 155 - 19

19_ مشیت خدا حاکم بر حیات و مرگ انسانها

رب لو شئت أهکتهم من قبل وایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 158 - 13

13_ حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 211

15 - ایمان مبتنی بر دلایل روشن ، دارای ارزش و مایه حیات

و یحیی من حی عن بینة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 116 - 4,6

4 - مرگ و حیات مستمر در جهان هستی ، متکی به اراده و مشیت خداوند است .

إن الله... یحیی و یمیت

استمرار حیات و مرگ از به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) استفاده می شود.

6 - حیات و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إن الله له ملک السموت و الأرض یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 56 - 1

1 - مرگ و حیات ، تنها در دست خداوند است .

هو یحیی و یمیت

تقدیم ضمیر در فعل «یحیی» می تواند برای حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 23 - 1

1 - حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

وإننا لنحن نحیی و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 25 - 8

8- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحي ونميت . . . و لقد علمنا المستخرين . و إن ربك هو يحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر «إنا لنحن نحي ونميت» قبل از «و لقد علمنا. . .» و ذکر «إن ربك هو يحشرهم» پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم؛ چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 36 - 3

3- ابلیس ، باورمند به اینکه مرگ و حیات در دست خداوند است .

قال ربّ فأنظرنی إلی یوم یبعثون

ص: 212

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 5

5- مشرکان مکه ، حیات را به دست خداوند می دانستند .

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 30 - 4,8

4- پیدایش موجودات زنده ، پس از گذشت دوره انباشتگی و تراکم آسمان ها و زمین بوده است .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا

8- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أولم یر الذین کفروا أَنَّ السَّمَوَاتِ .. أَفلا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 80 - 1,4

1 - حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحیی و یمیت

«الذی» خبر مبتدا و «ال» در آن، برای جنس است. بنابراین جمله «هو الذی» مفید حصر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

4 - حیات و مرگ انسان ها ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

برداشت فوق، بر این اساس است که مفعول محذوف، ضمیر خطاب به انسان ها باشد؛ یعنی، «یحییکم و یمیتکم».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6_ مخلوق نبودن، قدرت بر آفرینندگی، جلب منفعت، دفع ضرر، میراندن، حیات بخشیدن و احیای مردگان، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتّخذوا من دونه ءالهه لایخلقون شیئاً و هم یخلقون . . . و لانشوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 81 - 2، 1

1 - مرگ و حیات مجدد انسان به دست خدا و براساس تدبیر او است .

و الذی یمیتنی ثمّ یحیی

2 - تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود، مبنی بر نبود کمترین نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

و الذی یمیتنی ثمّ یحیی

ص: 213

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 1

1 - «رویش و خزان» و «حیات و مرگ» مداوم در پهنه زمین، از نمودهای تدبیر خداوند

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

فعل های «بیداً» و «یعید» مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد؛ یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 5

5 - عرصه طبیعت، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده هاست.

كَيْفَ يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 19 - 4

4 - حیات، از میان موجودات بی جان و مرده، پدید آمده است.

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ

تقدیم «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ» بر «و يُخْرِجُ الْمَيِّتَ . . .» می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که ابتدا، موجودات بی جان آفریده شدند و از میان آنها جان داران پدید آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 16 - 2

2 - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیانتشان تحت مشیت او است.

إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال ربّ فأَنْظِرْني إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 11 - 4، 1

1 - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أَمْتِنَا اثنتین و أَحییّتنا اثنتین

4 - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ص: 214

رَبَّنَا أُمَّتِنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 2, 1

1 - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

2 - حیات و مرگ موجودات تنها به دست خداوند است .

هو الذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 29 - 10

10 - تولد و مرگ موجودات ، وابسته به مشیت الهی است .

و من ِءایَـتِهٖ خَلْقَ السَّمَوَاتِ . . . و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

ممکن است منظور از جمع _ به قرینه «بثَّ» _ نابودی و انقراض تمامی موجودات باشد؛ همان گونه که آفرینش و پراکندگی آنها به دست خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 41 - 5

5 - مرگ و حیات تمامی انسان ها ، حتی پیامبران ، به اراده خداوند است .

فَإِذَا نَذَهَبْنَ بَكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند «إذهاب» را _ که در این جا به معنای میراندن است _ به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 26 - 2

2 - زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است ؛ نه معلول طبیعت و روزگار .

و ما يهلكنا إلا الدهر . . . قل الله يحييكم ثم يميتكم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - محمد - 47 - 19 - 2

2- توجه به حاکمیت بی مانند خداوند بر نظام کفر و پاداش و جریان هدایت و حیات، زمینه اتکای هر چه بیشتر بر او

فاعلم أنه لا إله إلا الله

فاء در «فاعلم» بیان نتیجه ای است که در آیات پیشین بیان گردید. محور اساسی آن، در پاداش الهی به مؤمنان و مجازات و هلاکت کافران و پدید آوردن قیامت و رستاخیز خلاصه می شود. این همه اگر مورد توجه قرار گیرد، بر علم و اطمینان فرد و اتکای

ص: 215

وی بر خداوند افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 44 - 3، 1

1 - مرگ و حیات ، تنها به اراده خداوند و در اختیار او است .

و آنّه هو أمات و أحيا

3 - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أنّ إلى ربّك المنتهی . . . و آنّه هو أمات و أحيا

در صورتی که آیه «إلى ربّك المنتهی» نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه «و آنّه هو أمات و أحيا»، بیانگر مطلب بالا است.

160- منشأ حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 14 - 4

4_ ابلیس، معتقد به حاکمیت مشیت الهی بر مرگ و حیات خویش

أنظرنی إلى یوم یبعثون

161- منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 3

3 - حیات اخروی انسان ، به دست خدا است .

أنشره

162- منشأ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، به انسان ها حیات می بخشد و آنان را می میراند .

و كنتم اموثاً فاحيكم ثم يميتكم ثم يحييكم

ص: 216

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 4

4- پدید آمدن روح و حیات در انسان ها ، به امر ویژه خداوند است .

و نفخت فيه من روحی

از اینکه خداوند، افاضه حیات به بشر را به خود اسناد داده است، می تواند گویای نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 66 - 1

1 - انسان ، آفریده خدا وزنده به اراده او است .

و هو الذی أحياكم

163- منشأ حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 13

13 - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض . . . و بث فيها من كل دابة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 63 - 3

3 - خداوند ، نازل کننده آب از آسمان ، و حیات بخش زمین مرده ، با باران است .

من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 1

1 - حیات و خرمی زمین پزمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من آءِ ته أنك ترى الأرض خـشعه فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت

«خشوع» (مصدر «خاشعه») در اصل به معنای تضعیف و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردهگی می باشد. «اهتزاز» (مصدر «اهتزت») به معنای تحریک و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. «ربو» (مصدر «ربت») به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 11 - 4

4 - خرمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

ص: 217

نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 5 - 2

2- ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء . . . آیت

164- منشأ حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 158 - 14

14 _ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . . . یحیی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین «له ملک ...» می تواند استدلال برای «یحیی و یمیت» باشد.

165- موجبات حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 42 - 16

16 _ توحید مایه حیات آدمی و شرک ، موجب هلاکت واقعی وی

لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از هلاکت در «لیهلک» و «هلک» کفر و ضلالت و مقصود از حیات در «یحیی» و «حی»، ایمان و هدایت باشد. کلمه «بینة» به دلیل تناسبش با ضلالت و هدایت این احتمال را تقویت می کند. یعنی تا گمراهی کفرپیشگان از سر دلیل باشد و بر آنان اتمام حجت شده باشد و تا هدایت مؤمنان از روی برهان بوده و ایمانشان بر دلیلی روشن استوار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

وینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها

ص: 218

166- موجبات حیات برتر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 32 - 5

5_ تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الآخرة خیر للذین یتقون

167- موجبات حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 89 - 2

2_ بهشت و زندگی جاودان در آن، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

168- موجبات حیات قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 98 - 11

11_ ایمان به موقع قوم یونس موجب شد که آنان تا پایان عمر، همراه با برخورداری از مواهب دنیوی، به زندگی خویش ادامه دهند.

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب الخزی . . . و متعنهم إلى حین

169- ناپایداری حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 2

2- حیات تمامی موجودات زنده جهان، حیاتی است روبه زوال و وابسته به خدای جان آفرین.

هو الحیّ

ص: 219

170- نشانه های حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 33 - 5

5- رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها وأخرجنا منها حيا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 39 - 11

11 - پیدایش و رویش گیاهان ، مظهري از حیات زمین است .

اهتزت وربت إن الذی أحيها

171- نعمت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 244 - 2

2_ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثم أحياهم . . . ولكن أكثر الناس لا يشكرون. وقاتلوا في سبيل الله

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 55 - 3

3- غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فبأیء الااء ربک تتمازی

در صورتی که تعبیر «آلاء» در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

172- نفخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 13 - 1

1 - هنگام برپایی رستاخیز ، همه انسان ها تنها با یک نهیب به سوی صحنه قیامت رانده خواهند شد .

فأئما هی زجره وحده

ص: 220

«زجر»؛ یعنی، دفع کردن و راندن با بانگ و فریاد (مفردات راغب) و مراد از «زجره» همان نفخه دوم صور است. ضمیر «هی» به «کَرَه» باز می‌گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 14 - 1

1 - تمام مردگان پس از نفخ صور، زنده گشته و در دشت هموار قیامت حاضر خواهند شد.

فإذا هم بالساهرة

«ساهره»؛ یعنی، فلات و سرزمین پهناور، مسطح و بی آب. این کلمه از ریشه «سَهَر» است؛ یعنی، ممکن نبودن خواب در شب (لسان العرب). نامگذاری فلات به «ساهره»، به این اعتبار است که پیمایندگان آن در شب بیدار می‌مانند.

173- نقش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 21 - 4

4- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت، از شرایط الوهیت

أَموت غیر أحياء و ما يشعرون أئان يبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می‌برد، می‌توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 42 - 15

15 - «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه‌های گوناگون قدرت او

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا... فِيمَسْك... و يرسل الأخرى... إنَّ في ذلك لآيَاتٍ

جمع آمدن «آیات» می‌رساند که آیه و نشانه بودن «حیات و مرگ» و «خواب و بیداری»، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جاثیه - 45 - 26 - 3

3 - حیات نخستین آدمیان ، خود برترین دلیل بر حقانیت معاد

قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم

174- ویژگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 221

8 - حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته ها نیست.

175- ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 8

8- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادی است .

یحلّون ... و یلبسون ... متکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله ها و تخت ها و نیز نه‌های جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 4

4 - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از این که خداوند وعده به «جَنّات» و «نهر» داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 1

1 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

«سوف» برای استقبال است و مراد از آن _ به قرینه آیه قبل _ جهان آخرت است.

176- ویژگیهای حیات اخروی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 15 - 9

9- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

ص: 222

فعل «یبعث» بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به «حیاً» ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

177- ویژگیهای حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 65 - 2

2- حیات تمامی موجودات زنده جهان ، حیاتی است رو به زوال و وابسته به خدای جان آفرین .

هو الحیّ

178- هدایت به حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 24 - 6

6_ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

179- یعقوب(ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 11

11_ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتيك بهم جميعاً

مراد از ضمیر جمع در «بهم» یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 1

1_ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

يٰٓبَنِيٓ اٰدِهْبُوا فَتَحْسَبُوٓا مِّنْ يُّوسُفَ وَاٰخِيهِ

ص: 223

180- یعقوب (ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 11

11_ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در «بهم» یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

181- یعقوب (ع) و حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 83 - 11

11_ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در «بهم» یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 86 - 13، 11، 9

9_ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

«من الله» می تواند به معنای «از ناحیه خدا» باشد و نیز می تواند به معنای «درباره خدا» باشد. بر اساس معنای اول مراد از «ما لاتعلمون» به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

11_ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

13_ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

16_ « عن أبي عبد الله (ع) قال: قدم أعرابي على يوسف... قال له يوسف: ... فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد: يا يعقوب! يا يعقوب! فإنه سيخرج إليك رجل... فقل له: لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و يقول لك: إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع، قال: فمضى الأعرابي... فأبلغه ما قال له يوسف... فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حتى لم يمت و أن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه: «إني أعلم من الله ما لا تعلمون»...»;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد... یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد... به او بگو مردی را در مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: «إني أعلم من الله ما لا تعلمون»...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 87 - 1

1_ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

ی_بنی اذهبوا فتحسبوا من یوسف و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 95 - 3

3_ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضلّ لك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 96 - 9,10,11,12

9_ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

«من الله» می تواند به معنای «از ناحیه خدا» باشد و نیز می تواند به معنای «درباره خدا» باشد. براساس معنای اول، مراد از «ما لا تعلمون» به مناسبت مورد _ زنده بودن یوسف(ع) ، دیدار او و ... می باشد.

10_ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان او ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

11_ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

12_ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افاضه شده بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

حیات اخروی

182- آثار انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 31 - 10

10 _ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

ص: 225

183- آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 54 - 6

6 - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه سازی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن كان من عند الله . . . فی شقاق بعید... ألا إثمهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین - که در یک سیاق قرار دارند - نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

184- ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 74 - 7

7 - برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی - در مواقع لزوم - باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 26 - 4,5

4 - حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف «فی» در «فی الآخره» به معنای مقایسه است. «متع» به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قَلت می باشد.

5 - حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

6- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من كان يريد العاجله .. و من أراد الآخره ... كان سعيهم مشكوراً

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ص: 226

185- انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1

1_ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

186- اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 17

17_ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است.

رضی اللّٰه عنہم .. جنت ... خلدین فیہا ابدأً ذلک الفوز العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 19 - 8

8- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد.

من کان یرید العاجله .. و من أراد الآخره ... کان سعیہم مشکورًا

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیا طلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی و تلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است، استفاده می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 38 - 2

2- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إنّ هؤلاء لیقولون .. و ما خلقنا السموت ... لـعبین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

187- اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9 - 38 - 10

10_ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

ص: 227

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا فى الآخره إلا قليل

188- برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 38 - 10

10_ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی ، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا فى الآخره إلا قليل

189- تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 11

11_ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (صلی الله علیه و آله)

ولئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

190- جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 22 - 2

2_ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا ... و جنت لهم فيها نعيم مقيم. خلدین فيها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 63 - 8

8_ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلدأ فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- توبه - 9- 68- 6

6_ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

ص: 228

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 1

1 - حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - جن - 72 - 23 - 10

10 - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فإنّ له نار جهنّم خـلدين فيها أبداً

191- حتمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 1

1 - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إنّه ظنّ أن لن يحور . بلی

192- حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 25 - 3

3 - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

وقالوا ما هی إلاّ حیاتنا الدنیا .. و إذا تتلی علیهم ءایـتنا بینـت

193- حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 8

8- بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

یحییکم ثم إلیه ترجعون

ص: 229

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قیامه - 75 - 40 - 7

7 - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یتَرَک سُدًى . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

194- حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 28 - 6

6 - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحییکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران «ثم یحییکم» (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 72 - 5

5_ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین . . . جنت تجری . . . مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

195- حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 6 - 7

7- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم ك_فرين

از ضمائر «ذوی القعول» در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

ص: 230

196- حیات اخروی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 33 - 11

11- حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یومُ أُبعثُ حياً

با این که فعل «أُبعثُ» بر زنده شدن دلالت دارد، تصریح به «حياً» ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسی (ع) در مقایسه با دیگران باشد.

197- حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 77 - 29

29_ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیاست .

و الاخره خیر لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - دخان - 44 - 56 - 3

3- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقوایندگان

فی مقام أمين . . . ف_کَهِءَ اَمْنِیْن . لایذوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با «مقام أمين» در آیات پیشین و «آمین» در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

198- حیات اخروی محمد (صلی الله علیه و آله)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 1

1 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در جهان آخرت، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

«سوف» برای استقبال است و مراد از آن _ به قرینه آیه قبل _ جهان آخرت است.

199- حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 231

7- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كـ فرین

از ضمائر «ذوی القعول» در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

200- حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 16

16_ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

201- درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 1

1_ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از «نا» در «لنا»، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

202- زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 156 - 5

5_ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 100 - 7

7_ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار . . . رضی الله عنهم

ص: 232

203- سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 17 - 11

11 - شکرگزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقيم . . . لاتجد أكثرهم شکرین

204- مکذبان حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 29 - 1,3

1 - مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

3 - برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا . . . وقالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله «وقالوا» می تواند عطف بر جمله «لعادوا» باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 38 - 1

1- سوگند مشرکان به خدا، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

وأقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت

205- منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 22 - 3

3 - حیات اُخروی انسان ، به دست خدا است .

أُنشَره

ص: 233

206- ویژگی‌های حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 53 - 8

8 - حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته‌ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته‌ها نیست.

207- ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 31 - 8

8- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادی است .

یحلّون .. و یلبسون ... متکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله‌ها و تخت‌ها و نیز نه‌های جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 54 - 4

4 - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت‌های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از این که خداوند وعده به «جَنّات» و «نهر» داده است، استفاده می‌شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - ضحی - 93 - 5 - 1

1 - زندگانی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

«سوف» برای استقبال است و مراد از آن _ به قرینه آیه قبل _ جهان آخرت است.

208- ویژگیهای حیات اخروی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 234

9- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیاً

فعل «یبعث» بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به «حیاً» ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

ص: 235

1- آمیزش در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 20،21،22،23

20_ آمیزش جنسی در ایام حیض ، خلاف پاکیزگی است .

و یسئلونک عن المحیض . . . فاعتزلوا النساء فی المحیض ... ان الله یحب التوابین و ی

نهی از آمیزش در ایام حیض و سپس اظهار محبت به پاکیزگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

21_ خداوند کسانی را که از گناه آمیزش در حال حیض توبه کنند ، دوست دارد

فاعتزلوا النساء فی المحیض . . . ان الله یحب التوابین

22_ خداوند پرهیزکنندگان از آمیزش در حال حیض را دوست دارد .

فاعتزلوا النساء فی المحیض . . . ان الله ... و یحب المتطهرین

از مصادیق پاکیزگان، به مقتضای ارتباط صدر و ذیل آیه، پرهیزکنندگان از آمیزش در ایام حیض می باشد.

23_ تعدیل روابط با زنان حائض در اسلام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا

آن گونه که در شأن نزول آمده است، در جاهلیت بکلی از معاشرت با زنان حائض خودداری می کردند و متقابلاً از سوی مسیحیان، آن را در حال جایز می دانستند؛ ولی اسلام راه میانه را نشان داده است.

2- احکام حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 5،6،7،9،11،15

5_ حرمت آمیزش با زنان حائض ، تا زمان پاک شدن آنان از حیض

فاعتزلوا النساء في المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن

گر چه ظاهر جمله «فاعتزلوا النساء» مطلق معاشرت است؛ ولی اباحه آمیزش پس از گذشت ایام حیض و غسل که جمله «حتی یطهرن فاذا تطهّرن فاتوهن من حیث» دلالت بر آن دارد، قرینه ای است که آنچه مباح نبوده و اعتزال از آن واجب شده، تنها آمیزش است، نه مطلق معاشرت؛ و گر نه می فرمود «فاذا تطهّرن فعاشروهن».

6_ حرمت وَطی در قُبُل ، در ایام حیض

فاعتزلوا النساء في المحيض

کلمه «محيض» در صدر آیه مصدر است؛ اما در جمله «فاعتزلوا النساء من المحيض» اسم مکان می باشد به دلیل تکرار لفظ در حال که اگر هر دو به یک معنا بود، علی القاعده باید دو می به صورت ضمیر آورده می شد.

7_ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض ، مشقّتبار بودن آن برای زن است .

عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في المحيض

9_ زیانبار بودن آمیزش در ایام حیض

و يستلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا

بنابراینکه سؤال، از مقاربت در ایام حیض باشد؛ نه خود حیض و ماهیّت آن. بر این مبنا کلمه «هو» به آمیزش در ایام حیض بر می گردد؛ یعنی بگو ای پیامبر آمیزش در ایام حیض زیانبار است.

11_ جواز آمیزش با زنان ، پس از پاکی آنان از حیض و تحصیل طهارت (غسل)

و لا تقربوهنّ حتى يطهرن فاذا تطهّرن فاتوهنّ

گر چه مفهوم «حتی یطهرن» جواز آمیزش به مجرد پاکی و قطع خون است؛ ولی با تصریح به مشروط بودن آمیزش به غسل در جمله «فاذا تطهّرن» (آنگاه که غسل کردند)، مفهوم «حتی یطهرن» مورد عنایت نیست.

15_ جواز استمتاع از زنان بدون آمیزش با آنان ، در ایام حیض

يستلونك عن المحيض . . . فاعتزلوا النساء في المحيض

بنابراینکه مراد از «فی المحيض»، مکان حیض باشد؛ تنها آمیزش، تحریم شده است.

3- حیض ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6_ ساره همسر ابراهیم (ع)، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حایض شد. *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که «ضحکت» از مصدر «ضَحک» (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تقریب «فبشرناها» را بر «ضحکت» مؤید آن دانسته اند.

16_ «عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل: «فضحكت فبشرناها بإسحاق» قال: حاضت؛

از امام صادق(ع) درباره «فضحکت فبشرناها بإسحاق» روایت شده است که فرمود: عادت زنانگی در ساره ظاهر شد».

ص: 237

4- سختیهای حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 222 - 4,7

4_ قاعدگی ، مشقت و آزاری برای زنان

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی

7_ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض ، مشقتبار بودن آن برای زن است .

عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض

5- گواهی در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 228 - 4,7

4_ زنان مطلقه نباید به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش ، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

و لا یحلّ لهنّ ان یتکتمن ما خلق الله فی ارحامهنّ

کلمه «ما خلق» دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

7_ ادّعیای زنان در مورد بارداری ، طهر و حیض خود ، پذیرفته است .

و لا یحلّ لهنّ ان یتکتمن ما خلق الله فی ارحامهنّ

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغومی شود.

ص: 238

11- حیوانات

1- آثار ترس حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 2

2 - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد.

وإذا الوحوش حشرت

مراد از «حشر حیوانات» محسوس شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با «رها شدن شتران آبستن» (وإذا العشار عطلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

2- احکام حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 22

22 - حلیت شکار درندگان شکاری، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند.*

فكلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از «مما امسکن علیکم»، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 7 - 4

4- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بـ لغیه إلا بشق الأنفس

ص: 239

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 3

3- استفاده از اسب ، استر و الاغ برای سواری و تجمل ، جایز است .

و الخيل و البغال و الحمير لتركبها وزينه و يخلق ما لاتعلمون

3- اختفای حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 16 - 2

2 - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

«کنس» جمع «کنس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «کنس الظبی» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

4- اختیار حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9_ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم ... ثم إلى ربهم يحشرون

5- اراده حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9_ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم ... ثم إلى ربهم يحشرون

6- استعدادهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 10, 16, 32

10 - سگ ، از حیوانات قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن

16 - حیوانات درنده ، قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مکلبین

32 - آموزش سگ ، بهنگام فرستادن برای شکار ، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: ... و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم

کافی، ج 6، ص 205، ح 14؛ نورالثقلین، ج 1، ص 590، ح 36.

7- استفاده از پشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 14

14- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها وأوبارها وأشعارها أثـثـا و متـعـا إلی حین

برای «إلی حین» چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل استفاده است.

8- استفاده از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 1

1 - بهره‌وری انسان از موهبت‌های طبیعی (کشتی و حیوانات)، زمینه‌ساز توجه وی به نعمت‌دهنده بودن خداوند

جعل لكم من الفلك والأنعـم . . . لتستوا على ظهوره ثم تذكروا نعمه ربكم إذا استوى

9- استفاده از کرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 241

14- بهره مندی انسان از کرک، پشم و موی حیوانات، محدود به زمان خاصی است.*

و من أوصافها وأوبارها وأشعارها أثْ-ثًا و مت-عًا إلى حین

برای «إلی حین» چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل استفاده است.

10- استفاده از موی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14- بهره مندی انسان از کرک، پشم و موی حیوانات، محدود به زمان خاصی است.*

و من أوصافها وأوبارها وأشعارها أثْ-ثًا و مت-عًا إلى حین

برای «إلی حین» چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل استفاده است.

11- امنیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - امنیت حیوانات در حَرَم، و عدم جواز آزار آنان

و من دخله کان امنًا

امام صادق (ع): من دخل الحرم... و من دخله من الوحش و الطیر کان آمنًا من ان یهاج او یؤذی حتی یخرج من الحرم.

کافی، ج 4، ص 226، ح 1، نورالثقلین، ج 1، ص 370، ح 267.

12- اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین، دارای ویژگی، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبثّ من دابّه

از این که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

ص: 242

13- اهمیت محافظت از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 8

8_ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

14- بقای نسل حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 8

8_ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

15- بی خطری حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 2

2- شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از «حشر حیوانات» محسور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با «رها شدن شتران آبستن» (و إذا العشار عطّلت) ، شواهدی بر دومین احتمال است.

16- بی عقلی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 7

7_ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

ص: 243

أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

17- پاداش اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9_ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أَمْ أَمْثَالُكُمْ... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

18- تأمین علوفه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 31 - 2

2 - خداوند، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

أَخْرَجَ... مَرْعِيهَا

«مرعی» مصدر میمی است و در این جا به معنای اسم مفعول به کار رفته است؛ یعنی، آنچه چریده می شود. این کلمه گرچه ناظر به تغذیه گیاه خواران است؛ ولی تأثیر گیاه در زندگانی انسان نیز - به قرینه «متاعاً لکم ولأنعامکم» در آیات بعد - مراد است.

19- تجمع حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 1

1 - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت، پناهگاه های خود را ترک کرده، گرد هم جمع خواهند شد.

وإذا الوحوش حشرت

«وحوش» جمع «وَحْش» است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، «وَحْش» و «وَحْشِيَّ» - که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است - گفته می شود (مصباح). «حشر»؛ یعنی، «جمع» (لسان العرب). راغب می گوید: «حشر»؛ یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات؛ یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

20- تحریم حیوانات جنگال دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 244

1_ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (چنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر

21- تحریم حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3_ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

در آیه 136 و 137 به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با «فذرهم و ما یفترون» پایان یافته و آیات بعد در مقام توییح و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

6_ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توییح است و مفاد جملات «نبئونی» و «أم کنتم ..» نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

22- تحریم حیوانات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5_ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمنا .. ذلک جزینهم ببغیهم

«بغی» به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

12_ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

23- تذکيه حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

4 - مائده - 5 - 3 - 5

ص: 245

5_ تذکيه حيوان ، موجب حليت آن مي گردد ، اگر چه به واسطه خفگی ، زدن ، پرت شدن ، شاخ خوردن و دريده شدن توسط درندگان در آستانه مردن باشد .

حرمت .. الا ما ذکيتم

24- تشبيه به حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

12 - مؤمنون - 23 - 64 - 6

6 - خوشگذرانان غفلت زده و بي خبر از روز جزا ، هم سنگ ددان و وحوش بيابان در بينش الهي

إذا هم يجثرون

چنان که گفته شد «جوار» به زوزه سگ، روباه و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

17 - محمد - 47 - 12 - 13، 7

7- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه _ که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده _ استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد؛ بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

13- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

25- تشبيه به حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - تکویر - 81 - 16 - 2

2 - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

«کُنَس» جمع «کَنِس» است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه «کَنَسَ الظَّبِي» گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در «کِناس» (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

ص: 246

26- تعلیم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 19

19 - لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلّمونهن مما علمکم اللّٰه

مراد از «علمکم اللّٰه» به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و «من» در «مما علمکم» برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

27- تکالیف حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9 - حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . . . ثم إلی ربهم یحشرون

28- تنوع رنگ حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 28 - 2

2 - تنوع رنگ ها در انسان ها ، جنبندگان و دام ها ، از نعمت های الهی

و من الناس و الدّوابّ و الأنعم مختلف ألونه

29- جایگاه حیوانات در کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 119 - 8

8 - « عن أمير المؤمنين (ع) قال (فی) الفلک المشحون » : اتخذ نوح (ع) فیہ تسعین بیتاً للبهائم ;

أمیر المؤمنین (ع) درباره «الفلك المشحون» فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود.

ص: 247

30- حرکت تکاملی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 12

12 - حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلى ربهم يحشرون

با توجه به کلمه «رب»، که تربیت کنندگی را می‌رساند، و کلمه «إلی» که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می‌رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

31- حشر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 10

10 - برانگیخته شدن تمامی حیوانات جلوه ای از ربوبیت الهی است.

ثم إلى ربهم يحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 4

4 - محشور شدن حیوانات در قیامت *

و إذا الوحوش حشرت

ممکن است مراد از «حشر»، زنده شدن دوباره و حضور در قیامت باشد.

32- حلیت اولیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 12

12 - حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینہم ببغیہم وانا لصدقون

33- حیوانات اہلی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 248

4_ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی (شتر، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

«نعم» مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. «جزاء» مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه «مثل» صفت «جزاء» می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. «من النعم» صفت و یا حال برای «جزاء» است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الطبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج 5، ص 341، ح 94، ب 25.

34- حیوانات جنگال دار در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 146 - 2

2_ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا . . . ذلک جزینهم ببغیهم

35- حیوانات حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 3

3_ حرمت استفاده از حیوانی که در اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و شاخ خوردن بمیرد .

حرمت . . . و المنخنقه و الموقوذه و المتردیه و النطیحه

مراد از عناوین یاد شده این است که حیوان بر اثر آنها بمیرد، نه اینکه _ به مجرد پرت شدن از بلندی، استفاده از آن حرام باشد. دلیل این معنا جمله استثنائیه «الا ما ذکیتم» است.

36- حیوانات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

وقالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

«حجر» به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت «أنعام» و «حرث»، به قرینه «لا يطعمها»، ممنوعیت خوردن از

ص: 249

آنهاست.

2_ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلوا لله .. وقالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

«هذه» اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه 136 بیان گردیده است.

7_ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

37- حیوانات حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 14

14_ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فکلوا مما امسکن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

38- حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 2

2_ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشملت علیه أرحام الأثینین

39- حیوانات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9_ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . . . ثم إلی ربهم یحشرون

ص: 250

40- حیوانات در کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 22، 6، 7

6- بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

7- نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه «کل» کلمه ای همانند «حیوان» است؛ یعنی: من کل حیوان . . . کلمه «اثنین» تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

22_ «عن أبی عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) فی السفینه الأزواج الثمانیه التي قال الله عزوجل : «ثمانیه أزواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین و من الإبل اثنین و من البقر اثنین» فكان من الضأن اثنین زوج داجنه یرببها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون فی الجبال الوحشیه . . . و من المعز اثنین زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الظبی التي تكون فی المفاوز و من الإبل اثنین البخاتی و العراب و من البقر اثنین زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشیه ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده «ثمانیه أزواج من الضأن اثنین . . .» در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست . . . و از بز دو جفت: یکی اهلی . . . و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 27 - 8

8 - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . . . فاسلك فیها من كل زوجین اثنین و أهلک إلا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 28 - 2

2- استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کل زوجین اثنین و اهلک .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت «فإذا استویت» بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

41- حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 251

19 - لزوم آموختن برخی از دستورات تذکيه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلّمونهن مما علمکم اللّٰه

مراد از «علمکم اللّٰه» به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکيه حيوانات است، و «من» در «مما علمکم» برای تبعيض است. يعنی برخی از دستورات تذکيه را به درندگان شکاری یاد دهید.

22 - حليت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از «مما امسکن علیکم»، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

42- حیوانات موقوفه در جاهليت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 3

3 - مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

وقالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء

43- حیوانات وحشی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

20 - تکویر - 81 - 5 - 2, 1

1 - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

«وحوش» جمع «وَحْش» است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، «وَحْش» و «وحشی» _ که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است _ گفته می شود (مصباح). «حشر»؛ یعنی، «جمع» (لسان العرب). راغب می گوید: «حشر»؛ یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات؛ یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه

خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

2- شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد.

وإذا الوحوش حشرت

مراد از «حشر حیوانات» محسوس شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با «رها شدن شتران آبستن» (وإذا العشار عطلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

ص: 252

44- ذبح حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 138 - 5

5_ تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لایذکرون اسم الله علیها

45- روزی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 33 - 1

1 - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

مت_عَا لکم ولأنع_مکم

«متاعاً» مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، «تمتيعاً لکم».

46- زوجیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 7

7_ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

مضاف الیه «کل» کلمه ای همانند «حیوان» است; یعنی: من کل حیوان . . . کلمه «اثنین» تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 36 - 4

4 - حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجودات دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و . . .)

سبحن الذى خلق الأزوج كلَّها .. وممَّا لا يعلمون

ص: 253

47- زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 27 - 11، 9

9- نوح (ع)، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند.

فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

11 - کشتی نوح، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت.

فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده - و نه بیشتر - را در کشتی جای دهند (من کلّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

48- شرایط تذکیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 3 - 52

52 - وجود علایم حیات در حیوان (حرکت چشم، پا و دم) قبل از ذبح، شرط تحقق تذکیه شرعی

الا ما ذکیتم

امام باقر(ع) درباره «الا ما ذکیتم» در آیه فوق فرمود: ... فان ادركت شيئاً منها و عين تطرف او قائمه تركض او ذنب یمصع فقد ادركت ذکاته فکله

تهذیب شیخ طوسی، ج 9، ص 58، ح 241، ب 1؛ نورالثقلین، ج 1، ص 587، ح 20.

49- شعور حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9 - حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالكم . . . ثم إلى ربهم يحشرون

50- صفات حيوانات

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

17 - محمد - 47 - 12 - 14، 13، 9

ص: 254

9- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید تویخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

13- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن، شیوه ای حیوانی است. *

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا-بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

14- سود جستن از امکانات زندگی، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت، عملی حیوانی *

یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

51- صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 4 - 23، 21، 15

15 _ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین... فکلوا

کلمه «جوارح» جمع «جارحه» به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر «مکلبین» حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند «جوارح» را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

21_ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها *

فکلوا مما امسکن علیکم

«من» در «مما امسکن» برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

23_ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه «علیکم» جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

ص: 255

52- علم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 19، 5

5_ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قاییل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در «لیریه» به «غراب» برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قاییل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

19_ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

53- عوامل تجمع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 17 - 3

3 - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

54- غرایز حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 19

19_ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

55- فلسفه خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أن الله سخر لكم ما في الأرض

ص: 256

56- کيفر اخروي حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 38 - 9

9_ حيوانات داراي نوعي اراده، اختيار، شعور و تكليف و جزا و پاداش در قيامت

أمم أمثالكم... ثم إلى ربهم يحشرون

57- گوشت حيوانات دريایی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

9 - نحل - 16 - 14 - 3،8

3- تغذيه با گوشت های تازه، استفاده از زيور های دريایی و کشتيرانی، از فوايد درياست .

سخیر البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تری الفلک

«طری» به معنای جديد و تازه و «حليه» به معنای زيور است.

8- گوشت های تازه دريایی و اشيای تزيینی آن و سهولت کشتيرانی، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخیر البحر لتأكلوا منه لحمًا طريًا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - فاطر - 35 - 12 - 11،10

10 - تغذيه با گوشت های تازه و استفاده از زيور های دريایی و کشتيرانی، از فوايد دريا ها است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طريًا... و تری الفلک فيه مواخر

11 - گوشت های تازه دريایی و اشيای تزيینی آن و سهولت کشتيرانی، از نعمت های الهی برای بشر

من کلّ تأکلون لحمًا طريًا و تستخرجون حليه تلبسونها و تری الفلک فيه مواخر

58- مکان حيوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

3- داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها .. و أهلک فإذا استویت أنت .. علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های «اسلک فیها» (در کشتی وارد کن) و «إذا استویت.. .. علی الفلک» (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

ص: 257

59- منافع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

مت_عَا لکم ولأنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتيعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

60- منشأ تسخیر حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 12 - 5

5 - توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است.

خلقهنّ العزیز العلیم... و جعل لکم من الفلک و الأنع_م ما ترکیبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

61- نعمت پشم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 8

8 - به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، از نعمت های الهی است.

و من أصفوفها و أوبارها و أشعارها أث_ثًا و مت_عَا

62- نعمت کرک حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 8

8- به کار آمدن پشم، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی، از نعمت های الهی است.

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أث_ثًا و مت_عًا

ص: 258

63- نعمت موی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 80 - 8

8- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصفوها و أوبارها و أشعارها أث_ثًا و مت_عًا

64- نقش حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 31 - 8

8_ حیوانات ، مشمول تدبیر خداوند و کارگزاری برای تحقق اراده و خواست او

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

65- نقش شیر حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 21 - 3

3 - تبدیل آب و علوفه در درون حیوانات به شیر گوارا و قابل شرب ، پیام دار درس خداشناسی برای انسان

نسقیکم ممّا فی بطونها

«من» در «ممّا فی بطونها» می تواند نشویه باشد. در این صورت «ما»، کنایه از آب و علوفه ای می باشد که حیوان از آن تغذیه کرده است. بنابراین «ممّا فی بطونها» رساننده این مطلب است که شیر، مایعی نشأت یافته از همان علوفه و آبی است که حیوان از آن تغذیه کرده است.

66- نوح(ع) و حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 40 - 6

6_ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فيها من كل زوجين اثنين

ص: 259

67- ویژگیهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 44 - 7

7_ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

ص: 260

12- خادم

1- استیزان خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 8

8 - آگاه نشدن خدمت کاران از وضعیت متناسب با خواب و استراحت (برهنگی و خلوت) صاحبان خود در اتاق هایشان، فلسفه و حکمت تشریح حکم اذن گرفتن آنان برای دیدار با صاحبان خویش

لیستئذنکم الذین ملکت ایمکم .. من قبل صلوه الفجر ... و من بعد صلوه العشاء ثلث

2- اهتمام به تلاش خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 62 - 8

8- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان، لازم است .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هـذا نصباً

3- تأمین نیازهای خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 32 - 6

6 - مؤمنان، وظیفه دار بر آوردن نیازهای اولیه و طبیعی بردگان و خدمت گذاران خویش

وأنکحوا .. والصـلحین من عبادکم وإمائکم

ص: 261

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که از مورد آیه، الغای خصوصیت شود؛ چرا که ازدواج از مصادیق نیازهای اساسی و طبیعی انسان است و به نظر می رسد که نیاز به ازدواج، خصوصیتی ندارد و شامل هر نوع نیازی می شود.

4- خادم موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 60 - 2

2- موسی (ع) در جستار تحقیقی خویش برای یافتن خضر، با خدمت کار خود (یوشع (ع)) همراه بود.

و إذ قال موسی لفتیه لأبرح

«فتی» به معنای جوان است. در تعبیرات قرآن، از غلام و خدمت کار نیز با این تعبیر یاد شده است. لازم به ذکر است که بنابر برخی از روایات مأثور، همراه و همسفر موسی (ع)، «یوشع بن نون» وصی آن حضرت بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 62 - 7

7- موسی (ع) و جوان خدمت کار همراه او، در کنار هم و از یک نوع غذا می خوردند.

ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هـ ذاً نصباً

ضمایر جمع در تمام آیه، گویای همراهی و همدلی دو همسفر، حتی در تناول غذا است؛ زیرا، در غیر این صورت، باید برخی ضمایر را به صورت مفرد ذکر می کرد و مثلاً می گفت «آتی غدائی».

5- روش برخورد با خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 7

7- زنان و مردان مؤمن، حق ندارند با وضعیت و پوشش متناسب با خواب و خلوت، در انظار خدمت کاران خویش ظاهر شوند.

لیستئذنکم الذین ملکتم ایمنکم... من قبل صلوه الفجر... و من بعد صلوه العشاء ثلث

6- روش برخورد خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- همراه شدن با خدمت کاران در تناول غذا و مدّ نظر داشتن تلاش و خستگی آنان ، لازم است .

قال لفتیه ءاتنا غداءنا لقد لقینا من سفرنا هـِ ذاً نصیباً

ص: 262

7- سختی استیذان خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 15

15 - ضرورت معاشرت تنگاتنگ خدمت کاران با صاحبان خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل لازم نبودن اذن خواستن برای رفت و آمد نزدیک آنان در غیر از سه وقت مقرر

لیستندنکم .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوفون علیکم بعضکم

8- محرمیت خادم ساده لوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 24

24 - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. أو التبعین غیر اُولی الاربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه «اربه» بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین «غیر اُولی الاربه»؛ یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

9- مسؤولیت خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 58 - 10

10 - رفت و آمد خدمت کاران به اتاق صاحبان خود، در غیر از سه وقت پیش از طلوع فجر ، استراحت نیمروزی و هنگام خواب شب ، بدون اذن جایز است .

لیستندنکم الذین ملکتم ایمنکم .. من قبل صلوه الفجر ... لیس علیکم و لا علیهم جنا

10- نعمت خادم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

و جعلکم ملوکاً

از رسوا خدا(صلی الله علیه و آله) در توضیح « جعلکم ملوکاً» در آیه فوق روایت شده: زوجه و مسکن و خادم. حدیث فوق در صدد بیان معنای تنزیلی برای «ملک» می باشد، چنانکه در عرف عامه نیز مرسوم است که می گویند هر کس همسر، خادم و مسکن داشته باشد، پادشاه است.

الدر المنثور، ج 3، ص 47، سطر 5.

ص: 264

1- تبدیل به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 3

3 - سیر صعودی و نزولی گیاهان و روئیدن و تبدیل شدن آنها به خاشاک ، نمونه ای از نظم تقدیر شده آفریده های خداوند است .

الذی قدر .. أخرج المرعی . فجعله غثاء أحوی

2- تبدیل به خاشاک تیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 5 - 1

1 - تبدیل گیاهان سبز و خرّم ، در زمانی کوتاه به خس و خاشاک تیره و سیاه فام ، کار خداوند است .

فجعله غثاء أحوی

«غثاء» به گیاهان خشکی گفته می شود که روی سیلاب ها، قرار گرفته و جابه جا می شوند و «أحوی» به معنای سیاه پر رنگ است.
(مفردات راغب)

3- تبدیل کافران به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 41 - 5

5 - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان - همچون خس و خاشاک - در پی نزول عذاب

ص: 265

فجعلنهم غناءً

«جعل» (مصدر «جعلنا») در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. «غناء» نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می‌شود.

4- تشبیه به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فیل - 105 - 5 - 3

3 - بارش سنگ‌های پرندگان بر اصحاب فیل، آنان را مانند کاه و خاشاک مرغزاری ساخت که حیوانات در آن چرانده شده و ساقه‌های نرم شده گیاهان آن، بر زمین مانده باشد.

فجعلهم كعصف مأكول

«عصف»؛ یعنی، خاشاک گیاهی که خرد شده است (مفردات). توصیف آن به مأکول، به اعتبار خورده شدن مقداری از آن، در چرای حیوانات است.

ص: 266

14- خاشعان

1- خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 3

3 - کسانی که « بازگشت به خدا » را قبول دارند ، مردمی فروتن و منزّه از خود بزرگ بینی هستند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون ... أنهم إليه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 90 - 17

17- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) ، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و كانوا لنا خـ شعین

2- ایمان خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 45 - 9

9- باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلا على الخشعين

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر «إنها» به «استعانت» است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 6

ص: 267

6 - خاشعان ، خویشان را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان «ملاقوا ربهم» و نیز زمان «إلیه رجعون» را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

3- ویژگیهای خاشعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 45 - 6,8,9

6 - برپایی نماز کاری سنگین و دشوار مگر برای خاشعان و فروتنان

و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

ضمیر در «إنها» می تواند به «الصلوة» برگردد و نیز می تواند به «استعانت» - که از «استعینوا» فهمیده می شود - ارجاع شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. گفتمی است که دشوار بودن نماز به معنای دشوار بودن برپایی آن است.

8 - استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعینوا بالصبر و الصلوة و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در «إنها» به «استعانت» برگردد.

9 - باور به آسان شدن مشکلات در پرتو نماز ، حقیقتی که تنها خاشعان بدان ایمان دارند .

و استعینوا بالصبر و الصلوة و إنها لکبیره إلا علی الخشعین

دشواری استعانت از نماز - که مقتضای برگشت ضمیر «إنها» به «استعانت» است - به معنای ناباوری به کارساز بودن نماز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 6

6 - خاشعان ، خویشان را در محضر خداوند و در حال بازگشت به او می بینند .

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم و أنهم إلیه رجعون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: زمان «ملاقوا ربهم» و نیز زمان «إلیه رجعون» را زمان حال بدانیم نه زمان مستقبل

4- آثار خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 7

7_ رابطه اطاعت خاضعانه با پیراسته گشتن نفس از ناخالصی ها *

اصطفیک . . . یا مریم اقتنی

خداوند سه نعمت را به مریم ارزانی داشت: گزینش (اصطفیک)، تطهیر (طهّرك) و سرآمد بودن (اصطفیک علی نساء العالمین). و

ص: 268

در برابر این سه نعمت، سه مسؤولیت از وی خواست: قنوت، سجود، رکوع. به نظر می رسد هر یک از آن سه نعمت به ترتیب، مقتضی هر یک از این سه مسؤولیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 19

19- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له ... إثمهم كانوا يسرعون في الخيرت ... و كانوا لنا خـشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 18

18 - شکیبایی و فروتنی ، زمینه آمزش را فراهم می آورد .

و الصـبرین ... و الخـشعین ... أعدّ الله لهم مغفره

5- آثار خشوع ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 114 - 16

16 - تبرّی ابراهیم (ع) از « آزر » ، علی رغم داشتن خویشاوندی با وی ، تبلور خشوع عمیق او در برابر خدا

أنه عدو لله تبرأ منه إن إبراهيم لأوه حلیم

یکی از معانی که اهل لغت برای «أواه» برشمرده اند، خضوع و خشوع شدید است. یعنی ابراهیم (ع)، در برابر خدا بسیار خاضع و خاشع بود. برداشت فوق بدان احتمال است که جمله «إن إبراهيم لأواه» برای بیان علت تبرّی حضرت ابراهیم (ع) از آزر باشد.

6- آثار خشوع انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 18

18- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون . . . إناهم كانوا یسرعون فی الخیرت ... و كانوا لنا خـش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1_ ضمیرهای جمع در جمله «إناهم كانوا یسرعون..» به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. 2_ جمله «إناهم كانوا یسرعون...» و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

ص: 269

7- آثار خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 10 - 3

3_ خشوع در نماز، اجتناب از لغو (گفتارییهوده و کردار عبث)، پرداخت زکات، عفت و پاک دامنی، امانت داری، پایبندی به عهد و پیمان و اهمیت دادن به نماز و انجام به موقع آن، تضمین کننده رستگاری اخروی و دستیابی مؤمنان به بهشت

قد أفلح المؤمنون . الذين هم ... أولئك هم الورثون

8- آثار خشوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 2, 1

1 - یاد خداوند و ذکر عظمت و کبریایی او، تأثیرگذار در دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله

«خشوع» در مقابل «قساوت» (سختی و صلابت)، به معنای نرمی [قلب] است.

2 - تلاوت قرآن و شنیدن آیات آن، اثربخش دل های نرم و خاشع

ألم يأن للذين ءامنوا أن تخشع قلوبهم ... و ما نزل من الحق

مقصود از «ما نزل من الحق» قرآن کریم است.

9- اهمیت خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 58 - 7

7 - اظهار خشوع و خضوع در برابر خدا - به هنگام تصرف بیت المقدس - از دستور های خداوند به بنی اسرائیل

و ادخلوا الباب سجداً

کلمه «سجداً» جمع ساجد و حال برای فاعل «ادخلوا» می باشد. از آن رو که سجده در حال ورود با معنای اصطلاحی آن (پیشانی بر خاک نهادن) سازگار نیست، می توان گفت: در اینجا معنای لغوی آن (خضوع و خشوع) اراده شده است.

22_ ترس و خشیت ، تنها سزاوار مقام بلند و رفیع خداوند است .

إذا فریق منهم یخشون الناس کخشیه اللّٰه او اشدّ خشیه

ترسِ آمیخته با تعظیم را «خشیه» می گویند. یعنی اگر عظمت کسی یا چیزی باعث ترس از او شود، می گویند از او خشیت دارد. و نکوهش خداوند از ترسیدن از غیر او دلالت می کند که تنها باید از او خشیت داشت.

ص: 270

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 94 - 8

8 - تضرع به درگاه خداوند و خشوع در برابر او امری لازم بر عهده بندگان

لعلهم یضرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 7

7 - بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در پیشگاه خداوند .

ألم یأن .. أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از «ذکر الله» نماز باشد؛ نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

10- اهمیت خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 2 - 3

3 - رعایت خضوع و تذلل در نماز ، توصیه خدا به اهل ایمان

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خـشعون

11- خشوع اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 45 - 2,3

2 - گردن فرازان ستمگر ، خاشع و سرافکنده در صحنه قیامت

و تریـهم .. خـشعین من الذلّ

3 - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریـهم .. خـشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

12- خشوع اولياء الله

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

11 - انبياء - 21 - 90 - 20

ص: 271

20- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْـرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خِشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

13- خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 11

11_ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا

14- خشوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 109 - 3، 2، 1

1- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ

2- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... يَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ

3- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن ، همراه با سرشک دیدگان

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ... وَيَخْرَوْنَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُ

15- خشوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 18

18- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع) ، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد آیتنا موسی و هرون . . . إناهم كانوا یسرعون فی الخیرت . . . و كانوا لنا خـش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1_ ضمیرهای جمع در جمله «إناهم كانوا یسرعون . . .» به پیامبران بازگردد، چه این که

ص: 272

آیات پیشین در مورد آنان بود. 2_ جمله «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ...» و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

16- خشوع در ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 205 - 2

2_ خشوع در برابر خدا و هراس از مقام ربوبی او، از آداب توجه به خدا و یاد کردن اوست.

و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفه

«تضرع» به معنای خشوع و اظهار کوچکی است و «خیفه» به معنای ترسیدن و هراس داشتن است. «تضرعا» و «خیفه» مصدر و در آیه شریفه به معنای اسم فاعل (متضرعا) و (خائفًا) می باشند. یعنی: یاد کن پروردگارت را با حالت خشوع و هراس.

17- خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 2 - 5، 2

2 - نماز مطلوب و مقبول خداوند، نماز همراه با خشوع و فروتنی است.

الذین هم فی صلاتهم خـشعون

5 - داشتن خشوع و تذلل در نماز، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خـشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 6، 7

6 - نماز، باید همراه با خشوع و تذلل باشد.

ألم یأن... أن تخشع قلوبهم لذكر الله

برخی از مفسران، «ذکر الله» را در آیه شریفه، کنایه از نماز دانسته اند. برداشت یاد شده براساس این احتمال است.

7- بی ارزش بودن نماز بی خشوع ، در پیشگاه خداوند .

ألم يأن . . . أن تخشع قلوبهم لذكر الله

در صورتی که مراد از «ذکر الله» نماز باشد؛ نکوهش کسانی که نماز را بدون خشوع می خوانند، مفید برداشت یاد شده است.

ص: 273

18- خشوع زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 17

17- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، از خاشعان درگاه الهی بودند .

و كانوا لنا خـشعین

19- خشوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 109 - 1,2,3

1- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخرون للأذقان يبكون

2- قرآن، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. يخرون للأذقان يبكون

3- خضوع عالمان و آگاهان به معارف آسمانی در برابر قرآن، همراه با سرشک دیدگان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم .. ويخرون للأذقان يبكون و یزیده

20- خشوع مضمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 18

18- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أولئك الذين أنعم الله عليهم .. إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و ب

«إذا تتلى» خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای «أولئك» است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

21- خشوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 16 - 3

3- دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر اللّٰه و ما نزل من الحقّ

ص: 274

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

22- خشوع همسر زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 17

17- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، از خاشعان درگاه الهی بودند.

و کانوا لنا خـشعین

23- خشوع هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 18

18- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است.

أولئك الذين أنعم الله عليهم... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً وب

«إذا تتلى» خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای «أولئك» است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

24- خشوع یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 90 - 17

17- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی)، از خاشعان درگاه الهی بودند.

و کانوا لنا خـشعین

25- زمینه خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 46 - 2,5

2 - كسانی كه به لقای خدا باور دارند ، از خود بزرگ بینی رهیده و به خصلت نیکوی خشوع آراسته می شوند .

إلا على الخشعين. الذين يظنون أنهم ملقوا ربهم

ص: 275

5- گمان به لقای خدا و بازگشت به او، در ایجاد روحیه خشوع و فروتنی کافی است.

الذین یظنون أنهم ملقوا ربهم وأنهم إليه رجعون

به کارگیری «یظنون» (گمان دارند) در مسأله رجوع به خداوند - که هر مسلمانی باید اعتقاد جزمی به آن داشته باشد - اشاره به این دارد که: حتی گمان به قیامت و رجوع به خداوند نیز در زایل ساختن خود بزرگ بینی تأثیر بسزایی داشته و مایه فروتنی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 18

18_ تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قیل لهم اسکنوا .. ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیئکم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا می کرد که جمله «ادخلوا الباب سجداً» و جمله «قولوا حطه» پیش از جمله «اسکنوا ..» و «کلوا ...» آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 3

3_ توجه به ربوبیت خدا، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أخیبتوا إلى ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 9

9- تفکر در آیات وحی، زمینه ساز خشیت و خشوع انسان در برابر خداوند

لو أنزلناه_ ذا القراءان علی جبل لرأیته خ_ شعاً متصدعاً من خشیه الله .. لعلمهم

26- عوامل خشوع برای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14_ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربي حقاً

ص: 276

27- عوامل خشوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 109 - 6

6- تلاوت آیات قرآن ، فزاینده خشوع عالمان

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . ويزيدهم خشوعاً

28- عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 21 - 7، 1، 2

1 - صخره های سبتر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هـ_ذا القرآن على جبل لرأيتـه خـشعاً متصدّعاً من خشية الله

2 - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هـ_ذا القرآن . . . و تلك الأمثـل نضربها

«تصدّع» (مصدر «متصدّعاً») به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

7- فروتنی و «فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها» ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هـ_ذا القرآن على جبل . . . و تلك الأمثـل نضربها للناس لعلمهم يتفكرون

29- مراد از خشوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 2 - 6

6 - « عن جعفر بن محمد (صلى الله عليه وآله) إنه قال في قول الله عزّوجلّ : « الذين هم في صلاتهم خاشعون » قال : الخشوع غصّ البصر في الصلاة . . . »

از امام صادق(ع) رایت شده است که در باره سخن خدای _ عزّوجلّ _ «الذين هم في صلاتهم خاشعون» فرمود: مراد از خشوع، فرو نهادن چشم در نماز است»

30- موارد خشوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 96 - 9

ص: 277

9_ ایمان به خدا و رسالت انبیا و رعایت تقوا، اظهار تذلل به پیشگاه خداوند و خشوع در برابر اوست .

لعلهم یضرعون . . . و لو أن أهل القرى ءامنوا و اتقوا

در آیه 94 بیان شد که خداوند به منظور خضوع و خشوع مردم در برابر او، آنان را به سختیها گرفتار می سازد و در این آیه بیان می دارد که اگر همان جوامع ایمان می آوردند و تقوایبیشه بودند، نه تنها به سختیها گرفتار نمی شدند، بلکه برکتهای آسمان و زمین آنان را فرامی گرفت. با توجه به این دو معنا معلوم می شود ایمان و تقوا مصداق بارز تضرع و خشوع در برابر خداوند است.

ص: 278

1- خاضعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 4

4- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 19 - 6

6- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لا يستكبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

2- خضوع

{خضوع}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 22

22_ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانه

اعتراف خردمندان به مالکیت خداوند نسبت به آنان با کلمه «ربّنا» که به معنای مالک و مدبّر آمده، دلالت بر خشوع و خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

ص: 279

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 199 - 2,28

2_ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . . . خاشعين لله

28_ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن بالله

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احکم التّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه؛ فقال رجل یا رسول الله کیف نصلی علیه وقد مات فی کفره؟ قال (صلی الله علیه و آله) الا تسمعون قول الله «وانّ من اهل الكتاب . . .»

الدّر المنثور، ج 2، ص 416.

3- آثار خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 31 - 20

20_ تبعیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، در نیکوکاری، تقوا، تواضع و خضوع، موجب جلب محبت خداوند

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه فوق فرمود: علی البرّ و التقوی و التواضع و ذلّه النفس.

الدّر المنثور، ج 2، ص 178.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 5

5_ خضوع در برابر خدا، زمینه کسب فیض ربوبی او

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 199 - 3،8،21

3_ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب، زمینه ساز ایمان واقعی آنان به خدا و کتب آسمانی

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . . . خاشعین لله

توصیف اهل کتاب به خشوع و فروتنی، می تواند اشاره به علّت ایمان و اقرار آنان به حقیقت قرآن و ایمان واقعی به تورات و انجیل باشد.

8_ خشوع در برابر خداوند، کمالی در ایمان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . . . خاشعین لله

ص: 280

21_ ایمان به خدا، قرآن، تورات، انجیل، فروتنی در برابر خدا و ارج نهادن به آیات الهی، ملاک ارزش انسان نزد خداوند

لهم اجرهم عند ربهم

اضافه تشریفیه در «ربهم» بیانگر آن است که دارندگان صفات یاد شده، در پیشگاه خداوند دارای ارزشی والا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 1

1_ بهشت از آن مؤمنانی است که اعمال صالح انجام دهند و در برابر خدا خاضع و فروتن باشند.

إن الذين آمنوا .. أولئك أصحاب الجنة

إخبات (مصدر أختبوا) به معنای خضوع و خشوع و نیز به معنای اطمینان است. برداشت فوق، براساس معنای اول می باشد. گفتنی است که در این صورت «إلی» به معنای لام است؛ یعنی: «أختبوا لربهم؛ در برابر خدا خاضع هستند».

4- آثار خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 48 - 12

12- انقیاد و خضوع کامل سایه ها در برابر خداوند، ارزشی والا به آنها بخشیده است.

من شيء يتقيوا ظل له .. سجدا لله وهم دخرون

ضمیر «هم» برای ذوی العقول به کار می رود و استعمال آن درباره «ظلال» می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

5- آثار خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 3 - 6

6_ اقامه نماز و انفاق در راه خدا، تجلی خشیت قلب و فزونی ایمان و توکل بر خدا

وجلت قلوبهم .. زادتهم إيمننا ... الذين يقيمون الصلوة و مما رزقنهم ينفقون

تکرار «الذین»، بدون حرف عطف، برای رساندن این معناست که اقامه نماز انفاق نمود خارجی و تجلی صفات برشمرده شده در آیه قبل است.

6- آثار ذکر خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 10

ص: 281

10- توجه به انقیاد و تذلل پدیده های مادی در برابر خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن انسان در برابر اوست .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء .. سجّداً لله و هم دخرون

دعوت به ژرف اندیشی درباره سجده و تذلل موجودات مادی در برابر خداوند، در واقع دعوت به عبرت آموزی از آنهاست.

7- ارزش خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- آل عمران - 3 - 17 - 6

6_ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجه اسلام

الصابرين .. و المستغفرين بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- مائده - 5 - 55 - 16

16_ ارزشمندی تواضع و فروتنی به هنگام انفاق و دستگیری از مستمندان

و يؤتون الزكوه و هم ركعون

بنابر اینکه رکوع به معنای لغوی خود (خضوع) باشد.

8- ارزش خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 9 - 5

5- اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند ، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمن هو قانت انا الیل ساجداً و قائماً

«سجده» در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

9- اهمیت خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 17 - 3

3_ اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا، حکمت و فلسفه ساختن مساجد

ما كان للمشركين أن يعمرُوا مسجدا لله

ص: 282

نامگذاری اماکن عبادت به «مساجد» بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - توبه - 9 - 18 - 3

3_ اظهار خضوع و فروتنی در پیشگاه خدا، فلسفه و حکمت ساختن مساجد

إنما يعمر مسجدا لله

نامگذاری اماکن عبادت به «مساجد» بیانگر برداشت فوق است.

10- اهمیت خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 9 - 39 - 5

5- اهمیت و ارزش ویژه سجده و اظهار خضوع و تذلل در برابر خداوند، در مقایسه با دیگر اجزا و ارکان عبادت

أمن هو قنت أناة الليل ساجداً وقائماً

«سجده» در اصل به معنای خضوع و تذلل است. تقدم آن در آیه شریفه، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

11- اهمیت خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 21 - 4

4- لزوم کرنش و سر فرود آوردن، در برابر عظمت قرآن

و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون

12- اهمیت خضوع در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 219 - 4

4- سجده و خضوع در برابر خداوند، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

13- اهمیت خضوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 98 - 8

8- سجده و خضوع، رکن اصلی و روح نماز و دارای جایگاه ویژه در میان سایر عبادات

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

مقصود از «سجده» می تواند نماز باشد و علت اینکه به جای نماز به سجده امر شده، می تواند گویای این حقیقت باشد که سجده رکن مهم و روح نماز است. گفتنی است دستور خداوند به سجده، پس از توصیه به تسبیح و حمد - که هر دو نوعی عبادت به شمار می آیند - نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 219 - 4

4 - سجده و خضوع در برابر خداوند، مهم ترین رکن نماز و روح عبادت

و تَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ

از اختصاص به ذکر یافتن موضوع سجده، در میان مجموعه ارکان نماز و مصادیق عبادت، برداشت یاد شده به دست می آید.

14- خضوع آثار موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 8

8_ موجودات هستی و آثار آنها همواره تسلیم خدا بوده و در برابر او خاضعند .

و لِّلّٰهِ يَسْجُدُ مِنَ فِي السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ طَوْعًا وَّ كَرْهًا وَّ ظِلًّا لِّهٖم

«ظلال» در آیه شریفه می تواند به عنوان نمونه ای از آثار و تبعات موجودات، مطرح باشد.

15- خضوع آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 1

1_ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 6

6 - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

ص: 284

فقال لها .. ائتيا ... قالتا أتينا طائعين

بنابر این که گفتگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

16- خضوع اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 1,6

1 - نشانه های خضوع و تسلیم در برابر خداوند، بر چهره تمامی انسان ها (در قیامت) نقش خواهد بست.

... و عنت الوجوه للحیّ القیوم

«عناء» به معنای خاضع شدن و مطیع گشتن است (لسان العرب). «وجه» به معنای صورت است و از آن جهت که آثار خضوع و ذلت، بیش از همه جا در چهره آشکار می گردد، این واژه استفاده شده است. «ال» در «الوجه» نیز محتمل است معنای استغراق داشته باشد و یا آن که عوض مضاف الیه بوده و مراد از آن «وجوه المجرمین» باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر اولین احتمال است.

6 - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد.

و عنت الوجوه للحیّ القیوم

17- خضوع اخروی طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 2

2 - مجرمان و گردن فرازان، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

و عنت الوجوه للحیّ القیوم

از معانی «عناء» ذلیل گشتن است (مصباح). حرف «ال» در «الوجه» جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، «وجوههم» و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل «عنت» می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

18- خضوع اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- مجرمان و گردن فرازان، با چهره هایی ذلت بار و خاضع در برابر خداوند، در صحنه قیامت حضور خواهند یافت.

و عنت الوجوه للحی القیوم

از معانی «عناء» ذلیل گشتن است (مصباح). حرف «ال» در «الوجوه» جایگزین مضاف الیه است؛ یعنی، «وجوههم» و مراد چهره مجرمانی است که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده است. فعل «عنت» می رساند که فروتنی آنان نوظهور است و پیش از این در دنیا، در برابر خداوند خضوع نداشته اند.

19- خضوع اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 87 - 9

9- ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و کلّ أتوه دخرین

«دُخُور» به معنای ذلت و کوچکی است.

20- خضوع اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 15 - 8

8- مغرور نشدن مردان الهی به علم و کمالات خود و احتمال وجود کسانی برتر از ایشان در میان بندگان مؤمن خدا

وقالا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین

21- خضوع بر آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و ممّن هدینا واجتیبنا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

22- خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 77 - 3

ص: 286

3 - اظهار تذلل و خضوع در پیشگاه خداوند ، روح و حقیقت نماز

یـ أيتها الذين ءامنوا ارکعوا و اسجدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 8

8 - « عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا جعفر (ع) عن قوله الله عزّ وجلّ « فما استكانوا لرّبهم و ما يتضرّعون » فقال : الإستكانه هو الخضوع والتضرع هو رفع اليدين و التضرع بهما ;

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ _ «فما استكانوا لرّبهم و ما يتضرّعون» سؤال کردم؟ پس حضرت فرمود: مراد از «استكانه» خضوع و خشوع است و مراد از «تضرع»، بالا بردن دست ها و تضرع با آنها است».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 4 - 4

4 - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ... فظلت أعنـ فهم لها خـ ضعین

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم «رأس القوم» و «صدر القوم» گفته می شود، «عنق القوم» نیز گفته می شود بنابراین «أعناقهم»؛ یعنی، «سادتهم». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 87 - 9

9 - ذلت و خضوع همه موجودات در برابر خداوند در روز رستاخیز

و کلّ أتوه دخیرین

«دُخُور» به معنای ذلت و کوچکی است.

23- خضوع برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 12

12- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله . . . يخرون للأذقان سجداً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «أوتوا العلم من قبله» اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به «خرّ» _ که به معنای سقوط و به رو افتادن است _ می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 108 - 3

ص: 287

3- مطلوبیت تسبیح پروردگار همراه با خضوع و سجده برای او، با مشاهده آیات بحق او

إذا يتلى عليهم يخرون للأذقان سجداً . و يقولون سبحن ربنا

24- خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 25 - 4

4- مؤمنان نیکوکار، با شنیدن آیات قرآن، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده، خضوع می کنند.

فما لهم... و إذا قرئ عليهم القرآن لا يسجدون... إلا الذين ءامنوا و عملوا الص

25- خضوع برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و ممن هدینا و اجتبینا إذا تتلى عليهم ءایات الرحمن خرّوا سجداً و بکیاً

26- خضوع در اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - احزاب - 33 - 35 - 13

13 - اطاعت خاضعانه از خدا و صداقت، سبب می شود که فرد، مشمول آمرزش خداوند شوند.

و القنتین... و الصدقین... أعد الله لهم مغفرة

27- خضوع در برابر آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 4 - 2

2- بشر هر اندازه که به جهان آفرینش بیشتر بنگرد، بر شگفتی و فروتنی او در برابر عظمت آن افزوده خواهد شد.

ثمّ ارجع البصر كرّتين ينقلب إليك البصر خاسئاً وهو حسير

«خاسیء» به معنای دور شده از مراد و ناکام و «حسیر» به معنای خسته و درمانده است. مقصود آیه شریفه، بیان این حقیقت است که آدمی هرچند بسیار تلاش و فکر کند، به مراد خویش _ که پیدا کردن عیب و نقصی در نظام خلقت است _ نخواهد رسید؛

ص: 288

بلکه در برابر عظمت آن شگفت زده شده و سر تعظیم فرود خواهد آورد.

28- خضوع در برابر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 1

1_ همه کسانی که در آسمان ها و زمینند در برابر خداوند خاضعند و بر او سجده می کنند .

و لله يسجد من في السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 6

6- ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القیوم

29- خضوع در برابر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 13، 4

4- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

13- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لا تؤمنوا إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

برداشت فوق بر این اساس است که «إن» تعلیل باشد برای جمله «آمنوا به أو...»؛ یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 109 - 2، 1

1- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . يخرون للأذقان يبكون

2- قرآن، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را بر می انگیزاند .

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . يخرون للأذقان يبكون

ص: 289

30- خضوع در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 88 - 1

1 _ اظهار خضوع و تذلل همراه توسل به ربوبیت خداوند و اعتراف مکرر به آن ، از آداب دعاست .

وقال موسى ربنا .. ربنا ليضلوا ... ربنا اطمس

31- خضوع در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 19 - 6،9

6- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لا يستكبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

9- تأثیر دستیابی به مقام قرب الهی ، در خستگی نیافتن از عبادت و پرستش خداوند و تکبر نوزیدن

و من عنده لا يستكبرون عن عبادته و لا يستحسرون

از این که خداوند فرمود «آنها که پیش ما هستند و مقرب اند، از عبادت خسته نمی شوند و تکبر نمیورزند»، به دست می آید که دستیابی به قرب الهی، در خستگی ناپذیری و تکبر نوزیدن تأثیر دارد.

32- خضوع در عبودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 238 - 10،8

8 _ لزوم حرکت برای خداوند ، توأم با خضوع و اطاعت در برابر وی

و قوموا لله قانتين

چنانچه گذشت، «قنوت»، اطاعتی است همراه خضوع و خشوع.

10_ طاعت و خضوع در برابر خداوند ، ملاکی برای ارزشگذاری رفتار آدمی

وقوموا لله قانتین

از اینکه خداوند امر می کند که قیام، همراه «قنوت» باشد، معلوم می شود که حرکت و عمل برای خدا آنگاه که خالی از خضوع در برابر او باشد، فاقد ارزش است.

ص: 290

33- خضوع در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 111 - 6

6 - ظهور حیات حقیقی و فنا ناپذیر خداوند و قیومیت او بر هستی در قیامت ، مایه خضوع و ذلت عمیق آدمیان در برابر او خواهد شد .

و عنت الوجوه للحیّ القيوم

34- خضوع در مناجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 114 - 2

2_ رعایت ادب با ابراز خضوع و کاربرد تعابیر شایسته از آداب نیایش به درگاه خداوند

قال عیسی ابن مریم اللّٰهم ربنا .. و ارزقنا و انت خیر الرزقین

35- خضوع در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 238 - 6

6_ لزوم بجا آوردن نماز برای خدا ، همراه خضوع و توجه کامل به پروردگار

حافظوا علی الصلوات .. و قوموا لله قانتین

«قنوت» به معنای خضوع در اطاعت و خضوع مستلزم توجه کامل می باشد و مراد از قیام در «قوموا لله»، یا خصوص نماز است و یا نماز مصداقی بارز برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 5

5 - سجده و خضوع ، رکن اصلی و روح نماز است .

یدعون إلى السجود

از این که به جای نماز، سجود و خضوع مطرح شده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

36- خضوع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 291

4- قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ.. فظلت أعنـ فهم لها خـ ضعین

برخی بر آنند همان گونه که به بزرگ قوم «رأس القوم» و «صدر القوم» گفته می شود، «عنق القوم» نیز گفته می شود بنابراین «أعناقهم»؛ یعنی، «سادتهم». برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

37- خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 7

7_ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظل_ لهم بالغدو و الأصال

«غدو» (جمع غده) به معنای صبحگاهها و «أصال» (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

38- خضوع سایه در عصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 7

7_ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظل_ لهم بالغدو و الأصال

«غدو» (جمع غده) به معنای صبحگاهها و «أصال» (جمع اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه ها از قوانین الهی است.

39- خضوع سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8- گردش سایه های اجسام، نشانگر سجده، انقیاد و تذلل آنها در برابر خداوند است.

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلَّ له عن اليمين والشمال سجداً لله و

ص: 292

40- خضوع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 25 - 4

4 - مؤمنان نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . . . و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون ... إلا الذين ءامنوا و عملوا الص

41- خضوع عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 191 - 22

22_ خضوع و کرنش خردمندان برای خداوند ، در پی تفکّر در آفرینش و پی بردن به هدفداری آن

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانك

اعتراف خردمندان به مالکیت خداوند نسبت به آنان با کلمه «ربّنا» که به معنای مالک و مدبّر آمده، دلالت بر خشوع و خضوع ایشان در برابر خداوند دارد.

42- خضوع علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 109 - 1,2

1- خضوع و خشوع همیشگی عالمان حق پذیر در برابر قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . يخرون للأذقان يبكون

2- قرآن ، حاوی آن چنان معارف عظیم که خضوع و خشوع تمامی عالمان اندیشمند را برمی انگیزاند .

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم . . . يخرون للأذقان يبكون

43- خضوع علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12- با تمام وجود سر بر آستان خداوند ساییدن و حریصانه به سجده افتادن جمعی از علمای اهل کتاب به هنگام آشنایی با قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله . . . يخرون للأذقان سجداً

ص: 293

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از «أوتوا العلم من قبله» اهل کتاب باشد و تعبیر از سجده به «خرّ» _ که به معنای سقوط و به رو افتادن است _ می تواند اشاره به حقیقت یاد شده داشته باشد.

44- خضوع علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 107 - 4

4- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

45- خضوع قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 4 - 1

1 _ خشیت قلب از یاد خدا، افزایش ایمان با تلاوت قرآن و تنها بر خدا توکل داشتن، نشان ایمان حقیقی

أولئك هم المؤمنون حقا

46- خضوع متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 17 - 1

1 _ صبر و راستی در گفتار، خضوع در برابر خداوند، انفاق و استغفار در سحرگاهان، از صفات متقین

للَّذِينَ اتَّقَوْا... الصَّابِرِينَ... بِالْإِسْحَارِ

آیه فوق (الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ...)، بیان و توضیح دیگری برای «للَّذِينَ اتَّقَوْا» است.

47- خضوع مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 1,2

1_ مریم، مأمور به اطاعت خاضعانه، سجده و رکوع (نماز)، در برابر پروردگارش

یا مریم اقتی لربک و اسجدی و ارکعی

2_ سخن فرشتگان با مریم و فرمان دادن به او، درباره اطاعت خاضعانه

ص: 294

و اذ قالت الملائكة... يا مريم اقنتی لربک و اسجدی

ظاهراً جمله «یا مريم اقنتی»، گفتار ملائکه با حضرت مريم است.

48- خضوع مشمولان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 58 - 19، 18

18- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی، نشانه برخورداري از نعمت ویژه خداوند است.

أولئك الذين أنعم الله عليهم... إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً وب

«إذا تتلى» خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای «أولئك» است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است.

و ممن هدینا واجتیبنا إذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً و بکیاً

49- خضوع مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 6

6- مقربان الهی (فرشتگان)، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند.

و من عنده لا یتکبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

50- خضوع ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 14

14- همه فرشتگان به جز ابلیس، به فرمان الهی در برابر آدم (ع) خضوع کرده و او را مورد تکریم خویش قرار دادند.

وإذ قلنا للملئكة اسجدوا لأدم فسجدوا إلا إبليس

برداشت فوق، با توجه به ریشه لغوی «سجده» است که به معنای «خضوع» و «تذلل» می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 19 - 6

ص: 295

6- مقربان الهی (فرشتگان) ، از عبادت خداوند تکبر نمیورزند .

و من عنده لا یتکبرون

مقصود از «من عنده» _ طبق نظر مفسران _ فرشتگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 74 - 10

10 - فرشتگان ، موجوداتی مطیع و خاضع در برابر فرمان های خداوند

فسجد المل - که کلهم أجمعون . إلا إبليس استکبر

51- خضوع موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 15 - 3

3- موجودات آسمان ها و زمین برای غیر خدا خاضع نبوده و به غیر او سجده نمی کنند .

و لله یسجد من فی السموت و الأرض

تقدیم «لله» بر «یسجد» حاکی از حصر است. بنابراین «لله یسجد...» ؛ یعنی ، برای خداوند سجده می کنند و به غیر او سجده نمی برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 48 - 11

11- همه پدیده های مادی با خضوع تمام ، خداوند را سجده می کنند .

أولم یروا... من شیء... سجداً لله و هم دخرون

«داخر» در لغت به معنای ذلیل است و جمله «و هم داخرون» حال برای «ظلال» می باشد.

52- خضوع مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - انفال - 8 - 2 - 1

1_ دل مؤمنان راستين ، لرزان و بيمناک به هنگام ياد خدا

إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

20 - انشفاق - 84 - 25 - 4

ص: 296

4- مؤمنانِ نیکوکار ، با شنیدن آیات قرآن ، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده ، خضوع می کنند .

فما لهم . . . و إذا قرئ عليهم القرآن لا يسجدون ... إلا الذين آمنوا و عملوا الص

53- خضوع مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 19

19- گریه در حال سجده و خضوع در مقابل آیات الهی ، از آثار نعمت هدایت و برگزیدگی در پیشگاه خداوند است .

و مَن هدینا واجتبینا إذا تتلی علیهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و بکیّاً

54- خضوع نجاشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - آل عمران - 3 - 199 - 28

28_ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ احاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه؛ فقال رجل یا رسول اللّه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (صلی الله علیه و آله) الا تسمعون قول اللّه «وانّ من اهل الکتاب . . .»

الدّرالمنثور، ج 2، ص 416.

55- خضوع هنگام استماع آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 18

18- خضوع و خشوع و سجده و گریه به هنگام استماع آیات الهی ، نشانه برخورداری از نعمت ویژه خداوند است .

أولئك الذين أنعم الله عليهم . . . إذا تتلى عليهم آیت الرحمن خرّوا سجّداً و ب

«إذا تتلى» خبر اول و یا خبر بعد از خبر برای «أولئك» است؛ یعنی آنان این چنین هستند که هنگام استماع آیات به سجده افتاده و گریه می کنند.

ص: 297

56- خضوع یونس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 87 - 17

17- خضوع یونس (ع) به درگاه الهی و اعتراف وی به ظلم و نادرستی رفتار عجولانه خود

فنادی . . . إتی كنت من الظالمین

57- دعوت به خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 7

7 - خداوند ، خواهان خضوع و تضرع انسان ها به درگاه او

فما استکانوا لرّبهم و ما يتضرّعون

58- دعوت به خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - قلم - 68 - 43 - 3

3 - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سـلمون

59- روش خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 161 - 18

18 - تأمین محل سکونت و اسباب معیشت پیش از امر به نیایش و استغفار ، روشی نیکو برای واداشتن مردم به خضوع و خشوع در برابر

خداوند و طلب آمرزش از او

و إذ قیل لهم اسکنوا . . . ادخلوا الباب سجداً نغفر لکم خطیبتکم

بیان طبیعی داستان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس اقتضا می کرد که جمله «ادخلوا الباب سجداً» و جمله «قولوا حطه» پیش از جمله «اسکنوا ..» و «كلوا ..» آورده شود. زیرا اول باید تصرف شود و سپس سکونت انجام گیرد. این تقدیم و تأخیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

ص: 298

60- زمینه خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 23 - 3

3- توجه به ربوبیت خدا، گرایش دهنده آدمی به خضوع و خشوع در برابر او

و أٰخٰتٰوٓا۟ اِلٰی رَبِّهٖم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 42 - 6

6 - علم و معرفت، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

وَأُوٓتِیْنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِیْنَ

تقدیم «علم» بر «اسلام» می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 2 - 11

11- توجه به حکمت و کاردانی خداوند، مستلزم خضوع انسان در برابر قوانین حکیمانه و خدشه ناپذیر وی *

تَنْزِیْلَ الْكِتٰبِ مِنْ اِلٰهِ . . . الْحَكِیْمِ

تذکر خداوند به وصف «الحکیم»، می تواند یاد آور انسان ها باشد که قرآن _ به عنوان مجموعه قوانین _ از جانب کسی نازل شده که حکیم و کاردان است و نقصی در برنامه او نیست، تا کسی مجاز به تخلف گردد.

61- زمینه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 76 - 2

2- بلاهای دنیوی، زداینده خوی استکبار و دمنده روح خضوع و فروتنی در انسان ها نسبت به پروردگار

و لَقَدْ اٰخٰذْنَہُمْ بِالْعِذَابِ فَمَا اسْتَکَانُوْا لِرَبِّہِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 62 - 4

4 - توجه به تدبیر و قدرت الهی در نظام هستی ، مقتضی خضوع و سجود انسان در برابر آفریدگار آن

وَأَنۢ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ .. فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

ص: 299

62- عوامل خضوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 43 - 4,6

4 - ربوبیت الهی ، مقتضی خضوع در برابر او

اقتنی لرَبِّک

6 - برخورداري از نعمت های الهی ، مستلزم اطاعت خاضعانه در برابر او

انّ الله اصطفیک . . . یا مریم اقتنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 21 - 1

1 - شنیدن آیات قرآن ، باید مایه خضوع و فروتنی انسان گردد .

و إذا قرئ علیهم القرآن لایسجدون

«سجود» به معنای خضوع است. (قاموس)

63- عوامل خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 14

14 - توجه به عظمت خداوند ، مایه خضوع به درگاه او و وادار سازنده انسان به پذیرش ربوبیت او

فألقي السحرة سجداً قالوا آمنا ربّ هرون و موسى

64- عوامل خضوع برای یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 100 - 14

14_ خداوند ، اعطا کننده مقام و منزلت به یوسف (ع) و وادار کننده بستگانش به خضوع و خشوع در برابر او

قد جعلها ربي حقاً

65- موانع خضوع برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 21 - 5

ص: 300

5- روحیه ناباوری ، مانع پذیرش قرآن و خضوع در برابر آن

لایؤمنون . و إذا قرىء علیهم القرآن لایسجدون

66- نشانه خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 46 - 4

4- سجده ، مظهر حق پرستی و خضوع در برابر خداوند

فألقى السحرة سـ جدین

برداشت یاد شده از آن جا است که نخستین واکنش مثبت ساحران پس از پی بردن به آیت الهی و معجزه موسی ، سجده بود.

67- نشانه های خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 29 - 27

27- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، «سجده» اختصاص به ذکر یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 15

15 - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فألقى السحرة سجداً

68- نشانه های خضوع بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 70 - 15

15 - پیشانی بر خاک نهادن ، از دیرباز نشانه خضوع و فروتنی در برابر خداوند و جلوه بارز بندگی او بوده است .

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 301

27- سجده ، مظهر بندگی و خضوع به درگاه خداوند

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

از میان همه عبادات و مظاهر عبادی، «سجده» اختصاص به ذکر یافته است.

ص: 302

1- آثار رطوبت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 6

6 - رطوبت خاک ، نشانه وجود منابع و چیز های ارزشمند در زیر آن است . *

له . . . و ما تحت الثرى

وصف نمناکی برای خاک _ با آن که آنچه زیر خاک خشک قرار دارد نیز ملک خداوند است _ اشاره به مهم تر بودن موجودات زیر خاک نمناک در مقایسه با موجودات زیر خاک خشک است.

2- آدم(ع) از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 3

3 _ ابلیس، آفریده شده از آتشی خاص و آدم، آفریده شده از گلی مخصوص

خلقتنی من نار و خلقته من طین

نکره آمدن «نار» و «طین» حکایت از این دارد که آدم و ابلیس از گل و آتشی مخصوص آفریده شدند و چنانچه این معنا در نظر نبود، آن دو کلمه با «ال» جنس آورده می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 61 - 10

10- حضرت آدم (ع) ، از دو عنصر خاک و آب (گِل) آفریده شد .

خلقت طیناً

ص: 303

«طین» در لغت به معنای «خاک آمیخته با آب (گل)» آمده است (مفردات راغب).

3- آرزوی تبدیل به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 40 - 17، 15

15 - آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش، آرزوی کافران در قیامت

و يقول الکافر یـلیتی کنت ترّباً

17 - کافران در قیامت، حیات اخروی را سرآغاز سختی‌ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد.

یـلیتی کنت ترّباً

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ _ که خاک شده بودم _ باقی می‌ماندم.

4- ارزش خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 4

4 _ آتش، عنصری برتر و شریفتر از خاک در دیدگاه ابلیس

أنا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

5- انسان از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 37 - 9، 6

6- آفرینش آدمی از خاک و سپس نطفه و تکامل آن به صورت انسانی کامل، سیر پیدایش انسان است.

بالذی خلقتک من تراب ثمّ من نطفه ثمّ سوّیک رجلاً

جمله «خلقتک من تراب» یا نظر به این دارد که خداوند، حضرت آدم(ع) را از خاک آفرید _ بنابراین، اصل همه انسان‌ها خاک است _ و یا این که نطفه از غذاهایی تولید می‌شود که از خاک گرفته شده است.

9- آفرینش انسان از خاک و نطفه و معتدل ساختن او، دلایلی روشن بر امکان برپایی معاد و کافی در رفع استبعاد قیامت است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . . . أكفرت بالذی خلقک من تراب

پاسخ مرد مؤمن به ثروت مند مغرور، با جمله «أکفرت بالذی. . .» حکایت از آن دارد که انکار معاد از جانب او که با جمله «و ما أظنّ. . .» بیان شده بود، به جهت استبعاد تجدید حیات آدمی پس از مرگ بوده است، لذا مرد مؤمن، با یادآوری قدرت خداوند و

ص: 304

بیان سابقه خاک و نطفه بودن آدمی، به رفع این استبعاد و بیان قدرت خداوند پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 5

5- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإِنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ تَرَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 2

2 - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 2

2 - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 15

15 - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إِذْ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 15 - 3

3 - آفرینش انسان و جن ، دو موجود شعورمند ، از دو عنصر کاملاً متفاوت (خاک و آتش) ، نمود قدرت خداوند

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نَارٍ

1 - جلوه های ربوبیت الهی در آفرینش انسان از « خاک » و جن از « آتش » ، غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر است .

خلق الإنسِن ... و خلق الجنَّ ... فبأیِّ ءالآء ربِّکما تکذَّبان

2 - تبدیل گلی خشکیده به موجودی چون « انسان » و شعله آتش به موجود زنده ای چون « جن » ، نمود ربوبیت یگانه خداوند

خلق الإنسِن من صلصَل کالفخار .. فبأیِّ ءالآء ربِّکما تکذَّبان

3 - پیدایش خصلت های ویژه انسانی از مستی خاک و پیدایش موجود زنده دارای درک و شعورمندی چون جن از شعله آتش ، نعمت هایی شایان تأمل و قدرشناسی *

خلق الإنسان من صلصل... فبأي آلاء ربكما تكذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 3

3 - خاک، عنصر اصلی آفرینش آدم

و الله أنبتكم من الأرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از «أنبتکم» پیدایش اصل انسان ها (حضرت آدم(ع)) باشد. بر این اساس «الأرض» اشاره به عنصر خاکی آفرینش آدم خواهد بود.

6- تبدیل انسان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 18 - 3، 1

1 - بازگشت انسان پس از مرگ، به عناصر نخستین آفرینش خود (خاک و...)

و الله أنبتكم من الأرض نباتاً. ثمّ يعيدكم فيها

3 - بازگشت انسان ها پس از مرگ، به عناصر نخستین آفرینش خود و زنده شدن مجدد آنان از همان عناصر، جلوه قدرت و عظمت خداوند

ما لكم لا ترجون لله وقاراً... ثمّ يعيدكم فيها ويخرجكم إخراجاً

7- تبدیل به خاک بی حاصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 8 - 1

1- خداوند، تمام موهبت ها و موجودات زمین را، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد.

إنا جعلنا ما على الأرض... وإنا لجعلون ما عليها صعيداً جرراً

«صعيداً» یعنی «خاک»، و «جرراً» به زمینی که فاقد هرگونه گیاه و رویدنی باشد، گفته می شود.

8- تبدیل خاک به نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 7

7- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

ص: 306

فَاتَا خَلَقْنَ كَمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 4,5

4 - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً

5 - وجود فاصله زمانی میان تحوّل خاک به نطفه ، نطفه به علقه و علقه به صورت طفل

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً

با توجه به کاربرد «ثُمَّ» - که برای بیان فاصله زمانی است - برداشت بالا به دست می آید.

9- تبدیل گیاهان به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 65 - 2

2 - خداوند ، در صورتی که بخواهد ، می تواند زراعت ها را به خس و خاشاک تبدیل کند .

لَوْ نَشَاءُ لَجْعَلْنَاهُ حِطًّا

«حطام» به چیز خشک و شکسته شده گفته می شود (قاموس المحيط).

10- تبدیل موجودات به خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 8 - 1

1- خداوند ، تمام موهبت ها و موجودات زمین را ، به خاکی بی حاصل تبدیل خواهد کرد .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ .. . وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرًّا

«صعید» یعنی «خاک»، و «جرز» به زمینی که فاقد هرگونه گیاه و رویدنی باشد، گفته می شود.

11- تیمم بر خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 6 - 19

19 - تیمم ، بر خاک ، جایز و مجزی است .

فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا

ص: 307

برخی از اهل لغت برآنند که «صعید» تنها بر خاک اطلاق می شود. با توجه به کلمه «منه» بعید نیست این معنی در آیه مراد باشد.

12- خاک های مرطوب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 6 - 5

5- آنچه در زیر خاک های نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له . . . و ما تحت الثرى

«ثری» به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در «الثری» ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه «ما فی الأرض» ذکر شده است، احتمال می رود که «ما تحت الثرى» مربوط به غیر زمین باشد.

13- خلقت از خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 6,7

5- خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

فإنا خلقنكم من تراب

6- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإنا خلقنكم من تراب

7- تحول خاک به نطفه ، تبدیل نطفه به علقه و تکامل علقه به مضغه ، روند آفرینش انسان

فإنا خلقنكم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 6 - 2,4,6

2_ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنا خلقناكم من تراب .. لكيلا يعلم من بعد علم شيئاً ... ذلك بأن الله هو الحق

4 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمایشی است از قدرتمندی و توانایی خداوند بر احیای همه مردگان در روز رستاخیز .

فإنا خلقناكم من تراب .. و ترى الأرض هامده... و أنه يحيى الموتى

جمله «و أنه يحيى ..» عطف بر «أن الله هو الحق» و به تقدیر «و ذلك بأن الله يحيى الموتى» می باشد؛ یعنی، آن قدرت نمایی

ص: 308

ها بدان سبب است که خداوند می تواند مردگان را زنده کند.

6 - آفرینش انسان و رویاندن انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، نمودی از قدرت بی کران و نامحدود خداوند

وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 7 - 8،6

6 - آفرینش انسان و انواع گیاهان از بستر خاک مرده و بی جان ، یادآور رستاخیز و دلیلی گویا بر قطعی بودن برپایی آن .

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که «الساعة» به برپایی قیامت و «ذَلِك» در آیه قبل به خلقت انسان و ایجاد انواع گیاهان: إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ.. فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت» اشاره داشته باشد.

8 - خلقت انسان و رویش انواع گیاهان از خاک بی جان ، نشانگر توانمندی خدا بر احیای مردگان در روز رستاخیز

فإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ . . . وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً . . . وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مِنْ فِي الْقُبُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 1،2،3،4،6،8،9،10

1 - از جمله آیات خداوند ، آفریدن انسان ها از خاک است .

و من ءایـته أن خلقکم من تراب

2 - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

3 - خاک ، مبدأ پیدایش انسان ها است .

و من ءایـته أن خلقکم من تراب

4 - پدید آمدن انسان های زنده از دل خاک مرده ، نمودی از پدید آوردن موجود جان دار از موجود بی جان به دست خداوند است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ . . . وَ مِنْ ءایـته أن خلقکم من تراب

6 - پدید آوردن موجودی زنده مانند انسان از دل خاک مرده ، از نشانه های توان مندی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است .

و كذلك تخرجون . و من ءای_ته أن خلقکم من تراب

از این آیه به بعد، چندین آیه، در صدد شمارش آیات الهی است. از میان آن آیات، ذکر مناسب ترین آیه با «و کذالک تخرجون» پس از آن، می تواند در ضمن بیان آیات الهی، اشاره به نکته فوق باشد.

8 - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

«ثم» حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی «إذا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

9 - پدید آمدن موجودی زنده به نام انسان از خاک مرده ، امری غیر منتظره و سزاوار تأمل است .

أن خلقکم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون

«إذا»ی فجاییه در آیه، می تواند حکایت از این حقیقت باشد.

10 - تبدیل شدن خاک - پس از گذر از مراحل لازم - به انسان ، جهش گون و سریع است .

أَن خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

«إِذَا» فجاییه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند، لذا از آن، سرعت و حالت جهشی بودن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 13

13 - آیه بودن آفرینش انسان از خاک ، برای متفکران ، قابل درک است .

و من آءِیَـتِهِ أَن خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ .. . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأٰیَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 4، 3، 2

2 - خاک ، مبدأ نخستین آفرینش انسان

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

3 - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ

4 - تحوّل خاک به نطفه تبدیل نطفه به علقه و تکامل آن ، روند آفرینش انسان

خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلًا

14- خلقت خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 10

10 - قبل از انسان ها ، پدیده های دیگری چون گل (آب و خاک) آفریده شده بودند .

و بدأ خلق الإنسـن من طین

15- فواید خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 6

6- قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

فإِنَّا خَلَقْنَا مِنْ تَرَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 310

3 - قابلیت خاک برای پیدایش موجودات زنده از آن

خلقکم من تراب

16- نقش خاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 27 - 2

2 - رویش گیاهان مختلف ، با کاربرد های گوناگون ، از آمیختن دو عنصر آب و خاک ، به منظور استفاده انسان ها و دام ها ، از آیات الهی است .

أولم يروا أننا نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعاً تأكل منه أنعـ مهم وأنف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 2،8

2 - خاک ، ماده و عنصر نخستین آفرینش انسان ها است .

والله خلقكم من تراب

8 - آفرینش آدم (ع) از خاک و انسان از نطفه و در قالب زن و مرد ، از نشانه های قدرت خدا و یکتایی او است .

والله خلقكم من تراب ثم من نطفه ثم جعلكم أزواجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 32 - 15

15 - خاک و عناصر آن ، ماده اصلی پیدایش انسان به اراده الهی

إذ أنشأكم من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 14 - 4

4- آب و خاک ، دارای نقش عمده در شکل گیری وجود انسان

خلق الإنسان من صلصال كالفخار

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که واژه «صلصال» گرچه به معنای گل خشکیده است؛ ولی به هر حال در آن آمیختگی خاک با آب مطرح است.

ص: 311

17- خالق

1- استمداد از خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 10

10- تنها خداوند خالق، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد.

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

آیه درصدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

2- بدهت بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 4

4- قابل قیاس نبودن موجود آفرینشگر با موجود فاقد قدرت خلق، از بدیهیات عقلی است.

أفمن يخلق كمن لا يخلق

طرح سؤال یاد شده در آیه بی آنکه جوابی برای او بدهد ارشاد به حکم عقل است.

3- بهترین خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 12

12 - خدا، أحسن الخالقين (بهترین آفریننده ها) است.

ص: 312

فتبارک الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 9 - 5

5 - خداوند ، نیکوترین آفریننده

أحسن الخلقين

9 - پرستش ، تنها شایسته نیکوترین آفریننده ها (خدا) است .

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقين

4- بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 3

3- هیچ گاه آفرینشگر با غیر آفرینشگر ، قابل مقایسه نیست .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

5- بی نظیری خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 2

2- کسی که تمام موجودات را آفریده با کسی که هیچ موجودی را نیافریده ، هیچ گونه شباهتی ندارد .

أفمن یخلق کمن لا یخلق

6- تعقل در خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 15 - 7

7- نوح (ع) ، قوم خود را به اندیشه و مطالعه درباره چگونگی و مبدأ آفرینش جهان ، به منظور پی بردن به عظمت خداوند تشویق و

تحررض می کرد .

ألم تروا كيف خلق الله سبع سموت طباقاً

تعبیر «ألم تروا كيف..»، می تواند برای تشویق و تحریض ادا شده باشد.

ص: 313

7- خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 24

24_ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خـلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 1

1 - یگانه معبود هستی ، پدیدآورنده و آفریننده خلق بدون هیچ الگوی پیشین

هو الله الخـلق البارئ

در معنای خلق، «ابداء و ابداع» نهفته است و آفرینش بدون الگو و بی سابقه را می نمایاند؛ چنان که «بارئ» _ بنابر نظریه ای _ می تواند پیامدار همین معنا و تأکیدی بر آن باشد.

8- خالق آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متـعاً لکم ولأنـعـمکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

9- خالق آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 8

8_ قدرت پدید آوردن جهان و توانایی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائكم .. قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده

ص: 314

10- خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 117 - 1

1 - خداوند ، آفریننده و مبتکر آسمان ها و زمین بدون وجود نمونه ای از پیش

بدیع السموت و الأرض

«بدیع» بر گرفته شده از ابداع است و «ابداع» به معنای اختراع چیزی است بدون الگو و نمونه قبلی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 1

1 _ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1 _ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذى خلق .. هو الذى خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه «هو» و مسند «الذى» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 1

1 _ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

و هو الذى خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 3,4

3_ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلين . . . إني وجهت وجهي للذي فطر السموت و الأرض

4_ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5- انعام - 6 - 101 - 2، 1

1_ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بديع السموت و الأرض

«بديع» یعنی خالق و مبدع. معنی بديع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای.

ص: 315

(لسان العرب).

2_ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1

1_ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . . . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 17 - 1

1 - خدا، آفریدگار آسمانها

و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق

«طریقه» (مفرد «طرائق») به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از «سبع طرائق» به قرینه «فوقکم» (بالای سر شما)، هفت آسمان است. بنابراین به آسمانهای هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، «طرائق» گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 1

1 - خداوند، آفریننده آسمانها و زمین و موجودات میان آن دو است.

اللّٰه الذی خلق السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما ب_طلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 5

5 - منکران معاد در عصر بعثت ، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

ص: 316

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین _ به قرینه آیات بعد _ آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

11- خالق آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 1

1 - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 5، 1

1 _ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت والأرض و هو یطعم و لا یطعم

5 _ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت والأرض

«فطر» به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 4

4 _ خدا، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 1

1_ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 317

12_ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: «یا فاطر السموت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 7

7- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 1

1- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی «الله» و «الذی خلق . . .»، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 1,8

1- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

8- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتی أمر الله . . . سبحنه و تعالی عما یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالی

«تعالی عما یشرکون» مربوط به «بالحق» است و نه «خلق السماوات و . . .» بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهمات داشته اند.

1- قرآن، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

«تنزیلاً» مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای «القرآن» _ در آیات قبل _ است.

2- خداوند، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

«علی» (جمع «علیاً») اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

4- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع، نشان اقتدار او بر فرستادن کتابی شایسته، برای تذکر و اندرز انسان

ها است .

تذکره.. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 3

3- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 1

1 _ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 1

1 - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 61 - 1,2

1 - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ

2- خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... لِيَقُولَنَّ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 10 - 1

1 - خداوند ، آسمان ها را بدون پایه و ستون آفریده است .

خلق السموات بغير عمد ترونها

«ترونها» احتمال دارد قید توصیحی برای «بغير عمد» باشد. در این صورت، معنای «خلق السماوات بغير عمد» این است که

ص: 319

خداوند، آسمان ها را بدون ستون آفریده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 1

1 - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 4

4 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 81 - 8، 7، 5، 1

1 - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در «أولیس . . .» استفهام انکاری و تعجبی است.

7 - مشرکان و کافران در عصر بعثت _ علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها _ به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

8 - خداوندِ خالقِ آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحيى العظمى و هي رميم . . . أوليس الذى خلق السموت والأرض بقدر على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 1

1 - خدا ، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 5

ص: 320

5 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 1

1 - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذى خلق السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّه الذى خلق سبع سموات و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ها است .

الذی خلق سبع سموت

12- خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 18، 1

1 - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت والأرض

ص: 321

18 - چگونگی جهان آفرینش (پیوند و ارتباط اجزای آن با یکدیگر و هماهنگی و هدفداری آنها) حکایت از آفریننده ای واحد دارد .

إن فی خلق السموت و الأرض . . . لأیت لقوم یعقلون

از آنجا که آیه شریفه در مقام استدلال بر مسأله توحید است، به نظر می رسد: متعلق «یعقلون»؛ یعنی، آنچه محط اندیشه است، پیوند اجزای یک مجموعه از جهان با یکدیگر و ارتباط مجموعه ها با همدیگر و هدفداری آنهاست؛ زیرا پیوند، ارتباط و هدفداری جهان می تواند از خالق یگانه و مدبری واحد حکایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 6

6_ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1, 2, 7, 10, 13

1_ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . . . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

2_ الوهیت، مخصوص پروردگاری است که آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند است.

بدیع السموت و الأرض ائی یكون له ولد و لم تکن له صحبه . . . ذلکم الله

7_ آفریدگار همه هستی، تنها خدای شایسته پرستش است.

لا إله إلا هو خلق کل شیء فاعبدوه

10_ توحید در عبادت مهمترین وظیفه انسان در برابر پروردگار و خالق هستی است.

ذلکم الله ربکم . . . خلق کل شیء فاعبدوه

چون پس از بیان انحصار الوهیت در خداوند و بیان یکتایی او در خالقیت، امر به عبادت شده، چنین برمی آید که مهمترین وظیفه بنده در برابر خداوند عبادت و پرستش اوست.

13_ خداوند، ایجادکننده عالم و عهده دار امور همه موجودات هستی است.

خلق کل شیء فاعبدوه و هو علی کل شیء وکیل

مفاد جمله «و هو علی کل شیء وکیل»، پس از سخن از آفرینش، رد پندار کسانی است که در تدبیر عالم برای غیر خالق نقشی قائل باشند. به عبارت دیگر جمله اول توحید در خلق و جمله دوم توحید در امر را بیان می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 2

2_ تنها آفریدگار نظام هستی، شایسته ربوبیت و تدبیر امور انسانهاست.

إن ربكم الله الذی خلق السموت والأرض

ص: 322

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 14

14_ آنان که از طریق اندیشه در ملکوت آسمان ها و زمین (نیاز جهان هستی به مالک و هستی بخش) هدایت نشوند ، هیچ دلیلی دیگر نمی تواند آنان را هدایت کند .

فبأی حدیث بعده يؤمنون

توضیح برداشت پیش راهنمای این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 6 - 5

5_ خدا ، آفریننده تمامی پدیده های جهان هستی است .

و ما خلق الله فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 34 - 8

8_ قدرت پدید آوردن جهان و توانایی برپا کردن جهان آخرت ، در انحصار خداوند است .

قل هل من شركائکم . . . قل الله یبدؤا الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 7

7- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 1

1- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

5- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء . . . و جعلنا . . . و هو الذی خلق . . . کلّ فی فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر فائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 3,9

3- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

9- خالقیت خداوند نسبت به جهان ، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 3

3 - خداوند ، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کتابی و مجازی آن باشد؛ یعنی، نور وجود؛ چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 2

2 - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

يَبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 3

3 - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هـ_ذَا خَلَقَ اللَّهُ فَارُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

جمله «هـ_ذَا خَلَقَ اللَّهُ» اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبندگان و آب و گیاهان _ که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و

مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند _ دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 6 - 2

2 - خداوند خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . . . يَدَّبُّ الْأُمْرَ . . . ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهِدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 4

4 - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

ص: 324

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - 36 - 71 - 5

5- آفرینش، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد.

أولم يروا أننا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعمًا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (مما عملت أيدينا أنعمًا) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - 39 - 38 - 21

21 - تنها خالق جهان، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی است.

لئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنَّ الله... قل حسبي الله عليه يتوكلون

از ارتباط میان صدر آیه - که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است - با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 12

12 - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است.

بالذی خلق... ذلك ربّ العالَمین

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 11

11 - عبادت و پرستش، تنها شایسته آفریدگار جهان است؛ و نه در شأن مخلوقات او.

واسجدوا لله الذی خلقهنَّ إن كنتم إیّاه تعبدون

تقدیم «إیّاه» بر «تعبدون» علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 11

11 - خداوند ، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء إنَّأ و یهب لمن یشاء الذکور

با توجه به افعال مضارع («یخلق»، «یهب» و «یشاء») که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 3

3_ زیبایی ، شگفتی و ثمربخشی ، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

ص: 325

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مبـرگا ... والنخل باسقت لها طلع نصید . رزقال

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت وصفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها _ که تغذیه خلق باشد _ اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 3، 2

2 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا يعلم من خلق

3 - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنّ علیم بذات الصدور . ألا يعلم من خلق

عبارت «ألا يعلم من خلق» در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

13- خالق ابر های باران زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 12 - 4

4_ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پر باران

و ینشیء السحاب الثقال

«انشاء» (مصدر ینشیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. «سحاب» (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و «ثقال» نیز جمع ثقیل است.

14- خالق اسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 1

1- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم م خلقها لكم . . . و الخيل و البغال و الحمير

ص: 326

15- خالق استر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 1

1- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و الخيل و البغال و الحمير

16- خالق الاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 1

1- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

و الأنعم خلقها لكم . . . و الخيل و البغال و الحمير

17- خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 3,4

3 - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

4 - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به «خالقیت» - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 16

16 - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلى بارئكم . . . ذلكم خير لكم عند بارئكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1 _ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذي خلق . . . هو الذي خلقكم من طين

معرفه بودن مسنداليه «هو» و مسند «الذي» مفيد حصر است.

ص: 327

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 1

1 _ پدیدآورنده آدمیان، تنها خداوند است.

و هو الذی أنشأکم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 1

1 _ خداوند، خالق همه انسانهاست.

ولقد خلقنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 1

1 _ خداوند، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم اللّٰه الذی خلق السموت والأرض فی سته آیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 4 - 1

1- خداوند، خالق و آفریننده انسان است .

خلق الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 1

1- خداوند، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خلقنّه من قبل ولم یک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- خداوند ، خالق جهان طبيعت (آسمان ها ، زمين و انسان) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - حج - 22 - 66 - 1

1 - انسان ، آفريده خدا وزنده به اراده او است .

وهو الذي أحياكم

ص: 328

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 12 - 1

1 - خدا، خالق و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسان

«من» در «من سلاله» ابتدائیه و «سالله» به معنای «عصاره» است. «طین» به اجزائی از خاک که با آب در آمیخته باشد (گِل) گفته می شود. «من طین» متعلق به عامل مقدر و صفت برای «سالله» است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از «گِل» آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 6

6 - تدبیر حیات بشر، به دست آفریدگار او است و نه بت های ناتوان.

هل یسمعونکم... فإتھم عدوٌ لی... الذی خلقنی فهو یهدین

«فاء» تفریعیه در «فهو یهدین» می رساند که تدبیر و هدایت، مترتب بر خلقت است و کار تدبیر از آفرینش جدا نیست تا این که خدا خالق باشد؛ ولی تدبیر امور انسان ها به دست موجودات دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 79 - 1

1 - پروردگار جهانیان، خدایی است که پس از آفرینش بشر، او را از غذاها و نوشیدنی ها بهره مند ساخته است.

الذی خلقنی... و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 2

2 - خدای یگانه، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أمن یدو الخلق ثم یرعیده

مفسران برآنند که مراد از «إعاده» بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از «الخلق» آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 2

2 - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 3

ص: 329

3 - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صافات - 37 - 96 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

والله خلقکم و ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 12، 3

3 - خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إلا الذی فطرنی

12 - شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إلا الذی فطرنی فإنه سیهدین

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 1

1_ خداوند ، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسان و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 2 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 4,5,7

4 - خداوند ، انسان را تصویر کرد و به وی صورت انسانی بخشید .

و صورکم

5 - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

«صورت» عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

ص: 330

7 - آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموات و الأرض بالحقّ و صورکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 3,2

2 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا يعلم من خلق

3 - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است .

إنّ علیم بذات الصدور . ألا يعلم من خلق

عبارت «ألا يعلم من خلق» در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قل هو الذی ذرأکم

«ذرأ» به معنای خلق است؛ ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 7 - 2,1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

2 - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

عبارت «سَوَاك»؛ یعنی، تورا «سَوِيَّ» قرار داد. «سَوِيَّ» به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد.
(مفردات راغب)

18- خالق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 189 - 1

1 - خداوند ، آفریننده همه انسانهاست .

ص: 331

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 8

8_ خداوند ، آفریننده و خالق انسانهاست .

إن أجرى إلا على الذی فطرنی

«فطر» (مصدر فطرنی); یعنی ، آفریدن چیزی که سابقه وجودی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 12

12_ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

ترکیبهایی همانند «هو أنشأکم» و «أنا قمت» _ که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد _ گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام ، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 119 - 3

3_ خداوند ، آفریدگار و خالق انسانهاست .

ولذلک خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 1

1_ موجودیت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی «قائم بودن بر کسی» در اختیار داشتن شوون آن کس ، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف «باء» در «بما کسبت» به

معنای «مع» می باشد و مراد از «من هو...» خداوند متعال است. بنابراین مفاد «من هو قائم...» این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 8

8 - خداوند ، آفریننده و خالق انسان ها است .

الذی فطرنا

«فَطَّرَ» از ماده «فطره» به معنای ابتدا و اختراع است و «فطر الله الخلق»؛ یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 332

11 - حج - 22 - 5 - 3

3- خدا، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 1

1 - خداوند، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقِ ثُمَّ يَعِيْدُهُ

«ال» در «الخلق» عهد است و مراد از آن به قرینه «ترجعون» انسان هایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 1

1 - خدا، خالق و آفریننده انسان ها

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 1

1 - خداوند، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 9

9- خداوند، خالق و آفریننده انسان، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ

مراد از «أول مرّة» زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 3 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقناكم

ص: 333

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 39 - 2

2 - خداوند ، خالق انسان ها است .

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 14 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 4

4 - تنها خداوند ، خالق بشر است .

وَمِنْ خَلْقَتِ وَحِيدًا

در این برداشت، کلمه «وحدیداً» حال برای «تا» در «خلقت» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 9

9 - خداوند ، انسان را شنوا و بینا آفرید .

فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 28 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 1

1 - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

ص: 334

و خلقن_کم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 4

4 - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسان .. من أی شیء خلقه

فاعل «خلقه» خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسان فی کبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسان

حرف «ال» در «الإنسان»، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 2 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

خلق الإنسان

19- خالق انگور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان

ص: 335

و دام های آنان است .

مت_عَا لکم و لَأَنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

20- خالق باغ ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 2

2- خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرّم

لنخرج ... جنّات ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مت_عَا لکم و لَأَنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

21- خالق بذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مت_عَا لکم و لَأَنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت‌هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

ص: 336

22- خالق تاریکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 1

1_ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذي خلق السموت والأرض وجعل الظلمت والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1_ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذي خلق .. هو الذي خلقكم من طين

معرفه بودن مسندالیه «هو» و مسند «الذی» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 2

2 - خداوند، شب و تاریکی آن را پدید آورده است.

وجعلنا الليل لباسًا

23- خالق جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 7

7- ساحران مؤمن، معتقد به رسالت موسی (ع) از جانب خالق آنان

على ما جاءنا من البينات والذی فطرنا

24- خالق چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع والأبصار والأفئدة

ص: 337

25- خالق چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 1

1 - خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ... و من الأنعم حموله وفرشا

«فرشا» در قبال «حموله» قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانه‌ها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1 - خداوند، خالق و آفریننده انعام (گاو، شتر و گوسفند) است.

و الأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «انعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 42 - 1

1 - خداوند، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است.

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

26- خالق خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1 - تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است.

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته .. الذی خلقهنّ

ص: 338

27- خالق درخت آتش زا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 73 - 5

5 - بهره گیری مسافران و بیابان گردان ، از درخت آتش زنه برای روشن کردن آتش ، حکمت دیگر ایجاد آن از سوی خداوند

و متَّعَاَ لِلْمَقْوِينَ

«مقوین» مشتق از «قوايه» (زمین بی آب و گیاه، بیابان) است؛ یعنی، مسافران و بیابان گردان.

28- خالق درخت خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا . . . زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مَتَّعَاَ لَكُمْ وَلِأَنْعَمَ لَكُمْ

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

29- خالق درختان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 2

2 - خداوند ، به وجود آورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرم

لنخرج... جنّات ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 30 - 1

1 - درختان تنومند و ستبر بوستان ها ، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلباً

ص: 339

«عُلب» جمع «عُلباء» است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد «اغلب» و «غلباء» گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند؛ ولی این وصف _ به قرینه «أُنبتنا» در آیات پیشین _ ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

30- خالق روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 4

4- نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز، امری شگفت و دور از انتظار

ألم یروا أننا جعلنا الیل لیسکنوا فیه والنهار مبصرًا

تعبیر «ألم یروا..» لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8- عبادت و حاجت خواهی، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل _ که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود _ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9- خداوند، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءای_ته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

ص: 340

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین _ به قرینه آیات بعد _ آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

31- خالق زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 1

1 - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 1

1 _ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذی خلق السموت والأرض وجعل الظلمت والنور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1 _ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذی خلق .. هو الذی خلقکم من طین

معرفة بودن مسندالیه «هو» و مسند «الذی» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 5، 1

1 _ جز خداوند خالق آسمانها و زمین و روزی دهنده بی نیاز، کسی شایسته ولایت و سرپرستی نیست.

قل أغیر الله أتخذ ولیا فاطر السموت والأرض و هو یطعم و لا یطعم

5 _ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغير الله أتخذ وليا فاطر السموت والأرض

«فطر» به معنای ایجاد و اختراع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 1

1_ یگانه آفریدگار آسمانها و زمین خداوند است.

وهو الذى خلق السموت والأرض

ص: 341

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 3,4

3_ پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده های جهان.

لا أحب الأفلين .. إني وجهت وجهي للذي فطر السموت والأرض

4_ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 1,2

1_ خداوند پدیدآورنده آسمان و زمین بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

بدیع السموت والأرض

«بدیع» یعنی خالق و مبدع. معنی بدیع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

2_ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بدیع السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1

1_ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت .. ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 4

4_ خدا، آفریدگار آسمان ها و زمین است .

الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 1

1_ خداوند، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 342

12_ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: «یا فاطر السموت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 7

7- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أفی الله شكّ فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 32 - 1

1- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

الله الذی خلق السموت و الأرض و أنزل من السماء ماء

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی «الله» و «الذی خلق . . .»، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 1,8

1- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموت و الأرض

8- مشرکان صدراسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتی أمر الله . . . سبحنه و تعالی عما یشرکون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعالی

«تعالی عما یشرکون» مربوط به «بالحق» است و نه «خلق السماوات و . . .» بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهمات داشته اند.

1- قرآن، پیامی فرود آمده از سوی آفریدگار زمین و آسمان ها است .

تنزیلاً ممّن خلق الأرض والسموت

«تنزیلاً» مصدر به معنای اسم مفعول و حال برای «القرآن» _ در آیات قبل _ است.

2- خداوند، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خلق الأرض والسموت العلی

«علی» (جمع «علیاً») اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از آن مقام، به زمین نازل شده است.

4- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع، نشان اقتدار او بر فرستادن کتابی شایسته، برای تذکر و اندرز انسان

ها است .

تذکره.. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 3

3- خداوند ، خالق جهان طبیعت (آسمان ها ، زمین و انسان) است .

رَبِّكُمْ رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 1

1 _ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 1

1 - خدا ، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 61 - 1,2

1 - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

وَلَمَّا سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ

2- خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... لِيَقُولَنَّ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 2

2 - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 1

1 - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولنَّ الله

ص: 344

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 4

4 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

فاطر السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 81 - 8, 7, 5, 1

1 - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَاقٍ فِيهِمْ

5 - شگفت آور بودن انکار معاد و احیای مجدد انسان ها ، به قدرت خدای خالق آسمان ها و زمین

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَاقٍ فِيهِمْ

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام در «أُولَئِكَ...» استفهام انکاری و تعجیبی است.

7 - مشرکان و کافران در عصر بعثت _ علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها _ به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز

به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَاقٍ فِيهِمْ

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این

حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

8 - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا

است .

قال من يحي العظم و هي رميم . . . أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقـ در على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - ص - 38 - 27 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ، زمين و پديده های ميان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بـ طلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 5 - 1

1 - خدا ، آفريننده آسمان ها و زمين

خلق السموت و الأرض

ص: 345

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 5

5 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 10

10 - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذی خلق الأرض .. ذلك ربّ العالَمین «ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ر

«ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ربّ العالمین» مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 1

1 - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حدید - 57 - 4 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

اللّٰه الذی خلق سبع سموات و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 2

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

ص: 346

جعل لكم الأرض ذلولاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلك» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین _ به قرینه آیات بعد _ آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

متَّعَا لَكُمْ وَلَآنَعْمَكُم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

32- خالق زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 6

6 - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

33- خالق زیتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 347

1 - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

مت_عَا لکم ولأنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

34- خالق سبزیجات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - آب، زمین، دانه ها، انگور، سبزیجات، زیتون، نخل، بوستان، میوه و چراگاه، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است.

مت_عَا لکم ولأنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

35- خالق شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است.

و هو الذی خلق الّیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ آفرینش شب، همچون لباس و پوشش، تنها به قدرت خدا است.

و هو الذی جعل لکم الّیل لباساً

جمله «و هو الذی جعل لکم الّیل لباساً» برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 86 - 4

ص: 348

4 - نادیده گرفتن خدا در پدید آوردن نظام شب و روز ، امری شگفت و دور از انتظار

ألم يروا أننا جعلنا الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرًا

تعبیر «ألم يروا..» لحنی است آمیخته با شگفتی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 61 - 8

8 - عبادت و حاجت خواهی ، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

وقال ربكم ادعوني أستجب لكم .. الله الذي جعل لكم... النهار مبصرًا

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل _ که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود _ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءای-ته .. الذی خلقهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبا - 78 - 10 - 2

2 - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الليل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 30 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحیها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش

تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین _ به قرینه آیات بعد _ آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

36- خالق شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

ص: 349

1- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

والأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «انعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 3

3- شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات _ که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجّه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد _ بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

37- خالق طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إنّا جعلنا ما على الأرض زينة لها

38- خالق قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 10

10 - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع والأبصار والأفئدة

39- خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

ص: 350

«رواسی» (جمع «راسیه») به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی ش_مخ_ت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 2

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. . و الجبال أوتادًا

40- خالق گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

و الأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «أنعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

41- خالق گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

والأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «أنعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

ص: 351

42- خالق گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 10

10 - خداوند ، ایجاد کننده گوش و چشم و قلب در انسان است .

و جعل لكم السمع و الأبصار و الأفئدة

43- خالق گیاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3_ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من كل الثمرات جعل فيها زوجین اثنين

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

44- خالق ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 33 - 1

1- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند ، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من ءایته .. الذی خلقهنّ

45- خالق مراتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

ص: 352

مت_عَا لکم و لَأَنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

46- خالق مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 43 - 6

6 - معاد ، حضور موجودات در پیشگاه آفریننده مرگ و زندگی است .

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

47- خالق مصنوعات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

48- خالق معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 25

25_ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ . . . قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

از مصداقهای مورد نظر برای «شیء» معبودهای اهل شرک است.

49- خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10_ « عن ابى عبدالله (ع) فى قوله : « الحمد لله » قال : الشكر لله وفى قوله « رب العالمين » قال : خالق المخلوقين . . . ;

از امام صادق (ع) روايت شده كه فرمود: «الحمد لله» يعنى شكر مخصوص خداست و «رب العالمين» يعنى، آفريننده مخلوقات .

ص: 353

..«.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 7

7_ خداوند آفریننده همه موجودات است.

و خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 4

4_ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله .. خلق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 7

7_ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أولم ينظروا فی ملکوت .. ما خلق الله من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 24

24_ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خ_لق کل شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 19 - 10

10- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

ألم تر أن الله خلق السموت والأرض بالحقّ إن یثأ یذهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 5

5- خداوند ، پیوسته موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت والأرض ... خلق الإنسان ... والأنعم خلقها لكم ... وخلق ما لاتعلم

از اینکه «خلق» را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 354

1- خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض ... خلق الإنسان ... و الأنعم خلقها لكم ... و يخلق ما لا تعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مريم - 19 - 35 - 12

12- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ; نه رابطه پدر و فرزند .

ما كان لله أن يتخذ من ولد سبحانه .. يقول له كن فيكون

چنانچه پیدایش عیسی (ع) دلیل فرزندی او برای خداوند باشد _ آن گونه که باطل اندیشان می گویند _ تمامی موجودات را باید فرزند خدا دانست، زیرا خداوند همه موجودات _ از جمله عیسی (ع) _ را با فرمان «کن» ایجاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 3,4

3 - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

4 - خداوند به هر موجودی ، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او ، عطا کرده است .

الذی أعطى كلّ شيء خلقه

«خلق»، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 11

11 - خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 20 - 2

2 - پدید آورنده موجودات ، خداوند است .

بدأ الخلق

ص: 355

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 2

2 - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 62 - 1

1 - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

الله خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 62 - 3

3 - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 4

4 - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 1

1 - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذي خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای «خلق»، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

12 - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل «خلق»، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: «خلق» گرچه متعدی است؛ ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد، مفعول محذوف این فعل نیز «الإنسان» است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

ص: 356

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 2 - 1

1 - خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

50- خالق موجودات آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 2

2 - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم ، شایسته پرستش است ، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت .

يسجدون للشمس .. ألا يسجدوا لله الذي يخرج الخبء في السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خَبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «يخرج الخبء»؛ یعنی، «يخرج جميع الأشياء المستورة تحت استار العدم منها إلى الوجود».

51- خالق موجودات فضا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ، زمین و پدیده های میان آن دو است .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما ب_طلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 1

1 - خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذي خلق السموت و الأرض و ما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

ص: 357

52- خالق میوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3_ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنين

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مت_عَا لکم ولأنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

53- خالق نعمت های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه «جمیعاً» به معنای کل است و بدل برای «ما» ی موصوله می باشد.

54- خالق نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 1 - 1

1_ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت والأرض و جعل الظلمت و النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1_ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

ص: 358

الحمد لله الذى خلق .. هو الذى خلقكم من طين

معرفة بودن مسنداليه «هو» و مسند «الذى» مفيد حصر است.

55- ربوبیت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 28

28_ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأخذتم من دونه أولياء .. قل الله خ_لق كل شيء

56- سوگند به خالق آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 5 - 5

5 - سوگند خداوند به سازنده آسمان

و ما بنیها

چنانچه «ما» در «ما بناها» موصول باشد، مراد از آن خداوند خواهد بود. آوردن «ما» در این موارد_ با توجه به این که این کلمه بیش از «من» موصول، ابهام دارد_ بیانگر این است که حقیقت موضوع و عظمت آن، قابل تعریف نیست.

57- سوگند به خالق مذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - لیل - 92 - 3 - 2

2 - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه «ما» در «ما خلق»، می تواند موصول و به معنای «من» باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

58- سوگند به خالق مؤنث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 359

2 - سوگند خداوند ، به آفریننده جنس نر و ماده

و ما خلق الذکر و الأُنثی

کلمه «ما» در «ما خلق»، می تواند موصول و به معنای «من» باشد. در این صورت مراد از آن، ذات باری تعالی خواهد بود. این کلمه به دلیل ابهام بیشتری که در مفاد آن هست، عظمت مصداق خود را بیشتر مجسم می کند؛ زیرا دلالت دارد که آن مصداق، غیر قابل تعریف است.

59- شرایط خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 2

2_ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

60- علم غیب خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 16 - 2

2_ لازمه خالقیت ، آگاهی به اسرار و نهفته های وجود مخلوق

و لقد خلقنا .. و نعلم ما توسوس به نفسه

از این که خداوند، نخست مسأله خلقت را مطرح کرده و سپس علم خویش به اسرار آدمیان را بیان داشته، تلازم یاد شده استفاده می شود.

61- غفلت از بی نظیری خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 8

8- بی توجهی به غیر قابل قیاس بودن خالق با غیر خالق ، مذموم و ناپسند است .

أفمن يخلق كمن لا يخلق أفلاتذكّرون

ص: 360

62- فرعون و خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 7

7- فرعون و فرعونیان، به تغایر بین خالق جهان و ربّ موجودات، معتقد بودند.

من ربّکما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربّکما)، موسی(ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

63- فرعونیان و خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 7

7- فرعون و فرعونیان، به تغایر بین خالق جهان و ربّ موجودات، معتقد بودند.

من ربّکما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

در پاسخ به یک سؤال، سعی می شود از یک مقدمه معلوم، برای معرفی مجهول استفاده شود. در جواب پرسش فرعون (من ربّکما)، موسی(ع) نیز از یک مقدمه معلوم استفاده کرده که توصیف خداوند به خالقیت است، زیرا فرعون و پیروانش، به خالقیت خداوند معتقد بودند، و تنها ربوبیت، محور تفاوت و اختلاف آنان بوده است.

64- مدح خالق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 44 - 8

8- وجود تمامی موجودات هستی، خود تمجید و ستایش آفریدگارشان است.

وإن من شیء إلاّ یسبح بحمده

حمد و تسبیح موجودات برای خداوند تسبیح به زبان حال است. یعنی با هستی خود ثناگوی اند. به عبارت دیگر، اضافه «تسبیح» به موجودات، اضافه مجازی است نه حقیقی.

65- معبودیت خالق

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

ص: 361

11 - عبادت و پرستش ، تنها شایسته آفریدگار جهان است ؛ و نه در شأن مخلوقات او .

و اسجدوا لله الذی خلقهنّ إن كنتم إیّاه تعبدون

تقدیم «ایّاه» بر «تعبدون» علاوه بر رعایت فاصله آیات، می تواند برای حصر نیز باشد.

66- نقش خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 51 - 4

4- آفریننده هر چیز ، تواناترین و شایسته ترین فرد برای اداره و تدبیر آن است .

أفتتخدونه و ذرّیّته أولیاء من دونی . . . ما أشهدتّهم خلق السموت والأرض ولا خلق أ

خداوند، برای رد صلاحیت شیاطین در ولیّ بودن، به نقش نداشتن آنان در آفرینش استناد و در نقطه مقابل، بر ولیّ مطلق بودن خود با توجه به این که خود، آفریننده تمامی هستی است، تصریح کرده است. توجه به این نکات، رساننده برداشت یاد شده است.

67- نقش خالق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 8

8- حقیقت قادری که بار نخست انسان را آفرید ، قادر و توانا بر آفرینش مجدد اوست .

من یعیدنا قل الذی فطرکم أول مرّه

68- نیاز به خالق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 29 - 2

2 - خلق در بقای خویش همانند اصل پیدایش ، همواره نیازمند و متکی به خالق خویش

یسـله من فی السموت والأرض

فعل مضارع «یستله»، می نمایاند که خلق پس از تکوّن، بی نیاز از خالق نمی باشند؛ بلکه همچنان در تمنای کسب فیض از مبدأ فیاض اند.

ص: 362

69- ولایت خالق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 16

16_ آفریننده هستی تنها حقیقت شایسته و توانمند برای سرپرستی و ولایت بر آدمیان

فاطر السموت و الأرض أنت ولیّ فی الدنيا و الآخره

یوسف(ع) پس از توصیف خداوند به پدید آورنده آسمانها و زمین (هستی) او را ولیّ خویش می خواند تا به این حقیقت اشاره کند که: چون خدا خالق هستی است ، ولیّ و سرپرست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 28

28_ ربوبیت و ولایت تنها برازنده خالق هستی است .

أفأنتخذتم من دونه أولیاء .. قل الله خ_لق كل شیء

ص: 363

1- آثار ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 3

3 - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند ، متقاضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت والأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتم اطاعت او است.

2- آثار توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 8

8- توحید در ربوبیت ، لازمه توحید در خالقیت است .

بل ربکم .. الذی فطرهنّ

آیه شریفه، برای اثبات توحید خداوند در ربوبیت، او را به صفت خالق جهان بودن توصیف کرده است. این توصیف بیانگر این است که میان توحید در ربوبیت و توحید در خالقیت، پیوند ناگسستنی وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 70 - 5

5- انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربک یخلق ما یشاء ویختار .. یعلم ... وهو الله لا إله إلا هو له الحمد فی ا

از ارتباط میان آیات گذشته _ که بیانگر اوصاف خداوند بود _ و این آیه برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا ذکر انحصار ستایش ها به خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 10

10 - توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی و انجام هر کاری و انحصار خالقیت و رازقیت به او، نشانه یکتایی خدا و انحصار الوهیت به او است .

يزيد في الخلق ما يشاء إنّ الله على كلّ شيء قدير. .. لا إله إلاّ هو

جمله «لا-إله إلاّ-هو» به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است. گفتنی است که محور آن، مسأله خالقیت و قدرت مطلق خداوند می باشد.

3- آثار خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 4

4 - خالقیت و هدایت گری خدا، جلوه دوستی و مهر و محبت او به خلق

فإتّهم عدوّ لى إلاّ ربّ العـلمین . الذی خلقنى فهو یهدین

جمله «الذی خلقنى. ..» تعلیل بر آیه پیش و دلیل برای دوست بودن خدا برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 3

3 - آفریدگاری خداوند، مستلزم مالکیت او بر آفریده های خویش است .

من خلق السموت والأرض لیقولنّ الله . . . لله ما فی السموت والأرض

«لله ما فی. . .» به منزله نتیجه آیه قبل است و به خاطر روشن بودن اش، از حرف عطف استفاده نشده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 3,7

3 - خالقیت خدا، مقتضای عبادت کردن مخلوقات است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله «فطرنی» در مقام بیان تعلیل برای جمله پیشین است.

7 - معاد و بازگشت به سوی خدا، لازمه خالقیت خدا نسبت به انسان ها است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی و إلیه ترجعون

ذکر خالقیت خدا نسبت به انسان ها در آغاز آیه و بیان معاد آنان پس از آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

ص: 365

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 10

10 - آفرینش انبوه پدیده های جهان و آگاهی همه جانبه از احوال آنها ، دلیل و شاهد توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها در روز قیامت

أولیس الذی خلق السموت والأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم بلی و هو الخلق العلیم

یادآوری آفرینش و علم گسترده خداوند، در پایان آیه و در شرایطی که آیه شریفه در مقام بیان توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها است؛ می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 21

21 - تنها خالق جهان ، شایسته توکل و اتکا کردن بر او در عرصه های زندگی است .

لئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولنَّ الله . . . قل حسبی الله علیه یتوکل ا

از ارتباط میان صدر آیه _ که در آن از خالقیت خدا سخن رفته است _ با ذیل آن، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 5،6

5 - خداوند ، به دلیل خالقیت و آفرینندگی اش ، شایسته عبادت و پرستش است .

إننی براء ممّا تعبدون . إلا الذی فطرنی

6 - هدایت انسان ها ، از شؤون خالقیت خداوند است .

الذی فطرنی فإِنَّه سیهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 4

4- آفرینش توانمندانه آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، دلیل قدرت او بر تجدید حیات مردگان

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ . . . وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُ بَقِيَّةُ الْعَالَمِينَ وَكَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَافِظًا

4- آثار ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 3 - 22

22_ توجه به خالقیت ، حاکمیت ، ربوبیت و مدبر بودن خدا ، زمینه پیدایش روح بندگی و پرستش

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ . . . ثُمَّ اسْتَوَى . . . يَدْبِرُ الْأَمْرَ . . . اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

از حرف «فاء» در «فاعبدوه» که فاء تقریعیه است و دلالت می کند بر اینکه ما بعد فاء، برگرفته از ما قبل می باشد، برداشت فوق به دست می آید.

ص: 366

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 7

7 - توجه انسان به عامل پدیدآورنده (خالق) و تنظیم کننده نظام حیات او (هادی)، نخستین گام عقلانی و فطری در جهت خداشناسی

الذی خلقنی فهو یهدین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که حضرت ابراهیم(ع) در معرفی پروردگار جهانیان برای بت پرستان، نخست به خالقیت خدا و سپس به هدایت گری او در تنظیم نظام حیات بشری، اشاره کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 184 - 2

2 - توجه به مقام والای آفریدگار، زمینه ساز تقوایبشگی و پرهیز از مخالفت با او

واتقوا الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 3

3 - توجه و ایمان به آفرینش هستی به وسیله خداوند، متقاضی گردن نهادن به دستورات او

أم خلقوا السموت والأرض

خداوند، برای به اطاعت واداشتن کافران، آنان را به خالقیت خویش تذکر داده است؛ زیرا پذیرش خالقیت خداوند، مسلتم اطاعت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 5

5 - توجه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفره . من أي شئ خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر _ در آیه قبل _ کفران نعمت دانسته شده است.

5- آثار عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 4

4- اعتقاد به یگانگی خالق ، مستلزم اعتقاد به یگانگی معبود و « ربّ »

یدعون من دونه . . . و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنّ الله فأتى يؤفكون

مشرکان در ربوبیت الهی، قائل به شرک بودند و خداوند برای تبیین بطلان اعتقاد آنان، به ایشان یادآور شده که شما معتقد به

ص: 367

یگانگی خالق هستید و پذیرش شرک در ربوبیت، با آن تناقض دارد.

6- آثار عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 17

17 - اعتقاد به رازقیت، حاکمیت، حیات بخشی و تدبیر مطلق خدا نسبت به امور جهان، مقتضی تقواییست.

قل من یرزقکم .. فسیقولون اللّٰه فقل أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 2,4

2 - اعتقاد به خالقیت خداوند، ناسازگار با تکذیب معاد

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

آیه شریفه در صدد اثبات معاد است. به این صورت که اگر قبول دارید که ما شما را آفریده ایم، پس باید بپذیرید که می توانیم بار دیگر پس از مرگ شما را زنده کنیم. بنابراین راهی برای تکذیب رستاخیز - که پیامبران ما از آن خبر داده اند - ندارید.

4 - انکار معاد، به رغم اعتقاد به خالقیت خداوند، موضع گیری نابخردانه و شایسته سرزنش

نحن خلقنکم فلولا تصدّقون

سرزنش در آیه شریفه، متوجه کسانی است که با وجود اعتقاد به خالقیت خداوند، در برابر موضوع معاد موضع گیری ناباورانه داشتند.

7- آثار قدرت در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 79 - 3

3 - توانایی بر آفرینش هر چیزی، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است.

قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

8- اقرار به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 368

8- فرعون و پیروان او، به خدای آفریننده هستی معترف بودند و ربوبیت او را انکار می کردند .

من ربّكما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

9- الوهیت و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 3

3- الوهیت و خالقیت (خداوندگاری و آفریدگاری) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إذا لذهب کلّ إلّٰه بما خلق

قید «بما خلق» بیانگر این حقیقت است که خداوندگاری، فرع بر آفریدگاری است؛ یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

10- اهمیت خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 29 - 1

1 - نیاز خواهی پیوسته خلاق، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلال و الإکرام .. یسـله من فی السموت و الأرض

11- ایمان به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 6

6- باور به خالقیت و ربوبیت خدا، عامل گرایش انسان به بندگی اوست .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11_ باور به خالقیت خداوند، مانع عصیان و تمرد نخواهد شد.

ما منعك ألا تسجد إذ أمرتك .. خلقتني من نار و خلقته من طين

ص: 369

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 21

21_ باور به انحصار خالقیت به خداوند ، وادار کننده انسان به پرستش او و پرهیز از شرک و دوری از گناه و استغفار از گناهان گذشته است

هو أنشأكم من الأرض .. فاستغفروه

برداشت فوق، از حرف «فاء» که جمله «استغفروه ..» را بر «هو أنشأكم ...» تفریع کرده است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 5

5 - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سَّح اسم .. الذی خلق فسوی

12- بداهت خالقیت در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 4

4- خالق بودن و مخلوق نبودن برای الوهیت ، از بدیهیات عقلی است .

و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئاً و هم یخلقون

از اینکه در رد الوهیت معبودهای مشرکان، تنها به یادآوری این نکته که آنان توان آفرینشگری ندارند و خود مخلوقند، پرداخته و استدلال نکرده است، حکایت از نکته یاد شده می کند.

13- تداوم خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 5

5- خداوند ، پیوسته موجوداتی را پدید می آورد که انسان ها به آنها آگاهی ندارند .

خلق السموت و الأرض .. خلق الإنسان .. و الأنعم خلقها لكم ... و یخلق ما لاتعلم

از اینکه «خلق» را در فرازهای قبلی به صورت ماضی و در عبارت اخیر به صورت مضارع به کار برده است، مطلب فوق برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 370

8- خلق و آفرینش گری خداوند ، مستمر بوده و همه موجودات را به یک باره خلق نکرده است .

إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن فيكون

«إذا» برای ظرف زمان مستقبل است و بر وقوع متعلق امر «کن» در آینده دلالت دارد، و نیز فعل «نقول» و «فیکون» به جای «قلنا» و «کان» حاکی است که آفرینش گری خداوند در گذشته و به یک باره انجام نگرفته است؛ بلکه امری ادامه دار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 11

11 - خداوند ، همواره در حال آفرینش و فیض مداوم در پهنه هستی است .

يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء إنَّاءً و يهب لمن يشاء الذكور

با توجه به افعال مضارع («يخلق»، «يهب» و «يشاء») که بیانگر تجدد و تکرار فعل است، می توان برداشت بالا را استفاده نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 29 - 7

7 - آفرینش مستمر الهی در هستی ، آفرینشی همواره بدیع و جدید

كل يوم هو في شأن

14- تفکر در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 22 - 8

8 - خداوند ، به وجود آورنده روزی و فراهم آورنده اسباب معیشت برای انسانهاست .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لكم

15- توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک در عقیده و عمل

و جعلنا الیل والنهار ... و کلّ إنس-ن ألزمن-ه ط-ئه ... لاتجعل مع الله إل-هًا

برداشت یاد شده با عنایت به دو نکته است: 1- جمله «لاتجعل مع الله إل-هًا . . .» به منزله نتیجه برای آیات پیشین است و با پیام های

اصلی آن آیات _ که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود _ مرتبط است. 2- اطلاق واژه «لاتجعل» که

ص: 371

شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - کهف - 18 - 51 - 6

6- خداوند، در خلق و نیز تدبیر و مدیریت جهان، یگانه است و شریکی ندارد.

أَفْتَتَخَذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي . . . مَا أَشْهَدُ تَّهُمَ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

با استفاده از ارتباط دو آیه، تعبیر «أولياء من دونی» اشاره به توحید در تدبیر و ولایت دارد و ضمیر مفرد متکلم در «ما أشهدتهم» توحید در آفرینش را تبیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 12

12_ تنها خداوند، ایجاد کننده و آفریننده انسان است.

هو أنشأكم من الأرض

ترکیبهایی همانند «هو أنشأكم» و «أنا قمت» _ که مبتدا در معنا، فاعل است و خبر آن فعل می باشد _ گاهی حاکی از تأکید است و گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 20، 21، 24

20_ خداوند در آفریدن موجودات هیچ شریکی ندارد.

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

21_ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد.

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

24_ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست.

قل الله خ_لق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 1

1- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربك هو الخلق العليم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل «هو» دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 5

5- خداوند ، برتر و فراتر از آن است که بتوان برای او شریکی در آفرینش تصور کرد .

خلق السموت والأرض بالحق تعالی عما يشركون

ص: 372

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- نحل - 16 - 7 - 11

11- آفرینش موجودات و تأمین نیازمندی های جسمی و روحی آنان ، دلیل بر توحید ربوبی و خالقیت خداوند است .

خلق السموت ... تعلى عما يشركون ... خلق الإنسـن ... والأنعـم خلقها لكم ... إن

آوردن کلمه «ربّ» بعد از بیان آفرینش آسمانها و زمین و آفرینش انسان و حیوانات از سوی خداوند، بیانگر توحید ربوبی است؛ کما اینکه اسناد آفرینش همه موجودات به خود بیان توحید در خالقیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 3

3 - آفریننده همه موجودات و هدایتگر آنها در مسیر خویش ، خداوند است .

أعطى كلّ شيء خلقه ثمّ هدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبياء - 21 - 33 - 5، 1

1- تنها خداوند ، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذى خلق الليل والنهار والشمس والقمر

5- آفرینش و تدبیر جهان از جانب خداوند ، دو اصل تفکیک ناپذیر در جهان بینی توحیدی است .

و ما خلقنا السماء ... و جعلنا ... و هو الذى خلق ... كلّ فى فلک یسبحون

سیاق آیات در مقام ردّ اندیشه مشرکان است که برای خداوند مقام خالقیت، و برای خدایان خویش مقام تدبیر قائل بودند و خداوند در آیات پیشین مقام تدبیر و در این آیه مقام آفرینش را به خود نسبت داده و جدایی آن دو مقام را مردود دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 8

8 - خدا ، آفریدگار بی همتا و پروردگار یگانه سراسر هستی است .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذَبَابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 60 - 1

1 - خدا، آفریدگار یگانه آسمان ها و زمین

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 2

2 - خدای یگانه، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

ص: 373

أَمَّنْ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

مفسران برآنند که مراد از «إعادة» بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از «الخلق» آفرینش انسان خواهد بود؛ یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 3

3 - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 3

3 - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هـ_ذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جمله «هـ_ذا خلق الله» اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبندگان و آب و گیاهان _ که در آیه قبل، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند _ دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 14

14 - ستایش غیرخدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

متعلق «لا يعلمون» حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که «ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است. » و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 9

9- هیچ کس در خالقیت و مالکیت، و در نتیجه، مدیریت خداوند بر عالم، شریک او نیست.*

من خلق السموت والأرض .. لله ما فى السموت والأرض إن الله هو الغنى

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او بر پدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 8

8 - خلق و تدبیر جهان، نشأت یافته از مبدأ واحد است.

الله الذی خلق .. ثم استوی علی العرش

ص: 374

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 4,6

4 - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خـلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

6 - به یاد آوردن نعمت های خداوند ، موجب درک یگانگی خالقیت و رازقیت و اعتراف به آن است .

اذکروا نعمت الله علیکم هل من خـلق غیر الله یرزقکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، پیش از طرح مسأله خالقیت و رازقیت انحصاری خداوند، به یاد آوردن نعمت های الهی را توصیه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 71 - 5

5 - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمـمّا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (أنا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعماماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 62 - 1

1 - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

الله خـلق کلّ شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 62 - 3

3 - خداوند ، خالق همه چیز است .

خـلق كلّ شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 10

10 - تنها آفریننده زمین ، پروردگار و مدبر عالم هستی است .

لتكفرون بالذی خلق الأرض .. ذلك ربّ العـلمین «ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ر

«ذلك» به قرینه مقام خبر مقدم و «ربّ العالمین» مبتدای مؤخر است و تقدیم خبر بر مبتدا مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 12

ص: 375

12 - توحید در خالقیت ، زمینه ساز توحید در عبودیت

و اسجدوا لله الذی خلقهنّ إن كنتم إیاه تعبدون

آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که در پرتو تصحیح مبانی اندیشه ای، می توان بر گرایش های وجودی تأثیر گذاشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 9 - 4,5

4 - مشرکان مکه ، گرفتار شرک در زمینه هایی غیر از زمینه خالقیت خداوند

و لئن سألتهم من خلق

5 - اصل توحید و یگانگی آفریدگار هستی ، امری بدیهی و مورد پذیرش فطرت تمامی آدمیان

لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

از اعتراف مشرکان به یگانگی آفریدگار جهان هستی، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 45 - 3

3 - زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمینه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

و أنّه خلق الزوجین الذکر و الأُنثی

از این که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق را در این زمینه یادآوری نموده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 59 - 2

2 - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 72 - 2

2 - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به «ال» «المنشون» مفید حصر است.

16- خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - حمد - 1 - 2 - 10

ص: 376

10_ « عن ابی عبدالله (ع) فی قوله: « الحمد لله » قال: الشکر لله وفی قوله « رب العالمین » قال: خالق المخلوقین . . . » ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: « الحمد لله » یعنی شکر مخصوص خداست و « رب العالمین » یعنی، آفریننده مخلوقات . . .».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 3

3 - خداوند ، آفریننده همه انسان های موجود و پیشینیان آنان است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 29 - 2،6،1

1 - خداوند ، آفریننده همه موهبت های موجود در زمین است .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

کلمه «جمیعاً» به معنای کل است و بدل برای «ما» ی موصوله می باشد.

2 - خداوند ، مواهب زمین را برای انسان ها و در راستای منافع آنان آفرید .

هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق با استفاده از لام انتفاع در «لکم» به دست آمده است.

6 - خداوند در پی آفرینش مواهب زمین ، به معتدل ساختن آسمان پرداخت .

ثم استوی إلى السماء فسوینها

«إستواء» (مصدر استوی) آن گاه که به «الی» متعدی شود، به معنای: روی آوردن و قصد کردن، است. جمله «فسوینها» (آسمانها را معتدل ساخت) هدف روی آوردن را بیان می کند؛ یعنی: «استوی الی السماء لتسویتهن؛ خداوند به آسمانها روی کرد (اراده کرد) تا آنها را به اعتدال رساند».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 30 - 1

1 - خداوند بعد از آفرینش آسمان ها و مواهب زمین ، به خلقت انسان پرداخت ، تا او را به منصب خلافت برساند .

خلق لكم ما فى الأرض . . . و اذ قال ربك للملائكة ائني جاعل فى الأرض خليفة

با توجه به آیه 34 از همین سوره و آیات دیگری که درباره خلقت آدم (ع) است، می توان گفت: سخن خداوند با فرشتگان درباره آدم، قبل از خلقت وی بوده است. بنابراین «ائني جاعل فى الأرض خليفة» علاوه بر بیان خلافت آدم(ع) دلالت بر آفرینش او نیز دارد؛ یعنی: می خواهم [موجودی] بیافرینم و او را خلیفه قرار دهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 16

16 - خداوند ، آفریننده انسانهاست .

فتوبوا إلى بارئکم . . . ذلکم خیر لکم عند بارئکم

ص: 377

6 - خداوند ، بر پدیدآوردن هر آنچه که بخواهد و هر آنچه تقدیر کرده ، تواناست .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

7 - آفریش هر موجود در گرو تقدیر خدا و فرمان او به تحقق آن است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

8 - فرمان خدا بر پدید آمدن هر چیز ، کافی در تحقق یافتن آن است .

فإنما یقول له کن فیکون

حصر در جمله «إنما یقول . . .» گویای برداشت فوق است.

9 - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن فیکون

10 - اقتدار خداوند بر ایجاد « هر آنچه که اراده کند » ، دلیل بر منزه بودنش از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن است .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . و إذا قضی أمراً فإنما یقول له کن

برداشت فوق بر این اساس است که: جمله «و إذا قضی أمراً . . .» نیز، همانند فرازهای قبل، دلیل و برهان برای تنزیه خدا از داشتن فرزند باشد.

11 - سدیر صیرفی می گوید: شنیدم حمران بن اعین از امام باقر (ع) از سخن خداوند « بدیع السماوات و الأرض » سؤال نمود ، امام فرمودند: « ان الله ابتدع الاشياء بعلمه کلها علی غیر مثال کان قبله فابتدع السماوات و الأرضین و لم یکن قبلهن سماوات و لأرضون . . . »

خداوند، تمام اشیا را با علم خود آفرید، بدون اینکه سابقاً مشابهی داشته باشند و آسمانها و زمینها را آفرید در حالی که قبل از آن آسمانها و زمینهایی نبود . . .».

12 - صفوان بن یحیی می گوید از امام رضا (ع) از اراده خدا سؤال کردم ، امام فرمود: « . . . فإرادة الله الفعل لا غیر ذلک ، یقول له : « کن فیکون » بلا لفظ و لانتطق بلسان و لاهمه و لاتفکر و لاکیف لذلک كما انه لاکیف له ;

. . . اراده خدا عین فعل اوست نه چیز دیگر و هنگامی که خدا فرمان وجود چیزی را صادر کند، به او می گوید «موجود باش» و به دنبال

این فرمان آن چیز موجود می شود بدون آنکه لفظی و گفتاری یا قصد و فکری از او صادر شود و اراده خدا از مقوله کیف نیست، همان طور که خداوند دارای کیفیت نیست».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 164 - 13، 1

1 - آسمان ها و زمین (هستی) آفریده های خداوند یکتاست .

إن فی خلق السموت والأرض

13 - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحیا به الأرض . . . و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 378

8_ خداوند ، آفریننده هر چیزی است که در رحم به وجود می آید . (خون ، جنین و . . .)

ما خلق الله في ارحامهنّ

با توجه به لفظ «ما» که خود، جنین و . . . را شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - آل عمران - 3 - 59 - 7

7_ قول و فرمان خداوند ، عین ایجاد اوست .

ثم قال له كن فيكون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 1 - 4,6,7

4_ خداوند ، آفریننده انسان ها از شخص واحد (آدم)

ربکم الذی خلقکم من نفس واحده

6_ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) ، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که «من» نشوئیه باشد ؛ یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود: «من نفس» و فرمود: «من نفسین» این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... و خلق حوّا من آدم ...

کافی، ج 5، ص 337، ح 4؛ نورالثقلین، ج 1، ص 434، ح 16.

7_ خداوند ، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که درباره خلقت حوّا فرمود: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبَضَ قَبْضَهُ مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِيَمِينِهِ . . . فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَ فَضَلَتْ فَضْلَهُ مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوًّا**.

تفسیر عیاشی، ج 1، ص 216، ح 7؛ نورالثقلین، ج 1، ص 429، ح 6.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مانده - 5 - 17 - 24,26

24_ خداوند ، آنچه را بخواهد می آفریند .

یخلق ما یشاء

26_ خالقیت مطلق الهی ، اساس مالکیت مطلق اوست .

لله ملك السموت و . . . یخلق ما یشاء

بنابر اینکه «یخلق ما یشاء» تعلیل برای «لله ملك السموت» باشد.

ص: 379

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 1

1_ تنها خداوند پدیدآورنده آسمانها و زمین و برقرار کننده نور و ظلمت، آفریدگار آدمی است.

الحمد لله الذي خلق .. هو الذي خلقكم من طين

معرفه بودن مسنداليه «هو» و مسند «الذي» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 3 - 10

10_ چون خداوند خالق است، بر مخلوق خویش آگاهی کامل دارد.

هو الذي خلقكم من طين .. يعلم سرکم و جهرکم و يعلم ما تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 12 - 8

8_ آفرینش هستی و دیگر افعال خداوند بر پایه رحمت جهانشمول اوست.

لمن ما في السموت .. كتب على نفسه الرحمة

چون خداوند رحمت را بر خود واجب کرده، هر کاری از او صادر گردد جز رحمت نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 14 - 12، 5

5_ خداوند ابداع کننده آسمانها و زمین، بدون الگو و نمونه قبلی

قل أغیر الله أتخذ وليا فاطر السموت و الأرض

«فطر» به معنای ایجاد و اختراع است.

12_ پذیرش ولایت خالق روزی دهنده بی نیاز، حکم فطرت و عقل است.

قل أغیر الله أتخذ وليا فاطر السموت و الأرض و هو يطعم و لا يطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 73 - 3

3_ خداوند آسمانهای متعددی در این جهان آفریده است.

خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 79 - 4

4_ خداوند یگانه، پدیدآورنده آسمانها و زمین است.

فطر السموت والأرض

ص: 380

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 95 - 5

5_ خداوند از نهاد موجودات جاندار، موجوداتی بی جان و فاقد حیات پدید می آورد.

إن الله... و مخرج الميت من الحي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 98 - 1,2

1_ پدیدآورنده آدمیان، تنها خداوند است.

و هو الذی أنشأكم من نفس وحده

2_ خداوند تمامی آدمیان و نژادها و تیره های مختلف آن را از یک شخص (آدم) آفریده است.

و هو الذی أنشأكم من نفس وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 100 - 3

3_ جنیان (نیروها و موجودات پنهان) مخلوق خداوند هستند.

و جعلوا لله شركاء الجن و خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 101 - 2,6,7,11

2_ خداوند ایجادکننده آسمانها و زمین از کتم عدم است.

بديع السموت و الأرض

6_ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلى عما یصفون. بديع السموت و الأرض

7_ خداوند آفریننده همه موجودات است.

11 _ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . . . و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 102 - 1،4،8

1 _ تنها خدای مبدع آسمانها و زمین و آفریننده هستی و بی نیاز از شریک و فرزند، شایسته پروردگاری آدمیان است.

بدیع السموت . . . ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو

در آیه گذشته، صفات متعددی برای خداوند ذکر گردید و «ذلکم» در این آیه اشاره به خداوند، با تمامی صفات مذکور در آیه پیشین، است.

4 _ خداوند آفریدگار هر موجودی است.

ذلکم الله ... خلق کل شیء

8_ توجه به انحصار ربوبیت و خالقیت خداوند برانگیزنده آدمی به پرستش اوست.

ذلکم الله ربکم لا إله إلا هو خلق کل شیء فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 141 - 6, 2, 1

1_ پدید آورنده باغهایی که برخی (چون تاک) برافراشته بر پایه ها (داربست) و برخی ایستاده بر ساق و یا نشسته بر زمینند، خداوند است.

و هو الذی أنشأ جنت معروثت و غیر معروثت

«عرش» به معنای سقف است و «جنت معروثات» باغهایی است که با داربست و مانند آن سقفی برای درختان انگور فراهم می آورند. در لسان العرب آمده است: «المعروثات، الکروم و العرش ما عرشته به».

2_ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذی أنشأ جنت ... و النخل و الزرع

6_ خداوند، پدید آورنده درختان همگون و ناهمگون زیتون و انار است.

و هو الذی أنشأ ... و الزیتون و الرمان متشبهها و غیر متشبهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 142 - 1

1_ خداوند، آفریننده برخی از چهارپایان برای بارکشی و برخی برای خوراک و پوشاک است.

و هو الذی أنشأ ... و من الأنعم حموله و فرشا

«فرشا» در قبال «حموله» قرار گرفته که بیانگر گروه دیگری از چهارپایان است. یعنی حیواناتی که از پوست آنها می توان به عنوان فرش استفاده کرد یا به جهت کوچکی جثه و نزدیک بودن به زمین بدانهها فرش اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 143 - 1

1_ خداوند، آفریننده هشت نر و ماده از گوسفند و بز و شتر و گاو برای بهره برداری آدمیان

ثمنیه ازوج من الضان اثنين

«ثمانیه ازواج» می تواند بدل برای «حموله و فرشا» باشد که خود مفعول «أنشأ» می باشند. در این صورت معنای آیه چنین می شود: «أنشأ من الأنعام ثمانیه أزواج».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 144 - 1

1_ خداوند شتر و گاو نر و ماده را برای بهره برداری انسان آفریده است.

وهو الذى أنشأ .. و من الإبل اثنين و من البقر اثنين قلء الذکرین حرم

ص: 382

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 11 - 3, 1

1 _ خداوند، خالق همه انسانهاست.

و لقد خلقنکم

3 _ خداوند، مبدأ و منشأ انسانها (آدم) را آفرید و سپس به او صورت انسانی عطا کرد.

و لقد خلقنکم ثم صورنکم ثم قلنا للملئکه اسجدوا لآدم

«خلقناکم» (شما را در گذشته آفریدیم)، خطاب به همه انسانهاست و چون همه انسانها پیش از فرمان سجده بر آدم آفریده نشده بودند، معلوم می شود آن جمله ناظر به آفرینش چیزی است که می توانسته مبدأ همگان باشد و به همین لحاظ آفرینش او آفرینش همه انسانها شمرده شده است فراز بعد (ثم قلنا ..) می رساند که آن چیز همان شد که به «آدم ابوالبشر» معروف است. قابل ذکر است که دلالت آیه بر این که خود آن مبدأ یاد شده آدم (ع) شده باشد به صورت احتمال مطرح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 12 - 10

10 _ ابلیس معتقد به خداوند و خالقیت او

خلقتنی من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - اعراف - 7 - 32 - 1

1 _ خداوند، پدیدآورنده زینتها و روزیهای پاکیزه

زینة الله التي أخرج لعباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 54 - 1

1 _ خداوند، آفریدگار آسمان ها و زمین و پروردگار راستین انسانهاست .

إن ربکم الله الذی خلق السموت والأرض فی ستة أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 179 - 2

2_ خداوند بسیاری از انسان ها و جنیان را برای ورود به دوزخ آفرید .

و لقد ذرأنا لجهنم كثيراً من الجن و الإنس

«ذراً» (مصدر ذرأنا) به معنای آفریدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

6 - اعراف - 7 - 185 - 7

7_ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

ص: 383

أولم ينظروا في ملكوت .. ما خلق الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

6 - اعراف - 7 - 189 - 1

1 - خداوند ، آفريننده همه انسانهاست .

هو الذي خلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 3 - 19، 4

4 - خدا ، آفريدگار آسمان ها و زمين است .

الذي خلق السموت و الأرض

19 - تنها خداوند خالقِ مدبر ، پروردگار انسان ها و شايسته پرستش است .

الله الذي خلق .. ثم استوى ... يدبر الأمر ... ذلكم الله ربكم فاعبدوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

7 - يونس - 10 - 4 - 5، 9

4 - خدا ، مبدأ پيدائش جهان آفرينش است .

إنه يبدؤا الخلق

برداشت فوق بر اين اساس است كه مراد از «الخلق» تمام پديده های هستی باشد.

5 - خدا ، مبدأ پيدائش انسان است .

إنه يبدؤا الخلق

مصدق مورد نظر از «الخلق» به قرينه جمله «ليجزى الذين آمنوا ..» انسان است.

9 - توانایی خدا بر پديد آوردن جهان و انسان ، نشانه توانمندی او بر ايجاد رستاخيز است .

إنه يبدؤا الخلق ثم يعيده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 6 - 5

5_ خدا، آفریننده تمامی پدیده های جهان هستی است .

و ما خلق الله فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 11

11_ خداست که پیوسته موجود زنده را از جسم مرده و مرده را از جسم زنده پدید می آورد .

و من ینخرج الحی من المیت و ینخرج المیت من الحی . . . فسیقولون الله

به کارگیری فعل مضارع در «ینخرج الحی» و «ینخرج المیت» بیانگر استمرار پیدایش مرگ و حیات است.

ص: 384

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 32 - 1

1_ رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر خداوند نسبت به کار جهان ، جلوه های روشنی از ربوبیت خدا بوده و اعتقاد به آن ، مستلزم ایمان به پروردگاری بی شریک است .

قل من یرزقکم من السماء .. فذلکم اللّٰه ربکم

تفریع جمله «ذلکم اللّٰه ربکم» با «فا»ی نتیجه، در آیه پیش (قل من یرزقکم ..) بیانگر این حقیقت است که: با وجود اعتقاد به رازقیت خدا، حاکمیت او بر قوا و حواس آدمی، خالقیت نسبت به جاندار و بی جان و تدبیر او نسبت به امور جهان؛ ایمان به ربوبیت مطلق خدا ضروری بوده و مجالی برای پندار پروردگاری غیر او باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 7 - 1

1_ خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 8

8_ خداوند ، آفریننده و خالق انسانهاست .

إن أجرى إلا علی الذی فطرنی

«فطر» (مصدر فطرنی); یعنی ، آفریدن چیزی که سابقه وجودی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 12

12_ تنها خداوند ، ایجاد کننده و آفریننده انسان است .

هو أنشأکم من الأرض

ترکیبهایی همانند «هو أنشأکم» و «أنا قمت» _ که مبتدا در معنا ، فاعل است و خبر آن فعل می باشد _ گاهی حاکی از تأکید است و

گاهی دلالت بر حصر دارد. قرینه های موجود در کلام، تعیین کننده آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 119 - 3

3_ خداوند، آفریدگار و خالق انسانهاست.

و لذلک خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 101 - 12

ص: 385

12_ خداوند پدید آورنده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

«فاطر» به معنای آفریننده و پدید آورنده است. این کلمه در آیه شریفه مناداست ; یعنی: «یا فاطر السموت».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 3 - 3

3_ خداوند ، آفریننده گیاهان و میوه جات در زمین

و من کل الثمرت جعل فیها زوجین اثنین

«ثمرات» (جمع ثمره) به معنای میوه ها و نیز درختان است (برگرفته شده از قاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 12 - 4

4_ خداوند پدید آورنده ابر های سنگین پرباران

و ینشیء السحاب الثقال

«انشاء» (مصدر ینشیء) به معنای خلق کردن و پدید آوردن است. «سحاب» (جمع سحابه) به معنای ابرهای باران زاست و «ثقال» نیز جمع ثقیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 24, 25

24_ خداوند خالق و آفریننده همه پدیده هاست .

قل الله خ_لق کل شیء

25_ خداوند آفریننده چیزهایی که اهل شرک آنها را معبود ها و خدایان خویش پنداشته اند .

أم جعلوا لله شركاء . . . قل الله خ_لق کل شیء

از مصداقهای مورد نظر برای «شیء» معبودهای اهل شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 33 - 1

1_ موجودیت انسان ها و دستاوردهایشان و نیز تدبیر امور آنان به دست خداوند است .

أفمن هو قائم علی کل نفس بما کسبت

از معانی «قائم بودن بر کسی» در اختیار داشتن شؤون آن کس، تدبیر امور او و قوام بخشیدن به وی است. حرف «باء» در «بماکسبت» به معنای «مع» می باشد و مراد از «من هو...» خداوند متعال است. بنابراین مفاد «من هو قائم...» این است که: خداوند قوام بخش انسانها و هر آنچه به دست آورده اند می باشد و او شؤون ایشان را اداره و تدبیر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - ابراهیم - 14 - 10 - 7

ص: 386

7- خداوند ، پدید آورنده آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) است .

أَفِي اللّٰهِ شَكَّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 19 - 10، 1

1- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ بِالْحَقِّ

«حق» در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

10- خداوند دارای قدرت لازم برای ایجاد پدیده ها و از بین بردن برخی و آوردن برخی دیگر به جای آنان

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ يَشَأْ يَذْهَبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- ابراهیم - 14 - 32 - 1

1- تنها خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین و نازل کننده باران از آسمان است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

معرفه بودن مسندالیه و مسند، یعنی «الله» و «الذی خلق . . .»، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 26 - 1

1- خداوند ، پدید آورنده انسان ها از گل خشکیده

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9- حجر - 15 - 27 - 1

1- خداوند ، جنیان را از آتش دارای باد های سوزان آفرید .

و الجانّ خلقنَه من قبل من نار السموم

«سموم» در لغت به معنای باد سوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 28 - 6

6- خداوند ، انسان را از گلی خشکیده ، سیاه ، بد بو و متغیر آفریده است .

و إذ قال ربّك للملئكة إني خلق بشراً من صلصَل من حمأ مسنون

«صلصال» در لغت، به معنای صدای برخاسته از شیء خشک و «حمأ» به معنای گِل سیاه و بد بو و «مسنون» به معنای متغیر است.

ص: 387

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 29 - 1,2,17

1- خداوند، اجزای انسان را متناسب و آن گونه که شایسته و سزاوار اوست، آفریده است.

إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا... فَإِذَا سَوَّيْتَهُ

«تسویه» به معنای قرار دادن شیء به گونه ای است که هر جزئی از آن، در جایگاه شایسته خود قرار گرفته باشد.

2- خداوند، پس از پدید آوردن بدن انسان با اجزای متناسب از گِل خشکیده، در او روح دمید و او را حیات بخشید.

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي

17- «عن أبي عبد الله (ع) في قوله عزّوجلّ: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي» قال: إن الله عزّوجلّ خلق خلقاً وخلق روحاً ثم أمر ملكاً فنفخ فيه...»

از امام صادق (ع) در باره سخن خداوند عزّوجلّ «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي» روایت شده است که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ بدنی و روحی را آفرید و به فرشته ای امر کرد تا روح را در آن بدن دمید...».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 33 - 7

7- خداوند، انسان را از گلی خشکیده، سیاه، بد بو و متغیر آفریده است.

لَبِشْرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمِإٍ مَسْنُونٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 85 - 1

1- خداوند آسمان ها، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ

یکی از موارد کاربرد واژه «حق» جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 86 - 1

1- خداوند ، تنها آفریننده داناست .

إن ربك هو الخلق العليم

معرفه آورده شدن مبتدا و خبر و نیز آمدن ضمیر فصل «هو» دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 1

1- آفریننده آسمان ها و زمین (جهان هستی) ، خداوند است .

خلق السموات والأرض

ص: 388

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 4 - 1

1- خداوند ، خالق و آفریننده انسان است .

خلق الإنسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 5 - 1

1- خداوند ، خالق و آفریننده انعام (گاو ، شتر و گوسفند) است .

والأنعم خلقها لكم

«نعم» در لغت تنها به شتر گفته می شود؛ زیرا که بزرگ ترین نعمتها در نزد عرب است، ولی جمع آن «أنعام» به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 8 - 1

1- خداوند خالق و آفریننده اسب ، استر و الاغ است .

والأنعم خلقها لكم . . . و الخيل و البغال و الحمير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 17 - 1

1- خداوند ، خالق و آفریننده تمام موجودات است .

خلق السموت و الأرض . . . خلق الإنسان . . . والأنعم خلقها لكم . . . و يخلق ما لاتعلمو

از اینکه پس از بیان آفریده های مختلف فرمود: آیا کسی که خلق می کند نظیر کسی است که خلق نمی کند، استفاده می شود که او خالق همه چیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7- پدید آمدن اجسام سایه دار و گردش آن سایه ها ، به دست خداوند است .

أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء يتفيؤا ظلـله عن اليمين و الشمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 51 - 10

10- از نیستی به هستی آوردن ، خود بهترین دلیل قدرت خدا بر هستی دوباره است .

من يعيدنا قل الذي فطرکم أول مره

با توجه به معنای «فطر» _ که پدید آوردن از نیستی به هستی است _ برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - كهف - 18 - 7 - 1

1- پدیده های روی زمین و مظاهر طبیعت ، آفریده های خداوند و زینت بخش زمین است .

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 12، 7

7- خداوند دارای قدرت مطلق است و بر پدیدآوردن هر آنچه تقدیر کرده توانا است .

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

12- رابطه خداوند با تمامی موجودات ، رابطه خالق و مخلوق است ؛ نه رابطه پدر و فرزند .

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سَبْحًا... يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُون

چنانچه پیدایش عیسی (ع) دلیل فرزندی او برای خداوند باشد _ آن گونه که باطل اندیشان می گویند _ تمامی موجودات را باید فرزند خدا دانست، زیرا خداوند همه موجودات _ از جمله عیسی (ع) _ را با فرمان «کن» ایجاد کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 67 - 1

1- خداوند ، آفریننده انسان و پدیدآورنده او در صحنه هستی

خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلِ وَلَمْ يَكُن شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 4 - 4، 2

2- خداوند ، آفریدگار آسمان های مرتفع و زمین است .

خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ

«علی» (جمع «علیاً») اسم تفضیل است. توصیف آسمان ها به مرتفع تر از زمین، برای بیان عظمت رتبه ها و مقام هایی است که قرآن از

آن مقام، به زمین نازل شده است.

4- توان مندی خداوند بر آفرینش زمین و آسمان های مرتفع ، نشان اقتدار او بفرستادن کتابی شایسته ، برای تذکر و اندرز انسان ها است .

تذکره.. .. مَمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 50 - 4،9،1

1 - موسی (ع) در پاسخ فرعون ، پروردگارش را آفریننده و هدایتگر همه موجودات معرفی کرد .

مَنْ رَبِّكُمْ قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى ... ثُمَّ هَدَى

2 - آفرینش ، فعل اختیاری خداوند و عطای او است .

الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ

ص: 390

از تأمل در موارد کاربرد «عطا» و «إعطا» برمی آید که کاربرد این ریشه، درجایی است که اولاً دادن چیزی از روی جبر نباشد و ثانیاً در برابر چیز دیگر نباشد.

4- خداوند به هر موجودی، خلقتی کامل و اعضا و ویژگی هایی متناسب با شأن او، عطا کرده است.

الذی أعطی کلّ شیء خلقه

«خلق»، به معنای ایجاد، یا تقدیر درست و یا هیئت و شکل است (مفردات راغب). معنای دوم و سوم رساننده نکته یاد شده است.

9- تأکید موسی (ع) در برابر فرعون، بر یگانگی خالق و ربّ جهان

من ربّکما .. ربّنا الذی أعطی کلّ شیء خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 72 - 8

8- خداوند، آفریننده و خالق انسان ها است.

الذی فطرنا

«فَطَّرَ» از ماده «فطره» به معنای ابتدا و اختراع است و «فطر الله الخلق»؛ یعنی آنها را آفرید و آغاز کرد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 17 - 3

3- توانایی بر آفریدن جهان کنونی برای بازیچه و سرگرمی خویش، تنها در قلمرو قدرت خدا است و هیچ موجودی قادر بر انجام این کار نیست.

لو أردنا أن نتخذ لهموا لاتخذنَه من لدنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که «من لدنا»، معنای «من جبه قدرتنا» را افاده کند (چنان که برخی از مفسران بزرگ بر این نظرند). و یا این که «من لدنا» ظرف مختص _ در قبال «من لدن غیرنا» باشد. براین اساس پیام آیه چنین می شود: «اگر بنا بود جهان را سرگرمی خود قرار دهیم، باز این کار تنها در توان ما است نه خدایان ادعایی مشرکان و یا دیگر قدرت ها؛ پس قدرت و ربوبیت مطلقه در انحصار خدا است». گفتنی است آمدن «لدنا» _ که برای ابتدای غایت است _ به جای «عندنا» _ که برای صرف حضور است _ مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1- تنها خداوند، آفریننده شب و روز و خورشید و ماه است .

و هو الذی خلق الیل والنهار والشمس والقمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3- خداوند، خالق جهان طبیعت (آسمان ها، زمین و انسان) است .

ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

9- خالقیت خداوند نسبت به جهان، دلیل ربوبیت انحصاری او نسبت به انسان و جهان است .

قال بل ربكم رب السموت والأرض الذي فطرهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 5 - 3

3- خدا، خالق و آفریدگار انسان ها است .

فإنّا خلقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 12 - 1

1 - خدا، خالق و آفریدگار انسان

و لقد خلقنا الإنسان

«من» در «من سلاله» ابتدائیه و «سالله» به معنای «عصاره» است. «طین» به اجزائی از خاک که با آب در آمیخته باشد (گِل) گفته می شود. «من طین» متعلق به عامل مقدر و صفت برای «سالله» است؛ یعنی: به یقین ما انسان را از عصاره ای از «گِل» آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 17 - 1

1 - خدا، آفریدگار آسمان ها

و لقد خلقنا فوقكم سبع طرائق

«طریقه» (مفرد «طرائق») به هر چیزی که روی آن، چیزی شبیه خودش قرار گرفته باشد، گفته می شود و مراد از «سبع طرائق» به قرینه «فوقکم» (بالای سر شما)، هفت آسمان است. بنابراین به آسمان های هفتگانه، بدان جهت که روی هم قرار دارند، «طرائق» گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 35 - 3

3- خداوند، هستی بخش جهان آفرینش است .

اللّه نور السموت و الأرض

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مقصود از نور، معنای کتایی و مجازی آن باشد؛ یعنی، نور وجود؛ چرا که جهان بدون هستی بخشی خداوند، در ظلمت و تاریکی عدم محض خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 11، 3، 1

1 - خداوند، [در آغاز] هر جاننداری را از آب آفرید .

والله خلق کلّ دابّه من ماء

به حیوانات و جانداران روی زمین - چه بزرگ و قابل رؤیت باشند و چه کوچک و غیر قابل دیدن - «دابّه» گویند (لسان العرب).

ص: 392

3 - خداوند ، موجودات جاندار را از انواع مایع های متناسب خود آفرید .

و الله خلق كل دابة من ماء

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که تکثیر «ماء» برای تنويع باشد. بر این اساس معنای «ماء» انواع جسم مایع است و مقصود این است که عنصر اولی و منشأ پیدایش حیات جانداران، از جسم مایع است و حیات هر جاندار از مایعی متناسب خود می باشد.

11 - بی تردید خداوند ، قادر مطلق و بر آفرینش هر چیزی توانا است .

و الله خلق كل دابة .. . إن الله على كل شيء قدير

از پیام های این سخن که «خداوند بر هر شیئی قادر است» _ به قرینه جملات پیشین که از آفرینش جانداران و هر آنچه خدا بخواهد سخن گفته است _ توانایی خداوند بر آفرینش هر چیزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 2 - 11

11 _ خداوند ، آفریننده همه پدید های جهان هستی است .

و خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 47 - 1

1 _ آفرینش شب ، همچون لباس و پوشش ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذي جعل لكم الليل لباساً

جمله «و هو الذي جعل لكم الليل لباساً» برای حصر است و از نوع حصر افرادی است؛ یعنی، تنها خدا شب را همچون پوشش برای انسان قرار داد؛ نه قدرتی دیگر. گفتنی است در این جمله، شب به لباس و پوشش تشبیه شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 59 - 1

1 _ خداوند ، آفریدگار آسمان ها و زمین و پدیده های میان آنها است .

الذي خلق السموات والأرض وما بينهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 61 - 4,5,7

4_ خداوند در آسمان ها ، ستارگانی را آفرید .

الذی جعل فی السماء بروجًا

5_ خداوند در آسمان ها خورشید آفرید .

و جعل فیها سراجًا

«سراج» به معنای چراغ است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه _ به قرینه آمدن «القمر» (ماه) _ خورشید است؛ چنان که در آیه 16 سوره نوح به خورشید سراج گفته شده است (و جعل الشمس سراجًا).

ص: 393

7_ خداوند در آسمان ها ، ماه تابان را آفرید .

جعل فی السماء .. قمرًا منیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 62 - 2

2_ آفرینش شب و روز و پدید آمدن روشنایی و تاریکی ، بر اثر جانشین شدن آن دو به جای یکدیگر ، تنها به قدرت خدا است .

و هو الذی جعل الّیل و النهار خلفه

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: 1_ معرفه بودن مبتدا و خبر (هو الذی جعل) بیانگر قصر می باشد. 2- آیه شریفه در مقام بیان قدرت خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 79 - 1

1 - پروردگار جهانیان ، خدایی است که پس از آفرینش بشر ، او را از غذاها و نوشیدنی ها بهره مند ساخته است .

الذی خلقنی ... و الذی هو یطعمنی و یسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 82 - 5

5- تنها آفریدگار هدایت گر ، و روزی دهنده ، شفابخش و حیات آفرین ، شایسته برای دل بستن انسان به غفران و بخشایش او

الذی خلقنی ... و الذی أطمع أن یغفر ... یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 45 - 1

1 - خداوند ، به وجود آورنده نسل ها

ول_ کُنَّا أنشأنا قرونًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، توانا بر آفرینش هر چه بخواهد .

وَرَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 19 - 2، 1

1 - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ بَدَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ

همزه «أَوَلَمْ يَرَوْا» استفهام توبيخی است.

ص: 394

2 - خداوند ، پدیدآورنده عالم است .

يبدئ الله الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 20 - 2

2 - پدیدآورنده موجودات ، خداوند است .

بدأ الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 61 - 2

2 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

من خلق السموات والأرض... ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 8 - 2

2 - آفریننده آسمان ها و زمین و تمامی موجودات ، خداوند است .

ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 11 - 1

1 - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

الله يبدؤا الخلق ثم يعيده

«ال» در «الخلق» عهد است و مراد از آن به قرینه «ترجعون» انسان هایند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 20 - 2

2 - خداوند ، پدید آورنده انسان ها از خاک است .

خلقکم من تراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 27 - 2

2 - خداوند ، آغازکننده آفرینش انسان و بازآفریننده او پس از مرگ است .

و هو الذی بیدؤا الخلق ثم یعیده

«ال» در «الخلق» به قرینه «تخرجون»، در آیات قبل، می تواند عهد باشد و منظور از آن انسان است.

ص: 395

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 1

1 - خداوند ، آفریننده و روزی رسان انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 54 - 16، 3، 6

3 - خداوند ، تنها آفریننده انسان ها است .

اللّٰه الذی خلقکم

معرفه بودن مبتدا و خبر اختصاص و حصر را می رساند.

6 - خداوند ، بر آفرینش هر آنچه که بخواهد ، توان دارد .

یخلق ما یشاء و هو . . . القدير

16 - علم و قدرت مطلق خداوند ، منشأ نفوذ مشیت او بر آفرینش هر چیزی است .

یخلق ما یشاء و هو العليم القدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 3

3 - همه عالم آفریده خداوند است و هیچ کس ، جز او در آن نقش نداشته است .

هـ_ذا خلق اللّٰه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جمله «هـ_ذا خلق اللّٰه» اشاره به خلق آسمان ها و زمین و کوه ها و جنبدگان و آب و گیاهان _ که در آیه قبل ، از آنها سخن رفته است و مجموعه آنها، عالم را تشکیل می دهند _ دارد. بنابراین، مراد از آن، آفرینش همه عالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 25 - 1، 5، 6

1 - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله

5- عقیده به یک تایی خدا در خالقیت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او است .

و لئن سألتهم من خلق .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

6- تنها ، آفریدگار یک تا ، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است .

و لئن سألتهم .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

«ال» در «الحمد» برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 26 - 12، 9

9- هیچ کس در خالقیت و مالکیت ، و در نتیجه ، مدیریت خداوند بر عالم ، شریک او نیست . *

ص: 396

من خلق السموت و الأرض .. لله ما فى السموت و الأرض إنّ الله هو الغنى

بیان اعتراف مشرکان به توحید در خالقیت خداوند و سپس تبیین مالکیت انحصاری او بر پدیده های عالم و اعلام بی نیازی مطلق او، می تواند بیان کننده این باشد که در تدبیر عالم نیز شریکی ندارد.

12 - خالقیت خداوند و مالکیت انحصاری او بر عالم ، نشانه بی نیازی او است .

من خلق السموت .. ليقولنّ الله ... لله ما فى السموت و الأرض إنّ الله هو الغن

خلق شدن آسمان ها و زمین از سوی خداوند و نیز مملوک خدا بودن شان، عین احتیاج آنها به خدا است. بنابراین، ذکر دو نکته یاد شده، قبل از «الله هو الغنى» به منزله تمهیدی برای بیان غنای مطلق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 27 - 4

4 - مقدّرات الهی ، در خلق و ایجاد پدیده ها ، پایان ناپذیرند .

ولو أنّما فى الأرض من شجرة أقلّ م .. ما نفدت كلمت الله

احتمال دارد مراد از «کلمات الله» آن دسته از مقدّراتی باشد که هنوز به شرف تکوین نرسیده و در مرحله تقدیر است. پایان ناپذیری، و غیرمتناهی بودن، می تواند قرینه باشد که مراد از «کلمات» مقدّرات و اوامر تقدیری اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 28 - 2,3

2 - برای خدا ، آفریدن افراد زیاد ، با آفریدن یک تن ، تفاوتی ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده

«إلاّ کنفس واحده» می تواند قرینه باشد بر این که مراد از خلق و بعث در «ما خلقکم و لابعثکم» خلق و بعث جمعی است و در این صورت آیه، نکته یاد شده را می رساند.

3 - فاصله افتادن میان خلقت نخستین انسان و زنده کردن مجدد او پس از مرگ ، تأثیری در آن خلقت ندارد .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده

چنان چه مفسران گفته اند، مشرکان با تعجب سؤال می کردند که «چگونه امکان دارد که انسانی پس از سال ها مردن، مجدداً زنده شود؟». آیه در صدد پاسخ به آن پرسش است و تشریح می کند که خلقت نخستین و دوباره، همانند آفریدن یک تن است و فاصله ایجاد شده،

تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 30 - 4

4 - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. لله ما فی ... إنَّ الله عز

مشارالیه «ذلک» می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 4 - 1

ص: 397

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین و موجودات میان آن دو است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 6 - 2

2 - خداوند خالق عالم و مدبر امور آن ، آگاه به غیب و شهود است .

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ... يَدَّبُّ الْأَمْرَ ... ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهِدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 7 - 4، 7، 1

1 - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

اللّٰهُ ... الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

4 - کاستی ها و زشتی های پدیده های زشت و ناقص ، ربطی به آفرینش خداوند ندارد .

أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

7 - خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - سجده - 32 - 9 - 1

1 - آفرینش انسان از سوی خداوند ، تدریجی است .

بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ... ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ ... ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 1 - 4، 11

4 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

11 - خداوند ، توانا بر آفرینش پدیده های دیگری طبق مشیت خویش

یزید فی الخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 3 - 4،5،9

4 - تنها خداوند ، خالق جهان و روزی دهنده انسان ها است .

هل من خـلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

5 - خالقیت و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خـلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

ص: 398

از این که در آیه شریفه، خالق که روزی دهنده نباشد، نفی شده است؛ به دست می آید که میان دو صفت «خالقیت» و «رازقیت» ارتباط ناگسستگی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد؛ ولی رازق نباشد.

9 - خالقیت، رازقیت و الوهیت، از اوصاف و ویژگی های خداوند

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 11 - 14، 6، 1

1 - خدا، خالق و آفریننده انسان ها

و الله خلقکم

6 - خداوند، انسان ها را زوج زوج (زن و مرد) آفرید.

ثم جعلکم أزواجًا

14 - آفرینش انسان در قالب مرد و زن و آگاهی از بارداری و زایمان زنان و مقدار عمر آدمی، کاری آسان برای خداوند

و الله خلقکم من تراب ثم من نطفه .. و ما یعمّر من معمر و لا ینقص من عمره إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 16 - 1

1 - توانایی خداوند بر نابودی انسان ها و آفرینش موجودات جدید به جای آنان

إن یشاء یدهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 34 - 1

1 - خداوند، باغ هایی از خرما و انگور در زمین آفریده است.

و جعلنا فیها جنّات من نخیل و أعنّب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - خداوند تمامی رویدادهای زمین، انسان و پدیده‌های ناشناخته در نزد بشر را به صورت زوج (نر و ماده) آفریده است.

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت الأرض و من أنفسهم و ممّا لایعلمون

«زوج» (مفرد «أزواج») برای دو معنا به کار می‌رود: 1_ مقابل طاق و مرادف جفت؛ 2_ به معنای نوع و صنف گفتنی است برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

3 - خداوند، پدیدآورنده انواع و اصناف گوناگون پدیده‌های شناخته شده و ناشناخته بشر است.

سبحن الذی خلق الأزواج کلها ممّا تنبت .. و ممّا لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 71 - 5

5 - آفرینش ، مخصوص خدا است و او در آفرینش جهان هیچ شریکی ندارد .

أولم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعـمّا

تأکید خداوند بر آفریدگاری خویش (انّا خلقنا) و نیز جلوه قدرت خود دانستن پدیده های جهان (ممّا عملت أیدینا أنعاماً) گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 72 - 5

5 - خداوند ، شتر ، گاو و گوسفند را برای تغذیه انسان آفرید .

و منها یا کلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 79 - 6

6 - خداوند ، بر آفرینش و پدید آوردن هر چیزی آگاه و توانا است .

و هو بکلّ خلق علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 81 - 8، 1

1 - آسمان ها و زمین ، مخلوق خدا و جلوه ای از قدرت او است .

أولیس الذی خلق السموت والأرض بقدر

8 - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا

است .

قال من يحي العظم و هي رميم . . . أوليس الذي خلق السموت و الأرض بقدر على أن ي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

15 - يس - 36 - 82 - 4, 3, 1

1 - خداوند هر چیزی را اراده کند ، با گفتن « باش » و « به هستی درآ » ، آن را پدید می آورد .

إنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون

3 - هر چیزی به صرف تعلق اراده خداوند به پدید آوردنش ، بی هیچ فاصله زمانی و صرف وقتی ، پدید می آید .

إنّما أمره إذا أراد شيئاً أن يقول له كن فيكون

4 - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

ص: 400

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

برداشت یاد شده از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف اراده کردن و خواستن خدا و بی هیچ ابزار و وسایلی، گویای این حقیقت است که آفریدن هر چیزی برای او، سهل و آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - پس - 36 - 83 - 3

3- اراده قاهر و قدرت مطلق خداوند بر پدید آوردن هر چیزی، مقتضی تسبیح و تنزیه او از جانب انسان است.

و هو الخَلْقُ الْعَلِيمُ . إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . فَسَبِّحْهُنَّ الذِّی

«فاء» در «فسبحان» فصیحه است و جمله «فسبحان الذی» جواب شرط مقدر می باشد که تقدیر آن چنین است. «إِنْ كَانَ أَمْرُهُ كَذَلِكَ فَسَبِّحْهُ»؛ یعنی، حال که خداوند چنان توان مند است که با صرف اراده خویش بدون ابزار و وسایل و بی درنگ هر چیزی را می تواند بیافریند، پس چنین خدایی سزاوار تسبیح و تنزیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 96 - 1

1 - خداوند، خالق انسان و مصنوعات و دست ساخته های او (بت و . . .)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - صفات - 37 - 125 - 5

5 - خداوند، نیکوترین آفریننده

أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - ص - 38 - 27 - 1

1 - خداوند، خالق آسمان، زمین و پدیده های میان آن دو است.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطَلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 5 - 1

1 - خدا، آفریننده آسمان ها و زمین

خلق السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 14

14 - اعتقاد به جدایی خالقیت خدا از ربوبیت او و نسبت دادن ربوبیت و تدبیر امور جهان به غیر خدا، شرک است .

ص: 401

ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولنَّ الله قل أفرءيتم ما تدعون من دون الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 46 - 5

5 - خداوند ، خالق آسمان ها و زمین است .

اللهم فاطر السموات والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 62 - 1

1 - خداوند ، آفریننده هر چیزی است .

الله خلق كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 62 - 5, 6, 3

3 - خداوند ، خالق همه چیز است .

خلق كل شيء

5 - ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذلكم الله ربكم خلق كل شيء لا اله الا هو

6 - توانایی بر آفرینش همه چیز ، نشانه یکتایی و بی همتایی خداوند است .

ذلكم الله ربكم خلق كل شيء لا اله الا هو

جمله «لا اله الا هو» به منزله نتیجه برای مطالبی است که در این آیه و آیه قبل آمده است؛ که محور آن مسأله خالقیت مطلق خداوند و ارائه جلوه های آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 64 - 1, 2, 4

1 - خداوند، کره زمین را با ثبات و آرام قرار داد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

«قرار» می تواند مصدر «قَرَّ» (مرادف سَكَنَ و ثَبَّتَ) باشد. در این صورت قرار، مقابل اضطراب و لرزیدن و از اوصاف زمین به شمار می رود. هم چنین می تواند به معنای مستقر و جایی باشد که در آن ثبات و آرامش است؛ یعنی، «جعلها مستقرًا لكم». در این صورت مقصود آن است که زمین را به گونه ای قرار دادیم که جایی برای سکونت شما انسان ها باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

2 - خداوند، زمین را به گونه ای آفریده که قابل سکونت و زندگی برای بشر باشد .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا

4 - خداوند، آسمان را در جهت منافع انسان ها برافراشته ساخت .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ .. و السَّمَاءَ بِنَاءٍ

ص: 402

«بناء»، در لغت معنایی دارد که شامل: ساختمان، خیمه، چادر و مانند این ها می شود: اطلاق «بناء» بر آسمان از باب تشبیه است؛ یعنی، «جعل لكم السماء كالبناء».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 67 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها است .

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 3,4,6,7

3 - خداوند ، بر پدید آوردن هر آنچه تقدیر کرده ، توانا است .

فإذا قضی أمراً فإتّما یقول له کن فیکون

4 - خداوند ، هر چیزی را تقدیر کند با گفتن « باش و به هستی درآ » آن را پدید می آورد .

فإذا قضی أمراً فإتّما یقول له کن فیکون

6 - آفرینش همه چیز برای خداوند ، امری سهل و آسان است .

فإذا قضی أمراً فإتّما یقول له کن فیکون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آفرینش هر چیزی به صرف تقدیر و اراده آن و بی هیچ ابزار و کمکی، بیانگر این حقیقت است که برای خداوند متعال، آفریدن هر چیزی سهل و آسان می باشد.

7 - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إنّ الساعه لأتیة لاریب فیها . .. هو الذی یحیی و یمیت فإذا قضی أمراً فإتّما یقول

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 12,3,4,5

3 - زمین و چگونگی شکل‌گیری و آفرینش آن ، از نزدیک‌ترین و آشکارترین زمینه‌های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أنتم لتكفرون بالذی خلق الأرض

از این‌که خداوند از میان همه نشانه‌ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می‌توان مطلب بالا را به دست آورد.

4 - خداوند ، آفریننده زمین در دو روز

خلق الأرض فی یومین

5 - خدا ، زمین را در دو مرحله و دوره آفرید . *

بالذی خلق الأرض فی یومین

لفظ «یوم» می‌تواند کنایه از دوره و مرحله باشد.

12 - ربوبیت و تدبیر جهان از شؤون خالقیت خدا است .

بالذی خلق .. ذلک ربّ العـلمین

ص: 403

از این که خداوند برای ربوبیت خویش به خالقیتش استناد کرده، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 10 - 1

1 - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

«رواسی» (جمع «راسیه») به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 11 - 1

1 - خداوند ، پس از آفرینش زمین به سامان دادن آسمان پرداخت .

ثم استوی إلی السماء

«إستواء» (مصدر «إستوی») آن گاه که با «إلی» متعدی شود، به معنای آهنگ کردن است. «ثم» (در «ثم استوی») می تواند برای ترتیب خارجی و یا ترتیب ذکری باشد. برداشت بالا بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 12 - 1

1 - خداوند ، جهان آفرینش را به صورت هفت آسمان بیاراست و نظام بخشید .

فقضهنّ سبع سموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 21 - 14، 15، 9

9 - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ، برای نخستین بار و بدون سابقه و پیشینه

و هو خلقکم أوّل مرّه

مراد از «أوّل مرّه» زمانی است که آدمی وجود نداشت و خداوند او را آفرید.

14 - آگاهی و شهادت اعضا و جوارح آدمی در قیامت به آفریدگاری خداوند و بازگشت همگان به سوی او

قالوا... و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله «و هو خلقکم...» ادامه گفتار اعضا و جوارح انسان باشد.

15 - خالقیت خداوند، نمایانگر قدرت او بر معاد و آفرینش دوباره آدمیان در قیامت

و هو خلقکم أول مرّه و إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 37 - 9

9 - خداوند، آفریدگار شب و روز و خورشید و ماه

و من آیته... الذی خلقهنّ

ص: 404

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 11 - 1

1 - خداند ، آفریننده آسمان ها و زمین

فاطر السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 49 - 4,5

4 - خداوند ، قادر و توانمند بر آفرینش هر آنچه بخواهد .

یخلق ما یشاء

5 - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

لله ملک السموت و الأرض یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 12 - 1

1 - خداوند ، تمامی جهان هستی را زوج و دارای جفت آفریده است .

والذی خلق الأزوج کلها

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از «أزواج»، تمامی مخلوقات الهی باشد. ذکر «أزواج» اشاره به این است که پدیده های جهان، دارای جفت می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 19 - 9

9 - فرشتگان ، آفریده و مخلوق خدا

أشهدوا خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 12، 3

3 - خداوند ، خالق و آفریدگار ذات و سرشت انسان

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي

12 - شأن هدایت گری ، شایسته آفریدگاری که سرشت انسان را پدید آورده و از خواست ها و نیاز های او آگاه است .

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

تفریع هدایت بر جنبه آفریدگاری و سرشت آفرینی خداوند، حکایت از مطلب یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - جائیه - 45 - 22 - 1

ص: 405

1 - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

«حق» به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 33 - 5

5- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله «لم يعى بخلقهنّ» راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 11 - 3

3_ زیبایی ، شگفتی و ثمربخشی ، آمیخته به هم در مظاهر طبیعت و آفریده های خدا *

زوج بهیج . تبصره و ذکری ... ماء مب_رگا ... والنخل باسقت لها طلع نضید . رزقال

خداوند در این آیات، با یادآوری هر یک از نعمت ها و مظاهر طبیعت وصفی حاکی از زیبایی و شگفتی علمی نیز برای آن آورده است و در پایان به ثمر بخشی عینی آنها _ که تغذیه خلق باشد _ اشاره کرده است؛ یعنی، رزق های آفریده خداوند یک بُعدی نیست و خداوند به وسیله آنها تنها تغذیه نمی کند؛ بلکه این روزی را با هنر و اسرار در می آمیزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - ق - 50 - 15 - 5

5_ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج . .. أفعینا بالخلق الأول بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ خداوند، خالق انسان و آگاه به وسوسه های نفسانی وی

و لقد خلقنا الإنسان و نعلم ما توسوس به نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 47 - 3

3 - خداوند، آفریدگاری بی نیاز و توانا

و السماء بنینها.. و إنا لموسعون

«موسع» (مفرد «موسعون») به معنای غنیِ قدرتمند است؛ یعنی، «إنا لذو واسعہ فی القدرہ و الغنی».

ص: 406

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ذاریات - 51 - 49 - 1

1 - خداوند ، اشیا را جفت (نر و ماده) آفریده است .

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - طور - 52 - 36 - 1

1 - آفرینش آسمان ها و زمین ، مخصوص خداوند و غیر او فاقد کمترین تأثیر در آن

أم خلقوا السموت والأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - نجم - 53 - 46 - 1

1 - پیدایش زن و مرد ، از نطفه به اراده خدای یگانه

و أنه خلق .. الذکر والأُنثی . من نطفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 50 - 3,4

3 - خلقت اشیا و تحقق بخشیدن به آن ، امری سهل برای خداوند

إنا کلّ شیء خلقناه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

برداشت یاد شده بر این احتمال است که عبارت « کلمح بالبصر » اشاره به سهولت داشته باشد.

4 - تحقق آفرینش اشیا و تقدیر و تنظیم آنها ، با صدور یک فرمان از جانب خداوند و بی نیاز از بازنگری *

إنا کلّ شیء خلقناه بقدر . و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

عبارت « و ما أمرنا » می تواند نظر به آیه قبل داشته باشد؛ یعنی، خلقت و اندازه گیری در دو مرحله صورت نمی گیرد؛ بلکه با یک فرمان هم آفرینش است و هم تقدیر و در این آفرینش و تقدیر تجدید نظر صورت نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 3 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها

خلق الإنسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 10 - 4

4 - آفرینش زمین و نظام هستی از سوی خدا ، هدفمند است .

و السماء رفعها و .. و الأرض وضعها للأنام

ص: 407

خداوند متعال در این آیه، نمایانده است که اصولاً سامان یافتن زمین و شکل گیری آن از آغاز، بدان هدف صورت گرفته که زیستگاه آدمیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - رحمن - 55 - 14 - 1

1 - انسان ، آفریده شده به اراده خداوند از گلی خشک همچون سفال

خلق الإنسان من صلصال كالفخار

«صلصال» به گل خشک و «فخار» به سفال گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 57 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان ها

نحن خلقنكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 59 - 2

2 - نقش منحصر به فرد خداوند ، در ایجاد و آفرینش انسان از منی در رحم

أفرءیتم ما تمنون .. أم نحن الخلقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - واقعه - 56 - 72 - 2

2 - تنها خداوند ، قادر بر آفرینش درخت آتش زنه

أم نحن المنشون

مسند محلی به «ال» «المنشون» مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - خداوند ، خالق و آفریدگار آسمان ها و زمین است .

هو الذی خلق السموت و الأرض

3 - خداوند ، آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید

خلق السموت و الأرض فی ستة ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 2 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده انسان ها

ص: 408

هو الذی خلقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 3 - 5,7,1

1 - خداوند ، آفریننده آسمان ها و زمین است .

خلق السموت و الأرض

5 - انسان ها ، از نظر ظاهر و باطن و صورت و سیرت ، زیبا و نیکو آفریده شده اند .

فأحسن صورکم

«صورت» عبارت است از هیئت هر شیئی که با آن، از دیگر اشیا جدا و ممتاز می گردد و شامل شکل ظاهری و هویت باطنی آن می شود (اقتباس از مفردات راغب).

7 - آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحق و صورکم فأحسن صورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تغابن - 64 - 7 - 8

8 - آفریدن جهان و آگاهی از پدیده های آن و اسرار نهفته در دل آدمیان ، نشانه آسان بودن آفرینش مجدد انسان ها از جانب خداوند

خلق السموت ... و الله علیم بذات الصدور ... و ربی لتبعثنّ ... و ذلک علی الله

مطلب یاد شده، از ذکر آفرینش جهان به قدرت خداوند و آگاهی همه جانبه او در آغاز و سپس یاد کردن آسانی برپایی قیامت برای او، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 12 - 1

1 - خداوند ، خالق و آفریننده آسمان ها و زمین است .

الله الذی خلق سبع سموت و من الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 3 - 1

1 - خداوند ، خالق آسمان ها است .

الذی خلق سبع سموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 14 - 2,3

2 - خداوند ، خالق و آفریدگار انسان و جهان است .

ألا یعلم من خلق

ص: 409

3 - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر انسان ها است

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

عبارت «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ» در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان ها است؛ یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهران آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 15 - 2

1 - خداوند ، زمین را برای انسان رام و قابل بهره برداری قرار داد .

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا

2 - خداوند ، زمین را به گونه ای آفرید که در جهت مصالح و منافع انسان ها باشد .

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 23 - 1

1 - انسان ، پدیده ای است ساخته خداوند رحمان .

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - ملک - 67 - 24 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان و تکثیر کننده نسل او است .

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

«ذراً» به معنای خلق است؛ ولی به گفته برخی از مفسران و اهل لغت، این واژه در آیه شریفه و آیات مشابه آن، به معنای تکثیر نسل بشر است (برگرفته از لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - معارج - 70 - 39 - 2

2 - خداوند ، خالق انسان ها است .

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 14 - 3، 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

وقد خلقكم

3 - آفرینش بشر از سوی خداوند ، در قالب اشکال مختلف و با حالات گوناگون

ص: 410

وقد خلقكم أطوارًا

کاربرد واژه «أطوار» در این آیه، ممکن است مانند کاربرد آن در جمله «الناس أطوار» باشد؛ یعنی، اصناف و حالات گوناگون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 16 - 1

1 - خداوند، ماه را نورانی و خورشید را همچون چراغ فروزنده آفرید.

و جعل القمر فيهنّ نورًا و جعل الشمس سراجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - نوح - 71 - 17 - 1

1 - خداوند، انسان را همچون نباتات از زمین آفریده است.

و الله أنبتكم من الأرض نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مدثر - 74 - 11 - 4

4 - تنها خداوند، خالق بشر است.

و من خلقت وحيدًا

در این برداشت، کلمه «وحيدًا» حال برای «تا» در «خلقت» گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 2 - 9

9 - خداوند، انسان را شنوا و بینا آفرید.

فجعلنّه سمیعًا بصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - انسان - 76 - 28 - 4، 1

1 - خداوند، خالق و آفریدگار انسان ها است .

نحن خلقنهم

4 - توانایی خداوند بر آفرینش انسان، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم .. و إذا شئنا بدلنا أمثلهم تبديلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن دیگران استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 20 - 1

ص: 411

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

ألم نخلقكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - مرسلات - 77 - 27 - 1

1 - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی ش_مخ_ت

«رواسی» به معنای کوه های استوار و پابرجا و «شامخات» به معنای «مرتفعات» (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 7 - 2

2 - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل .. . و الجبال أوتادًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 8 - 1

1 - خداوند ، آفریدگار تمامی انسان ها است .

و خلقن_کم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 10 - 2

2 - خداوند ، شب و تاریکی آن را پدید آورده است .

و جعلنا الّیل لباسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 15 - 2

2 - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و رویدنی های زمین و تأمین کننده غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حبّاء و نباتاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نبأ - 78 - 16 - 2

2 - خداوند ، بهوجودآورنده بستان ها و آفریننده درختان و منظره های سرسبز و خرّم

لنخرج ... جنّات ألفافاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 412

1 - خداوند ، پس از آفرینش آسمان و ایجاد شب و روز ، زمین را گسترده ساخت .

و الأرض بعد ذلك دحيها

«دحو» به معنای بسط دادن و گستراندن است. «بعد ذلک» دلالت دارد که این مرحله از تغییرات زمین، پس از تعدیل آسمان و آفرینش تاریکی و روشنی بوده است. مراد از بسط زمین _ به قرینه آیات بعد _ آماده سازی و سامان دادن آن برای زندگانی جانداران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 18 - 4

4 - خداوند ، خالق همه انسان ها است .

قتل الإنسـن . . من أی شیء خلقه

فاعل «خلقه» خداوند است که سیاق آیه شریفه، از تصریح به آن بی نیاز ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 19 - 7، 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

خلقه

7 - خداوند ، در پی آفرینش انسان از نطفه ، او را توانمند و مهیا برای رسیدن به مصلحت های خویش قرار داد .

من نطفه خلقه فقدره

برخی از اهل لغت، ضمن بر شمردن معانی متعددی برای «تقدیر»، دقت و تفکر در متعادل ساختن امور و مهیا ساختن آنها را، از جمله معانی آن قرار داده اند (لسان العرب). «فاء» در «فقدره» گویای این است که مهیا شدن انسان برای مصالح خویش، از آثار و پیامدهای سیستم خلقت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 29 - 1

1 - خداوند ، آفریننده زیتون و درخت خرما و رویاننده آن از زمین است .

فَأَنْبِتْنَا فِيهَا .. زَيْتُونًا وَنَخْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 30 - 1

1 - درختان تنومند و ستبر بوستان ها ، آفریده های خداوند و از منابع تغذیه انسان ها

و حدائق غلبًا

«غُلْب» جمع «غَلْبَاء» است. به کسی که دارای گردنی کلفت باشد «اغلب» و «غلباء» گفته می شود (لسان العرب). در آیه شریفه، گرچه بوستان ها به ضخامت و ستبری توصیف شده اند؛ ولی این وصف _ به قرینه «أَنْبِتْنَا» در آیات پیشین _ ناظر به قطور بودن درختان آن بوستان ها است.

ص: 413

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 32 - 1

1 - آب ، زمین ، دانه ها ، انگور ، سبزیجات ، زیتون ، نخل ، بوستان ، میوه و چراگاه ، آفریده های خداوند و در خدمت منافع انسان و دام های آنان است .

مت_عَا لکم و لَأَنع_مکم

«متاعاً» اسم مصدر و جایگزین مصدر حقیقی «تمتیعاً» (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هایی است که در آیات پیشین ذکر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 7 - 3, 2, 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

الذی خلقک

2 - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوئیک

عبارت «سوآک»؛ یعنی، تو را «سوئ» قرار داد. «سوئ» به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط به دور باشد. (مفردات راغب)

3 - خداوند ، قامت انسان را استوار ساخت و اعضای او را هماهنگ و متوازن قرار داد .

فعدلک

فعل «عَدَلَ»، در موردی به کار می رود که چیزی را به پا دارند تا به اعتدال درآید و استقامت یابد (مقایس اللغه). این فعل در مورد برقرار کردن توازن و تعادل نیز به کار می رود. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بروج - 85 - 2 - 5

5 - قدرت خداوند بر آفرینش آسمان و برج های آن ، نشانه صداقت او در وعده آمدن قیامت است . *

و السماء ذات البروج . و اليوم الموعود

یاد کردن قیامت _ پس از ذکر آسمان و برج های آن _ ممکن است به این لحاظ باشد که توجه به آسمان، باور به قیامت را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - اعلی - 87 - 2 - 1,2

1 - خداوند آفریننده تمامی موجودات

الذی خلق

بیان نکردن مفعولی خاص برای «خلق»، بیانگر تعمیم است و به آفرینش تمام مخلوقات نظر دارد.

2 - خداوند، آفریده های خویش را کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات، قرار داده است .

ص: 414

تسویه و تعدیل، به یک معنا است (مصباح) و اعتدال هر چیز، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - غاشیه - 88 - 17 - 3

3 - شتر ، مخلوق خداوند و آفریده ای هدف دار است .

أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت

در آیه شریفه، گرچه سخن از آفریننده شتر به میان نیامده است؛ ولی سیاق آیات _ که در مقام برشمردن نعمت های خداوند، توجه دادن انسان به قدرت مندی او و ضرورت معاد می باشد _ بیانگر این است که خداوند، آن را خلق کرده و آفریدن آن لغو نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

لقد خلقنا الإنسان في كبد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - شمس - 91 - 7 - 5

5 - خداوند ، جان انسان ها را متعادل و به دور از افراط و تفریط آفریده است .

سویها

«سواه»؛ یعنی، آن را «سوی» قرار داد (قاموس). «سوی» درباره چیزی گفته می شود که از افراط و تفریط، در مقدار و کیفیت مصون باشد. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - تین - 95 - 4 - 1

1 - خداوند ، آفریننده انسان ها است .

حرف «ال» در «الإنسان»، یا برای استغراق جنس است و یا به حقیقت و ماهیت او نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 1 - 12، 13

12 - خداوند ، خالق تمامی مخلوقات است .

الذی خلق

ذکر نشدن مفعولی خاص برای فعل «خلق»، افاده عموم می کند و در این صورت آیه بعد، ذکر خاص بعد از عام خواهد بود. در این موارد می توان گفت: «خلق» گرچه متعدی است؛ ولی به جهت نظر نداشتن به مفعولی خاص، به منزله فعل لازم دانسته شده است. و ممکن است گفته شود: مفعول مقدر آن، لفظی است که همه موجودات را شامل می شود. برخی گفته اند: به قرینه آیه بعد،

ص: 415

مفعول محذوف این فعل نیز «الإنسان» است که در این صورت، آیه شریفه تنها به آفرینش انسان نظر خواهد داشت.

13 - ربوبیت (مالکیت و تدبیر امور) ، ویژه خالق موجودات است .

رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

توصیف خداوند به «الذی خلق» _ پس از بیان ربوبیت او _ بیانگر این نکته است که خالقیت او، دلیل بر ربوبیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 2 - 1

1 - خداوند ، خالق انسان ها است .

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - فلق - 113 - 2 - 7، 1

1 - خداوند ، آفریننده موجودات

ما خلق

7 - آفریننده بودن خداوند ، دلیل توانمندی او بر دفع خطر مخلوقات خویش

من شرِّ ما خلق

توصیف موجودات خطر آفرین، به این که خداوند خالق آنها است؛ استدلال بر امکان پذیر بودن رفع خطر آنها از سوی خداوند است.

17- خالقیت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 6

6 - خالقیت و آفریدگاری ، شرط ربوبیت و خداوندگاری است .

يٰۤاَيُّهَا النَّاسُ . . . اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَنْ يَخْلُقُوْا ذَبَابًا

18- خالقیت غیر خدا

14 - « عن الفتح بن يزيد الجرجاني قال : لقيته عليه السلام (أبي الحسن الرضا (ع)) . . . قلت : جعلت فداك ، وغير الخالق الجليل خالق ؟ قال : إنّ الله تبارك و تعالی يقول : « تبارك الله أحسن الخالقين » فقد أخبر أنّ في عباده خالقين منهم عيسى بن مريم (ع) خلق من الطين كهيئة الطير بإذن الله . . . ;

فتح بن يزيد جرجانی گوید: با امام رضا(ع) ملاقات کردم . . گفتم: فدای شما گردم. آیا غیر از خداوند بزرگ نیز خالق هست؟

امام(ع) فرمود: خداوند می فرماید: «تبارک الله أحسن الخالقين» و خداوند خبر داده است که در بین بندگانش، خالق هایی هستند و از جمله این افراد، حضرت عیسی(ع) است که به اذن خداوند، صورتی مانند پرنده آفرید...».

19- خالقیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 61 - 13

13_ خالق و آفریننده ، تنها حقیقتِ شایسته پرستش

اعبدوا الله .. هو أنشأكم من الأرض

جمله «هو أنشأكم ..» استدلالی است برای توحید و لزوم یکتاپرستی که از جمله «اعبدواالله ...» به دست می آید: یعنی، چون خداوند خالق است، شایسته پرستش است و چون در آفریدن شریکی ندارد، پس نباید در پرستش نیز برای او شریکی بیندازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 10

10- تنها خداوند خالق ، شأن مورد پرستش قرار گرفتن و کمک طلبیدن را دارد .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

آیه درصدد سرزنش عمل مشرکان در اتخاذ معبودهای متعدد است و استفاده می شود که چنان کاری مذموم و قبیح می باشد.

20- خالقیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 3

3- توانمندی بر آفریدن و نیز مخلوق نبودن ، از نشانه های خدا و معبود حقیقی است .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً و هم يخلقون

از اینکه خداوند در مقام بیان رد الوهیت معبودهای مشرکان، دو صفت مهم را برشمرده است، استفاده می شود که «الله» باید خالق بوده و مخلوق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2- علم، قدرت، خالقیت و حیات، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن یخلق کمن لایخلق . . . و الله یعلم . . . و الذین یدعون من دون الله لایخلقون شیئ

آوردن عبارت «إِلَهَکُم إِلَهٌ وَاحِدٌ» پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

ص: 417

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 21 - 4

4 - آفریننده انسان ها ، تنها حقیقتی که شایسته و بایسته پرستش است .

اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم

توصیف خداوند به «خالقیت» - پس از بیان لزوم پرستش او - بیانگر علت لزوم پرستش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 54 - 12

12 - شایستگی اله بودن و معبود شدن ، تنها در خور خالق و آفریدگار انسان است .

إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل فتوبوا إلی بارئکم

«بارء» از اسما و صفتهای الهی و به معنای آفریننده است. موسی(ع) با انتخاب این اسم و صفت در جمله «توبوا إلی بارئکم» - با توجه به اینکه مخاطبانش کسانی هستند که به پرستش غیر خدا روی آورده بودند - اشاره به این دارد که: خالق آدمی سزاوار معبود شدن است؛ چرا به غیر او گرایش پیدا کردید؟ باید توبه کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - طه - 20 - 8 - 2

2 - کسی که آفریننده هستی و مدبر و مالک و دانای به همه چیز نباشد ، شایسته پرستش نیست .

اللّٰه لا إله إلاّ هو

برداشت فوق، حاصل ارتباط این آیه با آیات قبل بوده که خالقیت، فرمان رویی و مالکیت بر جهان و علم مطلق را به خداوند منحصر ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - فرقان - 25 - 3 - 6

6 - مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ . . . وَلَا يَشْعُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 3

3 - خالق و راهنمای انسان ، شایسته پرستش است ؛ نه بت های بی شعور و ساخته دست بشر .

فَأَنذَرْتُهُمْ نَارَهُمُ الَّتِي هُمْ يُكْفِرُونَ . الذی خلقنی فهو یهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 25 - 2

ص: 418

2 - خدای پدیدآورنده موجودات آسمان و زمین از کتم عدم، شایسته پرستش است، نه مخلوقات و مظاهر طبیعت.

يسجدون للشمس .. ألا يسجدوا لله الذي يخرج الخبء في السموت و الأرض

«ال» در «الخبء» برای جنس و مفید استغراق است «خَبء» به معنای مستور (مصدر به معنای مفعول) می باشد. بنابراین «يخرج الخبء»؛ یعنی، «يخرج جميع الأشياء المستوره تحت استار العدم منها إلى الوجود».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - نمل - 27 - 64 - 8

8 - پرستش، مخصوص پدیدآورنده، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده .. أله مع الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 40 - 11، 4، 7

4 - هیچ یک از معبودان جعلی مشرکان، هیچ گونه توانایی خلق و روزی رسانی و مرگ و بازآفرینی انسان ها را ندارند.

الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم من يفعل من ذلكم م

استفهام در آیه، انکاری است و آورده شدن «من» در «من شیء» برای استغراق نفی هر یک از موارد یاد شده است. اسم اشاره «ذلكم» به خلق، رزق، اماته و احیاء - مصدرهای فعل های یاد شده در آیه - اشاره دارد.

7 - خدایان ناتوان از آفرینش و روزی دهی به انسان، شایسته خدایی نیستند.

هل من شركائكم من يفعل من ذلكم من شيء

استفهام در آیه، انکاری است و آیه، در صدد بیان این نکته است که خدای یگانه، اوصاف یادشده را دارد، در حالی که خدایان شما، چنین نیستند، پس شایسته خدایی نیستند.

11 - خالقیت و رازقیت و سررشته داری مرگ و حیات، از ویژگی های الوهیت اند.

الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 2

2 - خالقیت ، از شرایط الوهیت است .

ه_ذا خلق الله

از تحدی خداوند با مشرکان، استفاده می شود که «الله» باید توان خالقیت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 22 - 4

4 - عبادت ، تنها شایسته خدای خالق است .

و ما لی لا أعبد الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 419

2 - تنها، خالق جهان هستی مستحق پرستش است .

قال أتعبدون ما تنحتون . و الله خلقكم و ما تعملون

تذکر به خالقیت خدا نسبت به انسان و مصنوعات وی، پس از محکوم کردن پرستش مصنوعات بشری، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خالقیت، شرط شایستگی برای معبودیت

أتدعون بعلاً و تذرون أحسن الخلقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - آفریدن جهان هستی (آسمان، زمین، انسان و...)، از اوصاف و نشانه های خدای حقیقی (الله)

خلق السموت و الأرض ... خلقكم من نفس وحده ... ذلکم الله

«ذلکم» اشاره به کسی است که اشیای ذکر شده را آفریده و صاحب اوصاف خلق و جعل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - عبادت و حاجت خواهی، تنها در پیشگاه کسی روا است که آفریننده شب و روز و تأمین کننده روزی و نیاز های انسان ها است .

و قال ربکم ادعونی أستجب لکم .. الله الذی جعل لکم ... النهار مبصراً

از ارتباط میان این آیه با آیه قبل - که درباره ربوبیت خداوند و عبادت او و حاجت خواهی از او بود - برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - آفرینش زمین، آسمان، انسان و روزی های او، از اوصاف معبود و رب حقیقی

اللّٰه الذی جعل لکم الأرض . . . و صوّرکم فأحسن صورکم و رزقکم من الطّیبات ذلکم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 27 - 2

2- تنها معبودی شایسته پرستش است که سامان بخش وجود انسان و آفریدگار سرشت آدمی است .

إلّا الذی فطرنی

ص: 420

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 4 - 5

5- توانایی بر خلقت جهان و تدبیر امور آن ، شرط شایستگی معبود برای پرستیده شدن

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموت

در این آیه، به ناتوانی بت ها در امر خلقت و تدبیر جهان اشاره شده است و این خود می نمایاند که توانایی بر خلقت و تدبیر، ملاکی است که براساس آن، می توان معبود واقعی را از معبود دروغین، متمایز ساخت.

21- خالقیت و الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 6

6- موجودات دست ساز و فاقد هرگونه قدرت آفرینشگری ، لیاقت الوهیت ندارند و هرگونه عقیده ای به خدایی آنان ، باطل است .

والذین يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً وهم يخلقون

22- خالقیت و معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 79 - 3

3- توانایی بر آفرینش هر چیزی ، دلیل و شاهد امکان آفرینش مجدد آن است .

قل يحييها الذي أنشأها أول مره

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در پاسخ به کسانی که احیای مجدد انسان ها را غیر ممکن می دانستند، مسأله آفرینش آغازین را مطرح کرده است. بنابراین از این پاسخ می توان قانون کلی یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 81 - 8

8 - خداوند خالق آسمان ها و زمین ، بر آفرینش مجدد انسان ها و نوسازی آدمی از ذرات پوسیده و پراکنده دنیایی او در قیامت ، توانا است .

قال من يحي العظم م وهي رميم . . . أوليس الذي خلق السموت والأرض بقـدر على أن ي

23- ذكر خالقيت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

ص: 421

15 - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست.

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب «بارء» در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار «بارئکم» در دو جمله «توبوا إلی بارئکم» و «ذلکم خیر لکم عند بارئکم» رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - هود - 11 - 51 - 9

9_ توجه به خالقیت خدا، زمینه ساز اخلاص در تبلیغ دین و چشم نداشتن به اجر و پاداش های مردمی است.

إن أجری إلا علی الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنکبوت - 29 - 63 - 13

13 - توجه به خالقیت، رازقیت و مدیریت خدا، زمینه ساز حمد او است.

ولئن سألتهم من خلق... و سخر... الله یسط الرزق... ولئن سألتهم من نزل...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انفطار - 82 - 7 - 4

4 - توجه به خالقیت مدبرانه خداوند، زمینه ساز پذیرش ربوبیت او و مانع فریب خوردن انسان از جاذبه های گناه است.

ما غرک بریک... الذی خلقک فسویک فعدلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 1 - 14

14 - توجه به خالقیت خداوند و ربوبیت او، برانگیزاننده انسان به همراه ساختن کارها با ذکر نام او است.

اقراً باسم ربك الذی خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - علق - 96 - 2 - 4

4 - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقراً باسم ربك . . . خلق الإنسـن من علق

ص: 422

24- رد خالقیت معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 56 - 10

10- خالق نبودن بت ها و معبود های مشرکان ، دلیل ناشایستگی آنها برای عبادت و تقدیس انسان ها

ما هذه التماثيل .. قال ربکم رب السموت والأرض الذی فطرهنّ

حضرت ابراهیم(ع)، برای ابطال عقیده مشرکان و بت پرستان و اثبات توحید ربوبی برای خداوند، به خالقیت او تمسک کرد. نکته یاد شده بیانگر این حقیقت است که تنها خالق جهان، شایسته تقدیس و عبادت است، نه چیز دیگر.

25- زمینه ذکر خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - فصلت - 41 - 9 - 3

3- زمین و چگونگی شکل گیری و آفرینش آن ، از نزدیک ترین و آشکارترین زمینه های توجه انسان به خالقیت خداوند

قل أنتکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

از این که خداوند از میان همه نشانه ها و دلایل، آفرینش زمین را به عنوان دلیل خالقیت و آفریدگاری خود یاد کرده است، می توان مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 13 - 2

2- توجه به آفریننده نعمت ها ، به دنبال بهره‌وری از آن ، امری طبیعی و فطری است .

لتستوا علی ظهوره ثم تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه

26- شرایط خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 91 - 3

3- الوهیت و خالقیت (خداوندگاری و آفریدگاری) ، دو امر متلازم و انفکاک ناپذیر

إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ

قید «بما خلق» بیانگر این حقیقت است که خداوندگاری، فرع بر آفریدگاری است؛ یعنی، تا یک موجودی خالق نباشد، نمی توان او را اله خواند. بنابراین اگر علاوه بر خدای متعال، خدایان دیگری نیز وجود داشت، باید هر خدایی آفرینشی جدا از آفرینش خدایان دیگری می داشت.

ص: 423

27- شک در خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

5 - انعام - 6 - 2 - 9

9_ تردید در خالقیت و ربوبیت یگانه خداوند، شگفت انگیز و سزاوار سرزنش است.

بربهم يعدلون. هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا ... ثم أنتم تمترون

حرف «ثم» در «ثم أنتم تمترون»، مفید استبعاد و توییح است، چون تراخی زمانی در اینجا معنی ندارد. گفتنی است متعلق «تمترون»، مضامین اساسی مورد بحث در آیه قبل (توحید در خالقیت و ربوبیت) است.

28- شؤون خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - شعراء - 26 - 78 - 1

1 - هدایت و راهنمایی خلق ، از شؤون ربوبیت و خالقیت خداوند

إلّا ربّ العـلمین . الذی خلقنی فهو یهدین

تفریح جمله «فهو یهدین» بر «ربّ العالمین» و «الذی خلقنی»، بیانگر برداشت یاد شده است؛ یعنی، چون او پروردگار جهانیان و نیز آفریننده من است؛ پس خود او هم مرا راهنمایی خواهد کرد.

29- عقیده به توحید در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 1

1 - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

ولئن سألتهم من خلقهم ليقولنّ الله فأنّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

30- عقیده به خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

7 - یونس - 10 - 31 - 9

9_ شرک پیشگان عرب جاهلی با وجود اینکه خدا را پدید آورنده جانداران از موجودات بی جان و موجودات بی جان را از جانداران می دانستند ، منکر ربوبیت و پروردگاری او بودند .

ص: 424

و من يخرج الحي من الميت و يخرج الميت من الحي . . . فسيقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 3 - 8

8- مشرکان صدر اسلام ، خداوند را خالق آسمان ها و زمین می دانستند .

أتى أمر الله . . . سبح نه و تعلى عما يشركون ... خلق السموت و الأرض بالحق تعلى

«تعالی عما يشركون» مربوط به «بالحق» است و نه «خلق السماوات و . . .» بنابراین، از آیه استفاده می شود که مشرکان درباره اصل خلقت عالم حرفی نداشته اند، بلکه درباره حقانیت و پوچی آن توهماتی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - عنكبوت - 29 - 61 - 6, 5, 1

1 - مشرکان ، به خالقیت خدا برای آسمان ها و زمین و مسخر کننده خورشید و ماه ، باور داشتند .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله

5 - انكار آیات خدا و ایمان به باطل ، از سوی مشرکان ، به رغم باور آنان بر خالقیت خدا و تسخیر خورشید و ماه از سوی او ، امری شگفت آور است .

و ما يجحد بائتنا إلا الكفرون . . . و قالوا لولا أنزل عليه آيات ت... و الذين ءا

6 - با وجود اعتقاد مشرکان به این که خالق عالم و رام کننده خورشید و ماه ، خدا است ، باز داشته شدنشان از حق ، قابل توجیه و منطقی نیست .

و لئن سألتهم من خلق . . . و سخر . . . ليقولن الله فأتى يؤفكون

جمله «فأتى يؤفكون» جواب شرط مقدر است و «أتى» معادل «کیف» استفهامیه و برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - يس - 36 - 81 - 7

7 - مشرکان و کافران در عصر بعثت _ علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها _ به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوليس الذي خلق السموت والأرض بقدر على أن يخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - زمر - 39 - 38 - 1

1 - اعتقاد و اعتراف مشرکان، به خالقیت یگانه خداوند و پدید آمدن جهان آفرینش (آسمان ها، زمین و . . .) تنها به قدرت او

ولئن سألتهم من خلق السموت والأرض ليقولن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 425

13 - مشرکان عصر بعثت ، معتقد به خالقیت خدا و منکر ربوبیت مطلقه وی بودند .

قل ائتکم لتکفرون بالذی خلق .. ذلک ربّ العـلمین

تعبیر «تجعلون له أنداداً» نشان می دهد که مشرکان اصل وجود خدا و خالقیت او را قبول داشته اند ولی برای او شریک در آفرینش و ربوبیت قائل بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - زخرف - 43 - 87 - 2، 1

1 - اعتقاد مشرکان مکه ، به خالقیت خداوند و توحید در آفرینش

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنّ الله فأنّی یؤفکون

از آیه شریفه استفاده می شود که شرک مشرکان، در ناحیه خالقیت خداوند نبوده است؛ بلکه آنان در ربوبیت، تدبیر، کارگشایی امور و وساطت برای تقرب به خدا، گرفتار شرک بوده اند.

2 - روی آوردن به غیر خدا ، با وجود اعتقاد به خالقیت یگانه او ، انحرافی آشکار و امری ملامت بار

و لئن سألتهم من خلقهم ليقولنّ الله فأنّی یؤفکون

«إفک» (مصدر «یؤفکون») به معنای روی گرداندن و انحراف از مسیر طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - نازعات - 79 - 27 - 5

5 - منکران معاد در عصر بعثت ، آسمان را آفریده خداوند می دانستند .

أم السماء بنیها

استدلال آیه شریفه بر امکان معاد، بدون پذیرش آفریدگاری خداوند برای آسمان، ناتمام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - بلد - 90 - 5 - 4

4 - اعتقاد به آفریننده بودن خداوند ، ناسازگار با پندار عجز برای او در برابر انسان

خلقنا الإنسـن . . . أیحسب أن لن یقدر علیه أحد

31- عقیده به خالقیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - فاطر - 35 - 40 - 4

4 - عقیده به شریک بودن غیر خدا با او در خلق و تدبیر عالم ، شرک است .

قل أراءیتم شرکاءکم الذین تدعون من دون الله أرونی ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرک

ص: 426

32- غیر خدا و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - رعد - 13 - 16 - 21

21_ غیر خدا هیچ آفرینش و آفریده ای ندارد .

أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه

33- معبودان باطل و خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 20 - 1

1- خدایان ادعایی مشرکان ، قدرت آفرینش هیچ چیزی را ندارند .

و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

«یدعون» صله «الذین» است و ضمیر صله، ضمیر مفعولی است که حذف گردیده و مرجع آن الذین است. مراد از «الذین» به قرینه آیات قبل _ که درباره خدایان ادعایی ناتوان بود _ خدایان مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - حج - 22 - 73 - 7

7- عجز و ناتوانی خدایان اهل شرک _ هر چند همگی گرد هم آیند _ از آفریدن حتی یک مگس ، دلیلی است روشن و غیر قابل انکار بر پوچی اندیشه شرک .

إنّ الذين تدعون من دون الله لن يخلقوا ذباباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 11 - 7، 5، 4

4- خداوند ، مشرکان را به ارائه مخلوقات معبودان شان ، فرا می خواند .

فأروني ماذا خلق الذين من دونه

5- معبودان مشرکان ، هیچ آفریده ای ندارند .

مَـذَا خَلَقَ اللّٰهُ فَاٰرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهِ

7- مشرکان ، از ارائه مخلوقی برای معبودان خویش ، ناتوان اند .

فَاٰرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهِ بَلِ الظُّلْمُوْنَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

امر «أرونی» برای تعجیز است و «بل» اضراب، برای انتقال از غرضی به غرض دیگری است. جمله بعد از «بل» اشعار دارد به این که آنان، نه تنها از درخواست ارائه مخلوق برای معبودی، ناتوانند بلکه آن چنان در بیراهه اند که هیچ گاه چنین کاری از آنان ساخته نیست.

ص: 427

34- منشأ خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 45 - 9

9- خداوند ، هر چیزی را بر اساس مشیت خود آفریده است .

يخلق الله ما يشاء

35- نشانه های خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 87 - 5

5- قرآن ، جلوه ای از خلاقیت و علم خداوند

إن ربك هو الخلق العليم . ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرءان العظيم

ذکر «اعطای قرآن به پیامبر(صلی الله علیه و آله)» پس از بیان دو صفت خالقیت و دانایی خداوند، می تواند بیانگر مصداقی از خلاقیت و علم خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

11 - انبیاء - 21 - 104 - 10

10- قدرت خداوند بر خلقت آغازین نظام آفرینش ، نشانگر قدرت او بر آفرینش دوباره آن است .

يوم نطوى ... إنا كنا فاعلين

تشبیه «کما» می تواند برای اصل خلقت جهان و آفرینش مجدد آن باشد؛ یعنی، همان گونه که ما توانستیم جهان را در آغاز پدید آوریم، دوباره نیز می توانیم به وجود آوریم. گفتنی است جمله تأکیدی «إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ»، بیانگر این است که اصل آفریدن دوباره جهان، مورد انکار بوده و آیه شریفه در صدد بیان امکان آفرینش مجدد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - مؤمنون - 23 - 14 - 7

7- انسان ، مظهر صنع بدیع الهی است .

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخالقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

14 - لقمان - 31 - 11 - 1

1 - آسمان ها و كوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرينندگى خداوند است .

ص: 428

هـ_ذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

16 - زمر - 39 - 62 - 2

2- همه پديده های جهان هستی ، جلوه های خالقیت و توحيد ربوبی خداوند است .

الله خـلق كل شىء

آيه شريفه به قرينه آيه 64_ که به منزله نتیجه اين آيه بوده و در آن شرک محکوم گردیده است_ درصدد بيان نشانه های خالقیت خدا و اثبات توحيد ربوبی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

18 - نجم - 53 - 45 - 3

3- زوجیت (مردی و زنی) در میان بشر ، دارای اهمیت و زمينه ساز پی بردن به خالقیت یگانه خداوند

وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى

از اين که خداوند، مسأله زوجیت را به انسان تذکر داده و وحدت خالق رادر اين زمينه یادآوری نموده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

36- نقش توحيد در خالقیت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

11 - طه - 20 - 72 - 10

10 - توحيد در خالقیت ، دليل و برهان توحيد در ربوبیت است .

لن نؤثرک . . . والذی فطرنا

37- ویژگی خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

5 - انعام - 6 - 101 - 1

1_ خداوند پديدآورنده آسمان و زمين بدون داشتن نمونه و الگویی از قبل

«بديع» یعنی خالق و مبدع. معنی بديع بودن خداوند آن است که او خالق و مخترع عالم است، بدون الگو گرفتن از نمونه ای. (لسان العرب).

38- ویژگیهای خالقیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 35 - 9

9- خداوند برای ایجاد چیزی، نیازمند به کارگیری اسباب و وسایط نیست.

إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

معنای نیازمند نبودن خداوند به اسباب و وسایط این نیست که خداوند اسباب را به کار نمی گیرد، بلکه بدان معنا است که اسباب در رتبه متأخر از اراده و فرمان او قرار دارند، بنابراین اراده او محدود به هیچ وسیله ای نیست و وسایل نیز با فرمان او و به شکلی که او بخواهد عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

15 - یس - 36 - 82 - 2

2- خداوند در آفرینش پدیده ها، از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری، بی نیاز است.

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در «إِنَّمَا أَمْرُهُ..» قصر اضافی است. این عبارت در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها از استخوان های پوسیده و پراکنده را، امری غیر ممکن می دانستند؛ چرا که بر این تصور بودند که جمع کردن استخوان های پوسیده و پراکنده و دمیدن حیات در آن، نیاز به ابزار، وسایل، کمک و هم فکری دیگران دارد و باید وقت و زمان بسیاری صرف شود و خداوند از انجام چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - غافر - 40 - 68 - 5

5- خداوند، در آفرینش پدیده ها از هرگونه ابزار و وسایل و کمک و هم فکری، بی نیاز است.

فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

قصر در «فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ..» قصر اضافی است و در مقابل عقیده منکران معاد ادا شده است؛ زیرا آنان تجدید حیات انسان ها را، امری غیر ممکن می دانستند. آنها بر این تصور بودند که جمع کردن اجزای پوسیده و پراکنده بدن بشر و دمیدن حیات به آن، امری است که نیاز به ابزار و کمک و هم فکری دیگران و صرف وقت دارد و خداوند از چنین کاری ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - شوری - 42 - 30 - 2

2 - خلقت الهی ، خلقتی نیکو و بایسته و فاقد شرور و بدی ها است .

و من ءایته خلق السموت و الأرض . . . و ما أصبکم من مصیبه فبما کسبت أیدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - قمر - 54 - 50 - 2

2 - بی نیازی خداوند به زمان ، برای خلق اشیاء

و ما أمرنا إلاّ وحده کلمح بالبصر

ص: 430

عبارت «کلمح بالبصر» (مانند چشم به هم زدن) ظاهراً اشاره به سرعت تحقق «امر» دارد؛ یعنی، به گونه ای است که میان فرمان و تحقق شیء هیچ فاصله ای نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - حشر - 59 - 24 - 3

3 - آفرینش الهی، متکی به تقدیر و سنجشی حکیمانه و مبرا از هرگونه ضعف و کاستی

هو الله الخ لِق الباری

برخی از مفسران، برآنند که در معنای «خالق» آفرینش همراه با تقدیر و حکمت نهفته است و «بارئ» می تواند در بردارنده معنای «پیراستن» باشد.

ص: 431

1- خوردن از خانه خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 3،10

3 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، در استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون هیچ اذنی، مجازاند.

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من . . . بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم

10 - استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله خود، بدون اذن خواستن، جایز است.

لیس علی الأعمی حرج . . . أن تأكلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم . . . أو بیوت أخوتکم .

2- سهم ارث خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 12 - 22

22_ تنها برادر و خواهر مادری میت، وارث یک ششم یا شریک در یک سوم میراث می باشند.

و ان كان رجل يورث كلاله او امراه و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السدس . . . فهم

امام صادق (ع) در مورد کلاله در آیه فوق فرمود: . . . انما عنی بذلک الاخوه و الاخوات من الامّ خاصه.

کافی، ج 7، ص 101، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 455، ح 120.

ص: 432

3- محدوده حجاب خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 31 - 19

19 - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

ولا یبدین زینتهنّ إلاّ .. وُأبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

ص: 433

20- خانوادگی

1- آثار عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 3

3 - عواطف خانوادگی و خویشاوندی ، از زمینه های انحراف و تمایل به دشمنان خداوند

تسرون إليهم بالموّده .. لن تنفعكم أرحامكم ولا أول_دکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 85 - 1

1_ یعقوب (ع) ، همواره به یاد فرزندش یوسف (ع) و دردمند فراق او بود .

قالوا تالله تفتؤا تذکر یوسف

«تفتؤا» از افعال ناقصه و به تقدیر «لا» ی نافیه است. بنابراین «تفتؤا تذکر یوسف» ؛ یعنی ، پیوسته یوسف(ع) را یاد می کنی.

2- اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

2 - بقره - 2 - 227 - 4

4_ طلاق ، آخرین راه حل مشکل ناسازگاری میان زن و شوهر است .

لذین یؤلون .. و ان عزموا الطلاق فان الله سمیع علیم

تأخیر ذکری امر طلاق، می تواند اشاره باشد به این که باید از طلاق، برای حل مشکل در آخرین مرحله استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 434

23_ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء . . . و لهنّ مثل الذی علیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

31 - جدایی انداختن بین زن و شوهر ، امری نکوهیده و حرام است .

ما یفرقون به بین المرء و زوجته و ما هم بضارین . . . إلا یاذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1_ لزوم پیشگیری از به هم خوردن سلامت خانواده ، در صورت ناسازگاری شوهر وظیفه ای بر عهده زنان

و این امر اخاف من بعلها . . . فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

کلمه «خافت»، بیانگر ترس از وقوع است، نه خود وقوع.

9_ لزوم پرهیز از اشاعه اختلافات همسران به بیرون از محیط خانه *

فلاجناح علیهما ان یصلحا بینهما صلحاً

از این که فعل «یصلحا» به خود زن و شوهر نسبت داده شده است و همچنین از تعبیر «بینهما» استفاده می شود که حل و فصل مسایل خانوادگی میان خود همسران، بهتر است از مطرح ساختن نزد دیگران.

3- ارزش عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

32- روابط و عواطف خانوادگی ، امری اصیل و ارزشمند و مورد توجه دین

و أصلح لی فی ذرّیتی

تعبیر «أصلح لی..») گرچه در متن آیه به صورت گزارش از دعاهای انسان کامل نقل شده است؛ اما در حقیقت دستوری است که خداوند، با بیانی ویژه انسان را به سوی آنها رهنمون ساخته است و این نشان می دهد که دعا برای والدین و فرزندان و نسل و دلسوزی برای آنها، امری اصیل و پذیرفته شده در بینش الهی است.

4- اهمیت تفاهم خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 10 - 21

ص: 435

21 - محیط خانواده، نیازمند تفاهم عقیدتی و سلامت دینی *

و لاجنّاح علیکم أن تکوهنّ .. و لاتمسکوا بعصم الکوافر

حکم «لاتمسکوا..» می تواند از آن جهت باشد که وجود همسر کافر در زندگی مؤمن، محیط خانواده را ناسالم و ناآمن می سازد.

5- اهمیت حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 6 - 16

16 - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است .

فإن أرضعن لكم فـ اتوهنّ أجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف و إن تعاسرتم فسترضع له أخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند _ پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان _ فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

6- اهمیت رفع مشکلات خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 90 - 5

5- سیاست اسلام بر تحکیم پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر .. و إبتایء ذی القربی

7- اهمیت روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

3 - نساء - 4 - 19 - 17، 14

14 _ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعیسی ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیه خیراً کثیراً

17 _ احتمال وجود خیر فراوان، در تداوم زندگی با زنانی که ناخوشایند انسان هستند .

فان کرهتموهنّ فعسى ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً کثیراً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

3 - نساء - 4 - 21 - 3

ص: 436

3_ توجه به پیوند زناشویی و اتحاد و یگانگی حاصل از آن ، مانعی برای اجحاف به همسر و بازپس گیری مهریه

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

«افضی» از مصدر «افضاء» به معنای اتصال است و در آیه می تواند کنایه از اتحاد و یگانگی زوجین باشد، نه کنایه از خصوص آمیزش؛ و گر نه می فرمود: «وقد افضیتم الیهن».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 128 - 19، 20، 10، 5

5_ جواز صرف نظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله «و احضرت الانفس الشح» حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

10_ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

19_ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تقوا فإن الله کان بما تعملون خبیراً

20_ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسكنی و لاتطلقنی و ادع لك ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له كله .

کافی، ج 6، ص 145، ح 3؛ نورالثقلین، ج 1، ص 558، ح 600.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - لقمان - 31 - 15 - 8

8 - حفظ روابط خانوادگی و خویشاوندی ، امری بس مهم و شایان توجه است .

ووصینا الإنسـن بولدیه . . . آن اشکرلی و لولدیک... این جـهداک علی آن تشرک بی ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 2 - 11

11 - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طَلَّقتِمْ النساءَ . . . ذلکم یوعظ به من کان یؤمن باللَّهِ و الیوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت _ به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران _ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

ص: 437

11 - نقش سازنده تقوای پیشگی، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ... مِنْ يَتَّقِ... يَعِظُمْ لَهُ أَجْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

12 - اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج، طلاق، حقوق همسران و...)، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ... اتَّقُوا اللَّهَ... مِنْ يَتَّقِ اللَّهُ... يَعِظُمْ لَهُ أَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

16 - سیاست اسلام در اختلاف و نزاع میان همسران، کوتاه کردن مدت آن و یا رفع کامل آن است.

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أَمْرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِئْتَرَضِعْ لَهُ أُخ

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند پس از توصیه به خوش رفتاری با زنان مطلقه و پرداختن اجرت شیردادن نوزادان به آنان - فرمان داد که در صورت بالا گرفتن اختلاف میان همسران، آنان به مشورت و هم فکری پردازند و در صورت عدم توافق، بدون فوت وقت از دایگان مدد گیرند.

8- اهمیت عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین، برای رفت و آمد نزدیک با آنان در غیر از سه وقت مقرر است.

لَيْسَتْ ذُنُوبَكُمْ... ثَلَاثُ عَوْرَتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ

جمله «طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ...» جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است؛ یعنی، چون فرزندان باید با پدر و مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

17 - اهتمام اسلام به رفت و آمد و معاشرت نزدیک و تنگاتنگ پدران و مادران با فرزندان نابالغ و ممیز خویش در محیط خانه

طوفون علیکم بعضکم علی بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - احقاف - 46 - 15 - 5

5- اسلام، احیاکننده ارزش ها و عواطف انسانی و استحکام بخش بنیاد های خانواده و جامعه بشری

و وصینا الإنسَن بولدیه إحسنًا

سفارش خداوند نسبت به ارج و مقام والدین، بیانگر این حقیقت است که اسلام دینی محدود به ابعاد عبادی و فردی نیست؛ بلکه به

ص: 438

تمامی ابعاد حیات انسان توجه دارد؛ از جمله تقویت عواطف انسانی که نهایتاً به تحکیم بنیاد خانواده و جامعه منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - ممتحنه - 60 - 3 - 5

5- ارزش های دینی ، مقدّم بر روابط خویشاوندی و عواطف خانوادگی

لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي ... لَنْ تَنْفَعَكُم اَرْحَامُكُمْ و لا اَوَّلُ دِكْمِ يَوْمِ الْقِيَامِ

9- بی تأثیری روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - عبس - 80 - 35 - 2

2- قیامت ، روز بی اثر بودن عواطف و روابط و جاذبه نداشتن پدر و مادر در چشم فرزندان

و أمّه و أبیه

10- تداوم روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 1

1- اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ

«حور»، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه «حاء» به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل «یحور» از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

11- حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4- نساء - 4 - 128 - 8، 15، 4

4_ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

وإن امراه خافت .. فلاجناح عليهما ان يصلحا

کلمه «لاجناح» حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

8_ حسن حل و فصل مسایل خانوادگی، توسط خود زن و شوهر

ص: 439

فلاجناح عليهما ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

در آیه فوق، صلح به خود خانواده واکذار شده و نه به افراد خارج آن. کلمه «بینهما»، بیانگر این مسأله است.

15 _ انتخاب صلح در مسائل و اختلافات خانوادگی، از مصادیق احسان و تقواست. *

و الصلح خير... و إن تحسنوا و تتقوا

سفارش به تقوا و احسان، پس از ارزشمند شمردن صلح و مسالمت، می رساند که صلح در مسایل همسری، نمودی از احسان و تقواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - نساء - 4 - 130 - 1

1 _ طلاق، آخرین راه برای شکستن بن بست اختلافات مسالمت ناپذیر خانوادگی

و إن يتفرقا يغن الله

پس از به نتیجه نرسیدن راه حلهای قبلی که در آیات قبل اشاره شد، طلاق به عنوان راه پایان اختلافات پیشنهاد شده است.

12- رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 2 - 65 - 11

11 - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طلقتم النساء... ذلكم يوعظ به من كان يؤمن بالله و اليوم الآخر

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت _ به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران _ می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

13- روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

12 - نور - 24 - 61 - 19

19 - نابینایان، لنگ ها و مریضان، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز با خویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه، غذا میل کنند.

ليس على الأعمى حرج... ولا على أنفسيكم أن تأكلوا من بيوتكم أو بيوت آباءكم... أ

ص: 440

14- روابط خانوادگی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 13 - 5

5 - خوش بختی های دنیایی و دل خوشی به پیوند های خانوادگی ، در قیامت کارساز نبوده و انسان را از آتش دوزخ رهایی نمی بخشد .

و یصلی سعیرًا . إته کان فی أهله مسرورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 14 - 1

1 - اهل دوزخ در دنیا ، می پنداشتند زندگی شاداب آنان دگرگون نشده و الفت های خانوادگی شان هرگز از هم نخواهد گسست .

إته ظنّ أن لن یحور

«حور»، رجوع از چیزی و به چیزی می باشد. اصل معنای آن بازگشت به کم بود است و با ضمّه «حاء» به معنای هلاکت خواهد بود (لسان العرب). فعل «یحور» از هر کدام مشتق باشد، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

15- زمینه حل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - طلاق - 65 - 1 - 7,20

7 - نقش سازنده خداترسی و تقوایشگی ، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . . . وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقوایشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می شود.

20 - بشارت و امید دادن خداوند به همسران مؤمن ، مبنی بر پایان یافتن مناقشات آنان و پدید آمدن زمینه های رجوع و بازگشت آنها به زندگی مشترک خویش در ایام عدّه

فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ . . . لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که ذیل آیه شریفه، درصدد دلداری به همسران و ایجاد امید در جان و روح آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - خداترسی و تقوایشگی مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات در روابط زناشویی و خروج از تنگنا های زندگی

إذا طَلَّقتُم النساء . . . و من يتَّق الله يجعل له مخرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - خداترسی و تقوایشگی از مردان و زنان مطلقه ، موجب رهایی آنان از مشکلات زناشویی و آسان شدن زندگی برای آنها

وَاللّٰئِي يٰسُنُّن مِّنَ الْمَحِيضِ . . . وَ مَن يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهٗ مِّنْ اَمْرِهِ سِيْرًا

16- زندگی خانوادگی زکریا (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 5 - 7

7- زکریا (ع)، به رغم ناامیدی از داشتن فرزند از همسر نازایش، سالیانی دراز به زندگی مشترک خود با وی ادامه داد.

و كانت امرأتی عاقراً

17- ساختار خانوادگی شعیب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

13 - قصص - 28 - 26 - 2

2- وجود رابطه صمیمی و فضای آزاد برای گفت و گو میان شعیب (ع) و دختران وی

قالت إحدیهما یـأبت استـئجره . . . القویّ الأمين

از این که دختر شعیب پیشنهاد خودش را بدون هیچ تکلفی با پدر در میان گذاشت و آزادانه به ستایش موسی (ع) پرداخت مطلب بالا استفاده می شود.

18- علایق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

4 - مائده - 5 - 106 - 18

18_ مال پرستی و وابستگی های خانوادگی از جمله عوامل لغزش و خیانت در شهادت

لانشتری به ثمناً و لو کان ذا قربی

19- علایق خانوادگی خوله بنت ثعلبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

18 - مجادله - 58 - 1 - 2

2- زن ظهار شده ، مایل نبود از شوهرش جدا شده و کانون خانواده اش متلاشی گردد .

قد سمع الله قول التي تجـدلک فی زوجها

ص: 442

20- علائق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

17 - فتح - 48 - 11 - 6

6 - ادعای سرگرمی به مال و خانواده، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

21- عواطف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

14 - روم - 30 - 21 - 9

9 - وجود عواطف دوستانه میان اعضای خانواده و نیز مهرورزی آنها به هم از آیات الهی است .

و جعل بینکم مودّه و رحمه

احتمال دارد عبارت «و جعل بینکم..» ادامه عبارت پیشین و ناظر به شفقت و مهر و ترحمی باشد که از ناحیه والدین به فرزندان، و بر عکس اعمال می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 5 - 15

15_ علاقه به فرزندان، خصلتی نیکو و اظهار آن امری پسندیده است .

ی_أبت . . . قال ی_بنی لا تقصص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

8 - یوسف - 12 - 8 - 2

2_ یعقوب (ع) همه فرزندان خویش را گرامی می داشت و به همه آنان محبت می کرد .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلینا منّا

افعل تفضیل (أحبّ) گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 24 - 8

8- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به آنان است .

وقل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیراً

ص: 443

22- عوامل اختلاف خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

1 - بقره - 2 - 102 - 24

24 - مردم بابل از هاروت و ماروت سحری را آموختند که بتوانند با آن بین زن و شوهرش جدایی افکنند .

فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجته

23- عوامل مؤثر در زندگی خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 5 - 10

10 - نقش مثبت و سازنده اسلام ، ایمان ، فرمانبری ، توبه و روزه داری در زندگی مشترک میان زنان و مردان

أن یبدله أزوجًا خیرًا منکنّ مسلمت . . . سـنـحـت

یادآوری اوصاف یاد شده برای زنان شایسته، در خلال نقل ماجرای نزاع میان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و همسرانش، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

24- کتمان رازهای خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

19 - تحریم - 66 - 3 - 15

15 - لزوم حفظ و نگهداری اسرار خانوادگی و زناشویی از دیگران ، حتی از برخی از اعضای خانواده

و إذ أسرّ النبیّ إلى بعض أزوجه حدیثًا . . . تبأنی العلیم الخبیر

25- ملاک روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - اسراء - 17 - 39 - 8

8- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لاتجعل مع الله إلهاً آخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه 22 و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

ص: 444

26- موقعیت خانوادگی همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - حجر - 15 - 60 - 8

8- همسر ، جزو آل و خاندان مرد است .

ءال لوط . . . إلا امرأته

27- ناپایداری روابط خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

20 - انشقاق - 84 - 15 - 5

5 - خداوند ، آگاه به وجود نشیب و فراز در مراحل حیات دنیوی و اخروی انسان و ناپایدار ماندن محفل های خانوادگی و خوش گذرانی های دنیامداران

بلی إن ربّه کان به بصیرًا

هر چند ضمیر در «ربّه» و «به»، به منکر معاد برمی گردد؛ ولی محتوای آیه شریفه، به جنبه انسان بودن آنان مربوط است.

28- نقش اصالت خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

10 - مریم - 19 - 58 - 7

7- اصالت خانوادگی و نسبی ، در سعادت و کمال فرزندان نقش مؤثری دارد .

من ذرّیه ادم . . . من ذرّیه ابرهیم و اسرائیل

مطرح شدن پیامبران الهی در طول یک سلسله و ذریه های مشخص نشان از نقش نسب و خانواده در کمال فرزندان دارد.

29- همکاری خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

9 - نحل - 16 - 72 - 8

8- نقش مهم تعاون خویشاوندی در زندگی انسان

و جعل لکم . . . حفده

برداشت فوق از آن جاست که خداوند ضمن برشمردن چند نعمت مهم، پس از موضوع همسراری و فرزند، به مسأله تعاون خویشاوندی اشاره فرموده است که از معنای لغوی «حفده» استفاده می شود.

ص: 445

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

